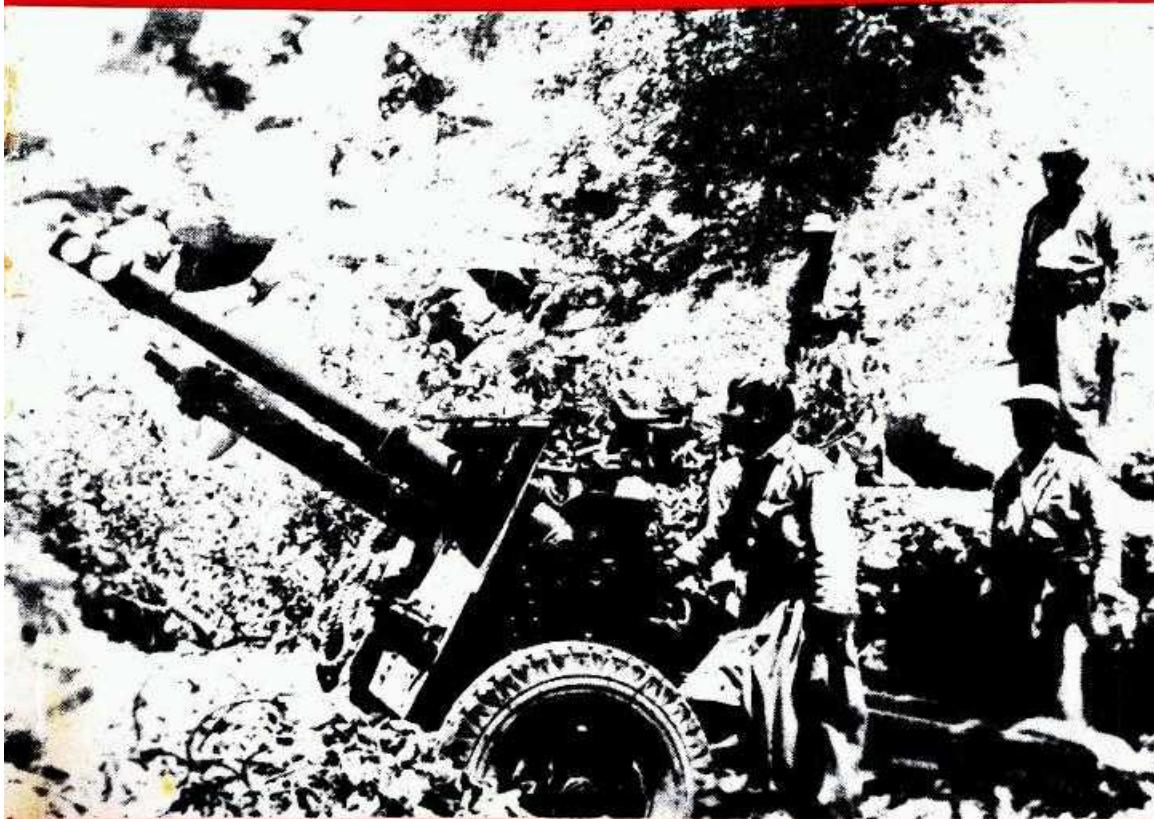


خبرنامه کردستان

۱۲۱

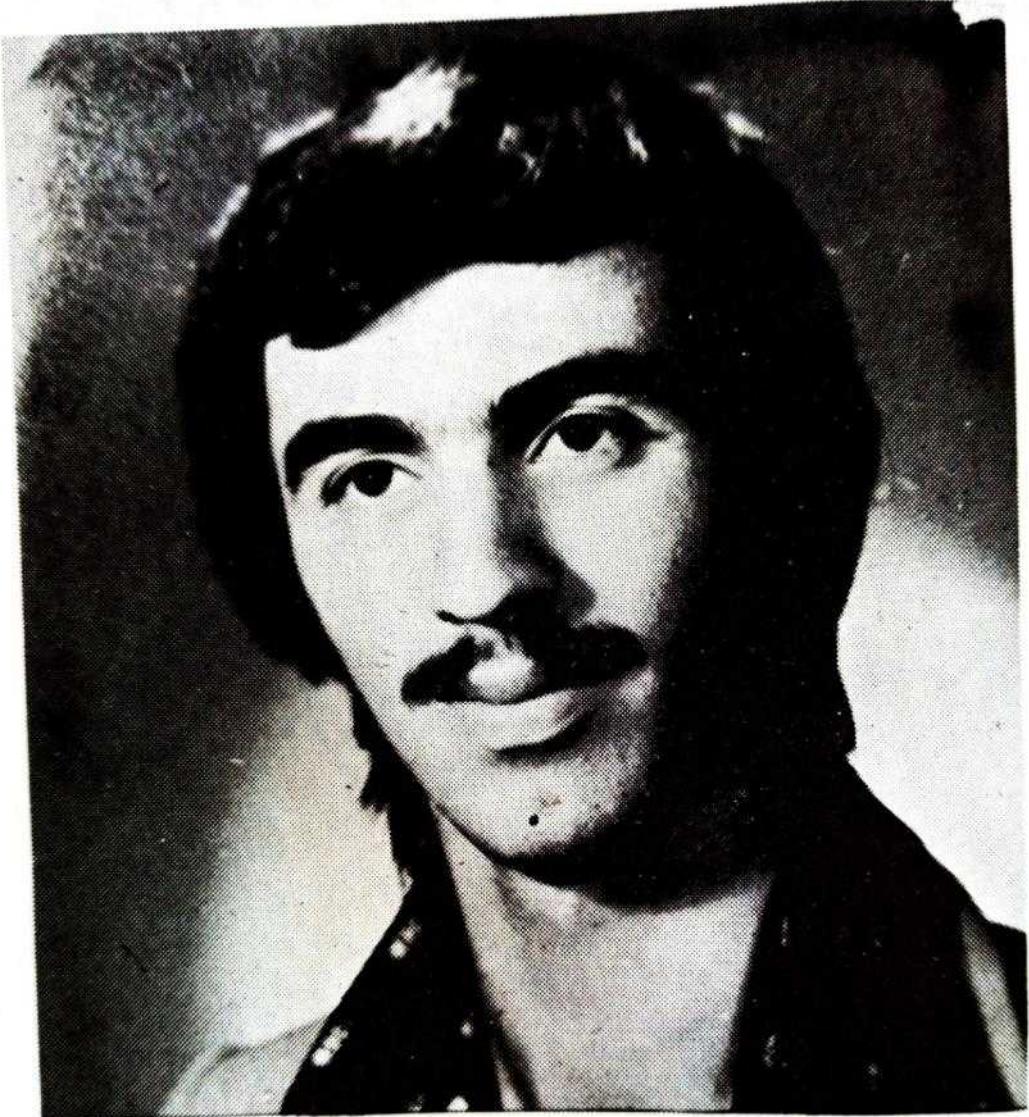
دیجیتال کننده: نینا پویات



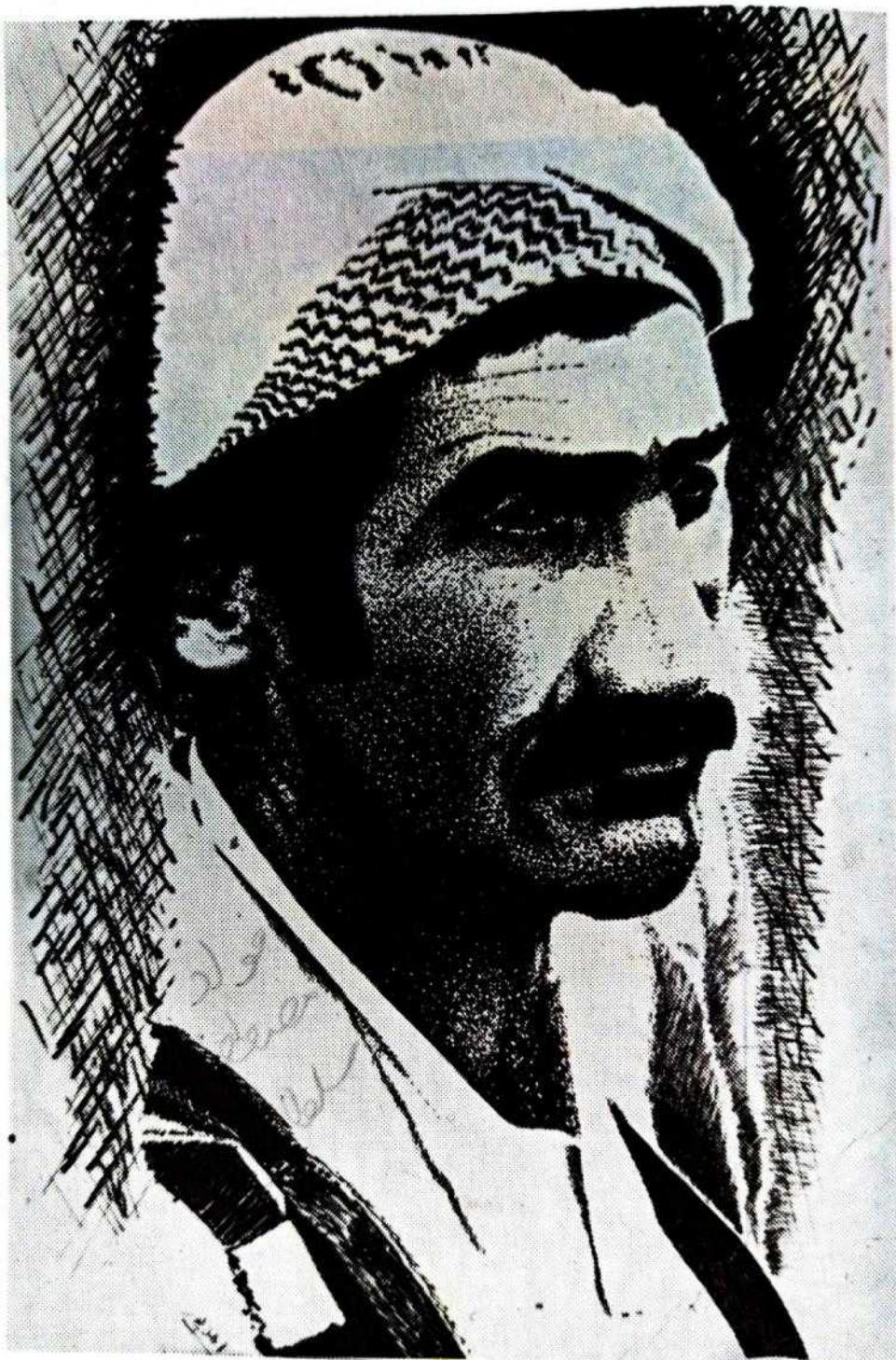
نکره از هواپاران سازمان حربکهای فدایی خلق ایران



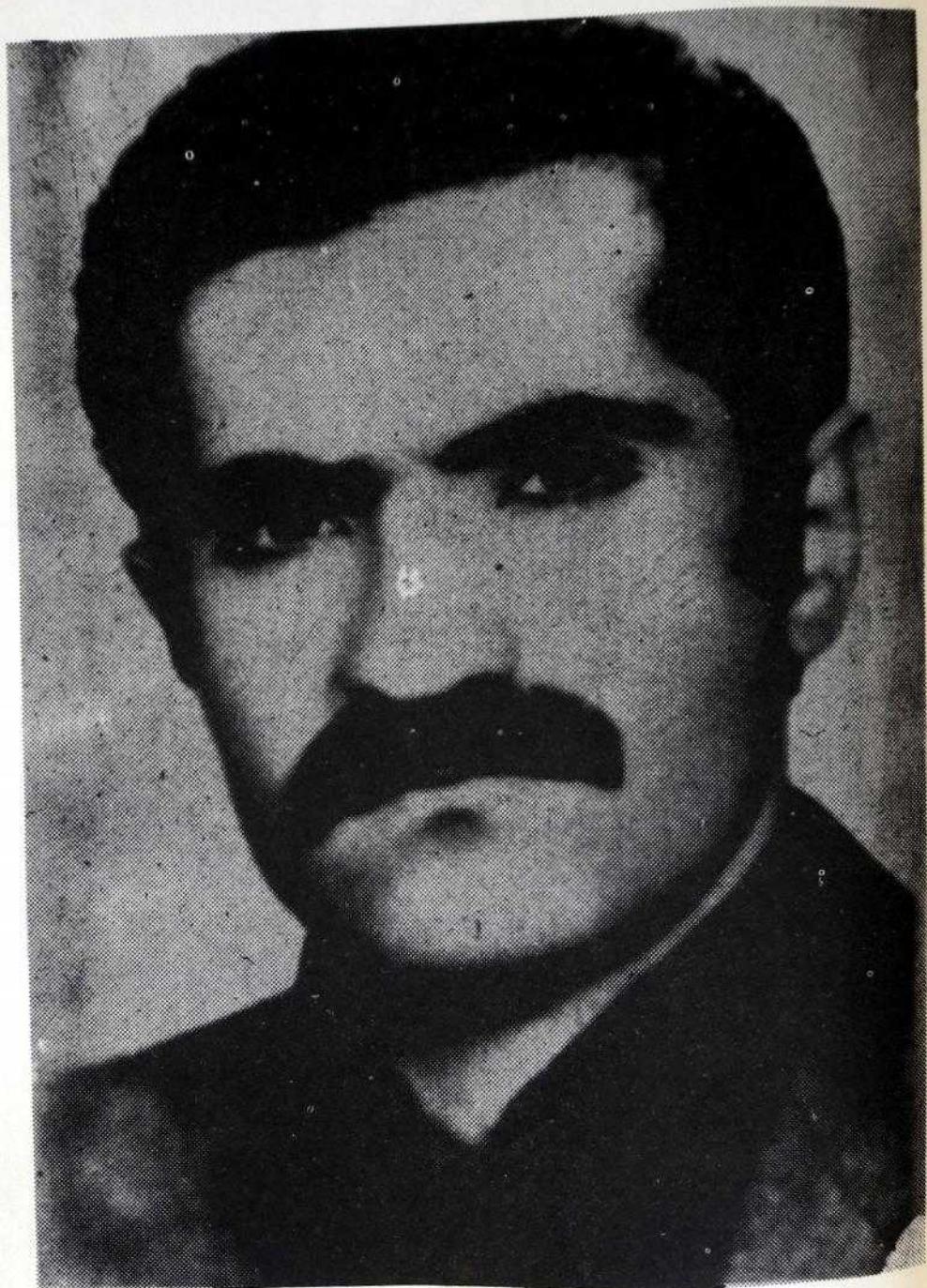
فدایی شہید احسن ناہید



فدايی شهید: شهریار ناهید



شهید: فواد مصطفی سلطانی



شهید: حسین مصطفی سلطانی

شهر قهرمان سقز پس از ۵ روز مقاومت در برابر ارتش و پاسداران سرانجام بوسیله نیروهای کمکی ارتش و پاسداران اشغال شد. و بدنبال آن موج دستگیری و وحشت سراسر شهر را فرا گرفت. ارتشیان و پاسداران به مخفی ورود به شهر سقز دستگیری مردم را آغاز کردند و تعداد دستگیر شدگان سقز ۳۵۰ نفر و کشته شدگان بیش از ۲۰۰ نفر است که بیشتر آنها زنان و کودکانی می باشند که بر اثر رکبار هلی کوپتر و خمپاره کشته شده‌اند.

بعد از کشته شدن سرهنگ دوم فراشایی فرمانده تیپ سقز بدست پاسداران، بین ارتشیان مستقر در پادگان سقز اختلاف افتاده و گروه کثیری از ارتشیان حاضر به درگیر شدن با مردم و شرکت در این جنگ برادرکشی نیستند، گروهی از ارتشیان و پاسداران همچنان بر کشтар مردم اصرار می ورزند.

ارتش مستقر در سقز دیروز (۴/۶/۵۸) تا سرا رفت ولی همانجا متوقف شده است.

گفته می شود تلفات ارتش و پاسداران در سقز بیشمار است و نزدیک به ۷۰۰ نفر تخیل می زند. دهها نفر از افسران و درجه داران که حاضر بوده‌اند بر روی مردم تیراندازی کنند دستگیر و بازداشت شده‌اند. گویا این عده به کرمانشاه منتقل شده‌اند.

روز ۴/۶/۵۸ درگیری شدیدی در گوشه کهربز روی داد سمتانک دولتی، یک آمولانس ارتشی و سه خودرو نظامی منهدم شدند، از ایشان ارتشیان ۷ نفر کشته یا زخمی شدند یک پیرزن نیز زخمی شده است. پیشمرگان کرد در این درگیری تلفاتی نداده‌اند.

به دنبال تهدید حزب دمکرات کردستان ایران درمورد اعدام پاسداران به تلافی اعدام کردها ۴ نفر از مسئولان پاسداران اعزامی بهنامهای شهریار ملک‌کندي، حمید شیري، حميد تواضع و ناصر طران می‌باشند. اين ۴ نفر اعتراف کرده بودند که برای کشتار کردها که می‌خواهند کردستان را از ایران جدا کنند! به کردستان رفته بودند!

اقليت طرفدار احمد مفتی‌زاده در سنندج هر روز با مردم اين شهر که طرفداران ملا‌احمد راجاچ (مزدور) خطاب می‌کنند و آنها را عامل لو دادن مبارزان سنندج معرفی می‌کنند درگیر می‌شوند. در روزهایی که پاسداران وارد سنندج و سقز شدند طرفداران ملا‌احمد مفتی‌زاده با نقاب جلومی افتادند و خانه‌های هواداران گروههای سیاسی و مسلمانان مبارز را که طرفدار شیخ عزالدین حسینی بودند لو می‌دادند هم‌اکنون نزدیک به ۴۰۰ نفر از روشنفکران و معلمان کرد و نزدیک به یکصد نفر از مسلمانان مبارز را دستگیر کرده‌اند. و در زندان پادگان شهر می‌باشند. در میان آن‌ها گروه زیادی از زنان و دختران دلاور و مبارز کرد وجود دارد.

شیخ عزالدین حسینی رهبر ملی و مذهبی خلق کرد در چند روز اخیر سه‌بیانیه مهم صادر کرد که در آن از مبارزات قهرمانانه مردم سقز ستایش کرده و گفته‌است که دلاوریهای آنها در تاریخ مبارزات خلق کرد ثبت‌می‌شود. شیخ عزالدین همچنین گفت: فقط با نمایندگان دولت قانونی حاضر به مذاکره است و با آخوندهایی که صلاحیت اداره مملکت را ندارند حاضر به مذاکره نیست. شیخ عزالدین در پیام خود به مردم شرافتمند سقز، علمای فتحی، کشاورزان و روستائیان مبارز نوشتند به مبارزه خود ادامه بدھید چون ما خواهان خود مختاری هستیم و با کسی سر جنگ نداریم، ولی حال که با چنین توطئه‌ای روبرو شده‌ایم از خود دفاع می‌کنیم و تا آخرین قطره خون

خود در راه رهایی خلق کرد و سایر خلق‌های ایران می‌جنگیم . مردم سفر در مدت ۵ روز جنگ قهرمانانه خود خانه‌بختانه و کوچه‌بکوچه با پاسداران و ارتشیان جنگیدند . روحیه مردم در این نبرد آنچنان قوی بود و ایمانشان تزلزل ناپذیر، که موجب شگفتی ارتشیان شده بود و دهها نفر ارتشی تسلیم مردم شدند .

٨٥ درصد از مردم سفر به هنگام ورود پاسداران به شهر به علت وفای رعباً وری که پاسداران با ورود خود به مخاطر دستگیری‌ها ایجاد کرده بودند ، شهر را ترک کرده و به کوهها و روستاهای اطراف رفته‌اند .
چمران روز ۴/۵۸ با یک فروند هلی‌کوپتر وارد میاندوآب شد و پس از مذاکراتی با آخوند‌ها و فرماندهان نظامی مستقر در میاندوآب عازم کرمانشاه شد .

علی اشرف درویشیان نویسنده مبارز که سالها در زندان شاه بود اخیراً دستگیر شده‌است . علاوه بر درویشیان دهها معلم و روشنفکر مبارز دیگر در کرمانشاه دستگیر شده‌اند . هزاران نفر از مردم کرمانشاه به اعدام ۹ معلم مبارز کرمانشاه بوسیلهٔ خلخالی اعتراض کرده‌اند . در قصر شیرین هم ۳۶ معلم مبارز را دستگیر کرده‌اند . گروه کثیری از پیروان اهل حق کرمانشاه، قصر شیرین و کرنده، در تظاهرات پرشکوهی خواهان پایان دادن به خونریزی‌های کردستان شده‌اند . اهل حق و عشایر قلخانی دولت را به عواقب اقداماتش تهدید کرده‌اند .

آخرین خبر رسیده از مهاباد حاکی است که اوضاع این شهر و شهرهای بانه و سردشت و بوکان آرام است و هنوز هیچ حادثه‌ای روی نداده است ، روحیه مردم مقاومت‌جویانه و قوی است و اعلام کرده‌اند مایل نیستند شهر را تسلیم پاسداران کنند . مردم در همهٔ شهرها اعلام کرده‌اند با ارش و دولت سرجنگ ندارند ولی تسلیم زورگویی و قلدریهای پاسداران هم نمی‌شوند . نظم و انضباط انقلابی مردم بی‌سابقه است و هزاران نفر از اعضای اتحادیه‌های دهقانی و روستائیان در نقاط حساس اطراف شهرها و گذرگاههای کوهستانی سنگربندی کرده‌اند . زنان روستایی هر روز کوله‌بارهایی از نان ،

آذوقه و لبینیات را برای مردم شهرمی آورند. در جریان جنگ سقز اهالی روستاها برای مدت ۴ روز خواروبار مردم را از طریق ستاد انقلابی شهر تاء مین می کردند.

از پاوه خبر می رسد که یکی از تیرباران شدگان پاوه دختر ۱۶ ساله ای بوده است که تا لحظه اعدام سرود (ای رقیب) سرود ملی خلق کرد را خوانده و به هنگام تیرباران شدن فریاد (یا کوردستان یا نمان) یا کردستان ردن او پشت همها به لرزه درآورده است.

فرمانده گردان زرهی ارومیه که حاضر به رفتگی به مهاباد نشده بود از طرف فرمانده لشگر ۴ استیضاح شد و تحت نظر است.

(وحدت) یک گروه مبارز کرد در اروپا طی نامه ای به مراجع حقوقی و قضایی بین المللی کارتر را به خاطر دادن نفت سفید به ایران شریک دولت ایران در کشتار مردم کردستان معرفی کرد. موج اعتراض به کشتار مردم کردستان سراسر جهان را فرا گرفته است طی هفته گذشته در شهرهای بن، پاریس، لندن، وین، استکهلم تظاهرات وسیعی بر علیه دولت ایران برپا شد و به کشتار وحشیانه مردم، هزاران نفر اعتراض کردند.

در تهران جمعیت کردهای مقیم مرکز در نامه ای به مراجع حقوقی و قضایی کشتار ملت کرد را محکوم کرد و آن را با کشتار کردها در سال ۴۶-۴۷ بوسیله اویسی جlad مقایسه کرد.

بار دیگر ۹ نفر از فرزندان مبارز کرد در بیدادگاههای خلخالی محکوم به اعدام شدند. کردستان امروز صدای زحمتکشان ایران است. فرزندان کرد بار دیگر حماسه آفرین تاریخ شده اند چرا که به حقانیت خود ایمان دارند. خون این فرزندان راستین خلق سیلابی خواهد شد که بسا زورگویان و قلدران را درهم خواهد ریخت، براستی دیکتاتورها به یک گونه عمل می کنند، و مسلمان "یک سرنوشت هم خواهند داشت خاطره شهدای دلیر و مبارز کردستان را گرامی میداریم". پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - ضد ارتقای خلقهای ایران مستحکم باد پیوند تمام خلقهای ایران

یک هفته پس از بورش نظامی - تبلیغاتی، دولت انقلابی به کردستان کشتار بی رحمانه زنان و کودکان بی پناه نهادند و نتوانسته اند به قول خودشان کردستان را پاک سازی کنند بلکه با مقاومت یکپارچه مردم همچنان ادامه دارد. در همین حال تبلیغات بلندگوهای ارتقای علیه نیروهای /مردمی و ملی کردستان و بویژه رهبران آن تا حد ناسزا و تهمت شخصی تنزل کرده و تحریک مردم ناآگاه برای بسیج علیه خلق کرد همچنان ادامه دارد. کار بجایی رسید که توپ و تشرهای اولیه و بگیر و بندها به رشوه دهی واستعمال کشید غافل از آنکه اگر گروهی محدود از خلق کرد خود فروخته باشد ولی اکثربت مردم کردستان هیچ وقت تسلیم ارتقای و امپریالیسم وايادي آنها نخواهد شد.

یکشنبه گذشته هنگامی که دو کامیون پاسدار از خیابانهای مرکزی شهر سنندج عبور می کرد با توطئه قبلی بوسیله گروهی مورد حمله قرار می گیرد و مردم نیز که تحریک شده بودند به کامیونها حمله می کنند و آنها را بدون هیچ درگیری خلع سلاح کرند. با حمله به این کامیونها گروهی از طرفداران مفتی زاده مستقیماً "به دفتر امام گزارش می دهند که پادگان سنندج محاصره و زنان و کودکان به گروگان گرفته شده اند و این امر منجر به صدور اعلامیه امام می شود. درحالیکه بعداً "علوم شد همه اسلحه هایی که در دست پاسداران بوده بعلت نداشتن سوزن از کار افتاده بودند و کلیه خبرهایی که در آن روز

پخش شد بوسیله استاندار کردستان و فرمانده لشکر تکذیب شد. از آن روز وضعیت سندج بصورت زیر است:

روزهای دوشنبه و سهشنبه و چهارشنبه موج دستگیری در شهر آغاز شد و نزدیک چهارصد نفر از هواداران گروههای متفرق و حتی کسانی که عکس سید عزالدین حسینی را در منزل داشتند دستگیر کردند.

بادستگیری این عده خانواده‌های آنها درمسجد جامع شهر متحصن شدند و خواهان آزادی بی‌قید و شرط دستگیر شدگان شدند. ولی پاسداران غیر بومی با راهنمایی کسانی که شعار درود بر کاک احمد را می‌دادند به محل تحصن حمله کردند و بعد از مجروح کردن ۲۵ نفر تحصن آنها را به هم زدند این عمل با اعتراض و انججار وسیع مردم و حتی استاندار انتصابی دولت انقلابی روپروردید بطوریکه با وجود اینکه پاسداران بشدت با هر نوع اجتماعی مخالفت می‌کردند مردم در گروههای ۲۰۰ - ۳۰۰ نفری در خیابانها جمع شده و شعارهایی علیه دولت و پاسداران می‌دادند.

روز چهارشنبه در برابر فشار مردم ۷۰ نفر از دستگیر شدگان آزاد شدند، ولی گفته می‌شد هنوز بیش از ۴۰۰ نفر درپادگان سندج در بازداشت بسر می‌برند. یک خبرموقق حاکی از دستگیری اعضای متفرق شورای شهر نیز بود خانم فریده قریشی (عضو شورای شهر) که حامله بوده نیز سقط جنین کرده است. روز چهارشنبه یک ستون از پاسداران اعزامی از زنجان و بیجار به سفر در محل دوراهی بیجار سفر موردن حمله پیش‌مرگان کرد قرار گرفته که طی آن حداقل ۱۶ نفر از پاسداران کشته شد و از مردم نیز گروهی کشته و مجروح شدند.

سفر:

از روزی که پاسداران سندج را اشغال کردند مردم سفر برای دفاع در آمادگی بسر می‌برند به همین جهت وقتی که روز سهشنبه گذشته ساعت ۳ بعد از ظهر یک گردان از ارتش عازم سفر بود و بوسیله دو هلیکوپتر اسکورت می‌شدند مردم مغازه‌ها را بسته و با دستخالی در ورودی شهر جمع شده و از

ورود ارتش و پاسداران به داخل شهر جلوگیری کردند. در این موقع یک جیب حامل ۱۰ پاسدار بهاین سوی پل آمدند که بوسیله مردم خلع سلاح شدند و بعد از آن درگیری و تیراندازی شروع شد، این درگیری تا ساعت ۷ بعدازظهر ادامه داشت و ۶ نفر از اهالی بوسیله تیراندازی از هلیکوپتر کشته و تعدادی زخمی شدند، ارتش در این روز تا ایرانشاه عقب نشست.

در روز ۵۸/۵/۳۱ (چهارشنبه) دوباره جنگ از سرگرفته شد و از ساعت ۷ بعد از ظهر تا ۴/۵ صبح ادامه یافت و در این نبرد ۱۶ نفر از مردم که اکثر آنها زن و بچه و پیرمرد بودند کشته شده و ۶ نفر از پاسداران نیزکشته و زخمی می‌شوند. ارتش و پاسداران دراین جنگ با خمپاره‌انداز استفاده کرده و ساختمان دادگستری و چند مغازه‌را با خمپاره ویران کردن و انقلابی بودن خود را نشان دادند !!! ولی ارتش مجدداً به ایرانشاه عقب نشست از آنها ۳ عدد خمپاره‌انداز و ۲ عدد تیربار با چهار نوار ۲۵۰ فشتگی و چهار خودرو جیب که سه عدد از آنها حامل خمپاره‌انداز بودند، هفتاد قیضه اسلحه ۳ و یک کامیون مملو از لباس و مقدار زیادی مهمات از آنها بجای ماند.

در روز چهارشنبه فرمانده پادگان سقز که از مدت‌ها پیش در این شهر است و دلیلی برای درگیری با مردم را نمی‌دید با پاسداران اعزامی وارد مذاکره شد و سعی کرد آنها را وادر به عدم دخالت در امور شهر نماید ولی پاسداران او را دستگیر و به جرم عدم همکاری با پاسداران اعدام کردند و بعد اعلام داشتند که فرمانده پادگان را افراد مسلح کرد کشته‌اند. بدنبال این حادثه بخشی از پرسنل پادگان سقز با مردم اعلام همبستگی کردند و اسلحه‌های خود را تحويل پیشمرگان کرد دادند.

پنجشنبه: ۵۸/۶/۱ سه هلیکوپتر برفراز سقز به پرواز درآمده و با مسلسل‌های کالیبر ۵۰ به سوی مردم تیراندازی کردند که گروه زیادی از کودکان و افراد کهن سال و بی‌دفاع کشته شدند. در همین روز ۱۵۰ پاسدار مجدداً از طرف سندج به سقز حمله کردند ولی با مقاومت مردم روپرورد شده و عقب نشینی کردند گروهی از آنها کشته و عده‌ای زخمی شدند. در همین حال عده‌ای از پاسداران به آمبولانس‌های حامل زخمی‌های کرد حمله کرده و ۵ نفر

از زخمیها را کشند.

روز جمعه نیز گلوله‌باران سقز ادامه یافت ولی مردم همچنان در سنگرهای خود مقاومت کردند چمران در تماس تلفنی با سقز پیغام داده بود که دولت از کشتار دمکرات‌ها و کمونیستها باکی ندارد و اگر لازم باشد تمام کردستان را بمباران می‌کند.

جمعه ۶/۲ قوای کمکی از بوکان و بانه و مهاباد به سقز آمد و مردم که از طرف پیشمرگان حمایت می‌شدند پادگان را از سه‌طرف محاصره کردند و تنها یک طرف پادگان که رو به سقر است در محاصره نیست. ارتش و پاسداران مستقر در پادگان شهر که با مردم اعلام همبستگی نکرده‌اند از پادگان بیرون آمده و بیمارستان شهر را محاصره کردند و خبرنگاران بی‌بی‌سی و آسوشیتدپرس هم در بیمارستان در محاصره هستند در این روزها با هلی‌کوپتر مرتب افراد ارتش و پاسدا ردر سقز پیاده می‌شوند. تعدادی از کسانی که در جریان تیراندازی هلی‌کوپترها در سقز کشته شده‌اند عبارتند از محمود‌حنایی – عطا ذکاوت علی‌بابا غبان – یکی از پسران شووان احمد بنام رئوف. زن کاکه احمد معروف به احمد کره و شخصی بنام حسن از محله صالح‌آباد، اسمی بقیه کشته‌شده‌گان در دست نیست ولی خبری که از شیروخورشید سندج گرفته‌شد حاکی است که تعداد کشته شده‌گان تاکنون ۱۹۰ نفر و مجروحان بیش از ۵۰۰ نفر است.

مهاباد:

شهر مهاباد طی چند روز گذشته در حالت فوق العاده بسر می‌برد و چهار طرف شهر تا شاعع ۵۰ کیلومتری بوسیلهٔ پیشمرگان حزب دمکرات و گروههای دیگر محافظت می‌شود. شهر بوسیلهٔ یک کمیته انقلابی اداره می‌شود. وکلیه امور شهر زیر نظر این کمیته می‌باشد، چندین گروه پاسدار کوشش کرده‌اند که از طریق میاندوآب و یا تکاب و شاهین دژ به مهاباد نفوذ کنند ولی در راه وسیلهٔ پیشمرگان شناسائی شده و آنها را خلع سلاح کرده‌اند و پس از چند ساعت با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی و فرماندار مهاباد ۳۱۱ نفر از آنها آزاد

شند. حزب دمکرات کردستان بدنبال اعدامهای ناجوانمردانه گروهی از افراد بیگناه بهاتهام واهمی ارتباط با حزب دمکرات کردستان اعلام کرد از این پس در برابر اعدام هر کرد یک پاسدار را اعدام خواهد کرد. هنوز معلوم نیست دولت در برابر این مسئله چه اقدامی بعمل خواهد آورد حزب دمکرات کردستان علاوه براین اعلامیه در دو اعلامیه دیگر در رابطه با عید فطر و شهادت فرمانده پادگان سقز بوسیله پاسداران از ارتش خواسته است دست از بودارکشی بردارند و بر روی مردم تیراندازی نکنند. در ضمن یک ستون زرهی مرکب از ۶۵ تانک در محمدیار ۴۰ کیلومتری مهاباد مستقر شده است شب بعد از بهتوب بستن روستای کوسه کهریزه واقع در ۳۵ کیلومتری مهاباد پیشمرگان مجبور به مقابله شدند و تا صبح نبرد ادامه داشت، هنوز از تعداد تلفات اطلاع دقیقی در دست نیست. ولی آخرین گزارش حاکی است که ارتش مستقر در سرراه محمدیار که ۵ کیلومتر جلو آمده بود مجدداً "عقبنشینی کرده است و به ؟؟؟؟؟؟؟؟؟ بازگشته است. از میاندوآب هم چندبار مزارع اطراف مهاباد را بهتوب و خمپاره بستهاند ولی درگیری سنگینی روی نداد.

سید عزالدین حسینی طی دو پیام به مردم مبارز ایران به تبلیغات معارضانه رادیو و تلویزیون دولتی پاسخ داد و یکبار دیگر علت شرکت نکردن خود را در رفاندم و عدم توجه دولت به خواستهای برق خلق کرد و سایر خلقهای ایران و نیز خلف و عده رهبران سیاسی را درمورد خواستهای مردم کردستان تسریع کرد. وی که بصورت مخفی زندگی می‌کند روز جمعه برای اقامه نماز جمعه در مسجد جامع شهر حضور یافت، و هزاران نفر از مردم مهاباد و روستاهای اطراف پشت سر وی نماز جمعه را اقامه کردند و یکبار دیگر بر رهبری سید عزالدین حسینی تأکید کردند. این نماز در شرایطی برگزار شد که بوق و کرناهای دولتی (رادیو و تلویزیون) هر روز چند ساعت از برنامه‌های خود را به پخش اخبار و گزارشات مخالف سید عزالدین حسینی اختصاص می‌دهد و حتی اعلام کرد وی از مهاباد خارج شده است.

سردشت و بانه:

شهرهای سردشت و بانه در عین آنکه حالت فوق العاده خود را حفظ کرده است آرام است و تا این لحظه حادثه‌ای اتفاق نیفتاده است تنها حادثه این دو شهر تسلیم بدون مقاومت پادگانهای این دو شهر می‌باشد فرماندهان این پادگانها اعلام کردند: چون در مدت خدمت خود در بانه و سردشت از طرف مردم هیچ عمل خلافی ندیده‌اند لذا بدون درگیری تسلیم می‌شوند.

پاوه و کرامانشاهان

بدنبال وقوع حوادث پاوه و کشتار بی‌رحمانه مردم این شهر شیخ صادق خلخالی معروف! به‌این منطقه اعزام شد و چوبه‌های دار را که می‌بایست برای شیخ‌الاسلام زاده‌ها و سرتیپ شفاعت‌ها و ... بر پا می‌شد در این منطقه بر پا کرد و در اولین روز ورود با اعدام ۹ نفر از دیبران و روشنفکران شهر را که همگی از یک هفته قبل از حوادث پاوه دستگیر شده بودند و بعضی از آنها هرگز شهر پاوه را ندیده بودند کار خود را شروع کرد. اعدام‌هایی از این دست ادامه‌یافت و تاکنون بیش از ۳۷ نفر اعدام شده‌اند. اعدام شدگان کسانی بوده‌اند که به هیچ حزب و دسته و جمعیتی وابسته نبوده‌اند و تنها گناهشان داشتن نسبت‌های فامیلی با گروهی از اعضای حزب دمکرات بوده است، و حتی بعضی از آنها نیز چنین نسبتی با وابستگان حزب دمکرات نیز نداشته‌اند. چنانکه دکتر ابوالقاسم رشوند یکی از پزشکان بیمارستان لقمان الدوله تهران بدون آنکه وابستگی به هیچ حزب و گروهی داشته باشد اعدام شد و سپس اعلام شد که او عضو حزب دمکرات بوده‌است. در شهرهای کرامانشاه قصر شیرین، کرند، و سقر دهها نفر از روشنفکران و مبارزان کرد دستگیر شده و در آستانه اعدام هستند.

روز جمعه ۹/۶/۵۸ بدنبال شرکت هزاران نفر از مردم سنجing در تشیع جنازه اقبال شادی‌مقدم (وی به‌علت عبور از خیابان در ساعت منع عبور و مرور به‌وسیله پاسداران کشته شد) تظاهرات وسیعی در سنجing روی داد که در آن مردم شعارهای تندي علیه دولت و پاسداران دادند، مردم

خواهان آزادی زندانیان سیاسی کرد و خروج بدون قید و شرط پاسداران بودند. در شهر سنندج حالت حکومت نظامی ! وجود دارد و خلخالی نیز به سنندج رفته است، در جریان تظاهرات پاسداران به مردم حمله کردند و گروهی زخمی شدند گفته می شود حال چند نفر از مجروحان بهشت و خیم است.

احسن و شهریار ناهید، یخچالی، خانم‌ها شهین وطندوست و گلچینی عضو شورای زنان سنندج و فریده قریشی (عضو شورای ۱۱ نفری شهر) از دستگیر شدگان می باشند اسامی بقیه در دست نیست.

تحصن خانواده زندانیان هنوز ادامه دارد و ملاحمد مفتی‌زاده هر روز علیه دستگیر شدگان سخترانی می کند معرفی و شناسایی افراد دستگیر شده وسیله عوامل همین شخص صورت گرفته است. روحیه مردم خوب است و در بسیاری موارد مقاومت جویانه می باشد.

جمعه ۵۸/۶/۲، بهمنیال نشر جعلیات و اکاذیب رادیو و تلویزیون راجع به فراری شدن سید عزالدین حسینی و دکتر قاسملو، سید عزالدین حسینی برای اقامه نماز جمعه به مسجد رفت و در ضمن سخنان خود گفتند که تا آخرین قطره خون دست از مبارزه برای آزادی و استقلال ایران و خود مختاری برای خلق کرد برخواهد داشت - همچنین عصر جمعه دکتر قاسملو دز میدان چهار چراغ در اجتماع بزرگ مردم مهاباد از طرف احزاب و سازمانهای سیاسی کردستان شرکت کرد و گفت من نه تنها فرار نکرده‌ام بلکه باتفاق سایرین دست از مبارزه برنداشته و تا آخرین قطره خون شما را تنها نخواهیم گذاشت، وی یادآور شد که از طرف دولت پیشنهاد مذاکره شده‌است که ما اجرای چهار شرط زیر را برای شروع مذاکره اعلام کرده‌ایم :

- ۱- ارتش تقویتی از کردستان خارج شود.
- ۲- کلیه پاسداران غیر بومی از کردستان بیرون رفته و به مراکز خود برگردند.

۳- آزادی کلیه زندانیان سیاسی در ایران.

۴- اعدام فرزندان خلق کرد متوقف شود.

شنبه ۵۸/۶/۲ آخرین خبر از سقز حاکی است که به دنبال ۴ روز مقاومت مردم شهر سقز و تقویت پی در پی ارتش و پاسداران یک ستون از ارتش وارد سقز شده و با تانک و توپ و مسلسل سنگین شهر را گلوله باران کرد. پمپ بنزین شهر آتش گرفت و چندین محل دیگر نیز آسیب دید. یک تانک توانسته از شهر بگذرد و به پادگان برود تا ساعت ۱۰ صبح پادگان سقز در محاصره افراد مسلح کرد بوده است. و بیش از ۲۰۰ نفر کشته و ۵۰۰ نفر زخمی شده‌اند. برخلاف تبلیغات رادیویی دولتی شهر سقز دیروز تا ساعت ۳ بعد از ظهر همچنان در تصرف مردم بود و آخرین خبر از مهاباد حاکیست که تا ساعت پنج بعد از ظهر روز شنبه ارتش تنها توانسته بود فقط پل سقز را تصرف کند ولی پادگان همچنان در محاصره نیروهای مسلح کرد قرار دارد.

ارتش برای حفاظت مرزهای یا برای سرکوبی خلقهای ایران؟
دست ارتقای و امپریالیسم از کردستان کوتاه

صدای ناله و ضجه کودکان، همراه با سرودهای انقلابی که صدها پیشمرگ مسلح کرد به هنگام جنگ با قوای دولتی سر داده بودند، صدای فانتومهای قدرتمند نیروی هوایی ایران را که خورشید آریاها یا محمدرضا آواره آنها را با خون و نفت خریده کاملًا "تحت الشاعع قرارداده بود، در بیمارستان شهر محسri بربا بود، دهها کودک از صدای فانتومها که هر روز صدها بار دیوار صوتی را می‌شکستند شوکه شده بودند. صدها نفر زخمی که غالب آنها ارتضی و پاسدار بودند روی تختهای محدود بیمارستان و در راهروها افتاده بودند. رگبار مسلسل، غریبو توبها و غرش تانکها و فانتومها از یک طرف و طنین آوازهای کردی و سرودهای انقلابی فضای سفر را برای مدت پنج روز آکنده بود. بدون اغراق هیچ خبرنگاری نظیر این جنگ را ندیده بود. مردمی یکپارچه و حتی تا ۹۸ درصد درگیر جنگ با دولتی شده بودند که تا همین شش ماه پیش رئیس آن را مجری حکم قرآن معرفی می‌کردند. دیگر از شعار "سنی و شیعه فرقی نیه رهبر حمومان خمینیه" خبری نبود. من ناگهان بیاد روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن افتادم ولی باورم نمی‌شد مگر ارتش با مردم اعلام همبستگی نکرده بود؟ زنها مرتب این سو آن سو می‌دویدند و کیسه‌های شن، بطری‌های کوکتل مولوتوف، غذا (نان، پنیر، دوغ) برای پیشمرگان می‌بردند، آنها شعار می‌دادند بازگان، بازگان دو جشن ما را به خون

کشیدی (نوروز سندج و عید فطر) و اکنون دیگر نمی‌توانی سومین عید ما را به خون بکشی (عید قربان) ، اما همه آنها روحیه خوبی داشتند و مقاومت جو بودند ، ولی مردان و حتی نوجوانان در سنگرها با تانکها می‌جنگیدند .

با مستخدم مسافرخانه‌ای در سندج صحبت کردم گفت : آقا مشکل اصلی ما کرده‌این است که گروهی جاش (مزدور) خود دشمن ما شده‌اند ولی ما بزدیوی این دارو دسته‌را که دستشان برای مردم رو شده جارو می‌کنیم . در سفر تعداد جاش‌ها بسیار اندک است بطوريکه وقتی پاسداران بهاین شهر رسیدند با شهری سوت و کور روپرو شدند و مردم اکثرا " در کوهها برای حمله بعدی سنگر گرفته بودند و بقیه گفته بودند ما فکر می‌کردیم برای مبارزه با پالیزان بدین شهر آمدیم و نمی‌دانستیم باید با مردم بجنگیم .

ارتش و پاسداران بعد از چندبار تقویت بالاخره بر شهر سقز مسلط شدند و آنگاه بگیر و ببند آغاز شد . تمام خانه‌ها بازرسی شد و دهها نفر که اکثرا " درگیر حوادث نبودند دستگیر شدند در شهر حکومت نظامی برقرار شد و روزها هم عابرین را بازرسی بدند . رئیس پاسداران بهادراد خود دستور داده بود هر کسی با اولین فرمان " ایست " متوقف نشد برای پیدا کردن مهارت در تیراندازی بلا فاصله شلیک کنید . چندبار زنان بصورت پاسدارانی ، که مردم را بازرسی می‌کردند تف کردند و با چشم خود دیدم که پاسداران جوان گریه می‌کردند و می‌گفتند مردم با ما چون ماء موران ساواک رفتار می‌کنند !

در ۶ کیلومتری سقز شهر بانه یا یکی از میدانهای بزرگ نبرد آینده کرستان سراپا مسلح است . زنان ، کودکان و خردسالان را از شهر خارج کرده‌اند و به مرز عراق و روستاهای فرستاده شده‌اند دختران جوان و نوجوانان پسر آموزش نظامی می‌بینند . دهها افسر کرد که از ارتش فرار کرده‌اند با پیش‌مرگان کرد ، نوجوانان را آموزش می‌دهند . بیمارستان شهر بانه آماده پذیرش مجروحان حوادث سفر است . شیخ عزالدین حسینی از بانه و بیمارستان شهر دیدن کرد ، ولی هنوز جوک معروف روزنامه کیهان که وی

اعلام استقلال کرده صورت عمل به خود نگرفته است، او گفت: خلق کرد هیچگاه به اندازه امروز قدرت نداشته است ولی این قدرت مانع از آن نشد که جوانان مسلح به پادگانهای شهرهای بانه و سردشت حمله نکنند. فرمانده چند واحد مسلح بهما گفت: از پادگانهای بانه و سردشت و مهاباد آنقدر اسلحه و مهمات بدست آورده‌ایم که می‌توانیم یکسال تمام با آن بجنگیم، بعد از یکسال هم تمام مردم ایران حتماً بهما ملحق می‌شوند زیرا حداقل تا آنوقت ماهیت ارجاعی و ضد مردمی رژیم برآنها هم روش خواهد شد. ما حق خود را می‌خواهیم و این حق را که همان خودمختاری است بدست خواهیم‌آورد. وی گفت مقامات دولتی و مذهبی نمی‌خواهند معنی خود – مختاری را بفهمند و بهما همچون رژیم پهلوی برچسب تجزیه‌طلبی می‌زنند تا به کشتار مردم کردستان مشروعیت بدهند.

در مهاباد که از چهار طرف در محاصره کردها است و پیش‌بینی می‌شود سنگین‌ترین جنگ کردستان در این جبهه اتفاق بیفتد بیفتند عبدالرحمان قاسملو دبیرکل حزب قدرتمند دمکرات برخلاف نوشته روزنامه‌های دولتی که هر روز او را به مسکو می‌برند همچنان در شهر است او دیگر لباس کردی می‌پوشد و مسلح است. در مهاباد همه مسلح شده‌اند حتی همین شاعر معروف کرد که همیشه شعر را بر سیاست ترجیح می‌داد. کتاب شعر را بزرگ‌میان گذاشته و اسلحه برداشته است. کردها بر سراسر مهاباد سردشت، و بانه و بوکان و روستاهای مناطق کردنشین مسلط هستند.

ارتش و پاسداران در دو هفته گذشته آن هم پس از تلفات زیاد فقط سفر و پاوه را تصرف کرده‌اند ولی هنوز شبههای در معرض حملات پیشمرگان کرد هستند. با این حال جنگ سخت کردستان در مهاباد؟؟؟ خواهد گرفت.

"قسمت اول گزارش یک خبرنگار خارجی که اخیراً از ایران اخراج شد."

* بیدادگاه خلخالی در مدتی کمتر از ۲۴ ساعت چهل نفر از فرزندان راستین خلق کرد را در برابر جوخدهای اعدام قرارداد. خلخالی در حالیکه برای تهرانی جlad دهها جلسه محاکمه ترتیب می‌دهد ۹ نفر را در ظرف سه ساعت در مریوان و ۲۲ نفر را در سقز، ۹ نفر را در سندج اعدام کرد. در میان اعدام شدگان سقز نوجوان ۱۲ ساله‌ای وجود داشت که بر اثر احابت تکهای خمپاره نظامیان زخمی شده و بدست پاسداران افتداده بود. ولی بیدادگاه خلخالی این نوجوان ۱۲ ساله‌را به اعدام محکوم کرد. خلخالی به قربانیان بیگناه خود گفته است: ما شما را می‌کشیم اگر بیگناه بودید بهبشت می‌روید و اگر کناهکار باشید به جزای اعمال خود رسیده‌اید. راستی چرا آقای خلخالی اینها را به امثال شیخ‌الاسلام زاده‌ها نمی‌گوید؟ این پرسی بچه فرزند محمد دارابی بوکانی (حمدکرده) می‌باشد.

احسن ناهید که در سندج تیرباران شد قبلًا "دستگیر شده و بعلت تیرخوردگی ران تا کمر در گچ بود. و این چنین خلخالی عدالت را اجرا می‌کند.

* خبرنگاران خارجی که در سقز بوده گزارش دادند که خلخالی دستور اعدام ۵۲ نفر را در سقز صادر کرده است و همه آنها اعدام شده‌اند ولی از ترس مردم فقط اسامی ۲۲ نفر را اعلام کرده است. نظامیانی که در سقز اعدام شده‌اند یا محلی بودند یا بعلت کشته شدن فرمانده‌شان سرهنگ فرashaهی بدست پاسداران حاضر به جنگ نشده بودند. در جریان جنگ گروه کثیری از نظامیان به مردم ملحق شده و گروه دیگری اسلحه‌های خود را تحويل مردم داده و فرار کرده‌اند. بین ارتش و پاسداران در سقز اختلاف افتاده است و ارتشیان می‌گویند اداره پادگان و از جمله زندان آن باید بدست ارتش باشد ولی پاسداران گفته‌اند هنوز ضد انقلاب در ارتش نفوذ دارد و نباید اداره پادگان بدست ارتش بیفتند. ارتشیان سقز از داخل شهر عقب - نشینی کرده و به پادگان مراجعت کرده‌اند. قبل از اعدام شهدای سقز هزاران نفر از اهالی این شهر در خیابانها دست به راهپیمایی زده و به طرف

پادگان به راه افتاده‌اند آنها شعار می‌دادند که "زندانی کرد آزاد باید گردد پاسدار اعزامی اخراج باید گردد" هنگامی که آنها به پادگان رسیدند آخوندی به‌قصد سخنرانی برای آنها جلو آمد ولی زنان به‌موی حمله‌کردند و نزدیک بود او را بکشند. پاسدارها با شلیک گاز اشگاً و تظاهرکنندگان را متفرق کردند. تحصن و تظاهرات اعضای خانواده‌های زندانیان سیاسی هر روز در شهر سفر صورت می‌گیرد.

* ملاحسن ادبی ساواکی معروف و دوست صمیمی سرلشکر پاکروان که‌از شش ماه پیش از سفر فرار کرده بود مجدداً به سفر برگشته بنام امام جمعه و حاکم شرع جنایات خلخالی و پاسداران را تائید کرده است. وی در روزهای انقلاب وسیله مردم سفر برکنار شد و بجای وی ملاعبدالله محمدی که گفته می‌شود بلوج است و دستگیر هم شده، امامت جمعه‌را انجام می‌داد.

* گروهی از نقابداران که در معرفی مردم سفر به پاسداران کمک‌می‌کردند بوسیله مردم شناسایی شده‌اند و یکی از آنها رحمان کیانی بوسیله پیشمرگان حزب دمکرات دستگیر و به مهاباد اعزام شده‌است.

* در دو محله فقیرنشین سفر، حمال‌آباد و کولی‌آباد ۹۰ درصد خانه‌ها با توپ و خمپاره و مسلسل نابود شده و در کریم‌آباد هم به خانه‌های زیادی آسیب رسیده‌است. روحیه مردم بسیار خوب است. گفته می‌شود گروههایی برای بازسازی خانه‌های ویران شده در بین مردم تشکیل شده‌است.

* پاسداران در راههای سفر - سندج و سفر - بوکان مردم را بازرسی می‌کنند. ولی ارتش که تا "سرا" پانزده کیلومتری بوکان رفته‌بود مجبور به عقب‌نشینی شده‌است.

* آخرین آمار از کشته‌شدگان سفر به شرح زیر است: ۱۵ نفر پیشمرگه کرد شهید شده‌اند ۲۵ نفر از اهالی شهر کشته شده‌اند. چند زن برادر غرش فانتوم‌ها سکته‌کرده‌اند و چند زن حامله هم سقط جنین کرده‌اند. کشته‌شدگان نظامیان زیاد است و هنوز اجساد گروهی در دشت کهریزه سفر افتاده‌است.

* شهر سنتدج فعلاً "آرام است ولی پاسداران همچنان در نقاط مختلف شهر حضور دارند مردم بی تفاوت از کنار آنها می گذرند و آنها نیز با ارتش اختلاف دارند. ملا احمد مفتیزاده چند روزی است جرات خارج شدن از خانه را ندارد و انتخاب یک روحانی شیعه بعنوان نماینده آیت الله خمینی در کردستان که ۹۵ درصد مردم آن اهل سنت هستند نشان می دهد که وی (ملا احمد) از هر دو طرف مورد تنفر است. حسن گلیجی معاون استانداری کردستان به جرم دفاع از خواسته های خلق کرد دستگیر شده است. یدالله بیگلری دادستان انقلاب در کردستان هم که حاضر نشده بود کارهای خلخالی را تائید کند بازنشسته شده است. حکیم زاده مدیر کل کشاورزی کردستان تیز بهاتهام داشتن عقاید مارکسیستی دستگیر شده است.

* از اعدام شدگان سقز چهار نفر بوکانی بوده اند، بوکان هم اکنون آرام است ولی اکثریت مردم زنان و بچه های خود را بدروستاهای فرستاده و خود در کوه ها سنگ گرفته اند. دارودسته مكتب قرآن که در ابتدای مردم اعلام همبستگی کرده بودند و بعداً پشمیان شده اند جرئت خارج شدن از شهر راندارند. اعضای مكتب قرآن در سقز با پاسدارها همکاری می کردند و مبارزین شهر را از جمله تعدادی روحانیون مجاهد را به پاسداران لو دادند.

* در درگیریهایی که هر روز به طرز پراکنده در محمد یار ۴۵ کیلومتری مهاباد روی می دهد. چندین نفر از نظامیان و پاسداران کشته و مجروح شده اند. روز ۵۸/۶/۶ دو تانک دولتی منهدم شد و یک هلی کوپتر نیز سقوط کرد، طرفین در این جنگها از توپهای سنگین و دورزن استفاده می کنند. کردها تاکنون دستکم ده تانکرا در محمد یار منهدم کردند. در سقز هم در روزهای اخیراً "یک هلی کوپتر بوسیله کردها ساقط شده است. مهاباد تاشعاع ۴۵ کیلومتری در محاصره و محافظت دمکرات ها است. و ارتش قرار است از چهار طرف: بوکان - مهاباد و میاندوآب - مهاباد و رضاییه - مهاباد، و پسونه و جلدیان - مهاباد، به مهاباد حمله کنند. ارتش ۱۲۰ تانک برای این حمله آماده کرده است. ۷۰ فروند از این تانکها در ارومیه می باشد و چند تیپ

عملیات پشتیبانی را انجام می‌دهند.

* ملاحسنی چند روز پیش در نقده بوده و ۲۵۰ قبضه اسلحه به گروهی از مرتعین داده است غالب ترکها از تحويل گرفتن اسلحه خودداری کرده‌اند و مایل به جنگ با کرده‌ها نیستند، افراد مسلح آماده حمله به دهات کردنشین شده‌اند. شهرهای مهاباد سردشت، خانه، و بانه در محاصره اقتصادی می‌باشد و کمبود آذوقه و سوخت وجود دارد. ملاحسنی و حقگوستورداده‌اند از حمل آذوقه و سوخت به مهاباد جلوگیری شود تا کردها مجبور به تسليم شوند. رهبران کرد گفته‌اند: اگر این وضع ادامه پیدا کند چریکها دست به عملیات خرابکارانه در داخل شهرهای دیگر می‌زنند.

* روستاهای واقع در ۲۰ کیلومتری مهاباد از سه‌روز پیش بوسیله هلی‌کوپترهای کبرا گلوله‌باران می‌شود و فرماندهان ارتش مردم را متهم به همکاری با پیشمرگان کرده‌اند.
پادگان جلدیان که مورد حمله افراد مسلح قرار گرفته تا ۲۴ ساعت همچنان مشتعل بود.

* خلخالی گروهی از ملاهای مرتع و خودفروخته سقز چون ملأدبی و راسپوتین سقز ملامحوم شیخ‌الاسلامی را وادار کرده که پیش آیت‌الله‌حسینی و دکتر قاسم‌لو برونده آنها را دعوت به مذاکره بکنند. ولی آیت‌الله‌حسینی و قاسم‌لو اعلام کردند خلخالی را فقط به عنوان یک جlad می‌شناسند و حاضر به مذاکره با آخوندها نیستند. خلخالی پیامی برای سید جلال‌الدین حسینی برادر شیخ عزالدین فرستاده است.

* بهزاد نیا مدیرکل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد ملی به خبرنگاران خبرگزاریهای خارجی اخطار کرده است در صورت ادامه مخابره اخبارکردستان اخراج می‌شوند. وی گفته است خبرگزاریها فقط اخبار خبرنگاران خبرگزاری پارس را باید مخابره کنند.
* گروهی از افراد گروه امل در جنگهای کردستان در کنار نیروهای

دولتی شرکت دارند و چند تن از آنان دستگیر شده‌اند.
 * عشایر ایل شاک پشتیبانی خود را از سید عزالدین حسینی و حزب
 دمکرات اعلام داشته‌اند و به ارتش اخطار کرده‌اند چنانکه به مهاباد حمله
 کنند، آنها هم ارومیه را اشغال می‌کنند. شاکها همچنین تهدید کرده‌اند
 راه آهن ایران - اروپا را می‌بندند و مانع کار گمرک بازارگان می‌شوند. تهدید
 شاکها باعث شد که حقگو استاندار و ملاحسنی به فوریت از شورای شهر
 مهاباد درخواست مذاکره کنند.

کشف شبکه جاسوسی ارتش و دولت در مهاباد

* بدنبال دستگیری جمعی از پاسداران اعزامی به مهاباد و پیداشدن
 اسمی چند نفر از اهالی بومی و غیر بومی مهاباد در جیب آنها پیدا شد
 که قرار بود پاسداران با آنها تماس بگیرند یکی از این افراد مصطفی خرمدل
 بود که اعتراف کرده‌است در سه‌ماه گذشته بعلت اختلاف نظر با حزب دمکرات
 و سید عزالدین حسینی گزارش‌های نادرستی به مرکز و احمد مفتی‌زاده داده
 است. وی همچنین اعتراف کرده است که یک شبکه جاسوسی برای دولت
 و ارتش در مهاباد بوجود آورده‌است وی به اتفاق ۶ نفر دیگر بازداشت
 شده و در زندان بسر می‌برد.

زندانیان سیاسی کرد آزاد باید گردد!
 اعدام مبارزان متوقف باید گردد!
 خلق‌های ایران کشتار مردم کردستان را محکوم می‌کنند!
 فریاد حق طلبانه خلق کرد رابه‌گوش ستمدیدگان ایران
 برسانید!

مهاباد شهر پیشوا قاضی محمد، شهر شهیدان چوارچرا و شهر قهرمانان شکننده اختناق آریامهری در سالهای ۴۶ - ۴۷ امروز نه یک شهر عادی بلکه قیافه یک شهر در حالت جنگ را دارد خارج شهر مهاباد به هر طرف که بروی سنگرهایی را می‌بینید که پیشمرگان کرد آماده‌کرده‌اند تا به قول خودشان گور آنهایی که "ما ف" (حق) کرد را نادیده می‌گیرند بکنند. روحیه مودم آنطور نیست که به آنها از صلح و مذاکره صحبت کنید - همه می‌گویند ما با دولت و ارتش سرجنگ نداریم ما فقط یک چیز می‌خواهیم و آن تعیین حق سرنوشت خود و یا حتی کمتر از آن خود مختاری داخلی است. و با هر کردی که صحبت کنید حتی بی‌سودان مفهوم خودمختاری را بخوبی و حتی بهتر از یک دانشجوی علوم سیاسی سوئیس و آکسفورد تشریح می‌کند و این در حالی است که رهبران سیاسی و مذهبی در تهران پایتخت کشور درک درستی از مفهوم خودمختاری ندارند.

مهاباد در شمال کردستان مرکز مقاومت کردها در برابر زورگویی‌های حکومت مرکزی بوده عمیق قاضی محمد رهبر فقید کردها ۵۱ سال پیش با ایجاد یک حزب ناسیونالیستی بنام "خوبی" نخستین علم مبارزه‌را با حکومت دیکتاتوری رضاخانی برافراشت. و بعد قاضی محمد نخستین حکومت خودمختار را در این شهر تشکیل داد. (جمهوری مهاباد) ۳۵ سال قبل از

آنکه انقلاب ایران پیروز شود و حکومت جمهوری اعلام شود. اما دولت مرکزی رژیم شاه مرتاجع‌تر از آن بود که یک چنین حکومتی را تحمل کند و باشد هرچه تمام‌تر آن را سرکوب کرد و دهها نفر از جمله رهبر آن را به جوخده‌های اعدام سپرد از آن زمان بمبعد مهاباد همواره مرکزی برای سوژن دولت مرکزی بوده است و در حالیکه کردها بر اعتقاد خود به تمامیت ارضی ایران تأکید و تکیه می‌کنند دولت مرکزی همواره خواسته با متهم کردن آنها به تجزیه‌طلبی مردم دیگر بخشهای ایران را بر علیه خلق کرد تحریک کند. اما این اتهام در زمان شاه یا دشمن شماره یک کردها که حکومت جladانه او مشروعیت خود را از دست داده بود کمتر کارگر می‌افتد، ول امّا: آیت‌الله خمینی که رهبری مذهبی او جنبه سیاسی آن را تحت بخوبی توانسته مردم را با کردها که او صریحاً "کفار ناسیده تحریک دس پاسداران فناتیک طرفدار خود را در یک جنگ صلیبی درگیر نماید. برخی از پاسداران از نواحی مرکزی ایران می‌آیند و از شیعیان متعصب می‌باشند بدشان نمی‌آید در یک جنگ نابرابر درگیر شوند تا اعتقاد و ایمان خود را به جمهوری اسلامی بهانبات برسانند. اخیراً "آیت‌الله خمینی بامقاومتهای بیشتر از گذشته رویرو شده و حتی آنطوریکه گزارش می‌رسد در بعضی از شهرها مانند شیراز و قزوین مردم خواهان بازگرداندن فرزندان پاسدار خود از منطقه شده‌اند. آنها شعار داده‌اند ما فرزندان خود را برای سرکوبی پالیزبان و جافها فرستاده‌ایم نه برای سرکوبی کردها. و این چیزی است که برای دولت مرکزی گران است. این اعتراضات بعد از تلفات سنگین پاسداران کردستان بود. که تعدادشان به گفته وزیر کشور موقت بیش از ۵۴ نفر است. از نظر نظامی اوضاع مهاباد و شهرهای کردستان که هنوز در کنترل کرده است بسیار عجیب است تمام کسانی که توانایی حمل سلاح را داشتند مسلح شده‌اند بطوریکه گفته می‌شود که ۲۵ هزار پیشمرگ از مهاباد محافظت می‌کنند افرادی که مسلح نیستند و از جمله زنان و کودکان برای کندن سنگ و کمکهای دیگر بسیج شده‌اند. روحیه مردم قوی است و اعتقاد دارند ارتش فقط با دادن تلفات سنگینی می‌تواند مهاباد را تصرف کند و این در حالی است

که تصرف نظامی مهاباد به معنی پایان جنبش ملی کردها برای خود مختاری نخواهد بود. چه کردها به شدت به شهدای خود دلبندی دارند و به نظر می‌رسد هرچه بیشتر شهید داشته باشند برخواست خود مصتر و لجوچ‌تر خواهند بود. اضافه براین، این یک جنبش ملی تنها نیست و رگهایی از مبارزات طبقاتی که در برخوردهای پراکنده فئodalها و دهقانان تبلور یافته به‌این جنبش قوت عظیمی داده است. و در واقع رمز قدرت این جنبش هم در این است، که مبارزه طبقاتی و مبارزه ملی با هم و در یک جهت در کردستان ادامه دارد. شاید یکی دیگر از علل اختلاف این نهضت باز دیگر نهضت‌های کردستان چه در ایران و چه در عراق و ترکیه همین مسئله تداوم مبارزه در دو بستر طبقاتی و ملی است. برخلاف گذشته که همواره روسای عشاپر و خانهای ظاهرا "مترقی رهبری جنبش را در دست می‌گرفتند، این بار رهبری جنبش در دست روشنفکران و عناصری است که بیشتر از میان خردبوزواها آمده‌اند. آنچه امروز بیشتر در مهاباد دیده می‌شود همین مسئله است.

شهرهای مهاباد و سردشت و بانده‌که از طرف دولت مرکزی در یک محاصره اقتصادی قرار گرفته امروز با کمبود آذوقه و سوخت رو برو است. ولی این به‌آن معنی نیست کردها از قبل خود را برای یک چنین تصمیقاتی آماده نکرده باشند. فاصله شهر و ده از نظر ارتباط فیزیکی و روانی که در نقاط دیگر بسیار زیاد است در کردستان بسیار کم شده بطوریکه هرگاه یکی از این دو در تنگنا قرار بگیرد دیگری به‌کمک می‌شتابد. از این‌روست که به هنگام بورش فئodalها به دهقانان گروه امداد اول از شهرها می‌آیند همان‌طوریکه به هنگام جنگها و محاصره اقتصادی شهرها روستائیان که غالباً خودکفا هستند به‌یاری شهنشیان آسیب دیده می‌شتابند آنچه که امروز مهمتر از این ارتباط نزدیک شهر و ده است اتحادی است که جناحهای سیاسی کردستان پیدا کرده‌اند اتحادی که اصول آن در عمل و در جبهه‌های جنگ بدست آمده و نه در پشت میز مذاکره و کنفرانس، حزب دمکرات کردستان ایران که دولت پانزده روز پیش آن را غیر قانونی اعلام کرد با گروههای سیاسی دیگر (چریکهای فدایی شاخه کردستان و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان)

دست در کار ایجاد یک جبهه متحد خلق کرد می‌باشد. آنها با رهبران مذهبی و در رأس آنها شیخ عزالدین حسینی به تفاهم رسیده‌اند. به همین جهت در حالیکه یک رهبر حزب دمکرات در مهاباد اعلام می‌کند تا آخرین قطره خون خود مبارزه می‌کنند شیخ عزالدین حسینی هم اعلام کرده جنبش دمکراتیک خلق کرد تا بدست آوردن خود مختاری کردستان در چهارچوب ایران آزاد و مستقل ادامه خواهد یافت. این وحدت کلمه کردها دولت مرکزی و رهبران مذهبی را در پایتخت بدهشت‌انداخته و ارتش و پاسداران را برای تصرف اشغال کردستان بسیج کرده‌اند ولی به چه قیمتی؟ به درستی معلوم نیست. شاید جنگ قریب الوقوع مهاباد بتواند معیاری برای ارزیابی مجدد دولت مرکزی و کردها از قدرت خود بدست بدهد.

از گزارش خبرنگار نیوآستیتس من

مهاباد

* شهر مهاباد همچنان در دست نیروهای کرد می‌باشد، و آرام است. کردها در نقاط حساس خارج شهر سنگربندی کرده و از آن چون دزی محافظت می‌کنند. بعد از حمله به پادگان جلدیان که ۲۴ ساعت در میان شعلمه‌های آتش بود، چند درگیری در نقاط مختلف روی داد. در یک درگیری که بین نقده و پیرانشهر "قالاتان" روی داد؛ فرود خان، برادر دکتر بهمن خسروی ساواکی معروف و یکی از عوامل جنگ نقده، که خود یکی از فئودالهای قره پاپاخ می‌باشد و از طرف ملاحنسی مسلح شده بود با ۷۰ نفر از افراد خود لباس کرده پوشیده و به سنگر پیشمرگان کرد حمله کردند و پیشمرگان به تیراندازی فرودخان و افرادش جواب داده و بین ۳۵ تا ۴۵ نفر از آنها را کشته و مجروح کردند. ۷ نفر از پیشمرگان نیز زخمی شدند.

* در درگیری که روز جمعه (۹/۶/۵۸) در بین پیرانشهر و جلدیان روی داد ۲ سرباز و ۴ پاسدار کشته شدند از تعداد زخمی شدگان اطلاعی در دست نیست.

* دو فروند هلیکوپتر - روز جمعه گذشته کوه کانی شیخان واقع در ۱۰

کیلومتری مهاباد را مورد حمله قرارداده و پیشمرگان نیز به آتش آنها پاسخ دادند که یکی از این دو هلیکوپتر مورد اصابت گلوله قرار گرفت و درحالیکه دود از آن بلند می شد از محل حادثه خارج شدند. در همین روز واحدهای نظامی روستاهای کوسه کهریزه، قره قشلاق، داشخانه، و کنه دهرا به توب بستند. در روستای کنه دهرا بواشر انفجار گلوله توب سدنفر کشته و ۴ تن مجروح شدند. مردم این روستاهای خانه و کاشانه خود را ترک کرده و به مهاباد پناه آورده‌اند. برآسان خبرنامهای که از طرف حزب دمکرات منتشر شده ارتش از سرمه نقده عقب‌نشینی کرده و به طرف محمدیار رفته است.

سلماس

* افراد سنار مامدی ۲۵۰ نفر از پاسداران مستقر در سلاماس را خلع سلاح کردند از افراد مذبور دهها قبضه اسلحه، توب و ... گرفته شده این ۲۵۰ نفر هم اکنون اسیر می‌باشد.

* محاصره جنایت‌کارانه شهرهای مهاباد، سردشت، پیرانشهر، بانه و روستاهای اطراف این شهرهای سهلیه ارتش و جلوگیری از حمل آذوقه و سوخت مردم را با کمبود آذوقه و خواروبار و سوخت و مواد دارویی روپرور کردند. هم‌اکنون در شهرهای سردشت، مهاباد و بانه نفت و بنزین پیدا نمی‌شود و مردم از این لحاظ سخت در مضيقه می‌باشند. پیشمرگان تهدید کردند از چنانکه سوخت به شهرهای کردنشین نرسد آن‌ها نیز به تلافی برخاسته و انبارهای سوخت را در شهرهای دیگر آذربایجان از جمله ارومیه منفجر خواهند کرد. علاوه بر این کردها تهدید کردند اقدام بهستن مرز بارزگان خواهند کرد.

* مذاکرات برای تشکیل جبههٔ متحد خلق بین سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان و حزب دمکرات کردستان ادامه دارد و تاکنون به نتایج مثبتی رسیده است. شاخهٔ کردستان چریکهای فدایی خلق ایران نیز احتمالاً به‌این جبهه خواهد پیوست. این مذاکرات با استقبال وسیع مردم روپرور شده و تشکیل جبهه متحد خلق از حمایت شیخ عزالدین حسینی برخوردار است.

* یک اکیپ که از طرف جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران دارو، مواد غذایی و سوخت (نفت و بنزین) حمل می‌کردند در سنندج و میاندوآب متوقف شده و مانع حرکت آنها به مهاباد و بانه و سردشت شده‌اند. در شهرهای بانه و سردشت و مهاباد کمبود مواد غذایی به چشم می‌خورد، ولی اهالی روستاها هر روز دهها وانت نان را پخته و به شهرها می‌فرستند.

* موج اعتراض به اعدام ناجوانمردانه دکتر ابوالقاسم رشوند همچنان بالا می‌گیرد و این درحالی است که کادر پزشکی دهها بیمارستان در تهران و شهرهای غرب کشور درحال اعتراض بسر می‌برند. وی که مدت‌ها با گروه امداد آیت‌الله طالقانی همکاری می‌کرد از کسانی بود که در فاجعه خونین نهاوند از طرف این گروه به نهاوند رفت ولی اینک دفتر طالقانی همکاری رشوند را با این دفتر تکذیب می‌کند. اما خبریکه کیهان روز ۱۹ دی ماه ۱۳۵۷ منتشر کرده‌است‌آمده که دکتر رشوند بعنوان عضو هئیت نمایندگی طالقانی به نهاوند رفته است.

مریوان

* به دنبال اعدام ظالمانه و جنایت‌کارانه ۹ نفر مریوانی گزارش‌می‌رسد که تعداد اعدام شدگان ۲۱ نفر بوده‌اند ولی انعکاس خبر اعدامها در بین توده‌ها آنچنان بوده که رژیم جرئت اعلام اسامی تمامی ۲۱ نفر را نداشته است. (۵۸/۶/۶)

* شیخ عثمان نقشبندی رهبر طریقه نقشبندیه که گفته می‌شود با ساواک همکاری می‌کرد، اخیراً "به عراق رفته‌است". از شیخ عثمان خواسته بودند که با رژیم جمهوری اسلامی هم مانند ساواک همکاری کند ولی وی گفته بود یکبار این کار را کردم و چوبش را خوردم دیگر بار نمی‌کنم. ملا احمد‌مقتیزاده مرجع معروف نیز خواستار همکاری شیخ عثمان نقشبندی شده‌بود.

* در درگیری که بین پاسداران و وزاندارم‌ها و پیشمرگان در بسطام روی داد دوازده نفر کشته شده‌اند. ۳ نفر از این عده از جمله فئودامصطفی سلطانی از پیشمرگان کرد بودند و پس از آنکه محاصره شده‌اند تا آخرین

گلوله مقاومت کرده ولی سرانجام اسیر شده‌اند و بلا فاصله به دست پاسداران ضد خلقی اعدام شده‌اند. و سپس سرآنها را بریدند. فئودا مصطفی سلطانی چهار سال در زندانهای رژیم پهلوی بود و در زیر شکنجه‌های جلادان شاه سمبیل مقاومت بود.

حجت‌الاسلام گلرو که به نازگی بعنوان نماینده امام به مریوان اعزام شده است دارای سابقه انحراف اخلاقی می‌باشد و کلیه کسانی که در سال ۵۴ در بندهای ۱ و ۷ و ۸ زندان شماره یک قصر بودند از سوابق کثیف وی که قصد تجاوز به یک زندانی خردسال را داشته‌است اطلاع دارند. حجت - الاسلام گلرو به‌این نوجوان کتاب نهضج‌البلاغه را تدریس می‌کرد.

سنندج

* پیشمرگان کرد خانه یک جاش (مزدور) که از طرفداران ملا احمد مقتیزاده بوده در سنندج منفجر کرده‌اند. معلوم نیست وی در آن موقع در خانه بوده یا خیر؟.

پاوه

* ۵۸/۶/۷ - بدنبال اشغال شهر پاوه و اعدام دهها جوان مبارز در این شهر موج وحشت و ارعاب سراسر شهر را فرا گرفته‌است تظاهرات فرمایشی هر چند روز یکبار در شهر برپا می‌شود و گروهی از تظاهرکنندگان از جمله افراد قاضی‌انصاری را اجیر کرده‌اند که موقع فیلم‌برداری علیه "شیخ‌عزالدین حسینی" و "دکتر قاسملو" شعار بدھند. هزاران نفر از مردم پاوه که قبل از بیطرف بوده‌اند و یا بعلت احساسات پاک مذهبی و تبلیغات زهراگین دار و دسته مکتب قرآن علیه شیخ‌عزالدین و نیروهای متفرقی مخالف "شیخ" و احزاب و گروههای متفرقی بودند بدنبال اعدام جوانان مبارز پاوه بهشدت از رژیم و پاسدار آن متفرق شده‌اند زیرا آنها می‌دانند اعدام شدگان پاوه در این ماجرا بیگناه بوده‌اند و دخالتی در حوادث پاوه نداشته‌اند. یکی از شهدای پاوه سیف‌الدین ضیایی از جوانان مورد احترام پاوه بود که در

بیمارستان شهر خدمات ارزنده‌ای به مردم کرده و وی تکنسین آزمایشگاه بود.

* از پاوه گزارش می‌رسد که از آغاز اشغال پاوه و اورمانات ۱۰۵ خانوار از نوشه، ۱۲۵ خانوار از شوشمیل، و ۴۰۰ خانوار از روانسر و نوسود به عراق پناهنده شده‌اند. رژیم برای آنکه مردم را وادار به عدم مهاجرت کند و به آنها کیسه‌ها برنج و روغن مجانية می‌دهد. ولی مردم نپذیرفتند.

تهران

* پادگان شهید حنیف‌نژاد – چند نفر از افسران و درجه‌داران پادگان حنیف‌نژاد از رفتن به مناطق کردنشین و شرکت در جنگ برادرکشی سرباز زدند. هم‌اکنون تعدادی از این افراد در حال محاکمه می‌باشند و از آنها می‌خواهند تشکیلات "ارتش آزاد ایران" را معرفی کنند. استوار رضایی یکی از درجه‌داران میهن‌پرست که حاضر به‌رفتن به سقز نشده‌بود پس از ۲۴ ساعت محاکمه اعدام شده است وی دارای زن و چهار فرزند بوده است. بزرگترین فرزند استوار رضایی ۱۲ ساله می‌باشد.

* موج هیستریک ضد کردی این روزها تهران و شهرستانها را فراگرفته است و ایدوا آزار کردها در نقاط کشور ادامه دارد در تهران پارس یک‌کارگر کرد بنام عبدالرحمان امیری که از آرمان خلق کرد دفاع کرده کشته شده است. وی به دست عده‌ای از ارازل و اوپاش شهید شد.

* آیت‌الله طالقانی در مذاکراتی که با هئیت اعزامی سورای انقلاب مهاباد بعمل آورده بود گفته بود وی در خطبه جمعه ۲ شهریور، در مورد کردستان اشتباه کرده و پوزش خواسته بود وی در خطبه جمعه ۹ شهریور هم بر این موضع خود پافشاری کرد و اشتباه خود را تکرار کرد. تکرار این اشتباه بعد از ملاقات همان روز با آیت‌الله خمینی بود. معلوم نیست چرا آیت‌الله طالقانی باید هر مطلبی را که می‌شنود باور کند. برای روشن شدن ذهن ایشان می‌گوئیم که هیچ سازمان سیاسی کرد قصد تجزیه‌طلبی ندارد و ارتش هم می‌توان در سراسر مرزهای کردستان مستقر شود ولی تا زمانی که خود مختاری کردستان مورد قبول نگیرد این منطقه روی آرامش به‌خود

نخواهد دید.

۳۳

زنجان

* دو تن از پیشمرگان کرد که در جریان سرکوب خانهای تیلکو و گلباخی بدست عوامل فیروزخان و آقا خلیل ملکی اسیر شده بودند در پساه پاسداران زنجان اعدام شدند. این دو تن حامدی و علی پیشمنار نام دارند. در همدان و کرمان هم سه کرد که حاضر نشده بودند به شیخ عزالدین حسینی رهبر مذهبی و ملی خلق کرد دشتم بدنه اعدام شده‌اند.

بدنبال سرکوبی خانهای گلباخی و تیلکو ابوسیله نیروهای سیاسی و مترقی کردستان و فرار گروهی از آنها به زنجان هفته گذشته خانه‌گلباخی و تیلکو به قم رفتند و با آیت‌الله خمینی ملاقات کردند. (خبرآن از رادیو قطب‌زاده پخش شد) پس از این ملاقات شنیده شده که بهاین خانها اسلحه داده‌اند تا در سرکوب خلق کرد و برهم زدن اتحادیه‌های دهقانی کردستان با پاسدارن همکاری کنند. (پیوندشان مبارک!)

سقز

* روز جمعه گذشته برای چند مین روز متوالی تظاهرات چند هزار نفر خانواده‌های زندانیان سیاسی کرد و مردم سقز علیه رژیم ضد خلقی و خلخالی جlad در سقز برگزار شد. در این تظاهرات که بیش از ۳ هزار نفر از خانواده‌های کردان می‌ازد در آن شرکت کرده بودند مردم شعاعی دادند "دولت باز رگان را به خاک و خون می‌کشیم" ، "خلخالی جlad اعدام باید گردد" ، زندانی کرد آزاد باید گردد" و "شیخ عزالدین حسینی تنها رهبر مذهبی کرد". این تظاهرات آرام بوسیله پاسداران به خون کشیده شد و سه نفر به شدت مجرح شدند.

* در جریان دستگیری‌های سقز برخی از اعضای مکتب قرآن با پاسدارن همکاری می‌کردند و اعضای نیروهای مترقی را لو می‌دادند شناسایی شدند. این عده لاتها و لمپن‌های شهر می‌باشند. یک نفر از این دارودسته بوسیله

مبارزین دستگیر و برای محاکمه در دادگاه خلق به مهاباد فرستاده شده است. اسامی گروهی از آنها عبارت است از: عباس راننده معروف به عباس تیلکوبی، منصور نیلوفری و حسین احمدی (هر سه از چاقوکشان معروف شهر هستند)، رحمان کیانی (دستگیر و به مهاباد فرستاده شده است)، حاجی عبدالقادر مهری عضو سابق انجمن شهرور رئیس بخش اصناف حزب ایران نوین و رستاخیز، عطاالله پسر کاک بازد، محمد خوشحالی عضو ساواک و از اعضای برجسته حزب رستاخیز سقز مسعود طلوعی مسئول مکتب قرآن و محمد طلوعی.

* ملا محمد شیخ‌الاسلامی ساواکی معروف و ملاحسن ادبی که از روزهای انقلاب جرئت خارج شدن از خانه‌ایشان را نداشتند هر کدام چند ماه در "تهران مخفی شده بودند بدنبال اشغال سقز بهاین شهر برگشته و در پادگان سقز با خلخالی همکاری می‌کنند. ملامحمد شیخ‌الاسلامی و ادبی هر دو از ساواکیهای معروف کردستان می‌باشند. و سابقهٔ چندین سال همکاری با ساواک را دارند. یکی از طلاب علوم دینی که اکنون در روستاها سقزپیشمار است اعلام کرده حاضر است در دادگاه خلق اسناد جنایات و همکاری این دو را با ساواک فاش کند. بر اساس اعلامیهای که خلخالی منتشرکرده گفته می‌شود که ملا جلال شافعی نیز با آنها همکاری می‌کند ولی هنوز معلوم نیست وی واقعاً همکاری می‌کند و یا برای آنکه وی را منفور کنند این اعلامیه را منتشر کرده است.

* گروهی از مردم سقز که می‌خواستند مقداری سوخت و آذوقه به بانه برسانند بوسیله نظامیان دستگیر و بازداشت شده‌اند.

* ۹ پاسدار در جاده میاندوآب - بوکان دستگیر و خلع سلاح شدند ۸ نفر دیگر هم در سهراه محمد یار دستگیر شدند.

* در میان اعدام شدگان سقز که تعدادشان ۵۲ نفر بود نوجوان دوازده ساله‌ای به نام آذرگشسب دارابی وجود داشته‌است. سیف‌الله فیضی هم فقط چهارده سال سن داشت معلوم نیست در کجا در دنیا بر طبق چه قانونی نوجوانان ۱۲ ساله و ۱۴ ساله را اعدام می‌کنند. البته جز دو بیدادگاه عدل

* پس از اعدامهای مریوان آیت‌الله‌خلخالی جسد دو برادر فئاد – مصطفی سلطانی را بدست شیخ عبدالقادر کهنه‌پوشی ساواکی سابق و عضو مکتب قرآن می‌دهد و وی با "تبر داس"، که برای کندن شاخه‌های درختان بکار می‌رود سر هر دورا از بدن جدا کرده بود.

موج اعتراض و نارضایتی نسبت به حوادث کردستان روز بروز اوج می‌گیرد در شهر کنگاور صدها نفر از مردم به کشتار مردم کردستان اعتراض کرده و به پاسداران حمله کرده‌اند. در تبریز بر سراسر دیوارهای شهر شعارهای تند نوشته شده و اهالی مراغه و بناب بخاطر عدم فروش کالاهای به شهرهای کردستان و فاسد شدن مواد غذایی بهشدت معترضند. آنها اعلام کرده‌اند زندگی مردم آذربایجان به مردم کردستان واپس نه است. مردم مراغه، بناب و میاندوآب از تصمیم دولت و کمیته‌ها در ممانعت از ارسال مواد غذایی به کردستان ابراز نارضایتی کرده و اوضاع شهرهای آذربایجان بهشدت متregon است.

خانه : ۴ نفر از اعضاي جمعيت راه رهایی مهاباد در پیرانشهر دستگیر شده‌اند. شهر متregon است و مردم دسته دسته شهر را بعنوان اعتراض به رفتار پاسداران و نظامیان ترک می‌کنند.

سردشت: روز شنبه ۱۵/۶/۵۸ هلی کوپترهای نظامی از ارتفاع زیادی شهر را با راکت مورد حمله قرار دادند و نزدیک به یکصد راکت پرتاب کرده‌اند. ولی کسی کشته یا زخمی نشده‌است. یک هلی کوپتر نفر برهم روز قبل ۵۰ پاسدار در اطراف سردشت پیاده کرد که در محاصره کردها قرار گرفتند و اسیر شدند.

یک گروه از پاسداران و ارتشیان که از بسطام عازم بانه بودند در نزدیکی بانه در محاصره پیشمرگان کرد قرار گرفتند و تعداد زیادی از آنها کشته و زخمی شدند. ۶ عدد توپ ۱۰۵ هم از این گروه به غنیمت گرفته شده است دو فانتوم هم که در ارتفاع زیاد پرواز می‌کردند در حاشیه شهر بانه یک عضو "کومله شورشگیری زه حمه‌تکیشان" اعلام کرد که مردم از مهاباد تا

بانه در انتظار ورود ارتش و پاسداران می‌باشد، تا با کلاشینکف از آنها استقبال کنند!

پیشمرگان حزب دمکرات کردستان با توب و خمپاره به پادگان سقراطیه کرده و مدت یکساعت پادگان را زیر آتش گرفتند. تعداد تلفات این حمله از ارتش و پاسداران ۲۵ نفر اعلام شده‌است.

کمبود نفت و بنزین در مهاباد ادامه‌دارد و شهر حالی از اتمامیل شده است به دستور گروههای سیاسی شهر بجای تاکسی مینی‌بوسها در مهاباد کار می‌کنند.

سلماس: افراد سنار مامدی و طاهر بیگ شبهای به پاسداران در پادگان سلماس حمله می‌کنند و بدآنها ضرباتی می‌زنند. اما در روز اوضاع شهر آرام است.

دکتر عبدالرحمان قاسملو دبیر کل حزب دمکرات کردستان تهدیدکرده است چنانکه ارتش به مهاباد حمله کند جنگ را در تمامی جبهه‌ها آغاز خواهد کرد.

شهر بوکان همانطوریکه از مدتها پیش انتظار می‌رفت پس از یک درگیری کوتاه بوسیلهٔ ارتش و پاسداران اشغال شد بعلت موقعیت خاص شهر و قرار گرفتن آن در دشت پیشمرگان شهر را رها کرده و به کوهها عقب‌نشینی کرده‌اند. عده‌ای ساواکی سابق از ارتش و پاسداران به هنگام ورود به شهر استقبال کردند. پاسداران بمحض ورود به شهر مثل شهرهای دیگر بگیر و ببند را آغاز کردند. تاکنون ۱۵ نفر دستگیر شده‌اند.

میاندوآب: موج دستگیری عناصر دست‌چپی در میاندوآب آغاز شده و تاکنون دهها نفر از مبارزین شهر بازداشت شده‌اند. در میان بازداشت شدگان می‌توان از خانم فاطمه حسینی نام برد که از تهران عازم شهر خود مهاباد بود که بوسیلهٔ کمیته میاندوآب دستگیر شد.

زندانیان سیاسی کرد آزاد باید گردد !
اعدام مبارزان متوقف باید گردد !

خلقهای ایران کشtar مردم کردستان را محکوم می‌کنند !
فریاد حق طلبانه خلق کردا به گوش ستمیدگان
ایران برسانید !

" طرفداران جبهه متحد کردستان "

۵۸/۶/۱۱

مر ۳۸ پا یعنی عزش و شر

۲۵

در این روزها که کشتار بیرحمانه خلق کرد ادامه دارد و هر روز در گوشاهای از ناحیه کردنشین ایران گروهی از هموطنان کرد ما به مخاک و خون کشیده می‌شوند " نام دو نفر بسیار بر سر زبانه است . دو نفر که پرونده زندگیشان مملو از جنایت و شقاوت است و اکنون در لباس انقلابی و حامی جمهوری اسلامی وارد عمل شده و کشتار بیرحمانه خلق کرد را وجه - المصالحه و وسیله وجیه‌المله شدن خود کردند تا در آینده بتوانند این خدمات درخشن ! خود را به رخ ملت بکشند و در انتخابات آینده مقامی مهمتر را قبضه کنند و بهتر بتوانند با نفوذ در ارگان قدرت به انقلاب ایران و ملت ایران لطمه وارد کنند و در عوض به ایران‌باشان خدمت مهمتری کنند . یکی از این دو نفر مصطفی چمران معاون یکه‌تاز مهندس بازرگان است " که رهبری عملیات کشتار را در کردستان بعده دارد و از شروع ماجرای مریوان رهبری واقعی عملیات نظامی و سیاسی در دست وی متتمرکز شده است . آقای چمران که به همراه امام موسی صدر گروه نظامی - سیاسی امل را در جنوب لبنان بنیان گذاشته " این روزها روئین تن ایران شده و گویا همچون آشیل گلوله به وی کارگر نیست . و هم از این روز است که بعد از ۲۶ ساعت مقاومت از محاصره نجات می‌یابد " هلی‌کوپترش مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد ولی باز هم به گلوله‌باران ضد انقلابیون از هوا ادامه می‌دهد و به

نهایی با مهاجمان پاوه همراهی می‌کنند و با وجود نداشتن مهمات کافی "مهاجمان" عقب می‌نشاند و ... همه این تبلیغات و قهرمان‌پروریها وسیلهٔ مطبوعات اجبر شده و رادیو تلویزیون محمد رضاشاهی برای آن است که این ترسی فرارکرده از لبنان را به صورت قهرمان باصطلاح ملی درآورند و لابد کاندیدای ریاست جمهوری یا نخست‌وزیر و یا حداقل وزارت خارجه یا دفاع بکنند" تا به‌این وسیلهٔ امپریالیسم امریکا یک سرپردهٔ دیگر خود را در هیئت حاکم بنشاند. این تبلیغات برای آن است که فردا او را در محور قدرت قرار دهند و همهٔ کارها را درید ایشان متمرکز کنند "تا یکروز که لازم شد همچنانکه در جاهای دیگر شد و شیوهٔ همیشگی امپریالیسم و ایادی مزدورش است با یک کودتای ساختگی و یا یک انتخابات صدد رصد جعلی و قلابی او را در صدر بنشانند و از طریق او منافع از دست‌رفته خود را باز بابند.

وی تاکنون به عنوان مسئول امور کردستان "ریاست ساوا . . . یا ساواما" معاون نخست‌وزیر و . . . کار کرده، از بنیان‌گذاران گروه "امل" است که سازمان سیاسی – نظامی گروهی از شیعیان مرتاج لبنان می‌باشد. همین پهلوان پنبه در شرایطی که هر روز اسرائیل جنوب لبنان را می‌کوبد و صدها نفر از مردم محروم این ناحیه را به قتل رسانده و یا آواره می‌کند "آنها را تنها گذاشته و این مردم ستمدیده‌را از نعمت قهرمانیهای کاذب خود محروم کرده‌است . . . نمی‌دانیم اگر ایشان این همه در امور نظامی و سیاسی کارآزموده هستند چرا کارآیی سیاسی – نظامی خود را در خدمت شیعیان آواره جنوب لبنان و مبارزه با اسرائیل قرار نمی‌دهد". اینجاست که ما همچون هزاران ایرانی دیگر به فکر می‌رویم و از روی نوشته و گفته‌های دیگران و عملکرد خود ایشان "سر رشته ارتباط آقا را با صیهونیستها پیدا می‌کنیم . وی از روزی که سازمان "امل" را بنیان گذاشته همواره با فلسطینیها و جناح چپ لبنان که حامی مسلمانان و فلسطینیان می‌باشد همواره در ستیز بوده و در جریان جنگهای داخلی لبنان هر بار که مسلمانان به مرحلهٔ تصرف مواضع فالانزها می‌رسیدند "آقا" از پشت به‌آنها خنجر می‌زد و مانع از

این کار می‌شد زیرا اربابانش نمی‌خواستند مسلمانان لبنان و فلسطینی‌ها از شر فالانزها نجات یابند.

در جریان سقوط تل‌زرعتر و محاصره جنایتکارانه آن "نیروهای امل" به رهبری آقای چمران بزرگترین ضربه را به فلسطینی‌ها وارد کردند و دهها فلسطینی قهرمان را به خاک و خون کشیدند.

در طول تمام یورشهای اسرائیل به جنوب لبنان تنها نیروی که با صیهونیستهای جنایتکار به مقابله بر می‌خواستند مسلمانان لبنان و نیروهای فلسطینی بودند در حالیکه نیروهای "امل" کمترین مقاومتی نمی‌کرد و با شرکت نکردن در جبهه واحد لبنانی ضد صیهونیستی و ضد فالانزی بزرگترین ضربه را بر وحدت توده‌های سنی و شیعه لبنان و مسیحیان ستمکشیده وارد کردند.

جالبترین موضوع برای همه می‌تواند موضوع دشمنی دیرینه آقای چمران و شخصیت سیاسی برجسته و مسلمان لبنان کمال جمبلاط رهبر دروزیها و دوستی آقای چمران با "کامیل شمعون" رهبر حزب ملیون آزاد لبنان و فالانز معروف باشد. کمال جمبلاط سری یادداشت‌های خود که اخیراً بعضی از آنها در مجله امید ایران منتشر شد از ضرباتی که "امل" بر خلق لبنان وارد کرده سخن گفته است. کاظم الخلیل معاون کامیل شمعون مرتعج معروف‌لبنان و رهبر حزب ملیون آزادکه‌دستان به خون هزاران شهید فلسطینی آغشته است اخیراً طی نامه‌ای که وسیلهٔ فطیفور برای چمران آورده از او خواست که "قیاده موقت" را در ایران یاری دهد. اگر به روابط دیرینه کامیل شمعون و کاظم الخلیل (پدر خلیل الخلیل) سفیر سابق لبنان در دربار ایران با شاه و اسرائیل و نیز روابط قیاده موقت با اسرائیل آمریکا و ایران بنگریم این موضوع مسئله شایان توجهی خواهد بود. چمران که به‌نوشته "پیام شهید" اکنون در باند یزدی - صباغیان - طباطبائی قراردارد و یکی از قطب‌های قدرت در داخل هیئت حاکمه می‌باشد "عامل اصلی فشار بر دولت بازگان برای عدم ایجاد روابط سیاسی با دولت ضد آمریکایی لیبی و نیز اعمال فشار بر سازمان آزادیبخش فلسطین در ایران می‌باشد" به نوشته روزنامه‌های

الشهید و پیام شهید " که از طرف محمد منتظری فرزند آیت‌الله‌منتظری منتشر می‌شد " چمران می‌خواست دولت را مجبور کند به بهانه واهمی و بی‌پایه دخالت سازمان آزادی‌بخش فلسطین در حوادث خوزستان دفتر این سازمان را در ایران تعطیل کند " که بلاخره با مداخله یک روحانی پرنفوذ ولی کم قدرت این مسئله حل شد . ولی بلاخره فتنه‌گذاری چمران و دارودسته او باعث شد که دفتر فلسطین در اهواز تعطیل شود نکته دیگر که قابل ذکر است مجامله و سازش " امل " عموماً و چمران خصوصاً " با دارودسته سرگرد " حداد " در جنوب لبنان می‌باشد . به نوشته بسیاری از روزنامه‌های لبنان تا کنون حتی یکبار برخوردی بین " امل " و سرگرد " حداد " یافی که از جانب اسرائیل حمایت می‌شود پیش نیامده است .

نکته دیگری که به عنوان استناد همکاری آقای چمران با ارجاع باید روی آن انگشت گذاشت کینه ایشان نسبت به جنبش دمکراتیک‌کردستان عراق می‌باشد در حالیکه " طالباني " با جنبش فلسطین و جنبش‌های متفرقی جهان عرب از جمله عراق روابط خوبی دارد و از یاری و کمک آنها نیز برخوردار است . دارودسته چمران سعی می‌کنند ویرا عامل حوادث کردستان معرفی کنند تا از این طریق به روابط جلال طالباني با امام خمینی که از طریق جنبش اسلامی عراق ایجاد شده لطمه وارد کنند . مجموع این دلایل نشان می‌دهد که آقای چمران در ایران چه نقش‌های دارد . او می‌خواهد با قهرمانان شدن در ماجرای کردستان در انتخابات آینده پست حساسی را قبضه کند تا به این ترتیب بهتر بتواند اهداف شوم خود و وابستگانش را اجرا کند .

ما در آینده پرونده " ولی الله فلاح " قاتل ۱۲۵ شیرازی را در روزهای قیام بررسی خواهیم کرد .

جنایتی که روی صیهونیستها را سفید کرد !

همزمان با تهاجم خونین ارتش به منطقه مهاباد مزدوران ملاحنسی

نماينده امام در اروميه و رئيس کميته انقلاب اين شهر ۶۸ نفر از زنان، کودکان و پيرمردان روستاي "قارنا" و "کاني مام سيد" در نزديکي نقده را قتل عام کردند. اين جنایت که در نوع خود بی نظير بود و روی صيونيستها و نازيهها را سفيد کرد هنگامی اتفاق افتاد که تمام مردان مسلح اين روستا از قبل خارج شده بودند و تنها افرادی که قادر به حرکت نبودند و از روستا مهاجرت نکرده بودند، در روستاهای آفتاب داشتند. عوامل اين حادثه بيشتر از افراد "قره پاپاغ" بودند که يك هفته قبل از آن وسیله ملاحضه جنایتکار مسلح شده بودند و اين عمل را به زعم خود به تلافی اعدام يك پاسداران نقده بوسيله دمکراتها در سرداشت انجام دادند. روستاي "قارنا" در حومه نقده می باشد و در جريان جنگ تحميلى نقده که دهها نفر از کردها و تركها را به خاک و خون کشید و هزاران نفر را آواره کرد، نيز ارتش و پاسداران در آن کشتار وحشيانه ای به راه انداختند. تنها در روستاي "قارنا" ۵۲ نفر از زنان و کودکان بی گناه شهيد شدند که فقط ۳ نفر بوسيله گلوله از پای درآمد و بقیه يا سربريده شدند و يا شکمشان بوسيله کارد سلاحی پاره شد.

راديو تلوزيون دولتي و روزنامه های مزدور که کشته شدن ۲ نفر از پاسداران را بزرگ کرده و با تيترهای درشت در صفحه اول خود منعکس میکنند يا اصلاً منعکس نکرده اند و يا به سادگی از کثار آن رد شدند. (اين خبر در روزنامه های کيهان و اطلاعات ۱۴ شهریور نيز با تيتر کوچکی چاپ شده است) افراد قره پاپاخ پس از آنکه افراد ارتش وارد مهاباد شد قصد داشتند به شهر مهاباد هم حمله کنند و بعد از غارت کشتار قارنا را نيز در اين شهر تکرار کنند... اما گروهي از سربازان و در جهاد ران ارتش که ناخواسته آنها را به جنگ کشide بودند تهدید کردند چنانکه اين جنایت تکرار شود آنان لوله های تفنگ را بدروی غارت گران و جنایتکاران برخواهند گرداند قسمتی از اعلاميه کرده های مقيم مرکز "خبرنامه کردستان" ايجاد نفاق بين خلق های ايران "بر انگيختن احساسات پاک مردم و استفاده از تعصبهای مذهبی بخشی از مردم بر عليه بخش دیگری از خلق های ايران را از ره آورد های دولتي می داند که او را مجری احکام قرآن می خواند.

* ۵۸/۶/۱۲ مهاباد شهر قهرمانان کرد هم سقوط کرد . شاید گروهی از خود می‌برسند که این همه شایعات و اقراقلها درمورد محکم بودن مهاباد و مسلح شدن زن و مرد و پیر و جوان چه بود ؟ واقعیت این است که مهاباد آماده مقاومت بود و قهرمانانه نیز مقاومت کرد ولی پیشمرگان کرد که تصمیم گرفته بودند تا آخرین لحظه در این شهر قهرمان پرور مقاومت کنند با توجه به تجربه سقز و اینکه ارتش تصمیم گرفته بود شهر را بمباران و به کلی ویران کند در آخرین لحظه از کشاندن جنگ به داخل شهر جلوگیری کردند . ولی ارتش وقتی وارد شهر شد نه با یک شهر زنده بلکه با شهری خلوت و شهری که هزاران نفر مردم مهاباد را ترک کرده بودند رو برو شد .

* ۵۸/۶/۱۱ گزارش سقوط مهاباد از زبان شاهدان عینی : ارتش در ۲۵ کیلومتری مهاباد - میاندوآب در درگیری سختی که بین پیشمرگهای کرد با آنها رخ داد و تا سپیده دم ادامه داشت " ارتش با از دست دادن ۷ تانک تا ۴۵ کیلومتری مهاباد عقب نشینی کرد . ۵ تانک منهدم شده و ۲ تانک نیز بدست پیشمرگان کرد افتاده است .

در تمام طول شب فانتومها در فواصل زمانی معین به آسمان مهاباد آمده و مرتبا " دیوار صوتی را می‌شکستند . در اوایل شب جنگنده‌های نیروی هوایی به پادگان شهر که در اختیار مردم بود حمله برده و با راکتها خود تا سیسات قسمتی از پادگان را به آتش کشیدند . لحظاتی بعد صدای غرش فانتومها همراه با صدای شیون کودکان و زنان آرامش شهر پرخوش مهاباد را به یکباره بهم زد ، این ارتش انقلابی بود که می‌خواست آرامش را بشهر پر خوش مهاباد باز گرداند ! از چندین نقطه شهر آتش و دود محلاتی از شهر را روش ساخته بود . در قسمت شرقی شهر مدارس " نیشتمان " و رضا پهلوی سابق مورد اصابت راکت واقع شده بود . خانه " حمکچل " قاچاقچی شهر بکلی ویران شده است . لحظاتی پس از رفتن فانتومها آرامش نسبی دوباره به شهر باز می‌گردد و صدای ناله کودکان و زنان در سکوت شب طنبی افکن است . لحظاتی بعد دوباره آرامش شهر با غرش فانتومها درهم پیچید ، واين بار محله فقير نشين " مجبوراوا " و " كوشين آوا " موردت‌ها جم قرار گرفت و در اين محله ها

دهها خانه ویران شده "تعداد کشته‌ها به علت خالی بودن خانه‌ها کم است" ۲ نفر سکته قلبی می‌کنند و ۱۰ نفر نیز براثر تیراندازی و تخریب خانه‌های خدمی شده‌اند. در محله شیرخورشید نیز چندین خانه براثر حمله فانتومها ویران می‌شود تیراندازی با مسلسل‌های ۵۷ میلی‌متری صورت می‌گرفت. قسمتی از کانون کارآموزی شهر نیز در اثر اصابت راکت منهدم شد. شهر در چندین مسیر به رگبار مسلسل بسته شد شیشه‌ها خرد شده آثار گولوله‌ها روی پشت‌بامها و حیاط خانه‌ها و کف خیابانها هنوز باقی است. تعداد فانتومها ۱۲ فروند بوده که در گروههای ۳ به عملیات می‌پرداختند. حمله فانتومها به مدت ۲۵ ساعت از ۱۱ شب ۱۱/۶ تا ساعت ۱۹ روز ۱۲/۶ ادامه داشته است. در تمام این مدت تپه‌های اطراف شهر و محلات فقیرنشین و حومه شهر مورد تهاجم مسلسل‌های ۷۵ میلی‌متری و بمباران و پرتاب راکت بوسیله ارتش جمهوری اسلامی بوده است.

در سرتاسر شب ۱۱/۶ و ساعت نخستین بامداد ۱۲/۶ گذرگاههای منتهی به شهر مهاباد، صحنه شدیدترین پیکار بین ستونهای زرهی اعزامی از پادگانهای مختلف و هلی‌کوپترهای کبرا و فانتومها از یک طرف و پیشمرگان کرد از طرف دیگر بود. ستونهای ارتش که از جانب میاندوآب تا ۲۵ کیلومتری مهاباد آمده بودند. براثر پیکاری سخت و قهرمانانه تا شهر میاندوآب ۴۵ کیلومتری مهاباد عقب رانده شدند. این درحالی بود که شهر مهاباد در زیر شدیدترین حملات فانتومهای ارتش اسلامی بود. هر آن بیم آن می‌رفت که شهر با خاک یکسان شود. "پیشمرگان در سنگرها نگران مهاباد بودند زیرا تجربه جنگ سقز نشان می‌داد که در صورت مقاومت بیشتر پیشمرگان" ارتش دست پرورده امپریالیسم به بمباران بقیه محلات پر جمعیت شهر نیز مباردت می‌ورزید. بهر حال می‌بایست ضعف ناشی از تمرد بسیاری از ارتشیان را با سرکوبی هرچه شدیدتر خلق دلیر کرد جبران کنند. بالاخره شهر مهاباد در شامگاه ۵۸/۶ سقوط کرد.

* پیشمرگها در منطقه دوا آب بین نقده و پیرانشهر موفق شدند یک فروند فانتوم را سرنگون کنند. علاوه بر این در روز ۱۱/۶ در حومه مهاباد سه فروند

هليکوپتر كبرا سرنگون شده است.

* حدود ۵ تا ۷ هزار پاسدار و افراد ارتش جمهوري اسلامي در مهاباد مستقر هستند. تمام راهها و تپه‌های اطراف شهر را تانکها احاطه کرده‌اند، خیابانهای منتهی به پادگان را بفاصله چندين کيلومتر ستونهای زرهی ارتش جمهوري اسلامي اشغال کرده‌اند و تعداد تانکها را در حدود ۲۵۰ - ۲۰۰ فروند گزارش داده‌اند برای سومين روز متوالی ادارات و بانکها و مغازه‌ها در شهر تعطيل بوده و بندرت کسی در خیابانها دیده می‌شود. وضع شهر آرام است افراد پاسدار و ارتشي گاه‌گاهی در گروههای ۲۵ نفری در خیابان‌ها ظاهر می‌شوند. پاسداران جرات ندارند در داخل شهر حرکت کنند. مردم با کینه و نفرت به آنها نگاه می‌کنند.

ارتش وارد شهر مهاباد شد. آيا فردا روستاهای کردستان را اشغال نظامی خواهند کرد؟ چگونه با توده خلق که خواهان ابتدائي ترین حقوق سياسي اجتماعي خود هستند، مقابله می‌کنند. اين خواست، خواست يك حزب يا يك گروه نیست، این خواست حق کرد و ديگر خلقهای ستمدیده ايران است. دولت بازرگان قدرت توده‌ها را ناچيز می‌شمارد و با امپرياليسم پيوندهای محکم دارد.

چهره مصمم و قامت چون کوه آن انقلابی کرد در موقع اعدام حقانيت خلق کرد را ثابت نمی‌کند؟

مهاباد - بعد از کمتر از ۴۸ ساعت از یورش نظاميان و پاسداران به شهر مهاباد اين شهر شاهد تظاهرات هزاران نفر از پيرمردان، پيرزنان و نوجوانان بود. (مردان و زنانی که توانائي حمل سلاح را داشته‌اند از شهر خارج شده‌اند) تظاهرکنندگان در حالیکه سرودهای انقلابی کردي می‌خوانند و عکسهاي از شيخ عزالدين حسيني و شهدای کرد را حمل می‌کرددند ابتدا در جلوی فرمانداری جمع شدند و سپس به طرف خانه شيخ بهراه افتادند تظاهرکنندگان که هر لحظه بر تعدادشان افزوده می‌شد. در خیابانها بهراه افتادند، و به جلوی

خانه، شیخ عزالدین رسیدند. تظاهرکنندگان شعار می‌دادند:

"شیخ عزالدین سروره، بوکردستان رهبره" "راه ری راست قینه ملا شیخ عزالدینه" (رهبر راستین خلق کرد ملا شیخ عزالدین است) بعد از مدتی توقف در جلوی خانه شیخ عزالدین حسینی مردم مجدها" در خیابانها به تظاهرات پرداختند. در این هنگام ارتش و پاسداران تظاهرکنندگان را محاصره کردند. مردم شعار دادند "ارتش برادر ماست - پاسدار دشمن ماست" آنها همچنین شعار می‌دادند جنگ برادرکشی به خلق کرد تحمل شده است. تظاهرکنندگان که تقریباً تمامی خیابان‌های شهر را پیمودند خواستار خروج پاسداران تحریک شده و آزادی مبارزان کرد و پایان دادن به تفتیش عقاید شدند. این تظاهرات تا پاسی از شب ادامه یافت در جریان این تظاهرات پاسداران اقدام به تیراندازی هوائی کردند، ولی موفق به متفرق کردن تظاهرکنندگان نشدند.

مهاباد - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان، حزب دمکرات، وساير نیروهای دمکراتیک با انتشار بیانیه‌های اعلام کردند عقب‌نشینی نیروهای پیشمرگ از شهرهای بانه، سقز، مهاباد، و نقده و پیرانشهر به معنای شکست جنبش ملی خلق کرد نیست و آنها به جنگ چریکی خود ادامه‌می‌دهند. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نیز با انتشار یک اطلاعیه ۶ صفحه‌ای ضمن تجزیه و تحلیل وقایع کردستان دولت را مسئول لشکرکشی و کشتار کردستان معرفی کرد.

تهران - یکی از گروههای سیاسی اقدام به تکثیر شماره اول خبرنامه کرده بود که ممنونیم، ولی گله‌داریم که چرا نام آن را تغییر داده‌بود. گله، دیگر اینکه بعضی از خبرها را حذف کرده بود که با روش خبرنامه کردستان که انتقال آزادانه خبر است منطبق نبود و این روش یعنی حذف بعضی از خبرها از خبرنامه گردستان بدور از صداقت انقلابی است.

با عرض پوزش اطلاع یافته‌یم که خبر دستگیری خانم فریده قریشی عضو مبارز شورای شهر ارجاع‌زده سندج و نیز دستگیری علی اشرف درویشیان

نویسنده مبارز کردستان صحت نداشته که بدین وسیله تکذیب می‌شود.
 کلیجی معاون استانداری کردستان نیز به بندرعباس تبعید شده است و
 دستگیری وی بیش از ۲۴ ساعت دوام نیافته. شکیبا استاندار کردستان که از
 اعضاي جمعیت ۱۴ نفره اسلامی احمد مفتی‌زاده در تهران است به جای
 کلیجی ناصر دبیری را بعنوان معاون خود معرفی کرده است. گفته می‌شود
 بر سر تقسیم پستهای اداری در کردستان بین طرفداران مفتی‌زاده اختلاف
 افتاده است. همچنین بدنبال حوادث جاری کردستان و گزارش‌های نادرستی
 که مفتی‌زاده مستقیم و غیر مستقیم داده بود مردم پیش از پیش از وی متنفر
 شده و حتی شایع کرده‌اند که گویا "ملا احمد" سندنج را ترک کرده و در
 کرمانشاه مقیم شده است. گفته می‌شود بزودی چند تن از اعضاي جمعیت ۱۴
 نفری برای اشغال پستهای مدیر کلی و فرمانداری به کردستان بر می‌گردند.
 "تا قحط الرجال اسلامی در کردستان را جبران کنند!"

قم - سیل مهاجرت مردم از شهرها که بوسیله پاسداران اشغال شده
 همچنان ادامه‌دار و تهدید و تحبیب‌های رهبران مذهبی و نظامی و سپاه
 پاسداران نتوانسته کوچکترین ناشیتی در اراده مردم که همان اداره
 شهر و دیار خود بدست خودشان می‌باشد بگذارد آیت‌الله خمینی در ملاقات
 با بعضی از روسای عشایر و قبائل‌ها که میان خلق‌کرد پایکاهی ندارند، از
 آنها خواسته بود که مانع کوج مردم شوند. برای اطلاع امام خمینی باید
 بگوئیم نه تنها این عده نمی‌توانند مانع کوج کردها شوند بلکه خود آنها یکی
 از عوامل اصلی حوادث کردستان و در نتیجه کوج کرده‌های باشند. (اطلاعات
 پنجشنبه ۱۵ شهریور ص ۳).

* - در میان عناصر نظامی که به کردستان گسیل شده‌اند ستون
 نقش‌بندی نامی است که برای مردم ایران ناآشنا است ولی زندانیان سیاسی
 و خانواده آنها این افسر کثیف را خوب می‌شناسند. او یکی از جلادان رژیم
 در زندان قصر بود و افسر مأمور صدور کارت ملاقات. خانواده مبارزان ایران

می دانند که او چه عنصر پستی است، و چگونه هزاران بار به خانواده های زندانیان توهین کرده و یا آنها را مورد ضرب و شتم قرارداده است. امروز عناصری از این قبیل حامی جمهوری اسلامی شده و بعنوان فرمانده ستون اعزامی داوطلبانه به کردستان رفته اند، واعلام داشته که حاضر است جان خود را در راه ایران فدا کند! آیا اینها دشمنی خود را با خلقهای ایران قبله ثابت نکرده اند؟

* - در سقز مردم همچنان دست به راه پیمائی و تحصن های پی در پی می زنند و خواهان آزادی بی قید و شرط زندانیان کرد می باشند. اعدام و تبعید مبارزان کرد موجی از تنفر و انزواج در میان مردم بوجود آورده است. این اعدام های جنایتکارانه آن چنان چهره رژیم را برای مردم عیان ساخت که حتی موافقان قبلی را نیز به ماهیتشان آشنا و متصرف کرد. شکیبا استاندار دولتی کردستان در مصاحبه ای با خبرگزاری پارس که در تمام روزنامه های روز یکشنبه ۱۱/۶/۵۸ منعکس شد اعلام داشت. اعدام های کردستان آنقدر ظالمانه بود که حتی موافقان دولت را نیز بدین کسر شنیدند و اضافه کرد هاست در کردستان هیچ کس از این اعدام ها خوشحال نشد. بعبارت دیگر آش آنقدر شور بود که خان هم فهمید! بدنبال گسترش تنفر و انزواج مردم بود که هیئتی برای رسیدگی به پرونده دستگیر شدگان کردستان از سوی دادستانی کلانقلاب به این استان اعزام شد. ولی این هئیت زمانی به کردستان رفت که بیشتر از ۱۰۰ نفر بیکناه در ارتباط با حوادث کردستان اعدام شده بودند و به این ترتیب رفتن این هیئت نمی تواند خون این شهداء را پاک کند. چون خون جز با خون پاک نمی شود.

* در بوکان تقریباً هر شب به پاسداران و نظامیان مستقر در این شهر حمله می شود و بعد از وارد کردن تلفاتی چریکهای مسلح کرد عقب - نشینی می کنند. "سنار مامدی" در منطقه سلاماس همچنان مقاومت می کند، و بجز گروه محدود از خود فروختگان رژیم شاه که اعلام همبستگی کرده تمامی عشاپر شکاک از سنار خان حمایت می کنند.

* گروهی از پیشمرگان کرد به یک واحد نظامی در مریوان حمله کردند.

در جریان این حمله که دو ساعت طول کشید گروهی از نظامیان از جمله استوار سید محمد زاهد الیاس به شدت مجروح شدند.

* طی چند روز گذشته بیش از ۱۵ نفر در مهاباد دستگیر شده‌اند، مردم شبهه در مهاباد اعلامیه و تراکت پخش کرده و بر روی دیوارها شعارهای علیه پاسداران اشغالگر می‌نویسند. مردم مهاباد با استقرار ارتش مخالفتی ندارند ولی ناکنون دوبار علیه پاسداران تظاهرات کرده‌اند و شعار ارتش برادر ماست پاسدار دشمن ماست را داده‌اند.

سردشت - شلیک یک گلوله توب از داخل پادگان سردشت به سوی شهر موجب شد که ده‌نفر از اهالی بی‌گناه شهر سردشت کشته شوند. گزارش‌های رسیده از سردشت حاکی است که چمران در این شهر می‌باشد و می‌خواهند بزودی بطرف بیوران واقع در ۱۵ کیلومتری مرز عراق حرکت کنند. صدها جوان سردشتی به انقلابیون کرد ملحق شده و شهر را ترک کرده‌اند علاوه بر این هزاران خانواده مهابادی، پیرانشهری، سردشتی برای پناهندگشدن به عراق بطرف مرز این کشور در حال حرکت هستند.

* رحمن شمامی رئیس بناصطلاح شورای انقلاب سردشت که از سر - سپردگان رژیم پهلوی بود و در روزهای بعد از انقلاب مزورانه به مردم ملحق شده‌بود بعد از ورود ارتش به مهاباد ناگهان موضع خود را مجدداً "تغییرداد" و به جمهوری اسلامی اعلام وفاداری کرد و بر علیه مردم اعلامیه پخش کرد. وی که مقداری از اسلحه‌های پادگان سردشت را پنهان کرده‌بود می‌خواست به این وسیله خود را تطهیر کند. ولی نیمه شب ۱۴ شهریور پیشمرگان به خانه وی حمله کرده و ۶۰ قبضه تفنگ و هزاران عدد فشنگ از خانه وی کشف کرده‌اند که مصادره شد، شمامی اکنون نقش دار و دسته ملاحمد مفتیزاده را در سردشت اجرا می‌کند و خانه مبارزان شهر را به عوامل "چمران" نشان می‌دهد.

حسین آرمان دادستان انقلاب مهاباد گفته است: شورای انقلاب مهاباد که از طرفداران گروههای چپی بوده‌اند بزودی منحل و یک شورای

جديد ، که ماهیت آن از قبل معلوم است ، جای آن را خواهد گرفت .

سقز - در سقز وضع شهر آرام است ارتش و پاسداران همچنان در اين شهر می باشند دهها نفر از مردم شهر که در خانه های خود دستگیر شده بودند ، همچنان در بازداشت بسر می برند . دکتر فریدون صالحی و دکتر حسین وثوقی دو پژوهشگر شهر و سیلۀ خلخالی به مدت دو سال به بیرجند و سیرجان تبعید شدند .

سردشت - ارتش برای ورود به شهر سردشت از حیله های استفاده کرد . ابتدا از طریق عوامل خود از جمله رحمان شامی اطلاع داده بود یک هلی کوپتر که حامل مواد غذایی و دارویی است وارد سردشت می شود ولی وقتی این هلی کوپتر فرود آمد تکاوران و کلاه سبزها را پیاده کرد ، و بدنبال آن درگیرهای اتفاق افتاد و شهر بدرافت بسته شد سرانجام افراد مسلح برای جلوگیری از کشته از مردم شهر و بمباران آن از سردشت خارج شدند از تلفات مردم اطلاع دقیق در دست نیست .

بانه - شهر بانه همچنان در حال تعطیل می باشد و اکثریت مردم شهر را ترک کرده اند . ارتش برای ورود به شهر بانه تلفات سختی متحمل شد ، پیشمرگان کودتا زمانی که ارتش به ۶ کیلومتری شهر رسید مقاومت کردند . ولی چون فانتومها بر فراز شهر بانه به پرواز درآمده بودند و احتمال آن بود که شهر را بمباران کنند پیشمرگان دیگر مقاومت نکردند و عقب نشینی نمودند . تلفات ارتش و پاسداران را در جریان یورش به بانه بیش از ۷۰ نفر گزارش داده اند .

سقز - آخرین آمار تلفات ارتش و پاسداران در سقز ۶۳۵ نفر اعلام شده است که آمار مجروحان ، کشته گان و مفقود شدگان را در بر می گیرد .

سلماس - سنا مامدی و افراد او هر شب به پادگان سلاماس حمله می کنند و بعد از چند ساعت درگیری عقب نشینی می کنند . شایعه تسلیم گروهی از رؤسای ایل شکاک صحت ندارد و سنارکه در میان مردم از نفوذ و اعتباری خاص برخوردار است اکثریت قاطع شکاکها را با خود همراه کرده است . سنار در زمان رژیم شاه سالها بعلت فعالیت های سیاسی در زندان بوده است و با جنبش مسلحه کردستان در سال ۴۶ - ۴۷ هم ارتباط داشت .

بانه - مردم رزمنده بانه ۱۷ شهریور با بهراه انداختن تظاهرات وسیعی مخالفت خود را با استقرار پاسداران در بانه و اشغال شهر اعلام داشتند. هزاران نفر از مردم در حالیکه عکسهای از سید عزالدین حسینی و شهدای کردستان را در دست داشتند در خیابانهای شهر بهراه افتادند و شعاردادند. "ارتش برادر ماست، پاسدار دشمن ماست" تظاهر کنندگان پلاکارد بزرگی با خود حمل می‌کردند، که روی آن نوشته شده بود شیخ عزالدین حسینی رهبر واقعی خلق کرد می‌باشد، در ضمن تظاهرات ناگهان پاسداران به مردم حمله کردند و مردم هم در صدد مقابله برآمدند. پاسداران دست بهتیر - اندازی زدند و مردم با پرتاب سنگ و چوب با آنها مقابله نمودند، بعد از دستگیری ۲۳ نفر و جنگ و گریز چند ساعته در سطح شهر تظاهرکنندگان متفرق شدند. آتشبار پیشمرگان کرد یک هلیکوپتر کبری را در نزدیکی بانه ساقط کرد، این هلیکوپتر مطلع از مهماتی بود که از سرداشت و ارومیه بهمانه آورده می‌شد. این دهمین هلیکوپتر ارتش بود که تاکنون در کردستان سقوط کرده است. ارتش در کردستان تاکنون ۳ فانتوم اف ۴ و دهها تانک را ازدستداده است.

زنگ با رنگ پاک نمی‌شود

* وقتی ارتیاع و امپریالیسم مانع تداوم انقلاب ایران می‌شوند، عناصری که در جریان قیام قهرمانانه خلقهای ایران عمیقاً "انقلابی" بودند، نقش ضد انقلاب را بازی می‌کنند. همه بیاد داریم چگونه نظامیان با سلطهای رنگ در شب‌های حکومت نظامی تهران به راه می‌افتدند و شعارهایی را که مردم نوشته بودند پاک می‌کردند و بهجایش شعارهایی بر علیه مخالفان و به طوفداری از شاه می‌نوشتند. اما مردم در برابر این عمل، شعار معروف زنگ با رنگ پاک نمی‌شود را نوشتند. اکنون هم این ماجرا در مهاباد تکرار شده و پاسداران شبها در خیابانها بهراه می‌افتدند، و بر علیه شیخ عزالدین حسینی شعار می‌نویسند. عمل آنها با تنفس و انججار مردم رو برو شد و نزدیک بود

شهر یکارچه به خیابان بریزد که پاسداران مجبور شدند با سلطهای رنگ
شارهای ضد سید عزالدین را پاک کنند. اما مگر ننگ عمل پاسداران و
ارتعاعیون با رنگ پاک می‌شود؟

* خلخالی جlad کردستان در جلسه‌ای با مردم مهاباد طبق روای
همیشگی به تهدید مردم و منع آنها از تظاهرات پرداخت. در این جلسه
قطعنامه‌ای خوانده شد و بار دیگر مردم بر حقانیت خواسته‌های خود و رهبری
عزالدین حسینی تائید کردند متن این قطعنامه در ۷ ماده تنظیم شده بود
و همانطور که انتظار می‌رفت از طرف خلخالی رد شد.
در این قطعنامه آمده است که: ۱- به رهبران سیاسی و مذهبی کرد که خون
آنها با خون ملت کرد یکی است هیچ‌گونه توهین نشود. ۲- پاسداران حق
ورود به شهر و دهات کردستان را نداشته باشند. ۳- عفو عمومی برای تمام
ملت کرد که شامل سران حزبی هم باشد. ۴- تشکیل نشدن دادگاه‌های
انقلابی در مهاباد. ۵- آزادی برادران کرد که در مهاباد دستگیر شده‌اند.
۶- عفو عده‌ای از برادران ارتشی که در مهاباد خدمت می‌کرده‌اند و اکنون
در پادکان ارومیه زندانی هستند. ۷- از اعدام برادران کرد ارتشی در شهر
سنندج جلوگیری شود.

بوکان - در تاریخ ۱۶/۶/۵۸ در بوکان تظاهرات سختی صورت گرفته که
بنا به گزارشات ۲۰۰۰ نفر در این تظاهرات شرکت داشتند. و شعارهایی به
طرفداری از شیخ عزالدین حسینی می‌دادند و خواستار بازگشت حسینی به
مهاباد بودند، آنها شعار می‌دادند. "ارتش برادر ماست - پاسدار دشمن
ماست. تا آخرین قطره خون خود در راه خودمختاری می‌جنگیم. پاسداران به
طرف تظاهرکنندگان تیراندازی کردند که در نتیجه یکنفر کشته و ۲۲ نفر
زخمی و ۸۴ نفر دستگیر شدند، مردم شب را تا صبح در خیابان گذراندند.
تا این عده بهجای دیگر منتقل نشوند.

* از سفر گزارش رسید بدنبال تظاهرات هر روز زنان در شهر سقز، یک
عدد از زنان با کارد و چاقو به طرف پاسداران حمله کردند. زنان هر روز در
کوچه و بازار و خیابان فریاد می‌زنند "هرچه زودتر ای پاسدار از سفر خارج

* - ۱۶/۶/۵۸ ساعت ۵ صبح پیشمرگان کرد به ارتش که در اطراف
بانه مستقر شده است حمله کردند. در این حمله ۴ نفر ارتشی کشته و عده
زیادی زخمی شده‌اند، پیشمرگان به سلامت به پایگاه خود بازگشتند.
تعداد مستشاران نظامی آمریکائی که در روزهای اوج قیام کاوش یافته
بودند مجدداً "افزايش یافته و بنوشه" بعضی از روزنامه‌های خارجی به ۸
هزار نفر رسیده است. قرار است گروهی از این مستشاران برای ترمیم دکل
مخابراتی رادار مستقر در سقز به‌این شهر بروند. این گروه جزء ۵۲۰ نفری
هستند که در شرکت "بل" کار می‌کنند. هفته گذشته ۲۵۰ نفر مستشار
جدید آمریکائی وارد ایران شد، که در هتل کنستینانتال سکونت داشتند.
در میان این عده متخصصان جنگهای چریکی نیز هستند که مدت‌ها در
ویتنام بوده‌اند. اخیراً آمریکا یک فروند "آواکس" به ایران تحويل داده
است. قرار است از این "آواکس" همراه با مستشاران نظامی آمریکائی در
کردستان استفاده شود.

* آیت‌الله حاج سید محمود طالقانی مجاهد نستوه در آخرین ساعاتی
که این خبرنامه آماده انتشار بود در گذشت. خبرنامه کردستان. در گذشت
این شخصیت عالیقدر و ضد امپریالیسترا به همهٔ خلقهای ایران تسلیت
می‌گوید و برای خانوادهٔ آنحضرت صبر و شکیبائی آرزو می‌کند.

حمله به جمعیت کردهای مقیم تهران - هفته گذشته پاسداران مسلح
برای دومین بار به دفتر جمعیت کردهای مقیم مرکز حمله کرده و بعد از بازرسی
و ضبط مقداری از وسایل این جمعیت ۴ نفر از اعضای آن را بازداشت کردند.

جمعیت کردهای مقیم مرکز در تلگرامی به دادستانی کل انقلاب، وزیر دادگستری و دادسرای انقلابی یورش مسلحانه به دفتر جمعیت را محاکوم کرد، و از دادستانی کل خواست مانع ادامه حملات افراد مسلح به دفتر جمعیت شوند. ۴ عضو بازداشت شده جمعیت کردهای مقیم مرکز بعد از ۴۸ ساعت آزاد شدند.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و نوکران داخلیش
مستحکم باد پیوند خلقهای تحت ستم ایران

طرفداران جبههٔ متحد کردستان

۵۸/۶/۱۹

هموطنان مبارز اکنون که ششمین شماره "خبرنامه کردستان" را برای شما آماده می‌کنیم، می‌خواهیم پرده از جنایاتی دیگر از اعمال این رژیم که زیر نام اسلام و مذهب صورت می‌گیرد بروداریم. این جنایتها همه در حالی صورت می‌گیرد که مدعیان اسلام و تساوی همه اقوام و اقلیتها و ... دست به حرکاتی زده‌اند که روی صهیونیستها و اشغال‌گران را در ویتنام و فلسطین سفید درده‌اند. درحالیکه بوق و کرناهای دولتی هر روز اعلام می‌کنند: کسانی که تسلیم شوند از کیفر بیدادگاههای خلخالی معاف خواهند شد، هر روز دهها نفر به اعدام، حبسهای طویل‌المدت و تبعید و یا مصادره، اموال محکوم می‌شوند. نمونه برجسته این اعمال ننگین را باید در محکمه ۱۰ نفر از اهالی بوکان نام برد. که این ده نفر هیچ ارتباطی با حزب دمکرات نداشته‌اند ولی آنها را به نام سران حزب دمکرات به ده سال زندان در شیراز محکوم کرده‌اند. جالب توجه اینکه اینروزها هر کس را می‌گیرند به بهانه اینکه از سران حزب دمکرات است محکوم می‌کنند. معلوم نیست سران حزب دمکرات چند نفر هستند. شواهدی که در طی حوادث اخیر کردستان بدست آمده و نیز حوادثی که هر روز رخ می‌دهد، حکایت از شکنجه‌های وحشیانه‌ای دارد که مدعیان اسلام و انسانیت هر روز مرتكب می‌شوند.

اخیراً دست‌آموزان امپریالیسم و ساواک شاه برای بدست آوردن اسلحه

و گرفتن اعتراف از اسیران اقدام به شکنجه‌هایی از نوع ساواک می‌کنند، و فرزندان راستین کردستان را به بهانه‌های واهی به شدیدترین وجهی شکنجه می‌کنند. ابتدا از اسرا می‌پرسند، شما مسلمان هستید؟ رهبران شما چه کسانی هستند؟ که اگر کفته شود شیخ عزالدین حسینی او را به شدت شکنجه می‌کنند. به گفته کسانی که از اسارت این جلادان خلاص شده‌اند شکنجه گران نفرت عظیمی از مردم کردستان دارند. در یک مورد ۸ نفر از جوانان مهاباد را بعد از دستگیری وادر می‌کنند که اشهد خود را بخوانند و سپس آنها را برای اعدام آماده می‌کنند. به آنها می‌گویند می‌خواهیم شما را اعدام کنیم، ما فقط موفق به شناسائی نام ۴ تن از این اسیران شده‌ایم که به دلائل امنیتی فقط اسامی کوچک آنها را منتشر می‌کنیم. (قادر، صدیق، طه، جعفر) پاسداران ابتدا چشمها و دستهای این اسیران را می‌بندند و سپس در گروههای ۴ نفری به کنار دیوار می‌برند تا باصطلاح تیرباران کنند. بعد به گروه بعدی که این جریان را شاهد بودند مراجعه کرده و از آنها می‌خواهند اعتراف کنند که با احزاب و گروههایی که در کردستان فعالیت دارند همکاری کرده‌اند و چنانچه آنها استنکاف نمایند مجدداً. فیلم را تکرار می‌کنند.

نمونه دیگر این شکنجه‌ها این است که چشم اسیران را می‌بندند و آنها را وادر می‌کنند که در مسیر خاصی که در آن موانع گذاشته‌اند بدوند و چنانچه به موانع برخورد کردن آنها را با قنداق تفنگ می‌زنند. شلاق زدن و استفاده از کابل و سیمهای کلفت از دیگر موارد شکنجه است که بسیار رواج دارد. در موارد دیگر اسیران را تا سه شب‌نوروز بیخوابی می‌دهند. بعضی موقع سر اسیران را بصورت مارپیچی یا چهارراه می‌ترشاند و سپس یکطرف سبیل آنها را تراشیده و پاسداران باصطلاح آنان را مسخره می‌کنند. این است کارکرد پاسداران و حاکم شرع در کردستان. ولی آیا اینها خود خائین به اسلام و ایران نیستند؟ ما از مردم واقعاً می‌خواهیم موضع خود را در برابر این جنایات روشن کنند. و در افشاء این جنایات که بهنام مودم صورت می‌گیرد نیروهای متفرقی را یاری دهند.

پاسدارهای شجاع و شاهکارهای آنان در کردستان!

شنبه ۵۸/۶/۲۴ گروهی از پیشمرگان کرد به داخل شهر رخته کرده بودند به محل سابق ستاد چریک‌های فدایی که اکنون به اشغال پاسداران در آمده حمله کردند. در این حمله برق‌آسا دونفر از پاسداران کشته شده و پیشمرگان به سلامت از محل دور شدند. دهها نفر از پاسداران که در داخل ساختمان بودند و از این حمله در قلب شهر غافلگیر شده بودند، بیرون ریختند و بدون هدف تیراندازی می‌کردند. آنها ناگهان بهیک اتومبیل حامل نظامیان ایست داده و بلا فاصله به روی آنان آتش می‌گشایند. درنتیجه یک گروهیان دوم کشته و سه‌نفر دیگر زخمی می‌شوند. مردم مهاباد نسبت به نظامیان بی‌تفاوت هستند ولی از پاسداران شدیداً نفرت دارند و هر کجا که پاسداران قدم می‌گذارند مردم آنجا را ترک می‌کنند. مثلًا "هنگامی که پاسداران به اغذیه‌فروشیها و یا قهوه‌خانه‌ها می‌روند مردم آنجا را ترک می‌کنند. در اغلب شهرهای کردستان فروختن جنس و حرف زدن با پاسداران تحریم شده است. این مسئله در میان پاسداران موجب نارضایتی شدید شده است.

خلخالی دیوانه هفته قبل رئیس آموزش و پرورش شهر را احضار کرده و از او می‌خواهد که لیست معلمان مترقی و آزادیخواهرا که از نظر او باصطلاح "ضد انقلابی" می‌باشد بهوی بدهد ولی رئیس آموزش و پرورش از این کار سرباز می‌زند. خلخالی که بهشت ناراحت شده ابتدا به تعریف و تمجید رئیس آموزش و پرورش می‌پردازد ولی بعد از امتناع او از آدم‌فروشی با توهین‌های حاکم ضد شرع روبرو می‌شود. خلخالی همچنین صاحبان کتابفروشیهای شهر را احضار کرده و از آنها خواسته کتابهای کمونیستی و به قول خودش "دمکراتی" را نفروشند.

پس از اشغال شهر مهاباد گروهی از رزم‌ندگان کرد بنام "شهید" اعلام موجودیت کرده‌اند. این گروه به همه عوامل مرتاجع و مزدور اخطار کرده است برای شهادت در راه آرمان خلق کرد آماده است و در صورتی که

آنها اقدام به لو دادن افراد و گروههای مبارز بنمایند ترور خواهند شد. در ارتباط با همین مسئله همچنانکه در خبرهای روز نامه‌ها نیز ملاحظه شد ۴ تن از مزدوران و اواباشان منطقه سلاماسرا که با رژیم ضد خلقی اعلام همبستگی کرده بودند ترور کردند. ترور قلی بیگ‌هرکی، در ارومیه هم در رابطه‌ها همین مسئله و توسط همین گروه انجام شده است.

خبر رسیده از اشنویه حاکیست که بین تعدادی از عوامل قیادهٔ موقت با جوانان و مردم اشنویه بر سر مسائل سیاسی کردستان بگومگوئی در می‌گیرد و در نتیجه و پس از پرخاش زیادی که افراد قیادهٔ موقت به مردم اشنویه می‌نمایند یکی از جوانان اشنویه افراد قیادهٔ موقت را تهدیدهی کند که اگر در مسائل سیاسی کردستان دخالت کنند لاشه ملامصطفی بارزانی را نبش کرده و تحويل قیادهٔ موقت می‌دهند. افراد قیادهٔ موقت که معمولاً "آزادانه مسلح هستند دست به اسلحه بردند و ۳ تا ۸ نفر از مردم دلاور اشنویه‌را به قتل می‌رسانند.

روز یکشنبه تظاهرات وسیعی برای اعتراض به اشغال کردستان و پشتیبانی از زندانیان سیاسی در میدان آزادی سنتنج انجام شد. شماره تظاهرکنندگان بسرعت زیاد شده و شعار "پاسداران کردستان را ترک کنید" و "زندانیان سیاسی آزاد باید گردند" در فضای آزاد اندیار می‌شود. پاسداران در محل حاضر شده و شروع به تیراندازی می‌کنند و در جریان این تیراندازی چند نفر مجرح می‌شوند. در شهر سنتنج بین طرفداران مقتیزاده و پاسداران پس از به تصویب رسیدن ماده ۱۳ قانون اساسی اختلاف افتاده است - سه تن از پاسداران در مسجد جامع عکس مقتیزاده را پاره گردند. گروهی از طرفداران مقتیزاده تحت عنوان "مدافعان اسلام" در شهر اعلامیه پخش کردند و به آیت‌الله خمینی گفته‌اند: "شیخ اسماعیل صفوی را زنده نکند". در تظاهرات سنتنج تعداد زیادی از جوانان را گرفته‌اند که تاکنون بیست نفر از آنها آزاد شده‌اند. یکی از دستگیر شدگان ناصو کریمی است که برادر خود را در جریان انقلاب از دست داده است. پس از دستگیری وی مادرش عکس فرزند شهیدش را در دست می‌گیرد و می‌گوید من یک پسرم را

در راه انقلاب از دست داده‌ام و حاضرم این یکی را هم فدای کردستان کنم.

مهاباد — به دنبال حمله دیروز پاسداران به بهداری مهاباد که با نارنجک صورت گرفت و منجر به زخمی شدن چند تن از کارمندان و بهیاران گردید در ساعت ۲ بعداز ظهر همان روز ۶/۲۷ در مدخل بازار یکی از بستکان یک نفر از مجروهین حادثه بیمارستان، با اسلحه کمری به راننده یک خودرو حامل پاسداران حمله کرد و او را به قتل رساند. با کشته شدن این پاسدار که حسین قاینیان نام داشت، پاسداران به شهر ریخته در اطراف محل حادثه کلیه کسبه، عابران و مغازه‌داران را بازداشت می‌کنند که تعداد آنها حدود ۷۴ نفر می‌باشد متعاقب این جریان مردم مغازه‌ها را تعطیل کرده و در خیابانها به تظاهرات می‌پردازند و خواستار خروج پاسداران از شهر می‌شوند. تظاهرکنندگان که به نفع شیخ عزالدین حسینی شعار می‌دادند تا پاسی از شب در خیابانهای شهر در حرکت بودند.

روز چهارشنبه ۶/۲۸ از نخستین ساعات روز بیش از یک هزار نفر در جلو فرمانداری و میدان قاضی محمد جمع شده و خواستار آزادی بازداشت شدگان روز قبل شدند. بتدريج بر تعداد اجتماع کنندگان افزوده شد و به ۵ تا ۷ هزار نفر رسیدند. پاسداران چندبار با شلیک تیر هوائی کوشش کردند تظاهرکنندگان را پراکنده سازند ولی تظاهرکنندگان به راهپیمایی و شعار دادن پرداختند که پس از برخوردهای لفظی بين پاسداران و مردم، پاسداران بسوی تظاهرکنندگان آتش گشودند و در مقابل تظاهرکنندگان هم به تیراندازی پرداختند. برخوردها تا ساعت یک بعد از ظهر ادامه‌داشت و پاسداران با نارنجک به چند نقطه شهر حمله کردند و در نتیجه سه نفر دو بچه و یک روستائی دوغ فروش به شدت مجروح شدند. در طول تظاهرات که از روزهای انقلاب باين طرف بي نظير بوده هلى كويترها مرتب پرواز شناسائي می‌کردند و ۳ فروند اف ۴ بمدت یک ساعت بر روی شهر به پرواز درآمدند و ددها بار دیوارصوتی را شکستند. نفرات ارتش مستقر در پادگان مهاباد در اين درگيريهای دخالتی نكردند.

صبح روز ۵۸/۶/۲۸ هشتاد و چهار داش آموز دختر که در سطح شهر اعلامیه پخش می‌کردند بوسیله پاسداران دستگیر شدند. تحت فشار افکار عمومی دهنفر از دستگیرشدگان روز قبل آزاد شدند ولی هنوز بیش از ۶۴ نفر در بازداشت بسرمی برند. ازسوی دیگر بنا به نوشته روزنامه کیهان ۵۸/۶/۲۸ حزب دمکرات به پاسداران اخطار کرده که از مهاباد و دیگر مناطق کردنشین خارج شوند. در اعلامیه آمده است: ما شکست نخورده‌ایم و فقط به خاطر حفظ شهر و آرامش مردم مهاباد سنگرهای خود را خالی کرده‌ایم.

تاکنون علت حمله پاسداران به بهداری مهاباد معلوم نشده است و پاسداران در شهر جستجوی خانه به خانه آغاز کرده‌اند. تاکنون پاسداران دهها خانه را مورد بازرسی قرار داده‌اند، بدنبال این جریانات سپاه پاسداران مستقر در مهاباد طی اعلامیه‌ای که چندین بار از رادیو خوانده شد، عبور و مرور از ساعت ده بعد از ظهر در شهر و نیز اجتماع و تظاهرات را بهر شکل ممنوع اعلام کرده ولی تاکنون این تهدیدها موئثر واقع نشده است. رعب و وحشت سراسر محیط شهر را فرا گرفته است و تمامی ادارات و بازار و مغازه‌های شهر به حالت تعطیل درآمده است. بدنبال حمله پیشمرگان کرد به یک وانت حامل پاسداران و حمله به یک گروه نظامی در حال گشت که ... به یک گروهبان وظیفه از اهالی سقز بنام ناصر سجادی و اسیر شدن ۴ نظامی گردید. صدها پاسدار به شهر ریختند و خانه‌ها را جستجو کردند. بدنبال این جریان مردم بانه در شهر متحصن شدند و خواهان خروج پاسداران از شهر و رفع مذاہمت آنان شدند.

در تاریخ ۵۸/۶/۲۲ جلسه‌ای به نام شورای هماهنگی نیروهای دمکراتیک کردستان تشکیل شد. در این جلسه شیخ عزالدین حسینی، دکتر قاسملو، نمایندگان سازمان چربیکهای فدایی خلق و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان شرکت داشتند و در این جلسه قرار شد کلیه فعالیتهای سیاسی و نظامی زیر نظر این شورا صورت گیرد. کمیته‌های نظامی احزاب و گروههای تشکیل دهنده شورا زیر نظر شورای هماهنگی قرار گرفت.

دوشنبه گذشته تظاهرات وسیعی در مهاباد صورت گرفت. در این

تظاهرات که بیش از سه هزار نفر شرکت کرده بودند مردم این شعارها را دادند: شیخ صادق خلخالی اعدام باید گردد - به فرمان حسینی ارتشارادر ماست - حسینی حسینی خدا نگهدار تو بمیرد بمیرد دشمن خونخوار تو - شیخ عزالدین سروره بوکردستان رهبره - تظاهر کنندگان بعد از چند ساعت متفرق شدند.

* ۱۵۰۰ نفر از معلمان کردستان از این منطقه تبعید شده‌اند که ۱۵۰ نفر از مهاباد و ۱۲۰ نفر از آنان از بوکان می‌باشد.

پیرانشهر - روز ۵۸/۶/۱۸ هفت دستگاه ریو، دو فروند تانک و یک خودرو فرماندهی برای پاکسازی از سردشت عازم پیرانشهر بودند، مورد حمله پیشمرگان در "واوان" قرار گرفتند. در این حمله ۶ پاسدار کشته شد و نیروهای اعزامی به طرف سردشت عقب‌نشینی کردند.

سردشت - روز ۵۸/۶/۲۰ یک ستون مجهز متسلک از ۱۵ خودرو مملو از سرباز و پاسدار، و تانک و چند نفربر حامل نیرو از سردشت به‌طرف "واوان" حرکت کردند. این نیرو که حرکت آن قبلاً اطلاع داده شده بود مورد حمله پیشمرگان قرار گرفت که طی آن ۸۰ پاسدار و نظامی کشته و اسیر شدند. اجساد کشته‌شده‌گان و زخمی‌های بوسیله یک هلی‌کوپتر از "پیش‌اسب" به مهاباد و سردشت انتقال یافت.

روز ۵۸/۶/۱۵ در یک نبرد سخت که بین پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران و یک ستون مجهز ارتش در تنگه گرازآل روی داد بین ۵۷ تا ۸۰ پاسدار و نظامی کشته شدند و دو فروند هلی‌کوپتر و یک فانتوم سقوط کرده‌است. پیشمرگان قبلاً با انفجار پل‌های مسیر ستون را محاصره کردند و افراد را غالگیر نمودند. از پیشمرگان ۷ نفر کشته و ۱۱ نفر زخمی شدند. در این حمله ۱۵۰ نفر از پاسداران به اسارت پیشمرگان درآمدند.

مهندس بازرگان در بازدید از مهاباد و سندج در هم‌جا با اعتراض مردم روبرو شد. در مهاباد یک روحانی به بازرگان گفت: خود مختاری کردستان تنها خواست یک حزب و یا یک شخص نیست، همه مردم خواهان این حق می‌باشند و با خون خود هم شده‌آن را می‌گیرند.

* محمد علی مهرآسا صهیونیست، حاج عمید و رحمت علیپور که از طرفداران مفتیزاده میباشد به سمت فرمانداری شهرهای مریوان، بانه و سردشت منصوب شدند.

پاوه - شهر پاوه که نخستین هدف حمله ارتقای بود هنوز همچنان به مبارزه علیه اشغالگران ادامه میدهد. سرهنگ اخیانی فرمانده زاندارمری استان کرمانشاه و کرمانی نماینده خمینی در مصاحبه با کیهان ۵۸/۶/۲۷ اعلام کرده‌اند: در تمام مدت ۲۴ ساعت و بطور مداوم تیراندازی مهاجمان مسلح به‌سوی افراد ژاندارم و پاسداران ادامه‌دارد. عملیات افراد مسلح کرد در نوار مرزی کرمانشاه مرتب دنبال می‌شود و تعداد زیادی از مهاجمان مسلح هنوز با واحدهای ارتش، ژاندارمری و پاسداران در حال جنگ هستند. آنها جنگ منظم نمی‌کنند و مرزهای ما چندان کنترل نمی‌شوند. دستگیری و بازداشت آنها مشکل است. در چند روز گذشته در درگیری‌ما با این افراد تعدادی از نفرات ما زخمی شدند که به بیمارستان انتقال یافتنند. این درگیری‌ها بطور شدید در منطقه "نودشه" و "شوشی" که افراد مسلح در آنجا سنگریندی کرده بودند بوجود آمد. وی افزود در درگیری‌های ۱۵ روز گذشته و پس از ورود ارتش به منطقه هنوز مناطق در امنیت کامل نیست و نمی‌توان گفت که با استقرار ارتش آرامش در این منطقه بوجود آمده است. شکیبا استاندار مزدور کردستان که جزو "جاشهای" مفتی‌زاده می‌باشد نیز می‌گوید: " وضع منطقه هنوز آرام نیست و معتقدم دولت قدرت آن را دارد که بجای اعزام نیرو و فانتوم و هلی‌کوپتر با طرف مقابل وارد مذاکره شود....". حسین کرمانی نماینده قم در غرب کشور هم می‌گوید: " حقیقت مطلب این است که مسئله کردستان به‌تمام معنی پایان نیافتداست و عقب‌نشینی افراد حزب دمکرات و وابستگان آنها موقتی است" وی افزود: نیروهای مرزبانی مانکه اکنون در نوار مرزی به نگهبانی مشغولند بتدربیح خسته شده‌اند و بهما گفته‌اند که ۱۵ شب‌نیروز است در سنگر هستیم و دیگر خسته شده‌ایم و برای رساندن زخمیها و مجروحها به بیمارستان‌ها بایستی ساعتها منتظر بمانیم. این چند سطر که از روزنامه کیهان ۵۸/۶/۲۷ نقل شد بدخوبی موقعیت

ارتش و پاسداران را در کردستان نشان می‌دهد و بهما می‌گوید بروخلاف ادعاهای مرجعینی چون چمران، ابوشریف و شاکر نه تنها جنگ کردستان پایان نیافته بلکه نیروهای نظامی و پاسداران مستاصل شده‌اند. بهرحال ارجاع همیشه با فریب و نیرنگ توده‌ها گور خود را می‌کند.

از روزی که شهر پاوه با تحریک مردم ایران توسط پاسداران اشغال نظامی شد این منطقه همچنان صحنۀ درگیریهای خونین ارتش و پاسداران با پیشمرگان بوده‌است. روز پنجشنبه ۵۸/۶/۲۲ یک گروهان از ژاندارمری نوسود با تجهیزات کامل راهی نودشه شد که در بین راه با حمله پیشمرگان کرد روپرو شدند. گروهان تقریباً بدون مقاومت تسليم شده‌و افراد آن خلع سلاح شدند فرمانده ژاندارمری نوسود از اهالی نودشه خواهان پا درمیانی شد و پیش مرگان بعد از مصادره سلاحهای ژاندارمری افراد را آزاد کردند. در کنار رودخانه بول و شوشمی نیز تاکنون چندین بروخورد پیش‌آمده‌است که در آن ۳ پیش مرگ کرد کشته شده‌اند. از تلفات ارتش و پاسداران اطلاع درستی در دست نیست. همچنان پیشمرگان کرد شب ۵۸/۶/۲۳ به پاسگاه ژاندارمری پاتیسکان حمله کردند و یک ساعت تمام این پاسگاه را زیر آتش گرفتند. بنابرگزارشی از پاوه در این درگیری دونفر ژاندارم کشته شده‌اند.

جعل و تحریف اخبار و حوادث کردستان وسیلهٔ سپاه پاسداران و خبرگزاری پارس و رادیو و تلویزیون دولتی چنان آشکار است که هر ناظر بیطرفی را متوجه قصیه می‌کند. بهاین خبر توجه کنید و ببینید که چگونه‌هم سپاه به اصطلاح پاسداران و هم خبرگزاری پارس دروغ می‌گویند. خبرگزاری پارس از قول پاسداران انقلاب اسلامی غرب کشور مستقر در کرمانشاه گزارش داد که پریشب ۵۸/۶/۲۵ در محور میاندوآب – دوآب نوسود واقع در مسیر راه نوسود – میاندوآب بین دمکراتها و پاسداران انقلاب و نیروهای مسلح درگیریهای روی داد که در زد و خورد پاسگاه دوآب سه‌نفر مجروح شدند و هنوز از درگیری میاندوآب گزارشی نرسیده است. میاندوآب در فاصلهٔ سقز – مهاباد در آذربایجان غربی و در ۴۵۰ کیلومتری نوسود می‌باشد و نوسود در استان کرمانشاه است و کافی است بگوئیم بین نوسود و میاندوآب

شهرهای بوکان، سقز، دیواندره، سنندج، کامیاران، کرمانشاه و پاوه قرار دارد.

* نارضایتی مردم پاوه از دخالت پاسداران اوج می‌گیرد. آنهایی که تا دیروز از روی احساسات پاک مذهبی فریب خورده بودند امروز از پاسداران کینه شدیدی بهدل گرفته‌اند. محیط رعب و وحشتی که در پاوه ایجاد شده باعث شد که صدها نفر از معلمان و کارمندان و روشنفکران شهر را ترک کنند و همین امر مردم را با مشکلات زیاد روبه‌رو کرده است. تقریباً ۵۰٪ معلمان و کارمندان شهر پاوه‌را ترک کرده و مسلحانه علیه زور و قدری پاسداران می‌جنگند.

استوار ذوالفاری که عامل سرکوب تظاهرات مردم تهران بوده و در کشтар رزمندگان ظفار فعال بوده و بارها مردم پاوه تقاضای انتقال وی را کرده بودند، همچنان رئیس پاسداران می‌باشد. مردم از همکاری با پاسداران احساس ناراحتی و پشیمانی می‌کنند. موج تنفر نسبت به رفتار خلخالی جlad و اعدام ناجوانمردانه چندین نفر از اهالی پاوه که در هیچ‌ماجرائی نبوده‌اند همچنان اوج می‌گیرد. در پاوه مدارکی بدست آمده که خلخالی قبل از عزیمت به پاوه به پاسداران گفته‌بود شما هر که را که عامل حوادث پاوه می‌دانید اعدام کنید، من می‌آیم حکم اعدام آنها را صاد رمی‌کنم. قرار است یک نفر از طرف آیت‌الله خمینی به پاوه رفته و در این مورد تحقیق کند. بین ۵۰ تا ۶۰ نفر از مردم پاوه همچنان در زندان هستند که در میان آنها سابق و قاضی انصاری که در حوادث پاوه با پاسداران همکاری می‌کردند و سردمدار جریان تحصن مترجمین در فرمانداری پاوه بودند وجوددارند.

* پاوه - پیشمرگان کرد در حمله به پاسکاه دوآب و نوسود یک جاش به نام محمد امین، چند پاسدار و یک استوار ارتش را کشته و عقب‌نشینی کردند. پیشمرگان بمدت چند روز منطقه‌پاوه را محاصره کرده و مانع نقل و انتقال نیروهای نظامی شدند، که روز ۲۷/۶/۵۸ برای ورود آذوقه به شهر راهها را باز کردند.

* کامیاران - یک گروهبان ارتش که هنوز هویت وی معلوم نشده باشیک

کلوله سنهنفر از پاسداران را از پای درآورده و فرار می‌کند. اختلاف ارتش با پاسداران روز به روز عمیقتر می‌شود.

* پیرانشهر - پنجشنبه ۱۸/۶/۵۸ تعداد ۱۸ تکاور در حوالی پیرانشهر مورد حمله پیشمرگان کرد قرار می‌گیرد. در این حمله تمامی تکاوران از پا در می‌آیند. به دنبال این جریان فرمانده تکاوران می‌خواهد ناحیه‌ای که حمله‌در آن صورت گرفته با بمب ناپالم مورد حمله قراردهد ولی بعد از آنکه مطلع می‌شود پیشمرگان بصورت جنگ و گریز عمل می‌کنند منصرف می‌شود.

* پیرانشهر، مهاباد و سردشت - روز ۱۸/۶/۵۸ یک آمبولانس بزرگ از نوع آمبولانس‌های اورژانس تهران که از مهاباد عازم سردشت بود در "کوچک‌دره" وسیله پیشمرگان کرد متوقف شد. در بازرسی از داخل آمبولانس مقدار زیادی مهمات و مواد منفجره بدست آمد. به هنگام بازرسی یکی از پاسداران به نقطه‌ای خزیده شروع به تیراندازی می‌کند ولی پیشمرگان به او حمله‌کرده وی و یکی از پاسداران که سرنشین آمبولانس بود کشته می‌شوند. پنج سرنشین دیگر که پزشکان و بهیاران ارتش می‌باشند به اسارت پیشمرگان در می‌آیند. سید عزالدین حسینی دستور داد پس از ضبط مهمات موجود در آمبولانس اسراء آزاد شوند. یک خبر تائید نشده حاکی است یکی از پزشکان که کرد هم نیست حاضر نشده به میان پاسداران و ارتشیان بازگردد. و به انقلابیون کرد ملحق شده است.

بانه - پیشمرگان نیمه شب یکشنبه ۲۵/۶/۵۸ از داخل شهر به کامیون حامل پاسداران حمله‌کرده و با انداختن یک نارنجک به میان کامیون حامل پاسداران غیر محلی ۳ نفر از آنها دردم کشته شدند. برآسان نوشته روزنامه‌ها یکی از پاسداران کشته شده علی قاضی عسگری نام دارد و از اسمی بقیه اطلاعی در دست نیست. توضیح اینکه به علت عدم ارتباط پاسداران و ارتشیان مردم و بوجود آمدن کینه و نفرت شدید از پاسداران و هم در میان مردم و هم در میان ارتشیان اطلاع دقیقی از آنها بدست آوردن مشکل می‌باشد.

* چند خبر از سقز، اعضای سابق شورای شهر سقز از طرف بیدادگاه خلخالی تحت تعقیب می‌باشند و ۴ نفر از کارمندان مخابرات سقز نیز تبعید

شده‌اند. گروه زیادی از مردم سفر همچنان در پادگان این شهر زندانی می‌باشد و مردم هر روز علیه خلخالی تظاهرات می‌کنند. پاسبانان شهریاری سفر از همکاری با پاسداران اعزامی به‌این شهر سرباز زده‌اند و حاضر نیستند در دستگیری مبارزان شهر پاسداران را یاری دهنند. ۵۸ تن از معلمان مبارز سفر به شهرهای دیگر ایوان تبعید و منتقل شدند. به معلمان اخطار شده‌است چنانکه در تبعیدکاه یا محل انتقال حاضر نشوند حکم تبعید و انتقال آنها به حکم زندان تبدیل خواهد شد.

* تبریز - در تبریز تظاهرات وسیعی برعلیه دولت و کشتار خلق کرد صورت گرفت. در این تظاهرات شعارهای بهزبان ترکی داده شد که مضمون برخی از آنها چنین بود. خانهٔ خلق کرد را به‌آنها پس دهید. به‌خاک و خون می‌کشیم هر آن کس که خلق کرد را به‌خاک و خون کشید. هنوز از کم و کیف تظاهرات اطلاع دقیقی در دست نیست.

* سنقر کلیائی - در این شهر که ارتقای برآن حاکم است، گروهی از جوانان مبارز شهر (مذهبی و غیرمذهبی) جمع شده و علیه روحانیون مرتاجع که در گذشته ثناگوی شاه بوده و اکنون ماسک عوض‌کرده‌اند شوار می‌دهند که مورد اعتراض یکی از بازاریان ثروتمند شهر قرار می‌گیرد. این بازاری سخنران را که از مبارزان مذهبی شهر بود کمونیست معرفی می‌کرد و گروهی ازاوباشان شهر را علیه نیروهای مترقبی تحریک می‌کند. درگیری شدیدی بین جوانان و اوباشان صورت می‌گیرد. ارتقای در سنقر بسیار قوی است. و جوانان مبارز شهر شناسائی شده‌اند و گفته می‌شود سفر آبستن حوادث تازه‌ای است.

* براساس گزارش رسیده از میاندوآب بین اهالی میاندوآب و کمیته‌این شهر از یکطرف (مقلدین آیت‌الله شریعتمداری) و پاسداران اعزامی (جناح آیت‌الله خمینی) درگیری بوجود آمده‌است. در این درگیری‌ها تاکنون تعدادی از طرفین مجروح شده‌اند. هنوز گزارش دقیقی از چکونگی و علت اصلی درگیری به ما نرسیده است.

* در تهران نشریات اتحاد چپ، کار و پیکار قسمت زیادی از مطالب خود را برای حوادث کردستان اختصاص داده‌اند. از نشریه پیکار، ارگان

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر درخواست می‌کنیم در نقل مطالب
خبر نامه کردستان منبع آنرا نیز ذکر کنند تا هواداران این سازمان در
تکثیر خبرنامه بکوشند.

نابود باد امپریالیسم جهانخوار و ارتقای داخلی
نابود بـاد صهـیـونیـسـم
پـیـروـزـبـادـاتـحـادـخـلـقـهـایـایـرانـ

"طرفداران جبهه متحد کردستان"

ص ۶۸ با پنی

همزمان با آغاز سال تحصیلی و چند روز محاصره شهرهای بانهوسرد شست
و جلوگیری از ورود و خروج وسایل نقلیه موج تظاهرات و راهپیمایی سراسر
شهرهای کردستان را فرا گرفت.

مهاباد

در مهاباد همزمان با شروع سال تحصیلی و چند حمله به محل استقرار
پاسداران و ارتش دهها نفر از دانش آموزان و مردم این شهر بازداشت شدند
و مغازه‌ها از روز ۳۰/۶ به حالت تعطیل درآمد که تا امروز ۷/۵ هنوز
غازه‌ها تعطیل می‌باشد. در درگیریهای مختلف که در روزهای اول و دوم و
سوم مهر روی داد و عمدتاً "در کوچه ۸ متری شیروخورشید - خیابان قاضی
محمد بود مجموعاً ۷ پاسدار کشته و ۹ نفر زخمی شدند. بدنبال آن پاسداران
با همکاری چند تن از جاشهای محلی بنام علی صمدی و عمر برزون ! ! - شروع
به بازرسی خانه‌ها نمودند.

روز ۳۰/۶/۵۸ پاسداران با پرتاب نارنجک بهمیان تظاهرکنندگان دو
دختر بنامهای "شهلا یتیمی و کلثوم روشن‌زاده" را از پای درآوردند. در
همین روز هواپیماهای فانتوم بر فراز شهر به پرواز درآمدند و چندین بار دیوار
صوتی را شکستند.

۶/۳۱ همه راههای ورود به مهاباد و بانه و سردشت را بسته و بازرسی خانه‌ها را افزایش دادند. از پادگان به بیرون تیراندازی می‌شد و یک لحظه تیراندازی قطع نمی‌شد. در این تیراندازی‌ها ۳ نفر مجروح و دو خانه با توب ویران شد. روز اول مهر همزمان با بازشدن مدارس دانشآموزان در خیابانهای شهر اجتماع کرده و تظاهراتی بر علیه پاسداران و دولت به راه انداختند. تظاهر کنندگان شعارهایی به طوفداری از عزالدین حسینی و قاسملو می‌دادند.

در قطعنامه‌ای که بعد از تظاهرات خوانده شد، مردم خواهان بازگشت این دو نفر شدند.

دوشنبه دوم مهر: امروز نیز تظاهرات دانشآموزان و مردم شهر اداره یافت. تعطیل دکان و بازار ادامه دارد. ساعت دو بعد از ظهر دوشنبه جلسه‌ای در مسجد جامع تشکیل شد. در جلسه امروز مسجد، صادق زیب‌اکلام نماینده نخست وزیر از مردم اعلام کردند ما همان شورای موقت شهر معرفی کنند ولی مردم اعلام کردند ما همان شورای قبلی که منتخب مردم بود قبول داریم و نماینده دیگری نمی‌پذیریم. روز بعد نیز مذاکرات ادامه یافت و گروهی از مردم که در مسجد جمع شده بودند اعلام کردند فقط در صورتی حاضرند دکان و بازار را باز کنند که ۱ - پاسداران از منطقه خارج شوند و ارتش از مهاباد بیرون بروند. ۲ - به جنایت قارنه رسیدگی شود و مسببین آن که ملاحسنی، معبدی، و سرگردانی می‌باشند مجازات شوند. ۳ - شیخ عزالدین حسینی و رهبران حزب دمکرات و سایر سازمانهای سیاسی به شهر بازگردند. ۴ - حق خودمختاری کردستان به رسمیت شناخته شود. در ضمن گروهی از مردم اعلام کردند که چون بعد از سید عزالدین حسینی کسی را شایسته امامت جمیع نمی‌دانند باید فقط کسی نماز جمعه را بخواند که حسینی معرفی کرده باشد.

۶/۲۹ سه پاسدار که در خیابان قاضی محمد مهاباد به دختران متلک گفته بودند بوسیله یک سرباز ارتشی کشته شدند. پاسداران که مورد اعتراض سرباز قرار گرفته بودند در اثر تیراندازی بسوی همیگر سرباز و سه پاسدار،

که دو تن از آنها محمد علی بذرگا و مهدی سمند نام دارند، کشته شدند.
 ۷/۱ در تظاهراتی که بر علیه تفتیش منازل در کوچه مسجد سرخ
 مهاباد (هشت متري) صورت گرفت پاسداران به طرف تظاهرکنندگان نارنجک
 پرتاب کردند که در نتیجه آن یک زن و یک مرد کشته شدند. بدنبال این
 حادثه یکی از زنان ساکن این محل با اندختن نارنجک بهمیان پاسداران
 دو تن از آنها را معذوم و سه نفر را زخمی کرد. سراسر روز یکشنبه تیراندازی
 و جنگ و گریز در مهاباد ادامه داشت.

۷/۳ روز سوم مهرماه ۳۷ خودرو ارتشی و چندین زرهپوش مملو از
 سرباز و پاسدار وارد مهاباد شدند و شب قبل از آن ۷ تانک از این شهر خارج
 شد، گفته شد تانکها به طرف جنوب رفتند. این نقل و انتقال بدنبال
 اختلاف وسیعی که در بین پاسداران و ارتشیان بروز کرده صورت گرفت. و
 بمنظور جایگزینی بود، چهار پاسدار که اقدام به پوشیدن لباس کردی کرده
 بودند در شهر مهاباد دستگیر و ربوده شدند.

چهارشنبه ۷/۴ ساعت ۹ صبح چهارشنبه تظاهرات وسیعی در مهاباد
 صورت گرفت، تظاهرکنندگان شعارهایی به طرفداری از شیخ عزالدین حسینی و
 بر علیه آیت الله حسینی می دادند. در چهارراه آزادی یکی از پاسداران
 با پرتاب نارنجک بهمیان تظاهرکنندگان سه نفر را کشته و ۲۷ نفر را مجرح
 کرد، بعد از این جنایت که بوسیله پاسداران صورت گرفت مردم به پاسداران
 مستقر در خیابانها یورش بردن و یکی از پاسداران را که گفته می شد نارنجک
 را پرتاب کرده از پای درآوردند. تعداد تظاهرکنندگان از هر روز بیشتر بود
 و شمار آنها به ده هزار نفر می رسید تیراندازی پاسداران به سوی دسته -
 های مختلف تظاهرکنندگان تا ساعت ۷ بعد از ظهر ادامه داشت و مرتجلین
 دهها نفر را زخمی کردند. ساعت ۸ شب پنج شنبه برق مهاباد به دستور
 پاسداران خاموش شد و شهر در تاریکی مطلق فرو رفت. تیراندازی و پرتاب
 نارنجک و خمپاره از طرف پادگان مهاباد بسوی ہردم چندین ساعت ادامه
 داشت، بدنبال این حادثه پاسداران و ارتش با تانک و توپ در خیابانهای
 شهر مستقر شدند.

بدنبال ربوده شدن یک تاکسی در تاریخ ۵۸/۶/۴ وسیلهٔ پاسداران، تاکسیرانان مهاباد روز پنجشنبه دست به اعتصاب زدند و در جلوی فرمانداری مهاباد اجتماع کردند. پاسداران به اجتماع مسالمت‌آمیز آنان حمله کرده و آنها را متفرق کردند.

ساعت پنج بعد از ظهر پنجشنبه بدنبال بازرسی یکی از خانه‌های مهاباد در محله ارمینیان یک‌نفر نارنجکی بهمیان پاسداران پرتتاب کرد که در اثر آن چند پاسدار کشته و زخمی شدند. بعد از این جریان پاسداران و نظامیان "جدداً" به داخل شهر بورش برده و شروع به تیراندازی کردند که در جریان آن یک‌نفر بنام حسن داودی رئیس اداره قند و شکر مهاباد شهید شد.

اعلام موجودیت دفتر سید عزالدین حسینی
دفتر شیخ عزالدین حسینی رهبر مذهبی و ملی خلق کرد اعلام موجودیت کرد. در مقدمه اعلامیه‌ای که بهاین منظور از طرف "شیخ" منتشر شده آمده است:

بالاخره دولت مرکزی برخلاف کلیه اصول و حقوق اسلامی و انسانی با تانک و توب و طیاره به سرزمین کردستان هجوم آورد و جنگ ظالمنهای را به ما تحمیل کرد. در بخش دیگری از اعلامیه می‌خوانیم:

من هم که پس از اشغال نظامی کردستان از شهر بیرون آمدم ام و در این جنبش مقاومت حاضرم جانم را فدا کنم، بمنظور ادامهٔ مبارزه و تنظیم امور انقلاب خلق کرد در شرایط کنونی دفتری تاء سیس کرده‌ام. هدف این دفتر ادامهٔ جنبش آزادیخواهانه تا کسب خودمختاری در چارچوب ایرانی مستقل و دموکراتیکاست و در این راه ضمن ادامه مبارزه سیاسی دوشادوش نیروهای ملی و مترقبی کردستان در مبارزه مقاومت عادلانه شرکت کرده و تارسیدن به پیروزی نهائی سلاح بر زمین نمی‌گذارم. این دفتر بهیچ حزب و سازمان سیاسی وابستگی ندارد و بنام یک نیروی سیاسی و ملی ضمن مبارزه علیه امپریالیسم و ارتقای در سراسر ایران از ملیت و مذهب و فرهنگ و حق خودمختاری خلق کرد دفاع می‌کند و با همه نیروهای ملی و مترقبی کردستان

و ایران برای ایجاد یک جبهه ملی در کردستان و یک جبهه ضدامپریا - لیستی و ضد فاشیستی در سرتاسر ایران مجدانه کوشش می‌کند.

من از کلیه روحانیون مترقی، دهقانان و زحمتکشان کردستان، روشنفکران، بازاریان مبارز و عشاير میهن پرست و کلیه احزاب و سازمان‌های ملی و مترقی که برای رسیدن به هدف مشترک یعنی تحقق خودمختاری کردستان در چارچوب ایران آزاد و مستقل و دموکراتیک مبارزه می‌کنند دعوت می‌کنم که با این دفتر همکاری و با کمک مادی و معنوی خود از آن پشتیبانی نمایند.

سید عزالدین حسینی ۱۳۵۸/۶/۲۰

برادران و خواهران مسلمان کردستان برادران و خواهران مهابادی

دروود و سلام من بر شما باد. باید بر مبارزات و مقاومت شما آفرین فرستاد. عقب‌نشینی ظاهری دلیل بر شکست نیست، مبادا در روحیه شما خللی وارد شود، چون این نشیب و فراز در مبارزات است، همچنانکه در دریا نیز چنین جزر و مدھایی وجود دارد.

اطمینان داشته باشید که مقاومت و دفاع ادامه خواهد یافت. باید تمام مردم از هر راهی که ممکن است به شورش حق طلبانه کردستان یاری دهد. تبلیغات شوم و انحرافی عوامل مزدور و خودفروخته نباید کوچکترین تأثیری در روحیه مبارزات شما داشته باشد. و همیشه روح معنوی اسلام را در چمیر خود زنده نگاه دارید. بدیهی است اعلام جهاد و یورش و حمله ناجوانمردانه پاسداران و مجاهدان دروغین بر علیه خلق کرد یک عمل ناشیانه و غیر اسلامی بوده و کشتار جمعی برادران و خواهران کرد مسلمان و بی دفاع دور از منطق انسانی و اصول اسلامی است. و هرگز اسلام چنین عملی را در هیچ شرایطی حائز نمی‌شمارد و برادران ارتشی باید بدانند که ما همیشه پاسدار مرزهای ایران بوده، و به استقلال تمامیت ارضی ایران ارج نهاده و نباید تحت تأثیر عوامل ارتقای که می‌خواهند ارتش را رودرروی مردم قرار

دهند، قرار گیرند و دلیل اثبات این مدعی مقالات و مصاحبه و اعلامیه‌های است که نا حال انتشار یافته است.

بدیهی است حساب ارتشیان میهن پرست و مردم دوست با غارتگران خون‌آشام و فربیخورده که کورکورانه از اوامر فرصت‌طلبان و تفرقه‌افکنان پیروی می‌کنند کاملاً جدا است. به امید پیروزی برای مردم ستم دیده کرد و سرنگونی کاخ‌ظلم واستبداد.

خدا با ماست.

ان تنصر و الله تنصر کم ، والسلام و عليکم – سید عزالدین حسینی

۱۳۵۸/۶/۲۵

سنندج

شهر سنندج در یک‌هفته اخیر صحنه تظاهرات وسیع مردم بر علیه پاسداران و ارتش بوده است. تظاهرکنندگان درحالیکه شعارهایی به طرفداری از عزالدین حسینی و برعلیه مقتی زاده می‌دادند در خیابانهای مختلف شهر بهراه افتادند. آنها شعار می‌دادند "خلالی جlad اعدام باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، ملت درد ما دردت‌توست". روز اول تظاهرات ۸ نفر از تظاهرکنندگان دستگیر و ۴ نفر بر اثر تیراندازی عوامل ارتعاج‌زخمی شدند. تظاهرات روزهای دوم و سوم و چهارم مهرماه نیز تکرار شد. و پاسداران مجبور شدند دستگیر شدگان را آزاد کنند. سپاه پاسداران مستقر در شهر سنندج در چندین اعلامیه که پخش کرد از مردم درخواست کرد که در تظاهرات شرکت نکنند، ولی مردم بهاین تهدیدها وقی ننهادند.

زاندارمری در دهات کردستان فئودالها و جاشهای کرد فروش را برای خلع سلاح خلق کرد مسلح کرده و این گروه اکنون با مراجعه به مردم روستاهای آنها بهره مالکانه می‌خواهند. خانهای فیصل‌الله بیگی تاکنون در روستاهای سلیمانکندي، موکه، عرب Glover، خواهان بهره مالکانه شده‌اند. اخیانی فرمانده زاندارمری کرمانشاه گفت: خانها را برای حفظ مرزها مسلح می‌کنیم! (کیهان

ع نفر از دکترهای اعزامی که قیافه‌های آنها را در دادگاه اسلامی سقر در صفحه تلویزیون دیدیم بعد از مراجعت از سقز بهمدت ۸ روز بیمارستان ارتش پادگان سندج را قرق نموده و محوطه بیمارستان را با شعار و اعلامیه و توهین به شیخ عزالدین پرنموده و در این مدت جنگ روانی عجیبی را برای پرسنل بیمارستان ارتش و مخصوصاً "پرسنل کرد فراهم آورده و با هوچیگی و تهدیدهای احمقانه از قبیل اینکه شما با حزب دمکرات رابطه‌دارید به آزار آنها پرداخته و آنها را به حالت آماده نگهداشت و نگذاشته‌اند پرسنل بیمارستان در این مدت با خانواده‌های خود ملاقات کنند. بعد از اتمام مأموریت امدادی !! هر کدام مبلغ هشتادهزار تومان دریافت نموده و با سپاس از جمهوری اسلامی سندج را ترک کردند.

در میان پاسدارهای سندج جاش سرشناسی دیده می‌شود که الحق‌لایق همکاری با پاسداران می‌باشد. این جاش سرشناس "جمال فلسفه" قمارباز و باج‌بکیر معروف شهرستان سندج است. که اخیراً "چند قبضه اسلحه از ملا احمد مفتی‌زاده گرفته و در قمار باخته‌بود. وی مجدداً" به‌مفتی‌مراجه‌کرده و به‌این عنوان که اسلحه‌اش را چپیها گرفته‌اند یک قبضه دیگر اسلحه‌می‌گیرد. سندج ۶/۲۰ / گروهی از مبارزان مذهبی سندج که هوادار جنبش ملی مجاهدین "سازمان مجاهدین خلق" هستند در این شهر اعلام موجودیت کردند. همچنین ملا احمد مفتی‌زاده که به مردم قول داده بود با استقرار جمهوری اسلامی اختلاف شیعه و سنی و ستم ملی رفع می‌شود با تصویب اصل ۱۳ و تثبیت مذهب (حق) جعفری اثنا عشري روز به‌روز بیشتر مورد کینهٔ مردم قرار می‌گیرد. بین طرفداران مفتی‌زاده شکایا به‌سمت استانداری کردستان او جدا شده‌است. ضمناً "به دنبال انتصاب شکایا به‌سمت استانداری کردستان و مهرآسا به‌سمت فرمانداری مریوان بین طرفداران مفتی در تهران اختلاف افتاده و گروهی از اعضای چمیت اسلامی ۱۴ نفره او که به مقامی نرسیده‌اند احساس می‌کنند آنها را فریب داده‌اند.

یک عمل ارتقایی!

عوامل ارتقای بنا یادبودی را که زحمتکشان سنتدج پرای قهرمان شهید خلق کرد " کاک اسماعیل شریف زاده" ساخته بودند خراب کردند. این بنا بهار گذشته در سالروز شهادت " سکو" ساخته شد و با یورش ارتقای بکردستان آن را خراب کردند (کوردلان و تنگنظران مرجع نمی دانند که قهرمانان در دل مردم زنده‌اند).

گزارشی از سفر

در شهر سقز آرامش ظاهیری به جسم می خورد، مغازه‌ها باز است و رفت و آمد در خیابانها محسوس است. نیروهای جوان و انقلابی در شهر دیده نمی شوند. سر و کله پاسداران همچو بچشم می خورد و اغلب ساعت بعد از نیمه شب به منازل به‌اصطلاح مشکوک یورش می برند، همچنانکه ساعت یک بعد از نصف شب سرگرد معابر زاده‌را در رختخواب دستگیر نموده‌اند و به اتهام همکاری با حزب دمکرات به ۸ سال زندان محکوم کرده‌اند.

روحیه مردم بسیار خوب است و شعارهای روی در و دیوار خانه‌ها و کوچه‌ها و خیابانها نمایانگر این روحیه انقلابی و مقاومت‌جویانه است. مردم در مقابل پاسدارها بی‌تفاوت هستند و اغلب با برگزاری متینگ و تظاهرات آنها را عاصی می‌کنند !! پاسداران با روحیه ضعیف و مایوس ناظر این جریانات هستند، گاهی موقع با نمایشنامه‌های مسخره‌ای از قبیل توزیع روغن و برنج و تاید می‌خواهند نظر مردم را نسبت به خود جلب کنند ! ولئن مردم سقز که تجربه ۵ روز جنگ با پاسداران را پشت سرگذاشتند، با وجود کمبود این مواد و فقر مالی نسبی به هیچ عنوان برای تحويل این مواد به آنها متشب نشده و اکثراً "از روغن و برنج را از طریق بانه تهیه می‌نمایند". بنچار پاسداران مزدور که از این طریق هم شکست می‌خورند بوسیله مرتعیین محلی روستائیان ساده دل را جلب نموده و آنها را در بلوار مقابل سپاه پاسداران در صفي طولانی به نمایش می‌گذارند و در حالیکه افراد مسلح آنها

را مراقبت می‌کنند و به مخاطر اینکه جبران عقده‌های خود را بینمایند، موقع تحويل مقدار خیلی کم جنس به آنها می‌گویند خوب حالا روغن می‌خواهید یا خود مختاری! و سپس می‌خندند و مردم بینوا را مسخره می‌کنند در این حال کسانی که اعتراض بکنند مورد توهین و کتک‌کاری مزدوران البته به سبک جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند و همین امر باعث شده که حالا روساییان هم کتر مراجعه کنند و یکی از پیرمردان دهاتی بنام "صوفی محمود" که این وضع را دیده در کمال ناراحتی و سادگی گفت: کاشکی بچه‌هایم از گرسنگی می‌مردند و من این کار را نمی‌کرم بشرف قسم بعد از این اگر بچه‌هایم جلو چشم بمیرند برای هیچ چیز به آنها مراجعه نمی‌کنم".

پاسداران ناآگاه به حیله‌ای دیگر متولّ شده و می‌خواهند به اصطلاح از طریق انسانی! و رفتار خوب نظر مردم را جلب کنند، در خیابانها و معابر به کوچک و بزرگ سلام می‌دهند و ادای برادر بزرگ‌ها را در می‌آورند. موقعی که این حیله هم نمی‌گیرد مثل لشکر مغول حمله نموده و با تیراندازی و ارتعاب و دستگیری عقده خود را خالی می‌کنند، در بسیاری جاها زنان بر روی آنها تف می‌کنند. اکثر پاسداران از اوضاع ناراضی و خیلی از کار خود دلسوزد می‌باشند. وحشت و ندامت و پریشانی و پشیمانی به راحتی در چهره آنها مشاهده می‌شود. افراد شهریانی هم از آنها ناراضی هستند و حاضر به همکاری با آنها نیستند، چنانچه به شهریانی سفر مراجعه نموده و تقاضا کرده بودند که با همکاری هم‌دیگر نگهبانی و پاسداری بدنهند که از طرف پرسنل شهریانی با مخالفت روبرو شده بودند.

روز سهشنبه ۵۸/۶/۲۷ بعد از ظهر در حدود دوهزار نفر از جوانان و طبقات زحمتکش از خیابان کمربندی به طرف میدان عقاب راه افتادند و شعارها به نفع شیخ عزالدین و خود مختاری و اخراج پاسداران بوده که در میدان عقاب با سرود ملی کرد (ئەری رقیب) پایان یافت. حدود نیم ساعت بعد از این جریان پاسداران سراسیمه و دست‌پاچه با یک وانت بار سیمرغ وارد میدان عقاب شدند و وحشت‌زده شروع به تیراندازی کردند. عده‌ای از جوانان مشغول خواندن اعلامیه و روزنامه‌های دیواری بودند متفرق شدند. و ۴ نفر از

آنها را دستگیر کردند. میدان عقاب خالی شد. پاسداران چون کس دیگری را برای دستگیری پیدا نکردند شروع به دستگیری عابرین بی خبر و بی طرف کردند. در این موقع یکی از پاسداران به قهقهه خانه ضمیران در میدان آمده و با چند نفر که آنجا نشسته بودند رجزخوانی کردند که چرا با ما همکاری نمی‌کنید و ضد انقلاب و اخلاق کران را بهما معرفی نمی‌کنید، ما برای حفظ امنیت بهاینجا آمده‌ایم، یکنفر جواب داد این حرفها به‌گوش ما نمی‌رود شما خودتان اخلال می‌کنید، ما برای حفظ امنیت بهاینجا آمده‌ایم، یک نفر جواب داد این حرفها به‌گوش مانمی‌رود شما خودتان اخلال می‌کنید و با تیراندازی و ارعاب آرامش شهر را بهم می‌زنید آنوقت توقع همکاری داردید لازم نکرده برای حفظ امنیت و آرامش ما زحمت بکشید. ما نه اخلال کرده‌ایم و نه آنهایی هستیم که همشهریان خود را لو دهیم. کم کم هوا تاریک شده بود و همه‌جا خلوت است جز چند نفر کارگر قهقهه‌خانه‌های اطراف کسی دیده نمی‌شود. بدین صورت نمایشنامه مسخره پاسداران ضد اسلام با اسیر گرفتن ۸ نفر جوان پایان می‌یابد.

صبح روز بعد صدای مداوم رگبار در اطراف پادگان خواب شیرین صبحگاهی و آرامش سپید دم مردم را بهم می‌زند بعد از چند ساعت مردم با روحیه خوب ولی اندیشنگ زندگی را از سر می‌گیرند، موقعی که جویای تیراندازی صبح از هم می‌شوند خونسرد و گاهی با خنده‌ای مسخره آمیز به هم می‌گویند: "چیزی نیست لابد صبح زود خواب پیشمرگه‌های کرد را دیده‌اند".

حسن فیاسی عکاس، به اتهام پوچ عکسبرداری از مراسم تظاهرات سفر دستگیر و در زندان بسر می‌برد. عزیز فلاحت به اتهام حمل ماشین تحریر که برای استفاده و چاپ اعلامیه‌های اسلامی مورد استفاده قرار گرفته بازداشت می‌شود و با وجود آنکه مسعود طلوعی رئیس مکتب قرآن شهادت می‌دهد که از این ماشین برای چاپ اعلامیه‌های اسلامی استفاده می‌شده ولی باز به ۵ سال زندان محکوم شده که اکنون در اوین بسر می‌برد. ۸ نفر از پرستاران بیمارستان اداره و بهداشت شهرستان سقز تبعید شده‌اند که اتهام همه آنها

همکاری با حزب دمکرات است. در میان تبعید شدگان کمبی‌ها (دوخواهر)، خانم گیلانی، خانم افرا، و بلوری به‌چشم می‌خورد.

" ۲۴ نفر از معلمین صادق و انقلابی و خدمتگزار شهرستان سقز غیاباً اخراج شده‌اند که اسامی آنان به‌این ترتیب است. فایق دباغی، فاروق کیخسروی، عطا احمد پناه، حسین تقی‌زاده، ابراهیم قادری، ناصر احمدی، خدیجه نادری، مفیده مطهر، احمد عبدی، حسین معمارزاده، طارق دباغی، عزیز رضایی، حبیب‌الله بلوری، احمد مرتضایی، مصطفی رحمانیان، فاروق نقشی، طاهر آدمی، محمود کیوان، عبدالقادر غاری، محمد رحیم‌امینی، محمد صالحی، حمید دباغی و محمد رضا قصاب آزاد.

(قسمتی از گزارش یک کارگر کرد از شهر سقز)

بانه

شهر بانه حالت آرامش قبل از طوفان را دارد. اکثر مغازه‌ها تعطیل است و بقیه مغازه‌های بانه احتیاجات غذایی مردم را فراهم می‌کنند، لازم به یادآوری است که تمام مواد غذایی شهرستان بانه از طریق مرز از قبیل روغن، برنج، تاید، چای، شکر و قند از خارج وارد می‌شود و احتیاج شهرهای دیگر را نیز مرتفع می‌سازد و به هیچ وجه از کمکهای نقدی کمیته امداد اسلامی استفاده نمی‌شود. کمبود مواد سوختی محسوس است، اکثر مردم در کوهستانها و دهات مجاور بسرمی برند، تعداد پاسدارها و نظامیان در شهرستان بانه بیشتر به‌چشم می‌خورد. تعدادی از اهالی بانه و روستائیان به‌کشور همسایه عراق پناهندۀ شده‌اند. چند شب پیش یکی از نفر برها سپاه پاسداران بوسیلهٔ پیشمرگان در جلو شهربانی بانه بمی‌گذاری شده که صد متر پائین‌تر از شهربانی منفجر شده و باعث کشته شدن ۳ پاسدار و قطع پای یکی و زخمی شدن ۶ پاسدار دیگر می‌شود، به قرار اطلاع ۳ نفر دیگر از مجرموین هم کشته شده‌اند. همین امر باعث تهاجم وحشیانه پاسداران در داخل شهر می‌شود و شروع به خانه گردی و اذیت و آزار مردم می‌نمایند، که از جمله درحمله به‌یکی از خانه‌ها دختر صاحب خانه را بهباد کنک می‌گیرند. دونفر از کارمندان شرکت مخابرات

دستگیر می شوند شب دوشنبه ۲۶ شهریور تا ساعت ۴ بعد از نصف شب شروع به بازرسی شرکت مخابرات نموده و به آزار و اذیت کارمندان می پردازند و گویا یکی از کارمندان که مشغول ارتباط بوده مورد بازجویی قرار داده و احمقانه اورامتهم می کنند که در این وقت شب مشغول ارتباط با حزب دموکرات بوده است.

اعمال وحشیانه اینها سبب شده که روز سهشنبه ۶/۲۷ / اعتصاب عمومی سراسر بانه را فرا گرفته و در مسجد جامع متحصن شده و خواستار اخراج پاسداران شوند و تهدید کنند در صورت برپایاردن خواسته هایشان عموماً " به کشور مجاور پناهنده می شوند. شایع است که بعد از ظهر پنج شنبه بین دو گروه از پاسداران شهرستان بانه درگیری پیش آمده و منجر به تیراندازی شده و چند نفر زخمی و سه نفر کشته شده اند.

پاسداران و نظامیان از خلع سلاح مردم بانه و اطراف ماء یوس شده حال برای این کار از وجود یکی از فئودالهای مزدور و مرتاجع به نام " احمد بگسرمدی " استفاده می کنند و چهارصد قبضه اسلحه در اختیار او قرار داده و او را ماء مور خلع سلاح روستاهای اطراف بانه نموده اند. لازم به یادآوری است که احمد بگسرمدی یکی از سرپرده‌گان سابق ساواک و از کسانی بود که در سرکوب جنبش سال ۴۶-۴۷ شرکت داشت و اکنون با دولت جمهوری اسلامی همکاری می کند. او نه تنها در کار خود موفق نبوده بلکه از طرف پیشمرگان حزب دمکرات تهدید به قتل شده است و اکنون جرئت آفتابی شدن ندارد.

مرتاجع معروف " حاج شیخ کاکه حمه " که گویا از جاشهای مفتیزاده است و دوستی نزدیکی با خلخالی فاشیست دارد امام جمعه بانه شده و قرار است پسروی بنام شیخ فاضل رئیس آموزش و پرورش بانه شود. ملامحمدو امام جمعه سابق بانه از طرف پیشمرگان کرد ریوده شده و بعد از چند روز به دلایلی آزاد گردیده و تهدید شده اگر بعد از این به جاسوسی ادامده دهد، در دادگاه خلق اعدام خواهد شد. نظامیان پاسگاه " نور " (یکی از دهات مرزی) پاسگاه را تخلیه نموده، اکنون پاسگاه بوسیله فئودالهای " نور " اداره می شود ! تمام مناطق روستایی و پاسگاههای دیگر در دست کردها می باشد.

۶/۲۹ / از صبح روز پنجشنبه ورود و خروج وسایل نقلیه از شهر مهاباد منع شد. ارتش شهر را محاصره کرده و نزدیک به ۲۰ تیر تپ بهسوی سیدآباد و رویبروی پادگان شهر شلیک کرده است. در سردشت و بانه نیز ورود و خروج اتومبیل از شهر منع شده و گفته می‌شود ارتش و پاسداران خود را برای جستجوی خانه بهخانه در این شهر آماده کرده‌اند. در بانه بیش از ده‌هزار نفر از اهالی شهر و روستا بعنوان اعتراض به رفتار پاسداران و نیز تیراندازیهای پیاپی شبانه در مسجد " حاج ماموستا" متحصن شده و خواهان خروج پاسداران و کنترل شهر بوسیله افراد محلی هستند. علمای بانه نیز تلگرامی برای آیت‌الله خمینی مخابره کردن‌دوخواهان پایان دادن به کشتار و خون‌ریزی در کردستان و نیز خروج پاسداران از شهر شدند. در حمله پیشمرگان بدیک واحد نظامی در " دارساوین " بین بانه و سردشت تعداد زیادی از پاسداران زخمی شدند. در این حمله یک هلی‌کوپتر نظامی سقوط کرده‌است.

در سقز بیش از دوهزار دانش‌آموز که تظاهرات می‌کردند و هر کدام یک‌مازیک بدست داشتند بر روی دیوارها شعارهایی بر علیه‌آیت‌الله خمینی می‌نوشتند و شعار می‌دادند، عده‌زیادی از آنان وسیله پاسداران دستگیر و پس از چهار ساعت آزاد شدند.

بانه، خلخالی جlad کردستان که اخیراً (پنجشنبه ۶/۲۹ ۵۸/۶ اطلاعات) دخالت افراد اتحادیه میهنی کردستان عراق بدرهبری " جلال طالبانی " را در حوادث ایران تکذیب و ردکرده بود، سه‌نفر از پیشمرگان اتحادیه میهنی را که غیر مسلح بوده و به‌قصد دیدن افراد فامیل خود به بانه آمده بودند به اعدام محکوم کرده است. گویا رحمن شمامی رئیس به‌اصطلاح شورای شهر سردشت در این رابطه به تهران آمده و خواهان آزادی پیش‌مرگان زندانی شده‌است. حکم اعدام این سه‌نفر هنوز به‌اجرا در نیامده است.

خلخالی جlad حکم اعدام هاشم کریمی مسئول دفتر حزب دمکرات‌را در بانه صادر کرده است. کاک‌هاشم در رژیم شاه هم غیاباً به‌اعدام محکوم شده بود، و ۸ سال در یمن جنوبی و عراق زندگی می‌کرد.

رفت و آمد مزدوران پهخانه فلسطین !

اخيراً" يکی از خوانندگان خبرنامه کی می‌توان به‌موی اعتماد کرد از جلوی سفارت فلسطین رد شده مسعود بارزانی و دو نفر دیگر را دیده که از این سفارت خانه خارج می‌شوند. ما از آقای هانی‌الحسن می‌پرسیم آمد و رفت این مزدور که سالها در کنار اسرائیل با ملت فلسطین جنگیده چه معنی می‌دهد؟ حقیقتاً" از سفارت فلسطین چنین انتظاری نبود.

بوکان: شهر بوکان طی دو هفته گذشته صحنه پیکارهای نظامی و سیاسی نیروهای رژیمده کرد و ارتجاع بود. در بوکان تقریباً "هر روز تظاهرات گسترشده‌ای در جریان بوده است که تظاهرکنندگان خواهان بازگشت " عزالدین حسینی" و اخراج پاسداران از شهرهای کردستان و سپردن اداره امور مردم به دست مردم شدند، روز سهشنبه گذشته ۵۸/۶/۲۷ پاسداران به همراه چند تن از جاشهای بوکان به خانه سه‌نفر از مبارزان بوکان رفته و محمد رحمانی، مطلب (جعفر) چابک (محصل) عبدالخالق حاج‌بایزید (محصل) را دستگیر و ۲۴ ساعت بعد این سه‌نفر در شهر بوکان حتی بدون حضور حاکم ضد شرع خلخالی اعدام می‌شوند. اعدام این سه نفر که از افراد مورد اعتماد و احترام مردم بوکان بودند موجی از نفرت و خشم را در میان مردم برانگیخت. مردم ابتدا بازار و مغازه‌ها را تعطیل کرده و تظاهرات وسیعی بهره‌ای انداختند، پاسداران در این تظاهرات دخالت کرده و با شلیک مسلسل قلب تظاهرکنندگان را نشانه گرفتند و ۸ نفر دیگر را مجرح کردند و ۸۲ نفر را دستگیر کرده ولی مردم فردای روز این جنایت یکپارچه شهر را به حالت تعطیل در آوردند و به تظاهرات و راهپیمایی ادامه دادند، که سرانجام پاسداران ضد انقلاب تظاهرکنندگان را آزاد کردند.

اعدام فاشیستی و جنایتکارانه این سه‌نفر در سقز نیز بازتاب وسیعی داشت و مردم بعنوان اعتراض به این جنایت مغازه‌ها و ادارات را بسته و با دادن شعار دولت بازرگان عامل خفغان و ترور، "خلخالی جlad اعدام باید گردد" در شهر به راه آفتادند.

بوکان: پاسداران مستقر در بوکان تاکنون هر شب مورد حمله‌پیشمرگان قرار گرفته و تاکنون ۱۷ تن از نظامیان و پاسداران کشته شده‌اند. پیشمرگان در حمله به بوکان از توب و خمپاره استفاده می‌کنند. در حمله پاسدارها به روستای "کهریزه" بوکان چندین خانه ویران و ۱۰ نفر مجروح شدند و "حاج عبدالله" یکی از اهالی ده کشته شد.

در حمله پیشمرگان کرد در روستای "کلب رضاخان" به پاسداران ۷۴ نفر از پاسداران اسیر شدند. که تعدادی از آنها پس از مدتی آزاد شدند. در بوکان این شایعه قوت گرفته که پیشنهاد یکی از روستاهای بوکان به شهر آمده و از پاسداران برای متفرق کردن "پیشمرگان" در اطراف روستای محل اقامت خود استمداد می‌کند ولی در راه پاسداران مورد حمله نیروهای مسلح کرد قرار می‌گیرند و ۱۸ نفر از آنها زخمی یا کشته می‌شوند. تعداد پاسداران و نیروهای نظامی در بوکان افزایش یافته و براساس گزارش رادیو ایران جنگ سختی در نزدیکی بوکان صورت گرفته است. ۹ تانک از مهاباد به بوکان آمده‌اند و در نقاط حساس مستقر شده‌اند.

کرمانشاه

کرمانشاه: همزمان با شروع سال تحصیلی چندین دبیرستان کرمانشاه بعنوان اعتراض به اعدام جنایتکارانه شهید "هرمز گرجی بیانی و آذربیجان مهدوی" برس کلاس حاضر نشدند. دانشآموزان در حالیکه شعارهایی علیه خلخالی و به طرفداری از خدمتمندی دادند در خیابانهای شهر تظاهرات کردند ولی بعد از مدت کمی وسیله پاسداران متفرق شدند.

از طرف ادارات مختلف کرمانشاهان حقوق و مزایای گروه زیادی از معلمان و کارمندان و کارگران مبارز این استان قطع شده‌است. از سوی دیگر گروهی از آموزگاران و دبیران این استان به جاهای دیگر تبعید شده‌اند.

سردشت

سردشت: ۵۸/۶ در سردشت نیز صدای غرش هواپیماهای فانتوم

هلى کوپتها و توب به طور مداوم به گوش می رسد. امروز ۲۹/۶/۲۹ ورود و خروج اتومبیل به سردشت ممنوع شد، و مسافرانی که از بیراهه خود را به سردشت رسانده بودند گفتند جنگ بین سردشت - پیرانشهر و سردشت - مهاباد باشد تمام ادامه دارد. گفته می شود ارتش در "توژال" به محاصره در آمده ولی محیط خفتان حاکم بر شهر و نیز قطع ارتباط شهر و ده مردم را بکلی از درگیری هایی که در ارتفاعات صورت می گیرد بی خبر نگاهداشته است. ارتش که در "شیخ ابراهیم" مستقر است با توب روستای "باسآباد" را مورد حمله قرار داده است. سه خانه ویران شده و ۸ نفر زخمی شده اند. که سه نفر آنها در گذشتند. از داخل شهر هم "جازوکه" را با توب مورد حمله قرار داده اند. و پنجاه گوسفند روستائیان معدوم شد. پاسداران خیال کرده بودند که گوسفندان در حال حرکت پیشمرگان هستند که به سوی آنها می آیند. لاشه یک هلى کوپتر که در جنگ گردنه "گرژال" سقوط کرده به شهر سردشت آورده شده و همچنان در مدخل شهر می باشد.

به گفته ناظران رفتار پاسداران با مردم سردشت بسیار خشن و غیر انسانی می باشد. آنها با کوچکترین بهانه دست به اسلحه بردند و تیراندازی می کنند. در چند مورد به مردم حمله کرده و به آنها توهین کرده اند. آن دسته از مردم که قبله" با پیشمرگان مخالفت کرده و با ارتش همکاری کرده بودند از کار خود پیشمان هستند، اسمی این گروه همراه با جاشهای شهرهای دیگر به زودی از طرف "خبرنامه کردستان" منتشر می شود.

یک روزمنده کرد به نام "محمد شاگوب" که می خواست با نارنجک به پاسداران مستقر در میدان عمومی سردشت حمله کند بر اثر انفجار نارنجک در دستش کشته شد. بر اثر انفجار این نارنجک یک نفر دیگر نیز زخمی شد که در بیمارستان سردشت بستری می باشد.

۳۱/۶/۲۹ "سیسر" و "نستان" دو روستای اطراف سردشت و سیله هلى کوپتهاي ارتش جمهوري اسلامي به مدت چند ساعت گلوله باران شد و دهها نفر زن و کودک مجروح شدند، که به بیمارستان سردشت منتقل شدند. گلوله باران این روستاهادر هنگام روز یکی دیگر از جنایاتی است که ارتش ضد خلقی دست پرورده امپریالیسم جهانی در کردستان مرتکب می شود. نیروهای پاسدار و ارتش مستقر در سردشت

شبها از ترس جان خود مرتب بی‌هدف دست به تیراندازی و توبهاران روستاها می‌زنند، که تاکتون دهها نفر برای این جنایات بهخاک و خون کشیده شده‌اند. جنگ در "آمد" ادامه‌دارد و ارتباط تا "آمد" در کنترل نیروهای پیشمرگه می‌باشد.

براساس آمارهای اعلام شده گروههای سیاسی کردستان، در آخرین هفته، شهریور ماه در منطقه ۲۹۰ نفر پاسدار دستگیر شده‌اند که افراد اصلی آنها همچنان در دست کردها هستند.

در نزدیکی سرنشیت پیشمرگان با تغییر لباس و پوشیدن انیفورم نظامی در یک خودروی ارتشی یک فروند هلی‌کوپتر را بمبهانه احتیاج به کمک فرودمی‌آورند و به‌محض نشستن هلی‌کوپتر سرنشیان آن را خلع سلاح نموده و خلبان و هلی‌کوپتر و سرنشیان آن را با خود می‌برند.

. هفته گذشته در "واوان" نزدیکی سرنشیت گروهی از پاسداران لباس پیشمرگان را پوشیده و به‌اصطلاح می‌خواستند به‌کردها حمله کنند ولی در راه وسیله هلی‌کوپرهای کبرا گلوله‌باران شده و ۱۱ نفر از آنها کشته می‌شوند.

خبرهای زیر از "خبرنامه شماره چهار حزب دمکرات" نقل شده‌است:
در پاسخ به حمله ناجوانمردانه پاسداران مستقر در سرنشیت که سبب کشته شدن مردم بی‌دفاع و ویران کردن منازل و به‌آتش کشیدن محصولات کشاورزی و علوفه حیوانات گردید، پیشمرگان چند شب پی‌درپی به پادگان سرنشیت حمله و خسارات زیادی به پاسداران وارد کرده و چند تن از آنان را کشته و زخمی کردند.
روز ۵۸/۶/۲۲ پاسداران که برای سرکوب و کشتن مردم بی‌دفاع روستاهاي حومه بانه حرکت کرده بودند در (نور) وسیله پیشمرگان مورد حمله قرار گرفته و یک خودرو پاسداران متلاشی شد.

روز ۶/۲۳ / پیشمرگان راه را بر یک ماشین حامل پاسداران که جهت کشتار مردم منطقه (همzeddeh دولان) بدراه افتاده بودند، گرفتند. در نتیجه این برخورد ماشین پاسداران طعمه حریق شده و دو پاسدار کشته و زخمی گردیدند.

ساعت ۵/۵ بعد از ظهر روز ۶/۲۸ / عده زیادی از مردم قهرمان و شرافتمند سرنشیت بر ضد اعمال غیر انسانی و پیشمانه پاسداران مستقر در سر-

دشت، تظاهرات بزرگی بدراه انداختند. طبق خبر موثق تعدادی از پاسداران در سرداشت که وجودنشان بیدار شده و انگیزه اصلی این جنگ برایشان روش شده بود، توسط ۶ ماشین سواری به شهر خود بازگشتند. پاسداران مذکور هنگام خروج از سرداشت از مردم عذرخواهی و طلب عفو کرده و گفته‌اند ما از چگونگی این جنگ آگاه نبوده و حال که همه چیز برایمان روشن شده حاضر به برادرکشی نیستیم.

پیرانشهر

کارمندان ادارات مختلف پیرانشهر بعلت رعب و وحشت حاکم در این شهر حاضر نشده‌اند بر سرکار خود بازگردند و صدها نفر از کارمندان ادارات مختلف شهرهای کردنشین به مبارزین کرد ملحق شده‌اند، بطوریکه روزانه در هر اداره چندین نفر غایب هستند.

در روزهای ۲۲/۶/۵۸ و ۲۳/۶/۵۸ پیشمرگان قهرمان به جبران ظلم و زورگویی و آدمکشی پاسداران مستقر در پیرانشهر به پادگان حمله کرده و با (آ.پی.جی ۷) دو دستگاه تانک را منهدم و قسمتی از پادگان را ویران نموده و در هر بار دیدبانهای پادگان را کشتند، همچنین در این حمله منبع آب پادگان نیز منهدم گردید.

پیشمرگان در منطقه (پردانان) راه را بر عده‌ای از پاسداران که به عزم کشtar مردم از پیرانشهر خارج شده‌بودند گرفتند. در این برخورد بیشتر از ۲۰ پاسدار کشته شده‌اند.

اخبار رسیده از پادگانهای مهاباد، سرداشت، پیرانشهر، سندج و جلديان حاکی است که روحیه ارتشیان و پاسداران بسیار ضعیف و متزلزل است و روزی نیست که بین پاسداران و ارتشیان درگیری پیش نیاید. پاسداران ارتش را فرماندهی می‌کنند و ارتشیان این عمل را توهین به خود به حساب می‌آورند. افسران جوان از اقدامات بی‌رویه و در بسیاری موارد نابجا و کینه توزانه پاسداران شدیداً "ناراضی هستند. از طرف دیگر پاسداران و ارتشیان هر کدام دیگری را متهم می‌کنند که می‌خواهند طرف دیگر را در جنگ جلو بیاندازند.

پیام حزب دمکرات

حزب دمکرات کردستان ایران در اعلامیهای خطاب به سازمانهای ملی و دمکراتیک ایران، احزاب و سازمانهای مترقبی سراسر جهان، سازمان ملل متحد و سازمانهای وابسته، جنبش‌های آزادی‌بخش ملل ستمدیده، صلیب سرخ جهانی، و سازمانهای نیکوکار، شخصیت‌های بشر دوست همهٔ کشورها، درخواست کرد در برابر کشتار دسته‌جمعی خلق کرد بی‌تفاوت نباشد و بهیاری این خلق ستمدیده برخیزند. در اعلامیه آمده‌است بیش از یکماه است خلق کرد در کردستان ایران با یک جنگ تمام عیار و ظالمانه روپرور است که موجودیت او را بعنوان یک ملت مورد تهدید قرارداده است. این جنگ ناروا بدنبال فتوای نامشروع و نامعقول خمینی دایر بر ضد اسلامی معرفی نمودن خلق کرد اعلام بسیج عمومی و جهاد علیه ملت صلح‌دوست و مسلمان کرد به مردم کردستان تحمیل شده است. سوزاندن و ویران‌کردن شهرها و روستاهای کردستان و کشتار پیرمردان و زنان و کودکان بی‌دفاع و بی‌خانمان نمودن و آواره‌ساختن دهها هزار کرد ایرانی از نتایج اولیه این جنگ خانمان‌برانداز بوده است. پاسداران خمینی تنها در دهکده "قارنه" ۴۶ نفر را قتل‌عام کرده‌اند که عده زیادی زن و کودک و پیر مرد‌سال‌خورده در بین آنان وجود داشته است.

بدین ترتیب رژیم خمینی دست به ژنو‌سید (کشتار دسته‌جمعی) خلق کرد زده است. خمینی به‌این جنگ جنبه مذهبی داده و شیعیان ایران را علیه خلق کرد که اکثریت آنها سفی‌هستند تحریک نموده است. خمینی به‌این جنگ جنبه نژادپرستانه و شوونیستی داده است، زیرا بنام اسلام وجود ملت کرد را نادیده می‌گیرد و قصد دارد آن را از بین ببرد.

خلق کرد با اراده‌ای آهینه‌ی و عزمی راسخ با این جنگ ناخواسته روپرور شده و در دفاع از جان و مال و ناموس و مقدسات ملی و مذهبی خویش از هیچ‌گونه جانبازی و فدایکاری دریغ نورزیده و در برابر سلاحهای مدرن آمریکائی، هلی‌کوپتر و فانتوم‌هایی که در اختیار رژیم خمینی است، قهرمانانه سینه سپر کرده است.

بهمین جهت ما بنام مردم ستمدیده کردستان همهٔ نیروهای مترقبی و

شخصیت‌های بشردوست ایران و جهان را بهیاری خلق کرد و انقلاب ایران دعوت می‌کنیم و وظیفه انسانی شما حکم می‌کند که صدای اعتراض خود را به هرسیلهای که مناسب می‌دانید علیه جنایتهای رژیم خمینی در کردستان بلند کنید. ژنوسید (کشتار دسته‌جمعی) خلق کرد را که از طرف خمینی آغاز گردیده است بهشدت محکوم نمائید. سیاست نژادپرستانه شوونیستی خمینی را رسوا کنید. بهیاری خلق کرد بستایید و با ارسال کمکهای مادی، مواد غذایی و دارو بطور مستقیم و یا از طریق صلیب سرخ جهانی و دیگر مؤسسات نیکوکار بین‌المللی و ملی مبارزه عادلانه و انسانی مردم کردستان و ایران را به خاطر آزادی و دفاع از شرافت انسانی تقویت نمائید. ما با تکیه به نیروی پایان ناپذیر توده‌های ستمدیده کردستان و کک آزادیخواهان ایران مبارزه خود را تا پیروزی نور فرهنگ و علم بر بیداد و استبداد و تاریکی و ظلمت ادامه خواهیم داد. شما نیز وظیفه انسانی خود را انجام دهید و در کنار ما علیه استبداد قرون وسطائی خمینی به روسیلهای که می‌توانید اقدام کنید.

خلبانان آمریکایی در کردستان!

دکتر قاسملو رهبر حزب دمکرات کردستان در مصاحبه‌ای گفت‌های است: مبابی- سیم دستورات فرماندهان را برای بمباران کردستان ضبط کرده‌ایم و در بسیاری موارد دستورات با زبان انگلیسی و لهجه خلبانان آمریکایی بوده‌است. متن این مصاحبه‌را در شماره آینده منتشر می‌کنیم.

اشنویه

در جریان تظاهراتی که به طرفداری از عزالدین حسینی، سازمان انقلابی زحمتکشان، چریکهای فدایی خلق، و حزب دمکرات در اشنویه صورت گرفت مزدوران قیاده موقت و افراد عصمت‌خان زرزا و جعفرخان زرزا، به مردم حمله کردند، ۸ نفر شهید شدند. گفته می‌شود ادریس بارزانی به اشنویه رفته و دو نفر از عوامل خود را در ارتباط با این مسئله بازداشت کرده‌است. مردم خواهان اخراج قیاده از ایران شده‌اند. ادریس در رضاییه به نمایندگان اهالی اشنویه گفته‌اکر

بازماندگان شهدا رضایت بدند ما به آنها ۵ هزار تومان می‌دهیم.

کرند - قصرشیرین - پاوه

بدنبال دستگیری ۶ نفر از اعضای شورای مردمی شهر کرند از جمله زن مبارزی بنام فوزیه رعنایی دهها نفر از مردم مبارز این بخش در بخشداری متحصن شدند و خواهان آزادی این عده شدند. بدنبال این جریان حاج آخوند نماینده آیت الله خمینی به کرند می‌رود و از مردم می‌خواهد که اسلحه‌های خود را تحويل دهند ولی هیچکس تاکنون اسلحه‌ای تحويل نداده است. بدنبال این جریان حاج آخوند از مردم می‌خواهد که خودشان ۱۰۰ قبضه اسلحه پیدا کنند و تحويل دهند ولی بازهم کسی حاضر به این کار نشده است. دستگیر شدگان همچنان در زندان بسر می‌برند و تحصن مردم کرند نیز ادامه دارد. اهالی کرند در تظاهراتی که به پشتیبانی از این عده به راه انداختند خواهان خروج پاسداران و سپردن اداره شهر بدست خودشان شدند.

نزدیک به یکهزار خانواده از اهالی سریل ذهب و روستاهای تابعه بدنبال یورش ارتقای به کردستان به عراق پناهنده شده‌اند.

در حمله پیشمرگان به رادیو قصرشیرین و نیروگاه برق این شهر ۷ نفر از پاسداران کشته و خسارات فراوانی به این دو محل وارد آمد. رادیو و تلویزیون دولتی و سپاه پاسداران که از این حمله غافلگیر شده بودند گفتند تلفاتی وارد نشده.

پیشمرگان کرد طی هفته گذشته ۲۴ بار به مراکز پاسداران و ژاندارمری در باینکان، نودشه، نوسود، پاوه و قشلاق حمله کرده و ۱۳ نفر از پاسداران و نظامیان را کشته و تعداد زیادی را مجروح کرده‌اند. درحال حاضر تمامی مناطق روستایی و کوهستانهای اورامانات در دست پیشمرگان می‌باشد و پیشمرگان با یورش‌های متعدد خود مانع از برگزاری مراسم چهلم پاسداران غیر محلی در این شهر شدند. تنها دبیرستان پاوه نیز بر اثر اعتصاب دانشآموزان و مخفی شدن بیشتر معلمان آن به حال تعطیل درآمده است. درحال حاضر وضع پیشمرگان در پاوه بسیار خوب است و تمام مناطق در دست آنها است، ارتش و پاسداران در این منطقه جوئیت جایه‌جا

شدن را ندارند، زیرا با حمله رزمندگان کرد رو به رو می‌شوند.

بیجار - تکاب - همدان

بیجار: تاکنون شهر بیجار به علت موقعیت خاصی که دارد و شرایط آن جزو مناطق بِماصَلَح امن کردستان بود ولی اخیراً در تشییع جنازه یک استوار بهمنام علی خان قنبری در ایلام اعضا خانواده وی و تشییع کنندگان جنازه می‌گفتند وی از جمله یازده تن ماء‌مورانی بود که در یکی از پاسگاههای بیجار مورد حمله قرار گرفت و کشته شد. (اطلاعات ۲۸ شهریور)

تکاب: مردم روستاهای کردنشین تکاب تظاهراتی بعنوان اعتراض به یورش ارتقای به کردستان به راه انداختند. تظاهرکنندگان در حالیکه عکسها ای از قاضی محمد و شیخ عزالدین در دست داشتند بر علیه دولت و قدرت‌های حاکم و پاسداران شعار می‌دادند. آنها خواهان اعدام خلخالی به تلافی کشتار جنایتکار اندash در کردستان شدند.

همدان: گروهی از سربازان، درجه‌داران و افسران آگاه از رفتان به کردستان و شرکت در کشتار و سرکوب خلق افتخار آفرین کرد خودداری کردند. بهمین جهت ۱۲ افسر خلبان در پایگاه هوایی همدان دستگیر شدند که دونفرشان اعدام و ده‌نفر دیگر زر گیوتین استبداد نعلیین هستند. دهها نظامی قهرمان دیگر برای آنکه جان هموطنان دلیر کردشان را نگیرند حاضر به جنگ نشدند که هم‌اکنون در بند می‌باشند. نظامیان جزء در کردستان چندین شهید دادند که می‌توان از ۱۲ نظامی شهید سقز نام برد.

Zahidan

Zahidan: تظاهرات وسیعی با شرکت بیش از ۳۰ هزار نفر از مردم بلوچستان در Zahidan بر علیه رسمیت مطلق دادن به مذهب تشییع برگزار شد، در این تظاهرات که با مخالفت مولوی عبدالعزیز روحانی مرجع روپرورد تظاهرکنندگان خواهان خودمختاری مردم بلوچستان و پایان دادن به کشتار مردم کردستان شدند. تظاهرکنندگان عکسها ای از سید عزالدین حسینی با خود همراه داشتند.

هفته گذشته مولوی عبدالعزیز با همتای سندجی خود (مفتیزاده) با آیت‌الله خمینی ملاقات کردند ولی آیت‌الله خمینی در این ملاقات با آنان به سردی رفتار کرد و گفت شما باید نظر اکثریت را بپذیرد ! خبر این ملاقات از رادیو دولتی پخش شد .

استاندار سیستان و بلوچستان در گفتگویی با کیهان اعلام کرده که ۲ هزار نفر افراد مسلح بلوج در کوهها هستند و بر علیه دولت می‌جنگند . یک خبر رسیده از بلوچستان حاکی است که افراد مسلح وابسته به جبهه آزادی‌بخش بلوچستان می‌باشند که در یک ماه اخیر به چند عمل مسلح‌انه در شهرهای بلوچستان دست زده‌اند .

بیروت

بیروت : ابوایاد مرد شماره ۲ الفتح در مصاحیمای با مجله الاسبوع العربی اعلام کرد ، هئیتی برای ایجاد تفاهم و میانجی‌گری بین کردهای ایران با رژیم عازم تهران شده‌است . ابوایاد اضافه کرد بعقیده من آنها (کردها) ملتی هستند که پایه‌های تشکیل دهنده یک قومیت را دارند و این موضوع می‌تواند بصورت خودمختاری در چهارچوب تمامیت‌ارضی کشوری که در آن بسر می‌برند رعایت می‌شود و در غیر این صورت مظلوم واقع خواهد شد . ابوایاد گفت کرده‌انسانند و هر انسانی به‌ملیت خود افتخار می‌کند و استفاده از خشونت هیچ مسئله‌ای را حل نمی‌کند .

پیام به : دانشجویان و دانشآموزان کردستان به مناسبت آغاز سال تحصیلی

۵۸ - ۵۹

بنام خدا

دانشجویان و دانشآموزان مبارز کردستان ! سلام و درود بر شما !

به روحیه تسلیم ناپذیر شما درود می‌فرستم که چه در دوران سلطنت منفور پهلوی و چه در روزهای سخت هجوم به کردستان همیشه در صف اول مبارزه با نثار خون خود پرچم انقلاب را برافراشته کرده‌اید. اکنون سرزمین محبوب ما کردستان با هجوم فاشیستی حکومتی روپرتو گشته است که زیر پوشش اسلام و انقلاب با مشیر غدر و خیانت خون هزاران هموطن ما را در کردستان و سراسر ایران بر زمین ریخته است. این پیامبران دروغین که میراث خوار رژیم استبدادی و وابسته شاه هستند، از هر بانک آزادیخواهانهای مانند ناقوس مرگ خود می‌ترسند و می‌کوشند آن را با زور و قهر خفه کنند و در این راه از اعدامها و قتل عامها و ویرانکریها شرم ندارند. اما شما که طی سال گذشته کوله‌باری از تجربه انقلابی گردآورده‌اید خوب می‌دانید که سرنوشت چنین حکومتی سرکوبگر بهتر از حکومت پهلوی نخواهد بود. جوانان انقلابی کردستان! امروز خلق کرد در مقابل تهاجم نیروهای خونخوار دلیرانه بمی‌خاسته و با جنگ مقاومت عادلانه پرچم ادامه انقلاب ایران را در دست گرفته‌است. انقلاب کنونی کردستان دو بازوی محکم و نیرومند دارد: یک بازوی آن پیشمرگان کردستان‌اند که در مقابل تانک و توپ و هوایپیما و ارتش و پاسدار این حکومت آخوندی آتش مقاومت مسلحانه‌ها در کوهستانهای کردستان روشن‌کرده‌اند، و بازوی دیگر آن توده‌های انقلابی شهری هستند که با تظاهرات و اعتراضات و ضربه‌های پی‌درپی دشمن را سراسیمه‌کرده، رژیم استبدادی آخوندی را به روزگار سیاه رژیم استبدادی شاهنشاهی دچار ساخته‌است. شما دانشجویان و دانش‌آموزان مشعلدار این مبارزه بوده و همواره در صف اول و پیش‌پیش تظاهرات و اعتراضات گام برداشته‌اید. اما اکنون که سال تحصیلی فرا رسیده‌است، وظیفه انقلابی شما سنگین‌تر شده‌است. بنابراین بادآوری نکات زیر را لازم می‌دانیم:

- ۱- مدرسه سنگر مبارزات شماست، درست است که مدرسه محل کسب علم و معرفت است و باید در راه آن بکوشید اما علم و معرفت بدون مبارزه سیاسی بی ارزش است. بنابراین با حفظ سنگر مدارس از دستاوردهای مبارزات یک‌سال گذشته دفاع کنید و بگذارید در مدارس دیکتاتوری برقرار کنند و آزادیهای را که با خون شهیدان بدست آورده‌اید از شما بگیرند. صفوف خود را سازمان داده و برای ادامه مبارزه در شرایط جدید "هسته‌های مقاومت" تشکیل دهید. هشیار

باشد که دشمن خونخوار و فریبکار است از تجارت و استیاهات گذشته درس بگیرید، آگاهانه مبارزه کنید و همچنان در بالا بردن آگاهی خود و توده‌های جوان بکوشید.

۲- به یاری معلمان مبارز شوراهای انقلابی در مدارس بربا کنید و با برگزاری یادبود شهیدان و بزرگداشت روزهای تاریخی بخصوص لحظات انقلابی سال گذشته خاطره شهدا را زنده کرده و راه انقلابی آنان را ادامه دهید.

۳- در مدارس از حق مشروع خلق کرد یعنی خود مختاری در چارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک دلیرانه دفاع کنید. سنتهای مبارزاتی خود را نگهدارید، از حق تحصیل به زبان مادری حق انتشار مطبوعات، کتاب، و نشریات به زبان کردی و از فرهنگ انقلابی خلق کرد، بزرگداشت شهیدان و شخصیت‌های انقلابی کردستان، حفظ لباس و تقالید و ادبیات و هنر انقلابی خلق کرد با جان و دل دفاع کنید.

۴- از زحمتکشان کردستان در مبارزه برای احراق حقوق صنفی و طبقاتی خود و علیه ظلم و ستم حکومت ارتজاعی و نیروهای ستمگر صمیمانه دفاع کنید و نشان دهید که شما مشعلداران خلق و پیشوanon، آگاه‌کنندگان و سازمان دهنگان مبارزات انقلابی هستید.

۵- از انقلاب ایران که ادامه مبارزات دیرینه خلقها و طبقات ستمدیده ایران است و با خون دهها هزار شهید آبیاری شده است دفاع کنید. دولت ارتजاعی با منع آزادیهای دموکراتیک مانند تعطیل احزاب و سازمانها و مطبوعات آزادیخواه و سرکوب تظاهرات و اجتماعات مردم ضربه مهلهکی به انقلاب وارد آورده و با سرهم بندی مجلس خبرگان و تنظیم قانون اساسی ارتজاعی و دامن زدن به تعصبات و تبعیضات مذهبی و اجتماعی ماهیت ضد خلقی خود را آشکار ساخته است. علیه همه این تجاوزات به پا خیزید و دوش بهدوش سایر خلقهای ایران لحظه‌ای از مبارزه دریغ نورزید.

۶- شما که کانون فروزان مبارزه توده‌های شهری هستید از پیشمرگان کردستان پشتیبانی کرده آنان را تقویت کنید و پشتکرم باشد که پیشمرگان نیز از مبارزات شما در مقابل سرکوبگران نیروهای مهاجم دفاع خواهند کرد و بهاین ترتیب دو بازوی نیرومند جنبش مقاومت کردستان بیاری یکدیگر در شهرها و روستاهای پرچم انقلاب را

به اهتزاز درآورده همراه نیروهای انقلابی و مبارز سوارس ایران تا پیروزی انقلاب و تحقق خودمختاری در چارچوب ایران مستقل و دمکراتیک از پای نخواهندنشست. انتظار ما از معلمان مبارز و آگاه کردستان که نقش فعال آنها همواره در پیشبرد امر انقلاب موثر بوده است، اینست که در این مقطع حساس و تاریخی رسالت خود را به بهترین وجهی انجام داده همکام با دانشجویان و دانشآموزان، همچون سالهای گذشته در راه تحقیق بخشیدن به آرمانهای خلق کرد و دیگر خلقهای ایران تلاش نموده با امر تدریس به آنها درس مبارزه، از خود گذشتن و خدمت به خلق بیاموزند.

بار دیگر به شما درود فرستاده و از طریق شما به همه دانشجویان و دانش آموزان ایران درود می فرستم درست است که بعلت شرایط ویژه کردستان روی سخنم با شماست اما پیام من به همه جوانان انقلابی و دانشجویان و دانشآموزان ایران است که هر چه در توان دارند در راه خدمت به خلق بکوشند.

خدا نگهدار تان باد، پیروز و موفق باشد.

— سید عزالدین حسینی —

۵۸/۲/۱

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا
پرتوان باد مبارزه خلق قهرمان کرد بر علیه امپریالیسم و ارتقای داخلي

"طرفداران جبهه" متحد کردستان

جنگ هنوز با شدت هرچه تمام تر در کردستان ادامه دارد. در شرایطی که رادیو و تلویزیون ضد ملی و ارگانهای خبری وابسته به قدرت حاکم از نشر اخبار واقعی کردستان خودداری می‌کنند، در "خبرنامه کردستان" تصمیم‌گرفتیم تا گروهی را به جبهه جنگ کردستان بفرستیم و گزارش مفصل از منطقه تهیه نماییم، مطالب زیر بخش اول از گزارشی است که از شهرستانها و بیویزه کوهستانها یعنی جبهه نبرد کردستان تهیه کرده‌ایم.

گزارشی از جبهه نبرد کردستان

این اولین باری بود من مأمور شده بودم کار یک خبرنگار را بکنم و در راه دراین فکر بودم گزارشم را چگونه و از کجا آغاز کنم از مقاومت قهرمانانه مردم شهرها بر علیه اشغالگران یا از پیکار دلیرانه پیشمرگان قهرمان کوهستان؟ نمی‌دانستم از "قارنه" دیریاسین و می‌لای کردستان بنویسم یا از مهاباد قهرمان که امروز نقش لنینگراد ایران را در برابر یورش ارتقای بازی می‌کند.

از همان لحظات اول بهما گفتند شهرها در دست ارتش و روستاهای راهها و کوهها در دست چریکهای کرد است به حال ساعت ۹ صبح وارد مهاباد شدیم. مهاباد شهری با جمعیتی کمتر از ۶ هزار نفر بیش از یک ماه است که در برابر ارتش ضد خلقی دست پرورده امپریالیسم و پاسداران پلنگ پوش مقاومت می‌کند. سراسر

در و دیوار مملو از شعارهای انقلابی است (تاخون در رگ ماست حسینی رهبر ماست) (بژی کور دوکور دستان) و (مرگ بر خلخالی و ...) آرامش ظاهربی شهر نباید شما را فریب دهد ، اینجا از درون می جوشد مهاباد ارتش و پاسداران را مستاصل کرده است . حالا دولتی ها هم فهمیده اند برخلاف آنچه فکر می کردند مهاباد را نه تنها نگرفته اند بلکه این شهر تبدیل به مردمابی برای آنها شده که بیرون آمدن از آن مشکلتراز وارد شدن به درون آن است .

۶/۶ / امروز تظاهرات وسیعی به طرفداری از شیخ عزالدین حسینی و پیشمرگان و سازمانهای سیاسی انجام شد . تظاهرکنندگان درحالیکه سرود " ئهی رقیب " را می خواندند در خیابانهای شهر بهراه افتادند و یک صدا فریاد می زدند " درود بر حسینی مرگ بر خلخالی " غیر از خلخالی مرگرا نثار کسانی دیگری نیز می کردند ! صدای تیراندازی های پراکنده گاه و بیگاه به گوش می رسید مردم دکان و بازار و ادارات را تعطیل کرده بودند ، آنها خواستار تاء مین امنیت شهر بودند و می گفتند امنیت شهر وقتی تاء مین می شود که پاسداران و ارتش از شهر خارج شوند تانکها و زره پوشها همراه با صدھا نظامی و پلنگ پوش (پاسدار) بر بالای کوه " دوشان مجید " مشرف به شهر مستقر بودند ، طولی نمی کشد تظاهرات وسیع سراسر خیابانهای مهاباد را در بر می گیرد ، شعارهای زیادی داده می شود و بسیاری از آنها به زبان کردی (مرگ بر جاشکان - جاشه کرد فروشکان) (مرگ بر مزدوران - مزدوران کرد فروش) کرد فروشی برای یک کرد جوم سنگینی است که کمتر کسی در میان کردها دست به آن می زند ، عقیده عمومی در کردستان بر این است سردسته و بزرگ رهبر این عده احمد مفتی زاده است . تظاهرات لحظه بله لحظه اوج می گیرد مردم چون سیلی به سوی خانه " شیخ عزالدین " سر ازیر می شوند و ناگه پاسداران میرسند ، یکریو ، دو ریو ، یک جیب دیگر و در عرض کمتر از ۵ دقیقه دهها و بلکه صدھا پاسدار به داخل شهر می ریزند . تیراندازی شروع می شود ، جنگ شار به جنگ مسلحانه تبدیل می شود ، صدای رگبار و یک رگبار دیگر . باز هم رگبار مسلسل و گاهی انفجار نارنجک هم چاشنی رگبار مسلسلها می شود . پاسداران همه جا را فرق می کنند و بهرجنبدهای شلیک می کنند به یاد روزهای شکوهمند انقلاب می افتم ، ۱۷ شهریور ، اول محرم ، در سرچشمه و هشتم بهمن در میدان انقلاب (۲۴ اسفند)

تهران، خدایا مگر رژیم عوض نشده مگر انقلاب نکرده‌ایم؟! اینها که مردم را به رگبار بسته‌اند پاسدار انقلاب بزرگ خلقهای ایران هستند یا افراد گارد شاهنشاهی؟! در چند کوچه مردم را محاصره کرده‌اند. ما به خانه یکی از اهالی پناه برديم زن صاحب خانه که یک زن چهارشانه قوى هیکل بود ما را به داخل خانه‌راهنماei کرد و به زيرزمين برد، چشم باز کردم گروهي ديجر نيز آنجا پناه‌گرفته بودند. ۲۰ نفر، ۳۰ نفر و يا شايد بيشتر بعضی از آنها را می‌شناختم و يا شايد چون همه دردی مشترك داشتیم و در محاصره فرار گرفته بودیم احساس می‌کردم که با هم آشنا هستیم، پاسداران ديوانه‌وار تیراندازی می‌کردند رگبار پشت رگبار. ما كه سراپا گوش بودیم ناگهان بدنبال رگباری از گلوله نالمزنی را شنیدیم که فریاد می‌زد "سوتام، سوتام" (ساختم، ساختم) بدنبال آن پاسداری که موفق به شکار این انسان شده بود با نعره‌هایی که از رضایت خاطرش حکایت می‌کرد، خطاب به خانه‌های درماتم فرو رفته و پنجره‌های بسته فریاد زد: آهای دمکراتها، بیائید پائین "بیائید پائین یهودیها" ... صهیونیستها ... و بدینگونه پیام آوران امنیت و آرامش در جمهوری اسلامی در پی شکار انسان کارشان به جنون و عربده‌جویی کشیده شده بود بدنبال این ماجرا پاسداران و نظامیان به خانه‌های مردم هجوم می‌برند و مردان و یا جوانان را کشان‌کشان از خانه خارج می‌کنند. موج دستگیری‌ها آغاز می‌شود روز بعد تظاهرات با شدت بيشتری برگزار شد و این برنامه تقریباً "هر روز در مهاباد تکرار می‌شود. آخر مگر می‌شود جلو باد را گرفت یا مانع تابیدن خورشید شد؟ در این شرایط ما روز چهارشنبه ۱۴/۲۸ مهاباد خونین را ترک گفته و به همراه یک راهنما به طرف کوهستان و مقر رهبران شورش (شورش در زبان کردی معنای انقلاب و جنبش است) کردستان و بدیدار پیشمرگان کرد می‌رویم به فاصله کمی که از شهر خارج شدیم با گروههای پیشمرگان روبرو می‌شویم که همچنان حاکمیت خود را بر منطقه حفظ کرده‌اند. اکثرب قریب به اتفاق آنان مردم شهر و روستا یعنی توده فقیر مردم‌مند. چندتائی از آنها را می‌شناشیم در میانشان بنا، کارگر ساختمان، بقال، قهوه‌چی، کارگر اتوشئی، دیپلمه، لیسانسیه، دانشجو، و حتی در جددار ارتش و ژاندارمری و پاسبان دیده می‌شود. با عده‌ای دست می‌دهیم دستهایشان زمحت و پیشه بسته‌است لیکن چهره‌ای خندان دارند. در بین راه از میان روستاهای

عبور می‌کنیم . مردم هرگجا ما را می‌بینند بهنوشیدن چای و دوغ و رفع خستگی دعوت می‌کنند . هرگاه چشمشان بهپیشمرگی می‌افتد گویی ناجر خود را دیده‌اند ، چشمهایشان از خوشحالی برق می‌زند بهنگام دور شدن بهگرمی بدرقهات کرده و برایت آرزوی موفقیت می‌کنند . در عین حال هوشیارند و هر غریبه‌ای را زیر نظر دارند و آمدورفت او را به شورش (جنبش) گزارش می‌کنند ، عده‌ای از آنها راجع به شهرهای دیگر درباره برادارن فارس بلوج و ترکمن سوال می‌کنند دخترجوانی از ما می‌پرسد " کاکه " از شهرهای دیگر چه خبر ؟ آنجاها هنوز قیام نکرده‌اند ؟

پنجشنبه ۶/۲۹ / حدود ساعت ۳ بعدازظهر بهمیکی از مقرهای چریکهای فدائی خلق شاخه‌کردستان می‌رسیم ، چند دقیقه‌ای در کنارشان رفع خستگی می‌کنیم در بین آنها جوانان ترک ، فارس ، عرب ، بلوج و کرد هست . دختران چریک هم با لباس کردی و کلاشنیکف دیده می‌شوند ، بعد از مدتی دوباره را خود راه ادامه می‌دهیم از چند کوه و دره عمیق می‌گذریم . پیشمرگان در همه‌جا مستقر هستند ، حرکت هر جنبده‌ای را زیر نظر دارند هنگام پرواز فانتومها و هلی‌کوپترها بر فراز کوهها که تقریباً قطع شدی نیست پیشمرگان با حسرت نگاه می‌کنند یکی از آنها که روستایی ساده دلی بود و یک تنگ ۳ - ۳ بدست داشت خشمناک می‌گوید : " اگر کمی پائین‌تر حرکت می‌کرد حسابش را می‌رسیدم " حرکت ما در کوهستان مدتی دیگر ادامه یافت و بالاخره پس از چند ساعت بهمقر شیخ‌عزالدین حسینی رهبر کردستان می‌رسیم .

پیشمرگان مسلح همه‌جا را محاصره کرده‌اند چند روحانی مبارز نیز در مقر هستند رسیدن ما بهمقر آنها را خوشحال کرده‌است ، اشتیاق ما برای دیدن " شیخ " هر لحظه بیشتر می‌شود . گروهی شایع کرده‌بودند که او لباس روحانیت را از تن خارج کرده‌است ولی وقتی او را دیدیم هیچ چیز تغییر نکرده‌بود ، چند مردم مسلح " شیخ " را احاطه کرده بودند . او مثل همیشه بهگرمی از ما استقبال کرد و قبل از هر چیز درباره اوضاع دیگر نقاط ایران سوالاتی کرد . با او از تبلیغات وسیع رادیووتلویزیون درجهت تحریف افکار مردم و تحریف وقایع کردستان و انتشار شایعات متعدد درمورد خروج رهبران جنبش کردستان بهخارج کشور سخن می‌گوئیم

موضوعات مختلف مورد بحث قرار می‌گیرد و بالاخره مصاحبه‌ای صورت می‌گیرد که بسیاری از نکات ابهام جنبش کردستان را روشن می‌کند. (متن این مصاحبه را در شماره بعد منتشر می‌کنیم).

شب را به همراه پیشمرگان کرد در مقر رهبر ملی و مذهبی کردستان طی می‌کنیم بعد از شام که بسیار ساده بود یعنی انگور با پنیر، با پیشمرگان از آینده جنبش و نقاط ضعف و قوت جنبش کردستان بحث می‌کنیم. در گفتار یکاک آنها آینده‌ای روشن و نزدیکرا می‌توان دید، پیشمرگان معتقدند در آینده‌ای نزدیک دیگر خلق‌های ایران هم به دروغ پردازیها و ادعای رژیم فعلی پی‌می‌برند و برای سرنگونی آن قیام می‌کنند و آنوقت انقلاب سراسری خواهد بود، و خلق کرد تنها خواهد ماند. شاید سراسری نشدن جنبش اکنون بزرگترین ضعف آن باشد. زیرا این امر به رژیم امکان داده است که نیروهای حدد را در کردستان مستقر کنند و به بورش جنایتکارانه دست بزنند. همه معتقدند مبارزه خلق کرد برای دست آوردن خود مختاری از مبارزه دیگر خلق‌های ایران در راه کسب حقوق ملی و امحای استبداد و استثمار جدائی‌ناپذیر است. به گفته آنان کردستان نخستین پایگاه این مبارزه و جایی است که انقلاب آینده ایران از آنجا آغاز می‌شود که امروز طلیعه آن را می‌بینیم. زندگی پیشمرگه واقعاً سخت است شرکت پی‌دریی در درگیریها، حرکت مداوم از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر، کمبود خواروبار و مواد غذایی و دارویی و پوشاش، اینها مشکلاتی است که آنها با آن روبرو می‌باشند. گرچه روستائیان آماده‌اند از هر لحظه پیشمرگ‌ها را تاء می‌کنند ولی خود آنها از تحمل زندگی خود به روستائیان ابا دارند.

جمعه ۳۰/۶/۱۱ حدود ساعت ۱۱ صبح بطرف یکی از مقرهای سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران حرکت می‌کنیم بعد از چند ساعت عبور از کوهها و دره‌ها بدیدار تنی چند از رهبران و پیشمرگان این سازمان نیز نایل می‌شویم در میان آنها نیز گروهی از زنان پیشمرگ دوشادوش مردان اسلحه بردوش از خواست برق خود دفاع می‌کنند. اعضاء و هواداران این سازمان را بیشتر روشن‌فکران و روستائیان مناطق مختلف کردستان و اعضای اتحادیه‌های دهقانی تشکیل می‌دهند. از مشکلاتشان و شرایط موجود و آینده مبارزات کردستان و دیگر خلق‌ها سوال می‌کنیم. آنها نیز با

اطمینان ما را به تشدید و ادامه مبارزه تا برقراری حکومتی دمکراتیک در ایران نوید می‌دهند و اظهار می‌دارند که در آیندهای نزدیک مردم ایران این رژیم را که از ابتدای حکومتش دست به کشتار خلقها زده با فریب و نیرنگ و دروغپردازی سعی در تحمیق مردم ایران دارد سرنگون خواهد کرد. متن مصاحبه با سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان را نیز بزودی منتشر خواهیم کرد.

شنبه ۷/۱ / صبح روز شنبه به‌قصد دیدار رهبران حزب دمکرات ایران به‌سوی مقر فرماندهی حزب حرکت می‌کنیم این‌بار نیز ساعتها راهپیمایی می‌کنیم تا اینکه اوایل غروب به مقر ح.د. ک. ا. می‌رسیم، چند تن از پیشمرگان را آشنا می‌یابیم. آنها ما را به دیدار سران حزب می‌برند ابتدا با "همین" شاعر بزرگ کردستان دیدار می‌کنیم، شاعری که ۱۱ سال در تبعید بود و فقط ماه توانست آزاد در مهاباد باشد. او از زمان قاضی محمد "به دربداری و آوارگی عادت کرده است او می‌گوید من دربداری را بر تسلیم و استبداد ترجیح می‌دهم. ما با دکتر قاسملو رهبر حزب دمکرات کردستان، پاسداران و نظامیان اسیر شده و نیز از عملیات رزمی پیشمرگان دیدار کردیم که مشروح آن را بعداً منتشر خواهیم کرد.

مهاباد

مردم مهاباد به‌مانند مردم دیگر شهرهای ایران که برای ابراز تنفر از رژیم پهلوی دست به اعتراض می‌زنند این روزها برای ابراز تنفر و انزجار از اعمال فاشیستی پاسداران اشغالگر هم به اعتراضات عمومی و طولانی مبادرت می‌ورزند. اولین اعتراض این شهر در روز ۶/۲۳ از ساعت ۱/۵ به‌دبیال حمله‌پاسداران به شهر و دستگیری عده‌کثیری آغاز شد که تا روز ۶/۲۲ ادامه‌داشت مردم مهاباد دو خواست اصلی خود را که عبارت بود از ۱- آزادی فوری زندانیان ۲- اخراج پاسداران اعزامی از شهرهای مختلف عنوان کردند. این اعتراض به‌دبیال مذاکره با نماینده دولت و قول آزادی زندانیان پایان یافت. دومین اعتراض به‌دبیال پرتاب نارنجک از سوی پاسداران به‌طرف اینوه عابرین و کشته و زخمی شدن بیش از ۲۹ نفر صورت گرفت، این اعتراض که با تظاهراتی نیز توانم بود تا تاریخ ۳/۲۰۱۴ ادامه داشت. سومین اعتراض عمومی به‌دبیال تهدید خلخالی دایر براینکه اگر

مغازه‌داران فعالیت خود را از سرگیرند به سختی تحت تعقیب قرار می‌گیرند، صورت گرفت و نا تاریخ ۷/۷ بطول انجامید.

در درگیری که روز ۷/۷ در بین بوکان - مهاباد اتفاق افتاد ۷ پاسدار زخمی شدند و ۳ اتومبیل پاسداران بدست پیشمرگان افتاد. بدنبال اعدام چهار نفر در مهاباد پیشمرگان کرد چهار پاسدار و جاش را که در اسارت آنها بودند بعنوان تلافی اعدام کردند و اجساد آنها را در نزدیکی مهاباد انداختند در مورد یکی از اعدام شدگان بنام عزیز در مهاباد، گفته می‌شود خلخالی جlad او را اشتباهی اعدام کرده و بعد از سروز متوجه ماجرامی شود ولی صدایش را در نیاورد.

عصر روز چهارشنبه به تاریخ ۱۱/۷ در راه بین مهاباد - میاندوآب پیشمرگه‌ها را بر دو دستگاه ماشین حامل پاسداران بستند و در برخوردی که روی داد ۴ نفر از پاسداران کشته و بقیه به اسارت پیشمرگان درآمدند. یکنفر از مردم عادی که از بوکان به مهاباد بازمی‌گشته بدست پاسداران کمکی در این محل به شهادت می‌رسد. در ساعت ۲۲ همین روز در حمله‌گسترده‌ای که پیشمرگ‌ها به پاسداران و نیروهای ارتشی مستقر در شهر مهاباد و اطراف آن نمودند و تا ساعت ۷ صبح روز بعد ادامه‌داشت دو دستگاه تانک مستقر در پادگان و یک دستگاه تانک مستقر در تلویزیون بوسیله آر - پی - جی ۷ منهدم گردید. در این برخورد نیز دو پاسدار نیز کشته و عده‌ای به اسارت پیشمرگان درآمدند. در این نبرد یک پیشمرگ و همچنین یکنفر از مردم عادی نیز به شهادت رسیدند. همچنین فرستنده رادیویی مهاباد نیز به داخل پادگان منتقل گردید و روز بعد یعنی روز ۱۲/۷ از طرف پادگان حکومت نظامی اعلام گردید.

در این روز پیشمرگان به چند نقطه دیگر شهر حمله کردند و خانه یکی از جاشهای را منفجر کردند، این جاش در لودادن مبارزان شهر، پاسداران را یاری می‌داد.

مذاکره استاندار آذربایجان غربی و حسینی کرمانی نماینده آیت‌الله‌خمینی با مردم مهاباد با شکست کامل روبرو شده مردم مهاباد به این هیئت که خود را هئیت حسن نیت نامیده بود، گفتند: ما تاکنون جز سوئیت از دولت هیچ چیز ندیده‌ایم و خواسته‌ای خود را که عبارت از آزادی کلیه زندانیان سیاسی ایران،

بازگشت رهبران سیاسی، آزادی احزاب، از جمله حزب دمکرات کردستان، به رسمیت شناختن حق خودمختاری کردستان و رسیدگی به جنایت "قارنه" که در آن ۶۸ نفر بی‌گناه بدست عوامل ملاحسنی و معبدی قتل عام شدند تسلیم حقگو کردند. در جلسه هیئت حسن نیت و مردم دادستان ضد انقلاب مهاباد (آرمان) به سازمانهای سیاسی کردستان فحاشی کرد که خانه‌وی و دوجاش دیگر بنامهای اسکندری و کاظم آقا منفجرشد، و دادستان نیز رخمي شد.

روز ۷/۱۴/۹۳ اهالی مهاباد ۲۰ مغازه مربوط به جاشهای را به آتش کشیدند، پادگان مهاباد تعدادی از جاشهای شهر را جمع کرده و به داخل پادگان برده‌اند، در روزهای ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ مهرماه در شهرهای بانه، سردشت، سقز، و بوکان به مناسبت چهلم شهدا اعزای عمومی اعلام شده‌است.

سنندج

روز پنجشنبه ۷/۱۳ به مناسب چهلم اعدام جنایتکارانه ۹ نفر از بهترین فرزندان کرد بدست خلخالی روانی مراسم ویژه‌ای بر مزار شهدا در گورستان سنندج برپا شد. در این مراسم که با حضور بیش از ده‌هزار نفر برگزار شد چند تن از مادران شهدا سخنرانی کردند. در این مراسم مادر شهدا "احسن و شهریارناهید" خطاب به زنانی که در گورستان گرد آمده‌بودند گفت: فرزندان من بهترین بودند اما بر مرگ آنان تائسفی ندارم، برای خود متناسف که هنوز زنده‌ام و می‌بینم چگونه خائنان و نوکران بیگانه بر این مملکت فرمان می‌رانند. خانمها چیزی نخواهد گذشت که این ستمگران و جباران نیز سرنگون خواهند شد و از هر قطره خون عزیزان من هزاران هزار فرزند راستین خلق کرد برخواهند خاست به فرزندان خود شهادت و شهامت را بیاموزید و آنان را برای فردایی روشن آماده سازید.

روز شنبه نیز به همین مناسبت و علیرغم منع شدن اجتماع و تظاهرات از طرف خلخالی و پاسداران تظاهرات عظیمی با حضور بیش از ۴۵ هزار نفر در سنندج برگزار شد. تظاهرکنندگان که در میدان آزادی جمع شده‌بودند به طرف گورستان شهدای کردستان بهراه افتادند و شعارهای (مرگ بر خلخالی، مفتی‌زاده چمرون و قیاده، خلخالی روانی اعدام باید گردد و به فرمان حسینی پاسدار دشمن

ماست، خمینی هم بداند حسینی بگانه رهبر ماست، ... بت شکن بت شدهای خود شکن) می دادند. در گورستان شهدا چند نفر سخنرانی کردند و پس از پایان مراسم مردم در حالیکه سرودهای "پیشه وهای کوردی ئازاد و نوروزه" را می خوانند پسوی شهر حرکت کردند. روز شنبه در سنتنچ عزای عمومی اعلام شد و از روز پنجشنبه ادارات در اعتصاب بسر می برند و مدارس تعطیل بود. روز شنبه تمام مقاومه ها تعطیل و بسته بود. بدنبال پیوش ارتجاع به کردستان این بزرگترین تظاهرات و راهپیمایی در نوع خود بود. در حالیکه گروهی از جاشهای مقتیزاده در سنتنچ شایع کرده اند که وی در قم تحت نظر می باشد، اخیراً اطلاع حاصل شد که نه تنها وی تحت نظر نیست، بلکه در مجلس خبرگان و در اثاق "مجتبی کرمانی" بسر می برد. جاشهای ملا احمد مقتیزاده می خواستند با پخش این شایعه آبروی نداشته ملا احمد را بازخرند!! و دخالت وی را در کشتار مردم کردستان تکذیب کنند. شایع است که یک گردان از نظامیان که برای اعزام به سردهشت آنها را تحت فشار قرار داده اند در پادگان سنتنچ متخصص شده اند و اسلحه های خود را زمین گذاشته اند. این عده گفته اند حاضرند اعدام شوند ولی به سردهشت نزوند.

سقز

دهقانان اجتماع گروه زیادی از مالکان و فئودالهای کردستان که در روستای "سرا" پانزده کیلومتری سقز جمع شده بودند و مشغول طرح ریزی توطئه هایی بر علیه دهقانان و جنبش ملی خلق کرد بودند با یک حمله مسلحه بهم زدند. این عده در خانه "اسماعیل عباسی" فرزند سناتور عباسی غلام خانه زاده شاه جمع شده بودند و تصمیم داشتند در مورد نحوه توزیع اسلحه هایی که اخیراً دولت جمهوری اسلامی بنام حفظ مزها و برای سرکوبی مبارزان به آنها داده است، تصمیم بگیرند. آنها به روستائیان پیغام داده بودند که باید معادل مبلغی که سالها قبل بنام قسط زمین هایش می دادند به عنوان بهره مالکانه پرداخت کنند ولی روستائیان مسلح به این اجتماع حمله کرده و آنها را متفرق کردن.

موج تظاهرات و اعتصابات در چند روز گذشته همچنان در شهر سقز ادامه داشت، دانش آموزان دبیرستان "پرورش" سقز سه پاسدار را که به داخل دبیرستان

حمله کرده بودند خلع سلاح کردند. دانشآموزان دبیرستان شاهپور هر روز بعد از خروج از دبیرستان با نقشه قبلى با مازیک و زغال به خیابانها می‌ریزند و بر علیه جlad و مرتعین شعار می‌نویسند، هفته گذشته گروه کثیری از دانشآموزان بازداشت شدند ولی بعداً "مجبور شدند همه آنها را آزاد کنند، دانشآموزان هنگام بازداشت سرود "ئهی رقیب" را می‌خوانند.

تحصн و مهلت یک‌هفت‌های معلمان سقز

هفته گذشته به دستور خلخالی همه معلمان سقز را جمع کرده و به پادگان سقز برندند. خلخالی برای معلمان سخنرانی کرده است و به آنها گفت مسبب اغتشاشات معلمان هستند. وی سپس به "عزالدین حسینی" رهبر خلق کرد توهین کردو معلمان نیز مقابله بمثل کرده و به خلخالی دشنام دادند. سپس پاسداران به اجتماع معلمین حمله کردند و در نتیجه با تیرهای آنها را متفرق نموده بدنبال این حادثه معلمان سقز در محلهای کار خود متحصن شده و اعلام کردند تا برقراری امنیت کامل در شهر حاضر به بازگشت بر سرکار خود نیستند. تحصن معلمان تا عصر روز یکشنبه ۷/۸/۱۴۰۰ ادامه یافت و بعد از آن متحصنهای بهارش و پاسداران یک‌هفت‌های مهلت دادند.

به یک‌گردان از افراد نظامی تیپ سقز دستور داده شده بود که برای ما موریت به بانه حرکت کنند ولی افراد این گردان از رفتن به طرف بانه سر باز زدند و چند تن از افراد گردان دستگیر شدند.

۳۵۰ نفر از افراد گارد جاویدان (جمعی لشگر دوگارد شاهنشاهی؟!) وارد سنندج شده و از آنجا عازم مریوان و سقز شدند (۵ صبح روز ۱/۷)

کرمانشاه

سکوت یک‌ماهه کردستان جنوبی (سنندج و استان کردستان) به دنبال باز شدن مدارس شکسته شد و موج تظاهرات و راهپیمایی سراسر شهرها را فرا گرفت. شب جمعه ۶/۷/۱۴۰۰ که مصادف با چهلم نحسین گروه اعدام شدگان بیدادگاه خلخالی از جمله "هرمز گرجی بیانی" بود مردم کرمانشاه یاد این شهید قهرمان راگرامی داشتند. تظاهرکنندگان با شعار "درود بر گرجی بیانی و مرگ بر ارتقای"

از میدان سیلو بمرأه افتادند و در بین راه گروههای دیگری از مردم که شعار می‌دادند به تظاهرکنندگان ملحق شدند، تظاهرات تا گورستان شهر ادامه یافت، در آنجا همسر "شهید گرجی بیانی" برای مردم سخنرانی کرد و هنگام بازگشت مردم گروهی از اوپاشان شهر و لمین‌ها با چاقو و قمه به شرکت‌کنندگان در مراسم حمله کردند و گروهی را زخمی و به‌گفته‌ای یک یا دو نفر نیز کشته شدند.

تظاهرات روز دوشنبه ۵۸/۷/۲ نیز ادامه یافت و دانش‌آموزان ابتدا در محل اداره آموزش و پرورش جمع شده و با شعار درود بر فدائی شهید "هرمز گرجی بیانی" مرگ بر خلخالی جلال، خواهان محکمه و مجازات عاملان اعدامهای جنایت کارانه کردستان شدند، در همین ضمن گروهی از اوپاشان شهر به اجتماع مسالمت آمیز دانش‌آموزان حمله کرده و سه یا چهار نفر بوسیله قمه از پای درآمدند، تعداد مجروحان این حوادث بیش از سی نفر بود، تظاهرات روزهای یکشنبه و دوشنبه نیز ادامه یافت و روز یکشنبه ۷ بمب در نقاط مختلف کرمانشاه از جمله در محل استقرار سپاه پاسداران منفجر شد. در درگیری تظاهرکنندگان و اوپاشان تحریک شده در و پنجه اداره آموزش و پرورش و شیشه‌های چند بانک شکسته شد و نظامیان با خشونت تمام به تظاهرکنندگان حمله کردند و بیش از ۲۵ نفر به ضرب گلوله از پای درآمدند. مدارس کرمانشاه در هفته دوم مهرماه رویهم رفته نیمه تعطیل بود. در جلوی کلیه مدارس پاسداران و پاسبانان مسلح ایستاده و از خروج دانش‌آموزان جلوگیری می‌کردند.

رشت

رشت: به قرار اطلاع افسری بنام "سروان دلگشا" که برای اولین بار شهر پاوه را بمباران کرد و اخیراً بهشدت پشیمان و دچار ناراحتی وجدان شده بود با خوردن چندین قرص خواب‌آور در رشت خودکشی کرده است.

مریوان

مریوان: شب یکشنبه ۷/۸ پیشمرگان از چهار طرف به شهر مریوان حمله کردند. آنها ابتدا یک اتومبیل شهریانی را در نزدیکی این اداره منفجر کرده و

بعد از مدتی تیراندازی عقب‌نشینی کردند، نیم ساعت بعد پیشمرگان از داخل و خارج شهر به فرمانداری و شهربانی و محل استقرار پاسداران در دو نقطه شهر حمله کردند، و پس از وارد کردن تلفات جانی و مالی زیادی به‌سلامت از داخل شهر عقب‌نشینی کردند. همچنین به دنبال دستگیری چهار تن از خانهای طایفه "حیدری و کانی‌سانان" به‌حاطر همکاری با پاسداران و قتل فجیعانه دو برادر "فؤاد‌مصطفی سلطانی" گفته شد یکی از اعضای این خانواده به‌اعدام محکوم شده (در دادگاه انقلابی خلق) این چهار نفر بوسیله پیشمرگان "یه‌کیه‌تی جوپا-ران" یعنی "اتحادیه دهقانی" مریوان ربوه شدند.

هسوطن: آنچه که در کردستان می‌گذرد، جنگ اسلام با ضد اسلام نیست. جنگ ارتقایعیون و سرمایه‌داران جیره‌خوار آمریکا برعلیه آزادیخواهان و رحمتکشان کردستان است. سرکوب کردستان به معنای حاکمیت مطلق ارتقایع و امپریالیسم است. مصاحبه‌های کرمائی نماینده آیت‌الله خمینی در کرمانشاه و استاندار و فرمانداری و فرمانده زاندارمری کرمانشاه را در کیهان و اطلاعات سهشنبه ۲۷/۶/۲۷ بخوانید و قضاوی کنید که قضاوی توده بهترین داوری تاریخ خواهد بود. این سخنان در حالی زده می‌شود که ادعای پاک‌سازی کردستان را دارند.

سرپل ذهاب

سرپل ذهاب:

از شهر سرپل ذهاب پس از یورش ارتقایع به منطقه تقریباً یک‌هزار خانوار خارج شده و به عراق پناه‌نده شده‌اند و اوضاع شهر انفجار آمیز و هر روز تظاهرات و اجتماعات برآکدهای بر علیه پاسداران و ارتش برگزار می‌شود. اهالی سرپل ذهاب اکثراً اهل تسنن و علی‌الله‌ی هستند و سپهای پاسداران غیر بومی بادکان

ابودر از کمیته شهر که بوسیلهٔ غیر محلی‌ها دایر شده حمایت می‌کنند. به‌گفته پاسداران کرمانشاه دوشنبه گذشته ۹ مهر شهر سرپل ذهاب برای مدت چندین ساعت در تصرف پیشمرگان بود ولی به‌علت قطع ارتباط این شهر با نقاط دیگر به دست آوردن خبر صحیح از این نقطه امکان‌پذیر نبود.

هفته گذشته پیشمرگان دامنهٔ حملات خود را به شهرهای استان ایلام گسترش داده و چند بار به شهرهای این استان از جمله مرکز رادیو و تلویزیون شهر ایلام حمله کرده و آسیبهای فراوانی به این مرکز وارد کردند.

براساس گزارش رسیده از سرپل ذهاب در حمله به‌این شهر دو افسر ارتتش کشته شده‌اند که اجساد آنها به وسیلهٔ هلیکوپتر به‌تهران فرستاده شده است، نام این دو افسر هنوز معلوم نیست.

قصرشیرین

در قصرشیرین، شاه‌آباد، سومار، کرند، پاوه نیز تظاهرات بر علیه دولت و به‌عنوان اعتراض به اعدام ظالمانه شهدای پاوه و کرمانشاه به‌عمل آمد. در سومار مردم بر علیه گرانی، نداشت آب و برق و کار تظاهراتی به‌عمل آورده‌اند. پاسگاه سومار هم چند بار مورد حمله چریکها و پیشمرگان کرد قرار گرفت.

شهر قصرشیرین به‌دلیل حمله به رادیو و تلویزیون و نیروگاه برق آن منطقه نازار است، در این حمله افراد پادگان ابودر ۴ ساعت پس از خارج شدن چریکها از محل وارد قصرشیرین شدند! فالانزهای قصرشیرین تاکنون ۴ بمب در نقاط مختلف از جمله در خانه دونفر از مبارزین شهر منفجر کردند. گفته می‌شود انفجارها کار گروه مذهبی "میثم تمار" است، این گروه اخیراً اعلامیه‌های تهدیدآمیز برای عده‌ای از مردم شهر فرستاده و از آنها خواسته‌اند ثلث تانصف درآمد خود را به‌عنوان کمک به مستعفین در اختیار شیخ محمد باقر غروی رئیس کمیته امام خمینی در قصرشیرین گذارند.

مسئول این گروه معلمی است که نام او شیخ محمد غروی در لیست ساواک‌ها بوده است. این لیست را مبارزان پادگان ابودر از اسناد ساواک موجود در پادگان خارج کرده‌اند. با این گروه یک دانشجوی دانشسرای عالی سندج بنام نظری

همکاری می‌کند، این شخص در لو دادن مبارزان سنبده و قصرشیرین با پاسداران همکاری می‌کند.

کرند

بدنبال دستگیری شش مبارز کرندی بیش از ۱۲۰ نفر از اهالی کرند در استانداری کرمانشاه متحصن شدند، حاجی آخوند، نماینده خمینی در استان و فرمانده ژاندارمری به اتفاق مسئول پاسداران وارد کرند شدند و اهالی شهر در متینک با شکوهی پشتیبانی خود را از دستگیرشدگان و متحصنین استانداری اعلام کردند. حاجی آخوند مجبور شد زیر فشار مردم کرند ابتدا ۵ نفر از دستگیر شدگان را آزاد کند و چند نفر هم بعداً آزاد شدند. مردم در این اجتماع اعلام کردند چون برای دفاع از خود به اسلحه نیاز دارند حاضر به خلع سلاح نیستند، مصافاً" براین پاسداران باید از شهر خارج شوند، و مبارزان کرند که به دنبال یورش ارتیاع به منطقه از شهر خارج شده‌اند بازگردند، و دستگیری مبارزین متوقف شود.

سید قاسم افضلی معاون سابق پالیزبان که مخفیانه مشاور حاجی آخوند شده بود دستگیر و محکمه شود. و شورای مردمی شهر ابا گردد. "حاجی آخوند" قول داده است خواسته‌های مردم کرند را باطلاع آیت الله خمینی برساند. در کرند و قصرشیرین در چهلم شهید "گرجی‌بیانی" تظاهرات در هر دو شهر برپاشد، اوضاع کرند هنوز نآرام است.

بدنبال انفجار مرکز "مارکرویو" کرند ارتباط چند شهر غرب کشور با نقاط دیگر قطع شد، این انفجار بوسیله چریکهای کرد و پیشمرگان صورت گرفت.

بوکان

بوکان: پاسداران جمهوری اسلامی به روستای "پرده‌زرد" حمله کرده و پس از بازرسی روستا ۲۰ نفر را دستگیر کرند مردم معتقدند یکی از روستائیان ثروتمند بنام "حاجی عبدالصمد" آنها را به بهانه داشتن اسلحه لو داده‌است. روز ۷/۷ دانش آموزان مدارس ابتدایی و راهنمایی با چوب و سنگ و شیشه

به پاسداران حمله کرده و در شهر این شایعه قوت گرفته است: به این علت که پاسداری قصد تجاوز به دختری را داشته است دختر با اسلحه کمری پاسدار انقلاب اسلامی (!) را کشته و خود متواری شده است.

در شهر بوکان هر شب صدای تیراندازی و شلیک توپ و مسلسل شنیده می شود، شبیه شب ۷/۶ ساعت یازده و نیم شب تیراندازی های شدیدی در داخل شهر صورت گرفت. گفته می شود در این درگیری سه پاسدار زخمی شده اند. در سالروز شهادت "کمال حمیدی" و "محمد بهرامی" بدست مزدوران پهلوی در سال گذشته تعامی مدارس بوکان تعطیل شد و دانش آموزان شعار "مرگ بر دیکتاتور جدید و خلخالی جlad اعدام باید گردد" یاد این دو شهید را گرامی داشتند.

روز ۷/۶ - ۲۰ خودرو مملو از سرباز "زره پوش" ۵ تانک جیفتون "از بوکان عازم سفر شدند و در بوکان مقدار زیادی سلاح در اختیار پاسداران قرار دادند. احمد مقندری و محمود رضایی، "صلاح تیکان تپه"، "بابا میری" و سه نفر به نامهای احمد و علی و عثمان رستمی از پیشگام بوکان دستگیر و به سفر فرستاده شدند. اتهام محمود رضایی فروش قند به افراد حزب دمکرات است. دو برادر احمد مقندری نیز بازداشت شده اند.

سردشت

سردشت: همچنان قهرمانانه در مقابل یورش ارتقایع مقاومت می کند. صدای تیراندازی و شلیک توپها یک لحظه قطع نمی شود. - هر شب از ساعت ۸ شب به بعد صدای تیراندازی از چهار طرف شهر به گوش می رسد. مسافرانی که از روستاهای مختلف به مخصوص از اطراف پیشگان شهر به مهاباد و سردشت می آیند همگی خبر از درگیری شدید ارتش و پاسداران با پیشگان قهرمان کردستان می دهد. در سردشت ارتش فقط بر پادگان مسلط است پیشگان شبها آزادانه به داخل شهر می روند. هفته گذشته چندین انفجار در سردشت روی داد و در یک حمله مسلحه به سه کامیون مواد غذایی در روستای "ماغر" پیشگان ۵ پاسدار را کشته، ۸ نفر را زخمی و ۱۱ نفر را اسیر کردند. اسامی کشته شدگان را روزنامه های سانسور شده دولتی نیز اعلام کردند. در این حمله ۳ کامیون حامل مواد غذایی نیز منهدم شد.

روز ۷/۸ به دو اتوبوس حامل پاسدار در جاده بانه - سردشت حمله می شود و حدود ۲۴ نفر از پاسدارها زخمی و کشته می شوند، گروهی از پاسداران نیز به اسارت گرفته شده اند. یک منبع موثق اظهار داشت اکنون بیش از ۵۰۰ نفر پاسدار و نظامی در اسارت پیشمرگان می باشد.

بانه

بانه: شهر بانه طی چند روز گذشته همواره صحنۀ تظاهرات خیابانی و درگیری با پاسداران و نظامیان مسلح بود در یک یورش مسلحانه پیشمرگان کردستان در "دول ههرزن" بهیک ریو ارتش کلیه سرنشینان ریو که ۸ نفر بودند دستگیر و زخمی شدند. در شهربانه نیز چند حمله مسلحانه به پاسداران و نظامیان صورت گرفت، که در جریان آن دو نظامی و یک پاسدار کشته شدند.

نزدیک به ۳۰۰ پاسبان از کرمانشاه وارد مهاباد شدند. این عده به جای کردهایی که در شهربانی مهاباد کار می کردند مشغول به کار شدند.

پاوه

پاوه: خبر رسیده از کرمانشاه حاکیست که در تاریخ ۷/۱۳ در مسیر پاوه - کرمانشاه بین "قری قلعه و روانسر" یک خودرو نظامی توسط افراد مسلح کردمحاصره و به آتش کشیده شد، و سرنشینان آن که از افراد زاندار مری بودند پس از خلع سلاح آزاد شدند. عده کثیر افراد مسلح در اطراف "کرنده" مستقر هستند و در چند روز گذشته چند بار با پاسداران درگیر شده اند.

اشنوه

اشنوه: صبح روز پنجشنبه ۷/۳۱ یک بمب ساعت شمار در زیر یک اتومبیل جیب که در نزدیکی مغازه ای متوقف شده بود، منفجر شد و یک نفر کشته و ۱۲ نفر زخمی شدند. در نزدیک این مغازه جوانان متفرق شهرگاهی جمع می شدند و گفته می شود بمب گذاری کار فئودالهای زمزراو "احمد بیگ" می باشد که اکنون همراه جاشهای اشنوه با دولت همکاری می کنند، یک خبر دیگر از اشنوه حاکی است

هنگامی که عوامل ارتقای با همکاری ادریس بارزانی و احمدبیک و فئوالهای زرزا مشغول توزیع اسلحه بین جاشهای بودند مورد حمله پیشمرگان کرد قرار گرفته و تمام اسلحه‌های پاسکاه "کانی پسی" که برای توزیع بین جاشهای آماده شده بود مصادره می‌شود. در این حمله چند تن از جاشهای دستگیر شدند.

بلوچستان:

اهالی بخش نیکشهر و چندین قریه از جمله کیش و ملا در تاریخ ۵/۲۸ در یک گردهمائی به طرفداری از خواستهای منطقی خلق کرد راهپیمایی انجام می‌دهند. راهپیمایان با شعارهای "خلق کرد پیروز است، ارتقای نابود است. مرگ بر ارتقای و حامیانش. امروز کردستان، فردا بلوچستان. حسینی رهبر سیاسی ماست. مرگ بر حکومت ارتقای قرون وسطائی (بیلان، بیلان من و تی حکاجنگ گن، کون و تی حونا مینا و نگن) دوستان، دوستان، من برای حقوق حقهام می‌جنگم با ریختن خونم زمین را رنگ آمیزی می‌کنم. در پایان این تظاهرات قطعنامه‌ای به این مضمون صادر می‌شود: ۱- حمله قوای نظامی و ارتش ضد خلقي به خلق کرد و مناطق کردنشین که به دستور ارتقای و حامیان امپریالیستیش صورت گرفته شدیداً" محکوم کرده و همبستگی خود را به خلق کرد اعلام می‌کنیم. ۲- عزالدین حسینی را رهبر سیاسی خود می‌دانیم ۳- اعتقاد داریم که حکومت قرون وسطایی و حامیانش امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا برای حفظ منافع ضد بشری خود خواستهای منطقی خلقهای تحت ستم را وارونه جلوه داده، به کشتار بیرحمانه آنان می‌پردازد، قاطعانه خواهانیم که دولت ارتقای از جنایات بیشمانه علیه خلق کرد دست بردارد، و به حقوق منطقی آنان و سایر خلقهای تحت ستم از آن جمله خلق بلوج استقبال کند. ۴- خلع سلاح خوانینی که مشتی اویاش و جانیهای مزدور زمان حکومت منفور محمد رضا شاهی را دور خود جمع کرده‌اند و دولت ارتقای با مسلح کردن آنها جهت سرکوب خلق بلوج استفاده می‌کند هرچه سریعتر به عمل آید. ۵- از دولت قاطعانه می‌خواهیم هرچه زودتر حمله مسلحانه شبانه به خانه اهالی را که صورت می‌گیرد، از طریق استخدام پاسداران محلی متوقف کند.

هفته، گذشته یکستون عملیاتی از واحدهای راندارمی عازم بلوچستان شد، فرماندهی این ستون را سرتیپ بابا نژاد بهدهداد دارد.

تهران: روز سهشنبه ۱۵/۲/۷۰ مراسم چهلم شهید "دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری" که جان خود را در راه خدمت بهخلق کرد و آرمان زحمتکشان از دست داد در دانشگاه ملی ایران برگزارشد. در این مراسم صدها نفر از پزشکان، کارگران و طرفداران سازمانهای متفرقی حضور داشتند. ابتدا پیام خانوادها شهدای چریکهای فدایی، پیشگام، کانون دستیاران ورزیدن‌ها، کارگران شهرک اکباتان، رزم‌ندگان، جبهه دمکراتیک، دانشجویان مبارز، و کتابفروشیهای کنار خیابان (وسیله یک دستفروش خردسال) و چند پیام دیگر خوانده شد. و سپس جلسه با خواندن سرود "ئمه‌ی رقیب" کردی پایان پذیرفت. در پیام سازمان چریکهای فدایی اعدام مبارزان کردستان با اعدام گروه ۹ نفره جزئی وسیله ساواک مقایسه شده بود. از شرکت مخابرات گزارش می‌رسد که تلفن‌های زیادی در تهران کنترل می‌شود و مسئول این کار افسری بنام سرتیپ یزدانی می‌باشد که در ژیم گذشته هم این کار را انجام می‌داد. یک نفر بنام "نفر آلا‌دیپوش" با یزدانی همکاری می‌کند.

تبریز: در تبریز تظاهرات وسیعی وسیعی وسیله دیپلمه‌های بیکار برگزار شد، که گروه دیگری از مردم به آنان ملحق شدند. تظاهرکنندگان شعارهایی برعلیه دولت و به پشتیبانی خلق کرد دادند. در دبیرستان پروین تبریز نیز گروهی از دانش آموزان بهنفر خلق کرد تظاهر کردند، ولی گفته می‌شود چند نفر از آنها را اخراج کرده‌اند. به همین جهت این دبیرستان به حالت تعطیل درآمد.

مرگ بر امپریالیسم و نوکران داخلیش
پیروز باد مبارزه حق طلبانه خلق کرد
مستحکم تر باد پیوند خلقهای ایران

"طرفداران جبهه، متحد کردستان"

گزارشی از جبهه؛ نبرد کردستان بقیه

در خبرنامه شماره ۸ بخش اول از گزارش "سفر به جبهه؛ نبرد کردستان" را آورده‌یم. هدف از این گزارش این است که هموطنانمان از موقعیت رزمندگان و شرایط زندگی و نحوه پشتیبانی توده‌های ملیونی کردستان از آنان آگاهی یابند و با پی‌بردن به حقانیت این مبارزه خلقی و برحق پشتیبانی بیدریغ خود را از آن بویژه در این شرایط که رژیم ضد خلقی کنونی هر روز بوسیله بمب‌افکن‌های فانتوم آمریکایی دیوار صوتی را بر فراز شهرها می‌شکند و روستاها و کوهستانهای پر درخت کردستان را بمباران می‌کند گسترش دهند.

بعد از ظهر شنبه ۱/۷/۲۰۱۶ با دکتر عبدالرحمن قاسملو دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران دیدار می‌کنیم. دکتر قاسملو با قاطعیت به سؤالات ما پاسخ می‌دهد. بویژه هنگامی که از او درباره محمد مکری فسیر ایران در مسکو و تبلیغات و ادعاهای او سؤال می‌کنیم جواب می‌دهد که "مکری" را از سالها قبل می‌شناسد و بعقیده او مکری "یک دیوانه و دلچک بیش نیست که برای خودشیرینی نزد رهبران مذهبی به چنین خوشقصی‌هایی دست می‌زند. نه اگر واقعاً" مدرکی، در اختیار داشتند بدون درنگ منتشر می‌نمودند: (متن مصاحبه با دکتر قاسملو را بصورت نوار پر و در اختیار کلیه خبرگزاریها قرار داده‌ایم) در مقر رهبران حزب دمکرات با شیر زنانی که همکی سلاхهای خودکار بدوش گرفته و همدوش دیگر پیشمرگان کردستان مبارزه می‌کنند ملاقات

می‌کنیم . لازم به تذکر است که عده‌ای از پیشمرگان کردستان (ح. د. ک.) را برادران ترک و فارس تشکیل می‌دهند .

دوشنبه ۲/۲۰ / بعد از آنکه یک شب را در مقر رهبران حزب دمکرات سپری کردیم دوباره بهسوی مقر پیشمرگان سازمان چریکهای فدایی خلق شاهه کردستان می‌رویم و با تنی چند از رهبران چریکها بگفتگو می‌نشینیم .
 بلافضله بعد از این گفتگو بهمراهی چند تن از پیشمرگان ح. د. ک . به دیدار نظامیان و پاسداران می‌رویم که در شهرهای مختلف به اسارت در آمدده‌اند . در این مقر بیش از یکصد و پنجاه نفر از افسران ، درجه‌داران و پاسداران بسر می‌برند . این عده ضمن مصاحبه سخنانی بر زبان رانده‌اند که شنیدن آن برای هر ایرانی واقع بین ارزشمند و بویژه برای آنهاست که در دام تبلیغات دورغین و تحریکات مغرضانه عوام‌گردان گرفتار آمده‌اند ضروری است .
 در مصاحبه که بر روی نوار ضبط شده و در اختیار خبرگزاریها و عموم ملت قرار گرفته است پاسداران و نظامیان ضمن ابراز تنفر از حکام رژیم آخوندی از اینکه فریب تبلیغات دروغین رژیم را خورد و آخوندها توanstه‌اند از احساسات پاک‌مذهبی آنان استفاده کنند و آنان را به جنگ برادرکشی بفرستند اظهار تاء‌سف کرده‌اند و دروغ‌گویان روحانی‌نمای را نفرین کرده‌اند . این نوار سند زنده‌ای است از جنایات رژیم شب‌فاسیستی و اهمیت آن در این است که پاسداران و نظامیان اسیر بدور از هر فشار و فربکاری و در کمال آزادی هر آنچه خواسته‌اند بر زبان آورده‌اند . این مصاحبه با هیچ یک از مصحابه‌های تلویزیونی رژیم قابل مقایسه نیست زیرا حکام کنونی از کسانی در مصحابه‌های تلویزیونی خود استفاده می‌کنند که خادمان سینه‌چاک رژیم پهلوی بوده و از جنایتکاران مزدور ساواکند که حتی رژیم فعلی از معرفی سوابق آنان به مردم حراس دارد ، در حالیکه مصاحبه ما با کسانی صورت گرفته که خود رژیم آنها را به جنگ برادرکشی فرستاده و بوسیلهٔ ما یا کسانی دیگر دستچین نشده‌اند .
 مسافت ما به قلب جبههٔ جنگ حدود ۶ شب‌نهر روز بطول انجامید . در طول این مدت بارها شاهد حملات بی‌رحمانه هواپیماها و هلیکوپترهای ارتیش جمهوری اسلامی بودیم که تمامی مهمات همراه خود را در هر بار یورش بر

روی کوهها و روستاها و حتی گلهای گوسفند و چوبانان می‌ریختند و هر ذیروحی را از هستی ساقط می‌کردند. در این مسافت خود ما نیز چندبار در خطر مرگ قرار گرفتیم زیرا هلیکوپترهای هوانیروز هیج روزی و هیج ساعتی از پرواز نمی‌ایستادند. در مقابل نیروهای وابسته به حزب دمکرات کردستان سازمان انقلابی زحمتکشان و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران شاهه کردستان نیز در هر نقطه از کردستان دست به حملات پیاپی به پایگاههای نیروهای نظامی و پاسدار می‌زدند و هر بار ستونی را منهدم و وسائل حمل و نقل و مهمات آنان را تصاحب می‌کردند.

آخرین شب از مسافرتمان را در یکی از روستاهای بین راه در نزد خانواده دیگری از روستائیان بسر می‌بریم. زندگی آنان به حدی فقیرانه است که می‌توان بدون اغراق گفت با زندگی محله "حلبآباد" تهران هیچ فرقی نمی‌کند و شاید بدتر هم باشد. اینان بهمان اندازه که تنگdest و فقیرند به همان اندازه سخی و مهمان‌نوازند. اینان هستی خود را در اختیار پیشمرگان و جنبش آزادیخواهانه کردستان گذاشته‌اند.

چهارشنبه ۷/۴ دوباره به مهاباد وارد می‌شویم. در چند روزی که از شهر دور بوده‌ایم مرتباً در گیریهایی با پاسداران و تظاهرات و راهپیمایی – هایی به طرفداری از آیت‌الله حسینی و پیشمرگان و بر ضد رژیم حاکم صورت گرفته است. بعد از ظهر همان روز مردم به طرف بیمارستان "شیروخورشید" رفته و جسد جوانی را که بر اثر پرتاب نارنجک از جانب پاسداران شهید شده و در حالیکه غرق در خون و گل بود بر دوش خود در خیابانها حمل کردند. تعداد آنها هر دم بیشتر می‌شد و در نهایت هزاران تن شهید را تا گورستان بدرقه کردند.

آنها شعار می‌دادند "بژی‌هیزی پیشمرگه – دوزمن نصیبت مرگه" (زنده‌باد نیروی پیشمرگ – دشمن نصیب تو مرگ است) "پیشمرگه فیدا – کاری گلانه" (پیشمرگه فدایی خلق‌هاست) کوردستان کوردستان گورستانی دوزمنان" (کردستان کردستان گورستان دشمنان) سرودهای "ئه‌ای‌رقیب" و "ای شهیدان" را هم‌صدا تکرار می‌کردند. عصر همان روز دوباره شهر بحالت

تعطیل درآمد و تیراندازیهای متقابل شدتگرفت که تا ساعت ۹ شب ادامه داشت. در این برخوردها و هجوم پاسداران بهمنازل حدود ۳۰ نفر بازداشت شدند و عده‌ای از پاسداران نیز کشته و زخمی شدند.

در دیدارهایی که جسته و گریخته با شکنجه‌شدگان داشتیم توانستیم بحقایقی دیگر دست پیدا کنیم که اطلاع از آنها خالی از استفاده نیست. ملاقات ما با شکنجه‌شدگان بسختی صورت می‌گرفت زیرا آنها را تهدیدکرده بودند که در صورت بازگویی شکنجه‌ها اعدام خواهند شد. در میان شکنجه‌شدگان می‌توان بهیکی از رانندگان تاکسی بنام "محمد رسیمانی" اشاره کرد. این شخص بوسیلهٔ کابل برق و چوب مورد شکنجه واقع شده‌است. شدت شکنجه بحدی است که چندین روز بسته بوده و نقطه‌ای از بدن او را سالم نمی‌توان یافت. یکی از شکنجه‌های رایج کشیدن تک‌تک موی سبیل محکومین است. از دیگر شکنجه‌هایی که بیشتر از همه معمول است اینکه محکومین را ساعت ۲ یا ۳ نیمه‌شب از خواب بیدار می‌کنند و به آنها می‌گویند خود را برای اعدام آماده کنند. ابتدا او را وادر می‌نمایند در هوای سرد نیمه‌شب با آب سرد و در فضای باز "غسل" کند سپس وضو بگیرد و نماز بخواند و وصیت‌نامه‌اش را بنویسد و بعد از آن چشمان او را بسته به کنار دیوار می‌برند و جوخهٔ آتش طبق فرمان شروع به تیراندازی در اطراف بدن او و بر روی دیوار می‌کنند. بعد از اتمام این برنامه محکوم را که قالب تهی کرده است به سلول خود باز می‌گردانند. یکی از ۳۰ نفر کارمند کردی که از مهاباد تبعید شده‌اند نحوهٔ محاکمه دستگیر شدگان را به‌این ترتیب توضیح می‌دهد: – هنگام محاکمه که بیش از چند دقیقه بطول نمی‌انجامد شیخ خلخالی در طرف مقابل پشت میز می‌نشیند و چهارنفر پاسدار مسلح محکوم را احاطه می‌کنند. خلخالی سوال می‌کند و محکوم بلافصله مجبور به پاسخگویی است و در غیر اینصورت بوسیلهٔ قنداق و لوله تفنگ مورد حمله قرار می‌گیرد.

کامیاران

۱۵/۷/ مردم کامیاران هر روز شاهد عبور تریلی ارتش حامل تانکها و

زرهپوشهای از کارافتاده‌اند که برای تعمیر و احتمالاً "ابارکدن به پادگان رزمی کرمانشاه منتقل می‌شوند. همچنین شاهدان عینی گزارش می‌دهند که مقامات رژیم برای سرپوش گذاردن بر روی اعمال غیر انسانی خود جنازه‌پاسداران و نظامیان کشته شده‌را با کامیون کمپرسی به کرمانشاه منتقل می‌کنند. این موضوع در روز ۱۱/۷/۲ هنگام سوختگیری در پمپ بنزین مشاهده و بتوی ناشی از جنازه‌ها عابرین را متوجه ساخته است.

پاوه

اواعض پاوه و منطقه اورامانات همچنان متشنج می‌باشد. ناراضیتی مردم از هیئت حاکمه شدت بیشتری گرفته است. حتی عدمای هم که قبله" فریب جمهوری اسلامی را خورد و با پاسداران همکاری می‌کرده‌اند اکنون به پشتیبانی از مبارزات خلق کرد و رهبران واقعی کردستان برخواسته‌اند. نوسود؛ تظاهرات و راهپیمایی‌هایی بر ضد دولت و جنایات رژیم به توسط دانشآموزان و پشتیبانی مردم انجام می‌شود. در این تظاهرات شعارهایی به نفع شیخ عزالدین بعنوان رهبر واقعی خلق کرد و مبارزات مردم دیگر شهرهای کردستان داده می‌شود.

بانه

۷/۱۸ / پاسداران به تلافی گروگان‌گیری از طرف پیشمرگان عدهٔ زیادی از مردم شهر باندها گروگان گرفته‌اند. از این جمله می‌توان به "محمد قادری" یکی از ندانیان سیاسی رژیم سابق "جلال محمود، محصل" جلال انوری، بازاری و "عمر مهران" دبیر اشاره کرد.

شورای مدارس راهنمایی و دبیرستانها بصورت مخفی تشکیل شده و بر طبق تصویب این شورا کلیهٔ دبستانها و دبیرستانها تعطیل می‌شوند. رئیس آموزش و پرورش که بوسیلهٔ مردم انتخاب شده‌بود بوسیلهٔ خلخالی به سیرجان تبعید شد. در روزهای اخیر چند بار تظاهرات وسیع در شهر صورت گرفته‌است. خواست تظاهر کنندگان رفع اختناق و خروج اشغالگران از شهر و

آزادی زندانیان سیاسی بوده است. بر طبق همین گزارشات ۶ نفر از چوپانان محلی را با زور گرفته و بدون هیچ مدرکی بازداشت کرده اند سپس آنان را وادار نموده که با تفکیک عکس بگیرند. این چوپانان اکنون در زندان "دیزل آباد" کرمانشاه هستند.

بوکان

۲/۲۱/ تظاهرات وسیعی در شهر بوکان صورت گرفت و تمام شهر بعنوان اعتراض به دستگیری مبارزان شهر و شکنجه آنها تعطیل شد. در همین روز پاسداران به دبیرستان "کمال" بوکان حمله کردند و چندین دانشآموز را مضروب کردند.

سردشت

روز یکشنبه ۱۵/۲/۵۸ در ساعت ۱۱ صبح پیشمرگان قهرمان "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران" (کومله) یک ستون از پاسداران اشغالگر را که از سردشت عازم بانه بودند در محلی به نام "دوبالان" واقع در بین روستاهای "بناویله" و "دارساوین" بدام مرگ بار خود انداختند و آنها را کاملاً "تارومار می کنند. در این نبرد که از ساعت ۱۱ صبح تا ۱۵ نفر اسیر ادامه داشت بیش از ۵۰ نفر از پاسداران کشته و نزدیک به ۱۵ نفر اسیر می شوند. پیشمرگان قهرمان س. . ا. ز. ک. (کومله) در طی این عملیات کاملاً "حساب شده توanstند بدون دادن کوچکترین تلفات مقاومت اشغالگران فریب خورده را که مسلح به تفنگهای ۳ و تیربار ۳ و آر.پی. جی. ۲ و تفنگهای ۱۰۶ و خمپاره انداز ۶ و مسلسلهای کالیبر ۵۵ بودند، کاملاً "درهم بشکنند. (نقل از خبرنامه "کومله" - این اعلامیه را باز تکثیر و در اختیار عموم هموطنان قرار خواهیم داد).

بدنبال تعیید ۱۵ معلم مبارز در این شهر، معلمان و دانشآموزان در آموزش و پرورش متحصن می شوند. نظیر این واقعه در دیگر شهرهای کردنشین از جمله مریوان و بانه صورت گرفته است. ۱۰ نفر نظامی و پاسدار که در

حوادث سرداشت گروگان گرفته شده بودند آزاد شدند. ۳ نفر درجه‌دار ارتشی و بقیه پاسدار بودند.

اشنویه

چند روز پیش روزنامه اطلاعات خبر داده بود که ۱۵۰ نفر مسافر در چند اتوبوس بوسیله پیشمرگان کرد دستگیر شده‌اند. اخبار موثق صحت این خبر را باین ترتیب نشان می‌دهد که این عده از افراد قیادهٔ موقت بودند و می‌خواستند در مرز ایران و عراق بر علیه پیشمرگان "اتحادیه میهنی کردستان عراق" وارد جنگ بشوند. (قبلاً ادریس بارزانی بارها دشمنی خودرا با جلال طالب‌ال تعالیم داشته و دولت را از رابطه با او بر حذر داشته است). پیشمرگان کرد این عده را دستگیر کردند.

سفر

۷/۱۱/۲۰ تظاهراتی در شهر صورت گرفت که دانشآموزان نیز در آن شرکت داشتند. چندین هلیکوپتر "کوبرا" از هوا و پاسداران نیز بر روی زره‌پوش‌های خود برای پراکندن آنها شروع به تیراندازی و ایجاد فضای رعب و وحشت می‌نمایند. در نتیجه این اقدامات چهار دختر بجهدانشآموز کشته می‌شوند. مطلب قابل توجه در این تظاهرات تهور و شهامت دانشآموزان در رویارویی با پاسداران بود که یادآور اوج مبارزه در روزهای پائیز سال قبل بود.

در سفر یک نارنجک در تاریخ ۷/۲۳/۲۰ بداخل منزل "مسعود طلوعی" نماینده احمد مفتی‌زاده پرتاب شده که خساراتی به ساختمان وارد می‌سازد. در این روز دانشآموزان در تظاهرات وسیعی شرکت می‌کنند و در مسیر خود شیشه‌های مکتب قرآن وابسته به مفتی‌زاده را شکسته و متفرق می‌شوند.^{۲۶} و ۷/۲۵/۲۰ بازاریان و مغازه‌داران بخاطر تعیید ۱۲ معلم بومی و حملات پی در پی پاسداران به مدارس این شهر تعطیل عمومی اعلام می‌کنند و خواسته‌ای زیر را عنوان می‌نمایند: ۱- اخراج پاسداران غیر بومی ۲- باز

گشت معلمین تبعید شده . ۳- پس دادن چاپخانه مرکز احیاء فرهنگ کرد " (بنکه‌ی بوزوانه و هی ویژه‌ی کورد) که بوسیله‌ی جوانان سقر دائر شده و به چاپ کتب درسی مدارس به زبان کردی مبادرت می‌ورزند .

یک خبر مهم

یکی از معاونین استانداری کردستان " غرضی " نام دارد که در واقع همکاره استانداری است . این همان شخصی است که با ۱۵۰ پاسدار خود در درگیریهای گنبدکاووس شرکت داشت و فرزندان و عروس آیت‌الله طالقانی را به گروگان گرفته بود .

سنندج

یک گردان از نظامیان که به سنندج اعزام شده بودند بعد از آنکه از آنها خواسته شد که به سرداشت بروند در پادگان دست به تحصن زده و از رفتن به سرداشت خودداری کردن . نظامیان هنوز در حال تحصن بسر می‌برند .

" روزمندگان خلق " گروهی که اخیرا " فعالیت خود را با اشغال کردستان تشدید کرده طی اعلامیه‌ای گروهی از جاشهای و در راس آن مفتی‌زاده را به اعدام محکوم کرده است . این گروه مسئولیت تعدادی از انفجارهای سنندج را بعده‌هه گرفته است .

۷/۱۲ / ساعت ۸/۵ صبح یکی از پاسداران سوار بر یکی از خودروهای کمیته در خیابان ششم بهمن سابق با سرعت زیاد یک دختر محصل دوره راهنمایی بنام " فرشته زند کریمی " اهل ملایر را زیرگرفت . که پس از خونریزی مغزی جان سپرد . مردم پاسدار را دستگیر می‌کنند و متوجه می‌شوند که او به شدت مست بوده و حتی نمی‌تواند روی پای خود بایستد . در اتوبویل این پاسدار دو بطری مشروب پیدا شده . خانواده مقتول شکایتی تسلیم دادستانی

می نمایند.

۱۴۰

۷/۱۹ از طرف دانش آموزان و دانشجویان به یاد معلم شهید " کاک فواد " " مصطفی سلطانی " یکی از رهبران س.ا.ز.ک. (کومله) اعلام راهپیمایی شد. در این تظاهرات دانش آموزان شعار می دادند: کاک فواد معلم ماست - راه فواد راه ماست و یاد این معلم شهید را گرامی داشتند. در این تظاهرات همچنین اعدام ضد انقلابی و فاشیستی " گرجی بیانی " بدست متوجهان محکوم شد.

۷/۲۶ سه تن از پیشمرگانی که در دست پاسداران اسیر بودند در زیر شکنجه آنان به شهادت می رساند. پاسداران سپس تیرهایی به جسد آنان شلیک می نمایند تا وامود کنند که این افراد در درگیری به قتل رسیده اند. مردم سندج پس از اطلاع از این موضوع به راهپیمایی و اعتراض بر می خیزند. ساعتی بعد از اتمام راهپیمایی یک خودرو حامل پاسداران محلی (جاشهای مفتی زاده) از خیابان شاهپور سابق عبور می کنند که پسر بچه های ۸ ساله آنها را به تمسخر گرفته و فریاد می زند جاشهای جاشهای و فرار می کند. مردم او را پنهان می کنند. پاسداران پیاده شده و بطرف مردم تیراندازی می کنند که ۹ نفر مجروح و ۲ نفر همانجا به شهادت می رساند. کشته شدگان کودکی ۴ ساله و کارگری از محله فقیرنشین " عباس آوا " بوده است.

۷/۲۷ دونفر از زخمی شدگان روز قبل در بیمارستان جان می سپارند. یکی از آنها " اکبر محمدیان " ۷ ساله است. عده ای از مجروه ایان عبارتنداز: ایران وزیری - اسد حجازی - افسانه حسینی - حبیب الله غربی - محمد شریف غربی و فاطمه میرزا بیانی . بهمین مناسبت امروز تشییع جنازه این شهدا صورت می گیرد و این درحالی است که پاسداران کاملاً سنجربندی کرده اند و آماده تیراندازی هستند. بازار و مغازه ها تا روز دوشنبه به مدت چهار روز تعطیل عمومی اعلام کرده اند. مدارس نیز در اعتراض به تبعید ۱۴ معلم که یکی از آنها از مبارزان سرشناس سندج " سعید شیخ الاسلام زاده " است اعلام کرده اند که از روز شنبه در مدارس متحصن خواهند شد. همچنین در

تظاهرات دو روز اخیر از مردم انزلی و صیادان پشتیبانی شده است.

در روستای "سیس" بین سندج و دیوان دره افرادی به اسم جهاد سازندگی به آن روستا می‌روند تا مواد غذایی در بین مردم پخش کنند. روستائیان بعنوان اعتراض به دولت و پاسداران عنوان می‌کنند که دولت از یک طرف تانک و توب و گلوله به آنها می‌دهد و از طرفی مواد غذایی می‌فرستد. بهمین مناسبت پس از ازبین بردن مواد غذایی در روستا شروع به تظاهرات کرده و شعار می‌دهند: ارجاع نابود است - انقلاب پیروز است.

مهاباد

۷/۲۱ / بدنبال شکست ارتش و پاسداران در سرکوب مقاومت حق طلبانه مردم مهاباد واحدهایی از تیپ "نوهد" بنام کلاه‌سوزها که تحت نظر متخصصان آمریکایی تعلیم دیده و در سرکوب مردم ظفار شرکت داشته‌اند به مهاباد اعزام شدند. همزمان با ورود این گروه مردم شروع به راهپیمایی و تظاهرات بر علیه آنها می‌نمایند. لحظاتی بعد با حمله کلاه‌سوزها به مردم تظاهرات به خشونت می‌انجامد و سه‌نفر به شهادت می‌رسند. (دو تن خرد - سال و کمال رحیمی ۱۸ ساله) . بدنبال این حمله چهار پیشمرگه به دفاع از مردم برخاسته و به تعقیب پاسداران می‌پردازند. کلاه‌سوزها و پاسداران به شهربانی پناه می‌برند. پیشمرگها شهربانی را محاصره می‌کنند. پاسداران پس از دو ساعت مقاومت مجبور به عقب‌نشینی و فرار به پادگان می‌شوند. پیشمرگها پس از تصرف شهربانی درحالی که خطاب به مردم شعار می‌دادند شهر را ترک نمودند. در جریان این درگیری رئیس شهربانی و سه پاسدار کشته می‌شوند.

۷/۲۲ / در مراسمی که بمناسبت تشییع جنازه شهیدان حادثه روز قبل صورت گرفت حدود ۳۰ هزار نفر از مردم مهاباد شرک داشتند. کلاه‌سوزها و پاسداران به مقابله تظاهرکنندگان می‌پردازند. پیشمرگان کرد که از قبل برای دفاع از مردم شهر وارد شهر شده بودند به مقابله پرداختند. تظاهرکنندگان متفرق شدند و زد و خورد تا ساعت ۱ بامداد ادامه داشت. تا این

ساعت سنگ بدستگر پاسداران و کلاه‌سیزها به‌طرف پادگان عقب‌نشینی نمودند. محاصره پادگان تا سپیده دم ادامه‌یافت. از تعداد کشته‌شدگان و زخمی‌های طرفین اطلاع دقیقی در دست نیست.

۷/۲۶ ابوشريف فرمانده سپاه پاسداران وارد مهاباد شده‌است و به همراه عده‌ای پاسدار با پشتیبانی تانکها وارد خیابانها و کوچه‌های شهر می‌شوند و به جستجوی چند منزل مسکونی می‌پردازند. پیشمرگان آنها را محاصره می‌کنند و اعلام می‌کنند که بنا به دستور آیت‌الله‌حسینی نمی‌توانیم تیراندازی کنیم. بهمین مناسبت از آنها خواسته می‌شود که بدون درگیری به پادگان بازگردند. لیکن این خواست مورد قبول پاسداران واقع نشده و شروع به سنگرگیری وتیراندازی می‌نمایند. پیشمرگان به تیراندازی آنها پاسخ می‌دهند که در نتیجه عده‌ای پاسدار و چند تن از مردم عادی کشته‌می‌شوند. طبق گزارش‌هایی که از منابع موثق به‌دست مارسیده‌است سروان یاری-جانی رئیس شهریانی مهاباد به‌دست پاسداران به‌قتل رسیده است. طبق همین گزارش ۵ گلوله از اسلحه کلت از فاصله یک‌مترا به‌ناحیه شک اوشلیک شده‌است. قبل از مهاباد گزارش شده بود که پاسداران سروان یاری‌جانی را به عدم کفایت و عدم قاطعیت نسبت به حملات پیشمرگان متهم کرده بودند. همچنان که خبر دارید "سرهنگ فراشاھی" فرمانده هنگ سقز نیز بهمین جرم به‌دست پاسداران به‌قتل رسیده‌است.

ارومیه

در شهر ارومیه عوامل ملاحسنی با تقلب در انتخابات شورای شهر اورا با شش هزار رای (۹۰ هزار نفر حق رأی داشتند) انتخاب می‌کنند و آیت‌الله فوزی نماینده آیت‌الله شریعتمداری با کمتر از یک‌هزار رأی نفر آخر می‌شود. لشکر ۴ ارومیه با انتشار اعلامیه‌ای از اهالی آبادیهای آذربایجان غربی خواست که: ارتش به‌کلیه اهالی آبادیهای منطقه آذربایجان غربی اکیدا" اعلام می‌دارد چنانچه افراد ضد انقلابی و اشرار و مزدوران حزب دمکرات را پناه دهند یا با آنان به‌رنحی همکاری نمایند یا در مقابل اعمال

آنها بی تفاوت باشند . . . یقیناً" بدانند با خود اهالی آن حدود مانند افراد حزب منحله دمکرات و ضد انقلابیون رفتار خواهد شد . . . ؟ (انقلاب اسلامی شماره ۸ سهشنبه ۷/۱۸) حال رهبری انقلاب و دولت موقت و خفاشان رادیو و تلویزیون جواب دهند آیا حتی از این حمله‌های شما آشکار نمی‌شود که: اینها عده‌ای ضد انقلاب نیستند که در کردستان آشوب بهپا کرده‌اند بلکه چند میلیون مردم کردستانند که با ارتش ضد خلقی و پاسداران اغفال شده مبارزه می‌کنند؟ آیا مردم ایران هنوز دروغهای شاخدار و وقیحانه شما را باور می‌کند؟ تا چه مدت به راستی می‌توانید ایران و ایرانی را فریب دهید؟

سرتیپ ظهیر نژاد فرمانده جلال نقده و یکی از عوامل اصلی جنایت ارتقای در کردستان که دستش تا مردق به خون خلق کرد آغشته است در مصحابهای با روزنامه اطلاعات ۷/۲۱ سرلشکر فربد را عامل توسعه فعالیت دمکراتها در کردستان معروفی نموده است. برای افشاء این فاشیست نورسیده که سودای احیاء رژیم شاهنشاهی را در سر دارد به خلاصه مصاحبہ سرلشکر فربد به نقل از کار شماره ۳۱ توجه کنید " من بهیچ وجه معتقد نبوده و نیستم که ارتش را دوباره به سرکوبی داخلی عادت دهیم به نظر من مسائل غرب کشور را می‌توان بصورت مسالمت‌آمیز حل کرد. اما عده‌ای از روحانیون و مقامات غیر مسئول در تهران و ارومیه از من خواستند نیرو به کردستان بفرستم و اختیارات بیشتری به سرهنگ ظهیر نژاد بدهم که خود متعلق بهیکی از قوم – هایی است که با کردها بطور نسبی اختلافاتی دارد. مخالفت من با این اعمال منجر به برکناری من شد" و ظهیر نژاد در جایی از مصاحبہ اش گفته است " رهبران دمکرات‌ها مشتی عناصر خائن هستند که سالها در خارج کشور بسر برده و حتی یکی از این جنایتکاران که از رهبران عمدۀ آنها می‌باشد سالها توسط راد، پیکایران به ایران فحش می‌داد !! " (علامت تعجب از روزنامه اطلاعات . . .) این گفته ظهیر نژاد نشان می‌دهد که او تا چه حد هنوز به رژیم پهلوی وزادار است زیرا اصولاً " رادیوهای دوران رژیم پهلوی فقط به شاه و دارودسته‌اش ناسزا می‌گفتند و از ملت ایران دفاع می‌کردند. بهمین مناسبت به نظر سرتیپ ظهیر نژاد فعلی کسانی که به رژیم پهلوی فحش

و ناسزا می‌گفتند جنایتکار و خائن بودند. این تیمسار وابسته به رژیم قبلی و فرمانده جمهوری اسلامی درمورد قتل عام "قارنه" گفته است "این قتل عام یک انتقام‌کشی قبیل‌مای بوده نه سیاسی و بوسیله کسانی صورت گرفته که طرفدار جمهوری اسلامی بوده‌اند". ظاهراً طرفدار جمهوری اسلامی بودن از نظر تیمسار ظهیرنژاد و دارودستناش می‌تواند هر جنایتی را توجیه کند. از طرف دیگر ایشان اعلام می‌دارند که لازم به‌یادآوریست که دهکده و گردنه قارنه از مراکز حساس سوق‌الجیشی و محل تدارکات و عبور و مرور دمکراتها بوده‌است. توجه کنید که این جنایتکار چگونه دست‌خود را روکرده و شرکت خود را در قتل عام مردم قارنه نشان داده‌است.

* گزارش‌هایی که از منابع نزدیک به دولت منتشر شده حاکیست که چمران برای پایان دادن به مسئله کردستان سه‌ماه از دولت مهلت‌خواسته است و این در حالی است که ارش و پاسداران هر روز دهها نفر کشته و مجروح می‌دهند و گویا چمران می‌خواهد با ایجاد پایگاه ضد چریکی در کردستان با استفاده از مزدوران محلی این کار را انجام دهد. ۱۳ نفر از افسران، درجه ۱ داران پادگان مهاباد با نوشتن استغفا نامه و تسلیم آن به فرمانده پادگان از حاضر شدن بر سرکار خودداری کرده‌اند. این عده که در میان آنها یک‌سرگرد و دو سروان و چند ستوان و درجه‌دار دیده می‌شوند در استغفا نامه خود قید کرده‌اند روزی که به کردستان آمده‌اند فکر می‌کرند برای سرکوب اسرائیلیها و عوامل پالیزیان می‌روند ولی اکنون که آنها را در برابر مردم مبارز کردستان قرار داده‌اند حاضر نیستند به روی هموطنان خود اسلحه بکشند. آنها در استغفا نامه خود مردم کردستان را شریفترین و آگاهترین مردم معرفی کرده‌اند. آنها خود را آماده پذیرش عواقب استغفا کرده‌اند.

قیاده موقت

بدنبال مسافرت ادریس بارزانی به قم و گرفتن قول مقدار زیادی پول و اسلحه و بازگشت وی به منطقه اشتویه اختلاف شدیدی بین او و سامی عبدالرحمن و مسعود بارزانی بروز کرده‌است. گویا که این دو نفر حاضر نشده‌اند مانند

ادریس به صورت مزدوغان رژیم جمهوری اسلامی در آیند. بدنبال این جریان ادریس با ۳۰۰ نفر از افراد خود که بیشتر از قبایل هرکی و غیر بارزانی هستند رسماً "عنوان افراد ضد چریک در اختیار چمران قرار گرفته‌اند.

هموطنان: کثرت اخبار بحدی است که ما نمی‌توانیم به همه آنها اشاره کنیم. لذا منتخبی از آنها را به آگاهی شما می‌رسانیم.

و چند خبر مهم ...
 اختلافات ارتش و پاسداران روز بروز اوچ بیشتری می‌گیرد. تاکنون فتواهای خمینی درمورد رفع اختلاف و هماهنگی موئثر واقع نشده و هر روز در پادگانی از پادگانهای کشور بین پاسداران و نظامیان درگیری بوجود می‌آید. درگیری پاسداران و نظامیان برسر اختلاف در فرماندهی نیروهای است که پاسداران آنرا حق خود می‌دانند و نظامیان حاضر به اطاعت از این "اس.اس"‌های جدید نیستند. در پادگان فرح آباد تهران - اهواز - همدان اختلافات وسیعی بروز کرده است. گرچه درمورد همدان رسماً تمرد را تکذیب کرده‌اند ولی گزارش‌های رسیده حاکی از تمرد نظامیان و حاظرنشدن آنها به کشتار خلق کرد می‌باشد. برطبق گزارشات رسیده بارها از طریق مراجعته و نامه اعلام کرده‌اند که حاظر به جنگ با کرده‌ها نیستند و باید به رهبران واقعی کرد امکان داده شود که حرفاها خود را از رادیو و تلویزیون اعلام کنند و فقط در صورتی که بخواهند کردستان را از ایران جدا کنند باید با آنها جنگید. کروهی از روحانیون نیز به‌گسیل پاسداران به کردستان اعتراض دارند و عنوان نمونه می‌توان از "آیت‌الله‌شیعی‌متداری" و "حاج‌میرزا خلیل کمردای" نام برد.
 سه‌گروه از افراد زیده گارد سابق جاویدان به فرماندهی سرهنگ

طاریان که متخصص در آموزش سیاسی - روانی و نظامی است بهسردشت و مریوان و پاوه اعزام شده‌اند. تعداد افراد هر یک از این گروهها ۱۰۰ نفر می‌باشد و فرماندهی این سه‌گروه را جداگانه "رحمتی" افسر سابق گارد که یک ماه پیش از اوین آزاد شد و ماهها به‌خاطر سرکوب مردم در روزهای قیام بازداشت بود و دونفر دیگر به‌هادامی "سروان گوهری" و "سروان رنیلی" بعهده‌دارند و بهر یک از افراد این سه گروه علاوه بر حقوق‌ماهیانه روزانه ۵۰۰ تومان فوقالعاده داده می‌شود.

در روز یکشنبه ۷/۲۱ در تهران اعلام شد که نزدیک به ۱۶ فروند فانتوم سوختگیری کرده و به‌طرف کردستان عزیمت کرده‌اند. ۲۴ ساعت بعد فانتومها و هلیکوپترهای کوبرا جنگل‌های "توژال" را بمباران کردند و چندین هکتار از جنگل‌ها را به‌آتش کشیدند. در جریان این هجوم گسترده به‌کردستان بود که فرمانده جلال نیروی زمینی مورد حمله پیشمرگان قرار گرفت و زخمی شد. شهرهای کردستان بویژه شهر مهاباد کاملاً در دست پیشمرگان سازمانهای کردستان هستند. حق‌گو استاندار آذربایجان غربی در مصاحبه‌ای با خبرگزاری رویتر اعتراف کرد: تمام مردم شهرها از پیشمرگان کرد حفایت و پشتیبانی می‌کنند و از این‌جهت از ارتش و پاسداران عملای کاری ساخته نیست.

چهارشنبه ۷/۱۸ (به نقل از کیهان) یکی از مسئولین روابط عمومی سپاه پاسداران اعلام کرد که در درگیری یکشنبه ۷/۱۵ بین یک واحد ۶۶ نفری با پیشمرگان رخ داده که ۲۲ نفر از این واحد از اصفهان ۱۵ نفر از گارد سابق و ۲۷ نفر از تهران بوده‌اند.

اخیراً ۱۵ میلیون تومان و ۶۰۰ قبضه اسلحه از طرف نخست وزیر و به پیشنهاد چمران به افراد قیاده موقت داده شد که در درگیری‌های کردستان به‌طرفداری از پاسداران و ارتش وارد جنگ شوند. گفته می‌شود در سفر دو هفته پیش ادرس بارزانی به‌قم وی قول دریافت ۱۰۰۰ قبضه تفنگ و ۶۰ میلیون تومان پول را گرفته‌است.

بدنبال سفر دکتر یزدی به آمریکا و عقد چهار قرارداد جدید با این کشور ارسال سلاحهای آمریکا به ایران از سرگرفته شد. اولین محموله سلاحها به مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار در تاریخ ۶ اکتبر راهی ایران شد. (لوموند ۷ اکتبر) نیز هودینگ کارترا اعلام کرده بود چنانچه دولت ایران درگیر جنگ داخلی شود دولت امریکا از آیت‌الله خمینی پشتیبانی خواهد کرد. و تمام وسائل و لوازم یدکی خریداری شده در زمان شاه سابق را به ایران تحويل خواهد داد. (نقل از خبرگزاری انقلاب).

براساس آماری که خبرنامه کردستان از روزنامه‌های سانسوری استخراج کرده از تاریخ ۶/۲۰ تا تاریخ ۵۸/۷/۲۰-۱۴۲ نفر پاسدار و نظامی کشته ۱۸۲ اسیر ۲۰۹ نفر مفقود شده و ۲۰۲ نفر مجروح شده‌اند. ۲۶ وسیله موتوری از بین رفته و ۵ تانک و ۷ نفر بر منهدم و سه‌هیلیکوپتر سرنگون شده است. همچنین مدنی جlad خلق عرب خوزستان نیز اعتراف کرده است که ارتش و پاسداران در کردستان تا اول مهر ۱۵۳۰ نفر کشته و ۳ هزار نفر زخمی داده‌اند. مدنی گفته که حوادث کردستان برای ما تاکنون خیلی گران تمام شده‌است. بازرگان نیز در مصاحبه خود با اوریانا فالاچی به کشته‌های بیش از انتظار سربازها و پاسداران اشاره کرده است. بهاین وسیله مجریان احکام الhei می‌خواهند برکشتناری که بوسیله جنگ‌افزارهای آمریکایی در کردستان و خوزستان . . . مرتكب می‌شوند سرپوش گذارند.

تهران

در جریان حمله به فلاحت فرمانده نیروی زمینی در سردشت وی و چهار تن از همراهانش زخمی شده‌اند که هم‌اکنون در بیمارستان "لیلا‌پهلوی" سابق بستری می‌باشند.

کمیته پشتیبانی از مبارزین کرد اعلام موجودیت کرد. این کمیته در اعلامیه خود از همه مردم آزادیخواه و هواداران رنجبران ایران درخواست کرد بهاری خلق کرد بشتابند. کمیته در اعلامیه خود درخواست کرده است افراد طرفدار و وابسته به هر گروه کمکهای خود را بهره‌نحو که می‌توانند به

گروهها – جمعیت‌ها – و سازمانهای متبع برسانند تا بدست مبارزان کردبرس
سرکوب خلق‌کرد مقدمهٔ سرکوب همهٔ آزادیخواهان است و پیروزی کردستان
پیروزی آزادی و دمکراسی در ایران است.

انزلی

بدنیال طولانی شدن قول مسئولان شیلات مبنی برآزادی صید و ایجاد
امکانات بیشتر برای صیادان و اینکه خود شرکت شیلات در این مدت مرتبهٔ "به صید ماهی مشغول بوده کارگران در مقابل شرکت اجتماع‌کرده و شعارهایی
مالامت‌آمیز می‌دادند پاسداران به این اجتماع حمله‌کرده و ۵ نفر از صیادان
را بهشهادت می‌رسانند. صیادان خشمگین به‌طرف پاسداران حمله می‌نمایند
که پاسداران می‌خواهند به‌طرف پادگان نیروی دریایی فرار کنند لیکن مردم
پل غازیان را می‌بندند. پاسداران به شهریانی پناهندۀ می‌شوند. مردم
به‌هرماه افراد مسلح به شهریانی حمله می‌کنند. و آنها را خلع‌سلاح‌می‌نمایند.
در این درگیری ۱۸ نفر پاسدار به‌قتل می‌رسند و صیادان ۵ نفر آنها را دستگیر
کرده و به تلافی ۵ صیاد شهید در همان محل اعدام می‌نمایند. در این
درگیریها طبق اخبار و اسله حدود ۴۵ نفر از دوطرف کشته می‌شوند.

آبادان

پنجشنبه ۷/۲۶ هنگامی که معین‌فر وزیر نفت در پالایشگاه آبادان
سخنرانی می‌کرد کارگران را اخلاق‌گر خواند. آنان بدنبال این اتهام با کلاه
کاست به‌وزیر نفت‌حمله کرده و ایشان را از پشت تربیون پایین می‌کشد.
کارگران اعلام می‌کنند که اخلاق‌گران کسانی هستند که انقلاب را به بپراهم
کشانیده‌اند. معین‌فر در این سخنرانی چریکهای فدایی خلق را متهم به
خرابکاری در شرکت نفت کرد که موجب خشم کارگران شد. آنان شعار
می‌دادند: مرگ بر وابستگان آمریکا – ما به‌حاطر منافع ملی کار می‌کنیم نه به
خاطر شما و اربابتان. عده‌کمی از کارمندان وابسته به‌انجمن اسلامی برعلیه
کارگران شعار می‌دادند.

اهواز

بدنبال انفجار قطار سریع السیر در مسیر خرمشهر - تهران که منجر به کشته شدن عده‌ای بیگناه شد تظاهراتی در اهواز صورت گرفت که در آن بر علیه دولت و چمران شعارهایی می‌دادند که مفهوم آن چنین بود: خلق عرب بیدار شو - همانطوری که شاه برای بدنام کردن مبارزان سینما رکس را به آتش کشید - شاهان جدید و چمران قطارهای مسافربری را به آتش می‌کشند تا مبارزان عرب را بدنام کنند. توطئه چمران محکوم است. دمچنین خبرهای رسیده از منطقه حاکیست که بین انجمن‌های اسلامی وابسته به حزب جمهوری اسلامی و مدنی جlad اختلاف افتاده و چندین تظاهرات بر علیه او صورت گرفته است - . این انجمنها "قبلًا" از او طرفداری می‌کردند. بمنظر می‌رسد این اختلافات ناشی از گروه‌بندیهایی است که برای کسب قدرت بیشتر در سطح رهبری صورت می‌گیرد.

نظامیان اهواز به مدت سه روز ۱۳ تا ۱۵ مهرماه متخصص شده‌اند. خواست آنها: ۱- خروج پاسداران از پادگان . ۲- برکناری مدنی . ۳- دخالت نکردن ارتش در کردستان بوده است .

این هم سندی از خیانتهای محسن قریشی‌زاده فرزند "ملا سید حسام" درسقرا که عضو هیئت مدیره جهاد سازندگی سقز و بینانگزار مکتب قرآن در این شهر است.

محل مهر
۶/۵۰۵۳
۱۳۵۸/۶/۳۱

دولت موقت جمهوری اسلامی

آقای محسن قریشیزاده

فارغالتحصیل دانشکده ادبیات و علوم انسانی

باتوجه بهگزارش‌های واصله سرکار بعنوان منبع شماره ۱۳۵۷۷ در خدمت‌سازمان
منحله اطلاعات و امنیت‌کشور بوده‌اید و این موضوع مورد تایید شورای تزکیه
دانشگاه تهران قرار گرفته لذا براساس مصوبات این شورا از این تاریخ رابطه
تحصیلی شما با دانشگاه تهران قطع می‌گردد.

بدیهی است در صورتی که قبل از این تاریخ از دانشگاه فارغالتحصیل
شده باشد ادامه تحصیل شما برای درجه تحصیلی بالاتر در این دانشگاه
امکان‌پذیر نخواهد بود. س.

مدیریت موقت دانشگاه تهران

محل امضاء

مرگ بر امپریالیسم و نوکران داخلیش
پیروز باد مبارزه حق طلبانه خلق کرد
مستحکمتر باد پیوند خلق‌های ایران

طرفداران جبهه متحد کردستان

خبر از قصر شیرین :

در انتخابات شورای شهر قصر شیرین مردم شرکت نکرده‌اند. بطوریکه نفر اول منتخبان با حدود ۱۱۰۰ رأی و نفر هفتم از منتخبین فقط با قریب ۷۰ رأی انتخاب شده‌اند. درحالیکه تعداد رأی اعلام شده برای رفراندوم جمهوری اسلامی از رادیو دولتی بیش از ۲۰ هزار رأی بوده است. بیشترین اعضا منتخب شورای شهر کرد نیستند.

۴۰۰ نفر از پاسداران اعزامی از مرکز، دانشسرای مقدماتی دختران شهر را بهزور تصرف کرده‌اند و بعنوان حفاظت از مرز در آنجا مستقر شده‌اند بطوریکه دختران دانشسرا ناچاراً به کرمانشاه رفته و دانشآموزان رشته خدمات که از همان ساختمان استفاده می‌کردند سرگردانند. لازم به میاد آوری است که مرز عراق از درون شهر قریب به ۱۵ کیلومتر فاصله‌دارد و پاسداران باصطلاح حافظ مرز باید در پاسگاههای مرزی مستقر شوند نه در درون شهر.

کرند :

هفته گذشته برای دومین بار رزمندگان کردستان به دکل مخابراتی کرند حمله کردند و بمدت چند ساعت دستگاه فرستنده‌ها از کار انداختند و به سوی پاسداران مستقر در کرند تیراندازی کردند. یکی از پاسداران در جریان

تیراندازی بدست همکاران خود بهقتل رسید . اول می خواستند قتل او را به گدن مردم بیندازند ولی موفق نشدند در این رابطه پاسداران به جوانان شهر حمله کرده و چند تن از هواداران " س.ج.ف.خ.ا. " را مجروح کردند .

حسینی نماینده خمینی با سید نصرالدین از سرسپردگان رژیم سابق که خود را رهبر اهل حق می داند به خانه بهرام سلطانی (یکی از سران اهل حق) رفته و از وی می خواهد با جمهوری اسلامی همکاری کند . بهرام سلطانی می گوید نا زمانی که خلخالی بعنوان قاتل ذوالفقاری (از اهالی سریل ذهب و فامیل بهرام) که در کرمانشاه اعدام شد دستگیر و مجازات نشود و تا بر قراری یک رژیم مردمی به مبارزه خود ادامه خواهیم داد و شما (حسینی و سید نصرالدین) هم دیگر اینجا تشریف نیا ورید .

اورامان :

بدنبال چند روز محاصره پاسگاه " درکی " و مسدود شدن راهها و همچنین بمباران روستاهای اطراف ، این پاسگاه به تصرف پیشمرگان کرد درآمد . آنچه در زیر می خوانید گزارش یک شاهد عینی از اهالی روستاهای ارومیات است : راه اورامان - مریوان بسته شده هوایپیماهای (جمهوری اسلامی) روستاه را بمباران می کنند . پاسگاه " درکی " از ورود مواد سوختی به شهر اورامان (هورامان تخت) جلوگیری می کند . ۶ روز تمام است (۵۸/۷/۳۰) گزارش نوشته شده ۲ تانکر نفت شرکت تعاونی سیروان را در " زیوار " متوقف کرده اند - مردم از کمبود آذوقه و خصوصاً مواد نفتی ناراحت هستند و اعتراض کرده اند . پاسداران و ژاندارمهای با همکاری افراد " ناله هورامی " آنها را به گلوله بسته اند . شیخ امین هدایتی ۳۰ ساله جلوی پاسگاه " درکی " شهید شده و عده دیگری هم زخمی شدند . مردم اورامان بعنوان اعتراض به پاسگاه " درکی " بورش بردن و درگیری پیش آمد . پیشمرگان هم سر رسیدند و از آنان حمایت کردند . ۵ پاسدار مزدور و قیادهای خائن کشته و ۱۲ نفر زخمی شدند و بقیه به پاسگاه " درکی " مرکز تجمع خود فرار کردند .

جنگ مردم با پشتیبانی پیشمرگان در مقابل مزدوران ادریس بارزانی و پاسداران ۴ روز ادامداشت. اوضاع کردستان خیلی بد است. ولی پیشمرگها هم امان نمی‌دهند. هر شب حمله می‌کنند. دربایتگان، جوانرود، پاوه و همچنان هستند. از نظر لباس گرم در مضيقه‌اند. بهمین خاطر من "بستک" خود را بمی‌کمی از آنها دادم. پیشمرگها دکتر هم دارند یکی از آنها که تازه از خارج برگشته است هر چند وقت به ده می‌آید و مردم را مداوا می‌کند. غیراز شهر پاوه، روستاهای راهها هم دردست پیشمرگها است. در شهر پاوه هم مردم از پاسداران متفرقند.

اسلامآباد (شاهآباد غرب سابق) :

در جریان انتخابات شهرای شهر بین دو گروه مذهبی شیخ بهشتی نماینده خمینی و گروه رشیدی درگیری‌هایی بوجود آمد. مردم از گروه رشیدی حمایت کردند. گروه بهشتی که می‌دانستند برندۀ نمی‌شوند، بهمین بهانه که باید نماینده‌ها مسلمان باشند، انتخابات را تحريم کردند. روز بعد از انتخابات دانشآموزان و گروههایی از مردم با شعار مرگ بر سرمانه‌داری مرگ بر بهشتی و فرماندار حامی سرمانه‌دار، به خیابان‌های ریخته و در فرمانداری متخصص شدند. از معلمین مبارز اسلامآباد لیست سیاهی تهیه شده است.

شکنجه افراد خانواده شهدا :

پاسداران اشغالگر و نظامیان ضد خلقی پس از کشتار وحشیانه مردم پاوه چند روزی است دست به جنایتی دیگر از جنایات خود زده‌اند و هر روز به بهانه‌های واهمی افراد خانواده شهدا را دستگیر و به محل استقرار خود می‌برند و آنها را شکنجه می‌کنند. اخیراً "پدر یکی از جوانان شهید پاوه را آنقدر زدند که بیهوش شده بود. این عمل ضد انقلابی حقی اعضا مکتب قرآن را که شریک جنایت بوده‌اند تحریک کرده و بر علیه پاسداران شعار دادند.

ماهیدشت:

باند سید قاسم افضلی معاون پالیزبان و مزدور شاه در منطقه فعالیت غارتگرانه دارند. پیشمرگان کرد در تعقیب آنها هستند. دار و دسته قیاده موقع (باند ادریس بارزانی) که در حدود ۱۴۰ خانوار می باشند در شهرک "ریجاب" مستقر شده و مزدور استخدام می کنند. جناح سامی و مسعود بارزانی ناکنون حاضر به مزدوری رژیم ایران نشده اند.

سرپل ذهاب:

به دنبال تظاهرات مردم سرپل ذهاب علیه کمیته شهر. این کمیته خلع سلاح شده و کمیته جدیدی تشکیل شده است. دست اندر کاران کمیته ارجاعی فعلی هم اکنون در سطح شهر اخلاقگری می کنند.

اهمی بیش از ده روستای سرپل ذهاب و از جمله "ازگله"، "تنگ" - حمام، "درلهشیر" خانه های خود را ترک کرده و به مبارزان کرد ملحق شده اند. کدخدا محمود ذهابی نیز با مردم اعلام همبستگی کرده و عشاير قلخانی با وی همکاری می کنند. شیخ حسین یکی از ملاهای سرسپرده رژیم قبلی برای حفظ اسلام دست به استخدام جوانمرد زده. او گفته بهر کدام از جوانمردان ماهانه چند هزار تومان پرداخت می کند.

کرمانشاه:

سرهنگ اخیانی فرمانده ژاندارمری ناحیه کرمانشاه برگزار شده است. وی رسما "جنگ پاوه" را تحمیل شده از طرف ارتش و پاسداران عنوان کرد.

مریوان:

چند روز پیش طی حمله ای که از طرف رزمندگان کرد به پاسگاه "دزاوا" از توابع "نوسود" صورت گرفت پاسگاه به تصرف رزمندگان درآمد. طی این حمله ۱۷ نفر از پاسداران کشته شده و عده ای نیز دستگیر شدند و پاسگاه

بعداً "توسط رزمندگان به آتش کشیده شد .

۵۸/۸/۳ موضع پاسداران و نظامیان در داخل شهر مورد حمله پیشمرگان کرد قرار گرفت و تعدادی از دو طرف زخمی شدند و پاسداران و نظامیان به پاسگاه "دیزلی" که در دست افراد قیاده موقت است پناهنده شدند . در این منطقه فقط پاسگاه "دیزلی" در دست ماء موران نظامی است .

بانه :

یکی از جنایتکارانی که امروز بعنوان فرماندار بانه در این شهر بر علیه خلق کرد توطئه می کند . ابوالقاسم ستاریان ، دادستان سابق با صلاح داد - سرای انقلاب خوزستان است که دستش به خون صدها هموطن عرب آغشته است . وی بعلت رشوه گیری و کارهای خلاف در خوزستان برکنار و به بانه فرستاده شد .

۸/۵ از طرف پادگان حدود ۲۵ - ۲۰ گلوله توب و خمپاره به طرف داخل شهر شلیک شد که در نتیجه ۱۲ واحد مسکونی آسیب می بیند و یک مدرسه نیز منهدم می گردد .

سقز :

در حمله پیشمرگان کردستان به پاسگاه "سرا" دو زاندارم (یکی درجه دار بود) کشنه چند نفر زخمی شدند . پیشمرگان سالم به پایگان خود مراجعت کردند .

روز ۵۸/۷/۲۸ ساعت ۴/۳۰ دقیقه دانش آموزان مدرسه خدمات (مبارزه) و دبیرستان پرورش دست به تحصن می زندند و با صدور اطلاعهای خواستهای خود را در ۹ ماده اعلام می دارند . اقدام سریع برای برگشتن دبیران تبعیدی - آزادی بحث و فعالیتهای سیاسی - آزادی زندانیان سیاسی از عده مواد این قطعنامه می باشد .

۵۸/۷/۲۹ دانش آموزان کلیه مدارس سقز برای پشتیبانی از داش -

آموزان متحصن رشته خدمات در آموزش و پرورش دست به راهپیمایی زده و شعارهای نیز به حمایت رهبر ملی و مذهبی خلق کرد شیخ عزالدین حسینی می‌دادند.

ساعت ۱۱ شب ۵۸/۷/۲۹ منزل ملا سید احمد حسینی رئیس سابق کیته سقز با نارنجک منفجر شد و به دنبال آن با درخواست وی پاسداران به محل می‌ریزند که بعلت وجود پیشمرگان در محاصره قرار می‌گیرند و ۶ نفر از آنها از جمله یک جاش بنام خوشیاری کشته و دو اتومبیل آنها منهدم می‌شود. در این حمله یکی از پیشمرگان در داخل سنگر زخمی می‌شود و وقتی پاسداران او را می‌بینند وی را به رگبار بسته و پس از شهادت بوسیلهٔ سرپیزه تکه‌تاکه اش می‌کنند.

در سقز تظاهرات و اجتماعات دانشآموزان ادامه دارد و محصلین و دبیران اعتراض شکن را به زور از کلاسها بیرون می‌کنند. تعدادی از دبیران سقز را به نقاط دیگر کشور تبعید کرده‌اند. مدارس سقز حالت مهرماه‌گذشته را دارد.

۸/۵ سقز - معلمان و دانشآموزان و کارمندان بانک ملی و دارائی در مخابرات متحصن شده و تا برآورده شدن خواسته‌های زیر به تحصن خود ادامه می‌دهند:

۱- دعوت به کار مجدد ۲۴ نفر از دبیران و معلمین سابق که بدون دلیل برکنار شده‌اند.

۲- رفع تبعید از معلمین و دانشآموزان.

۳- اعاده ماشین چاپ کانون احیای فرهنگ کرد که خلخالی اظهار داشته بود این ماشین متعلق به حزب دمکرات کردستان است. در صورتی که با فروش اوراق بهادر توسط مردم خریداری شده بود.

۴- جلوگیری از ورود و دخالت پاسداران در مدارس.

۵- پشتیبانی از خواست مشروع دانشآموزان به تاریخ ۵۸/۷/۲۴.

۶- رفع تبعید کارمندان سایر ادارات بویژه بهداری.

سنندج

دفتر عمران امام در سنندج بصورت مرکز جاسوسی برعلیه مبارزان در آمده است. این دفتر اعلام کرده که وامهایی به کسانی که طرحهای عمرانی، اقتصادی و کشاورزی دارند پرداخت خواهد کرد، لیکن با عنوانی مختلف کسانی را که جلب این دفتر می‌شوند وادر می‌کنند نا نام و نشانی مبارزان رژیم پیشین و کنونی را به آنها بدھند. این دفتر همچنین رفت و آمدھای مبارزان را کنترل می‌کند.

۲۵ نفر از پاسبانان وطنپرست سنندج که حاضر نشده بودند بر روی هموطنان خود شلیک کنند به کرمان و یزد تبعید شدند. این عده بعد از اعتصاب شهربانی سنندج و با پرونده سازی ستوان ذهنی و سرهنگ ملکی تبعید شده‌اند.

نظام زاده رئیس دانشسرای تربیت دبیر سنندج اخیراً از طرف عوامل ارجاع مجبور به استغفای شد. بدنبال او گروهی از کارکنان و استادان مردمی این دانشسرای نیز از سنندج منتقل گردیدند. به همین مناسبت گروه کثیری از دانشجویان این دانشسرای متخصص شدند. قرار شده که شورای دانشسرای مرکب از استادان و دانشجویان و کارکنان اداره این موسسه را بعهده بگیرد.

هزاران دانشآموز در شهرهای سنندج و سقز بعنوان اعتراض به محاصره اقتصادی مهاباد در محل آموزشگاههای خود متخصص شدند.

در تاریخ ۵۸/۲/۲۲ مسافرین جاده سنندج – سفر عده‌ای از پاسداران ارجاع را می‌بینند که مشغول شعار نویسی بر روی تابلوهای اطراف جاده می‌باشند. یکی از این شعارها چنین بود:

درود ما خلق کرد به پاسداران اعزامی !!

۵۸/۲/۲۸ حدود شش هزار نفر از مردم و کسبه سنندج بعنوان پشتیبانی از خواسته‌ای پاسبانان شهربانی تظاهراتی انجام دادند. تظاهرکنندگان در مقابل شهربانی با خواندن قطعنامه‌ای پشتیبانی خود را از خواسته‌های برحق پاسبانها نشان داده و متفرق شدند. شعارها عبارت بود از:

درودبولیس انقلابی – مرگ بر پاسدار ارجاعی . رئیس شهربانی اعدام

باید گردد.

۱۳۸

۵۸/۸/۴ در سندج پاسداران سوار بر ۴ مینیبوس خیابانهای شهر را دور می‌زنند و شعارهای در پیوند امت با امام می‌دهند. مردم شهر نیز در مسیر حرکت آنها تجمع نموده و با شعار مرگ بر خمینی به آنها جواب دادند. پاسداران بطرف مردم تیراندازی می‌کنند و مردم متفرق می‌شوند. لیکن دوباره دور هم جمع شده و با تکرار شعارهای ضد رژیم به طرف مقر سپاه پاسداران حرکت می‌کنند.

بسم الله الرحمن الرحيم

بعثت عدم توجه مجلس خبرگان و سایر ارکانهای مسئول به خواستهای ملت مسلمان کرد، شورای هماهنگی انجمنهای اسلامی سندج در راهپیمایی روز جمعه چهارم آبان (امروز) شرکت نمی‌کنند. از همشهریان مسلمان و مبارز تقاضا می‌شود در راهپیمایی مذکور شرکت ننمایند.
شورای هماهنگی انجمنهای اسلامی - ۵۸/۸/۴

بدنبال گلوله‌باران مردم مبارز سندج وسیله جاشهای مفتی این اعلامیه از طرف کارگران شهرداری سندج صادر شد:

"خانه کارگر به زحمتکشان این شهر تحویل باید گردد"

بار دیگر فریاد گلوه در شهر رزمنده سندج به صدا درآمد که در طی آن چهار نفر از مردم بیگناه از جمله طفلی چهارساله به خاک و خون کشیده شده و چندین نفر نیز غرق به خون روانه بیمارستانهای شهر و کشور شدند. براستی چرا چنین است چرا فریاد مردم را با گلوه و رگبار مسلسل خاموش می‌کنند مسببین این واقعه و وقایعی نظیر آن چه کسی یا چه کسانی می‌باشند؟ آنان از بخاک و خون کشیدن مردم بیگناه شهر و از جمله طفلی سه چهار ساله چه نتیجه‌ای می‌خواهند بگیرند؟ آیا این کار آنان تا ابد بعنوان عملی ننگین‌تر از اعمال حکومت فاشیستی شاه در اذهان مردم باقی نمی‌ماند؟

ما کارگران شهرداری سنندج که بخشی از زحمتکش‌ترین مردم این شهر داغدیده هستیم این اعمال ناجوانمردانه را بهشدت محکوم می‌نماییم و خواستار محاکمه عاملین این کشتار وحشیانه در دادگاههای خلقی هستیم و همچنین از اعتصاب عمومی شهر پشتیبانی ولی باخاطر رفاه همشهربان و جلوگیری از شیوع بیماریهای واگیر همچنان بکار خود ادامه می‌دهیم.

نابود باد اعمال وحشیانه مشتی مزدور

مرگ بر نمایندگان قلابی

کارگران

مستحکم باد اتحاد کارگران و دیگر زحمتکشان با تمام نیروهای

رزمنده و مبارز

کارگران شهرداری سنندج

مهاباد

در روزهای ۲۱ و ۲۲ و ۲۵ مهرماه گروههایی از پیشمرگان سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان عملیات نظامی متعددی بر علیه اشغالگران نظامی و پاسدار در جاده‌های منتهی به مهاباد و بوکان انجام دادند که در یکی از این عملیات در "یوسفکند" (یکی از قراء شمال مهاباد) یک خودروستگین متعلق به پاسداران اعزامی از ارومیه که برای کمک به دیگر پاسداران مستقر در مهاباد اعزام شده بودند منهدم گردید. در بیشتر موارد پیشمرگان سازمان زحمتکشان برای روشنگری به میان مردم شهر و ده رفته و با آنها به گفتگو نشسته‌اند.

(تلخیص از خبرنامه سازمان انقلابی زحمتکشان)

در روزهای پنجشنبه و جمعه روزتای پشت تپه درجنوب مهاباد بهمنتظر

جلوگیری از ورود پیشمرگان به شهر از طرف ارتش و پاسداران اشغال می‌شود. لیکن روز شنبه ۲۸/۷/۲۸ بدنبال یک نبرد شدید چند ساعته آزادمی‌شود. آماری از تلفات طرفین گزارش نشده است.

۷/۲۷ شهر در محاصره نیروهای اشغالگر و دارو دسته ادریس بارزانی

است. بدنبال دستور ابو شریف به افراد ادریس بارزانی دایر بر جستجوی منازل که مورد اعتراض مردم واقع می‌شود. درگیری شدیدی در شهر صورت می‌گیرد. در نتیجه این درگیری ۶ نفر از افراد ادریس بارزانی و ۱۲ پاسدار کشته می‌شوند. ۲ تانک - دو دستگاه جیب و ریو با کلیه سرنشیان آن به وسیله آر.پی.جی هفت منهدم می‌گردند. شهر در اختیار پیشمرگان قرار دارد. لیکن پرواز فانتومها بر فراز شهر بدون وقفه ادامه دارد. بر اثر حمله پیشمرگها به خانه جوانان ۸ نفر از نیروهای کلاه‌سبز از جمله فرمانده آنان دستگیر می‌شوند. در این برخورد مقداری سلاح و مهمات به دست مردم می‌افتد (خانه جوانان در ۲۰۵ متری پادگان قرار دارد).

حزب دمکرات کردستان اعلامیه‌ای بدین مضمون صادر می‌کند: با توجه به اصول و مبانی انسانی که حزب ما از آن پیروی می‌کند و با توجه به اینکه خلق کرد سر جنگ با ارتش ندارد. دفتر سیاسی حزب تصمیم می‌گیرد که ۵۵ نفر از زندانیان را که اکثر آنها نظامی هستند و در جریان جنگ به اسارت گرفته شده‌اند آزاد کند. این امر چند روز قبل انجام گرفته است. در ضمن دفتر سیاسی حزب اعلام می‌دارد اگر خلخالی خود را تسليم دادگاه انقلابی خلق کرد نماید. زندانیان موجود در مناطق مختلف کردستان که اکثربت آنها را پاسداران تشکیل می‌دهند. بدون درنگ آزاد خواهند شد.

دیدار فروهر و شیخ عزالدین:

روز پنجم شنبه و جمعه ۲۷ و ۲۸ مهرماه هیات نمایندگی دولت به سر-پرستی فروهر با شیخ عزالدین حسینی در روستای "بنو خلف" ملاقات کرددند. نماینده دولت ضمن دلجوئی از شیخ از ایشان خواستند که به شهر برگردد. شیخ ضمن رد این پیشنهاد اظهار داشتند که مسئله خود محترم بصورت یک

امر توده‌ای درآمده است و برگشتن به شهر یک امر ضد انقلابی است. در این گفتگو شیخ خواسته‌های خلق کرد را با تائید بر شرک تمام گروهها و احزاب سیاسی در مذاکره در ۳ ماده به آقای فروهر تسلیم داشتند که مفاد آن بشرح زیر است:

- ۱- رفع توقیف مطبوعات و آزادی احزاب و سازمانهای سیاسی ایران.
- ۲- خروج پاسداران از شهرهای کردستان و خارج شدن نظامیان از داخل شهر به پادگانهای اصلی خود.
- ۳- محور مذاکرات بر مفاد قطعنامه ۸ ماده‌ای مهاباد - سنتنج باشد.

تکذیب یک خبر:

از رادیوهای خارجی خبری پخش شده است که گویا سید عزالدین حسینی از پیشمرگان کردستان خواسته است در طول مذاکرات با نمایندگان دولت آتش بس را رعایت کنند. بدین وسیله اعلام می‌کنیم که: این خبر بکلی بی‌اساس است و ایشان از پیشمرگان کردستان چنین درخواستی نکرده‌اند.
دفتر سید عزالدین حسینی

۷/۲۸ مهاباد امروز صحنۀ شدیدترین جنگهای دو ساله اخیر بود.
این درگیریها در ساعت ۲ بعد از ظهر بعد از ورود تانکها به خیابانهای شهر به اوج خود رسید. در یک نقطه شهر یک خودرو نظامی با ۱۷ سرنشین به وسیله آر.پی.جی ۷ منهدم گردید. دو نانک در خیابان عزیز یوسفی و ۲ تانک در نزدیک پادگان به آهن‌باره‌های تبدیل شده‌اند. بعلت افجحاری که در نزدیکی یکی از تانکها صورت گرفت. پسر بچه ۸ ساله‌ای کشته و ۲ نفر رحمی می‌شوند. در حمله‌ای دیگر رزمندگان کرد قوای اشغالگر را به پادگان راندند که در این جریان ۵ نفر از مزدوران ادریس بارزانی و ۱۸ نفر از پاسداران و نکاوران کشته و رحمی شدند. غرش توپها و شلیک خمپاره‌ها یک دقیقه فقط نمی‌شود، مردم عادی بوزیر زمینهای پناه برده و رزمندگان پیشمرگ در کوچدها و خیابانها به مقاومه با زبدگان ارتش اشغالگر جمهوری اسلامی

۱۴۲

می پرداختند. در درگیریهای امروز رویهم ۷ تانک چیفت و ۱۶ نابود و یک فروند چیفت به غنیمت گرفته شد. بدنبال درگیریهای شدید و بیسابقه امروز کثیف‌ترین توطئه رژیم ارتجاعی یعنی محاصره نظامی و اقتصادی مهاباد آغاز گردید.

درگیری دیگری در ۲۰ کیلومتری جاده مهاباد - میاندوآب صورت گفت، پیشمرگان کرد خط محاصره را در هم کوبیدند و در نتیجه پاسداران و تکاوران ۱۴ نفر کشته و زخمی از خود بجا گذارند. در این درگیری ۱۷ نفر به اسارت گرفته شدند. پاسداران و کلاه‌سوزها تقریباً در تمام جبهه به طرف پادگان عقب‌نشینی کردند. هنگامی که شهر کاملاً در دست مردم بود، نظامیان از داخل پادگان شهر را مورد حمله خمپاره و توب قرار دادند. مردم به‌زیرزمین‌ها پناه برده و سکوت مرگباری شهر را فرا گرفت! به چندین خانه مسکونی و دولتی خسارات زیادی وارد آمد و چندین خانه نیز بطور کلی منهدم گردید. مدرسه نیشتمان بکلی منهدم شده است. در جریان این درگیریها یک پیشمرگ و دو نفر از مردم کشته و ۱۳ نفر زخمی شدند.

در همین روز زن سالمندی که ناظر فرار پاسداران و ارتیشیان فریب خورده و اشغالگر به داخل پادگان بود، از شدت شوق سکته کرد و جان سپرد. تنفر توده مردم از اشغالگران و سربازان ارتجاع بحدی است که حتی کودکان نیز از ابراز تنفر ابائی ندارند. اگر چه اغلب مورد هجوم دژخیمان قرار می‌گیرند.

۷/۲۹ / هلیکوپتری که برای پاسداران و تکاوران مستقر در بلندی‌های شمال غربی شهر آذوقه و مهمات حمل می‌کرد. محاصره شده و نتوانست به پادگان برگردد. نیروگاه برق شهر مورد اصابت گلوله‌های توب قرار گرفته است. کنترل شهر در دست مردم است.

در حالیکه دولت جمهوری اسلامی اسارت فرمانده و عده‌ای از کلاه‌سوزها را تکذیب می‌کند. خبرهای متعددی بدست ما می‌رسد که کویای صحبت‌ستگیری فرمانده کلاه‌سوزها و کروهی از آنان است.

۷/۲۹ / بدشال چند ساعت سکوت مرگبار از ساعت ۴ بعد از ظهر جتگ

دوباره با صدای پیاپی انفجار خمپاره‌ها در جبهه‌ای وسیع آغاز می‌شود. منطقه محمودکان در شمال شهر با خمپاره و تانک مورد هجوم واقع شده و تلفات زیادی به ساختمانهای مسکونی وارد شده است. بر طبق اخبار واصله دو تانک منهدم شده است. کشته‌ها و زخمی شدگان بسیاری در خیابانها افتاده‌اند و کسی را یارای کمکرسانی به آنها نیست. بدنبال یکرشته زد و خورد شدید در کوچه و خیابانها بویژه در ناحیه شمال شهر، ارتش و پاسداران با دادن تلفات سنگین به داخل پادگان عقب‌نشینی می‌کنند. شهر پس از چند ساعت کاملاً "بدست پیشمرگان افتاده، کلاه‌سوزها نیز در داخل پادگان محاصره شده‌اند و ارتباط با پادگان فقط از طریق هلیکوپتر و بسختی انجام می‌شود.

۷/۳۰ آخرين گزارشها حاكيست که آمار کشته شدگان پاسدار و نظامي تاکنون ۶۵ نفر و مجروحان به ۴۳ نفر می‌رسد. ۷ نفر از مردم زخمی و پیشمرگان یک کشته داده‌اند. در طول این چند روز ۸ فروند تانک منهدم و یک فروند چيفتن تصرف شده است. اغلب ساختمانهای خیابان آزادی تخلیه شده‌اند. در خیابان سرباز ۳ الی ۴ ساختمان در اثر اصابت گلوله توپهای سنگین فرو ریخته است. طبقات فوقانی ساختمان آب و برق و همچنین ساختمان دادگستری بکلی ویران شده‌اند. ساختمانهای متعددی نیز بطور پراکنده در داخل شهر بر اثر پرتتاب خمپاره از پادگان به درون شهر ویران و غیرقابل سکونت شده‌اند.

(هنگامی که پادگان مورد حمله قرار می‌گیرد نظاميان بدون هدف‌گيری خمپاره‌هائی به درون شهر شلیک می‌کنند) ارتباط واحدهای پراکنده نظامی در اطراف شهر قطع شده‌است و مهمات و آذوقه بوسیلهٔ هلیکوپتر به نظامیان و پاسداران رسانیده می‌شود. طبق خبرهای واصله و مکالمات رد و بدل شده از طریق بی‌سیم حتی کمکرسانی بوسیلهٔ هلیکوپتر نیز به سختی انجام می‌شود. شدت آتش خمپاره‌ها و درگیری بین پیشمرگان از یکطرف و ارتش و پاسداران و نیروهای کلاه‌سوز از طرف دیگر، بحدی است که مردم در این چند روزه به هیچ وجه نتوانسته‌اند از منازل خود خارج شوند. وحشت مرگباری بر شهر مستولی است. ارجاع با تمام قوا می‌خواهد مردم مبارز کردستان را

سرکوب کند لیکن با وجودی که هر لحظه بر وسعت عملیات و کثیر تانکها و واحدهای ویژه می‌افزاید، تاکنون نتوانسته است در هیچکدام از جبهه‌ها حتی برای چند ساعت پیروزی مختصری کسب کند. از این‌رو ناچار با توپ و خمپاره و در پناه آتش هلیکوپترها و غرش فانتومها به ویرانی منازل مسکونی و کشتار سکنه بی دفاع شهرها پرداخته است. در طی تماشاهای متعدد مردم شهر مهاباد بینناک از آینده خویش از ما می‌خواهد با سازمانهای انقلابی تماس بگیریم و از آنها درخواست کنیم به پشتیبانی مردم تحت محاصره کردستان برجیزند. آنها از خبرگزاریها انتظار دارند موقعیت دردناکشان را برای مردم ایران و سراسر جهان تشریح کنند و این درحالی است که متناسفانه جنب و جوش درخور توجیهی در سازمانهای سیاسی مشاهده نمی‌شود.

"۲/۳۰ گروهی از مردم با فرمانده پادگان تماس می‌گیرند و شدیداً" به محاصره اقتصادی شهر اعتراض می‌کنند. فرمانده اظهار می‌دارد که دستور بازکردن راهها را صادر نموده لیکن پاسداران و سربازان اعتمانی نکرده و گفته‌اند که آنها از ظهیرنژاد و ملاحسنی دستور می‌گیرند نه از فرمانده پادگان مهاباد.

قتل دکتر یحیوی: پاسداران مستقر در پادگان می‌خواهند سرگرد دکتر یحیوی را جهت مداوای ارتشیان به صحته نبرد بفرستند که ایشان بعلت نامن بودن منطقه و در ضمن نداشتن ابزار معاینه از عزیمت به آنجا خودداری و درخواست می‌کند بیماران را به پادگان بیاورند. در این بین یکی از پاسداران به بهانه اینکه دکتر یحیوی از دستور سرپیچی کرده او را به گلوله می‌بندد و او را جابجا به قتل می‌رساند.

۸/۲ حدود ساعت ۴ بعد از ظهر به پیشمرگان خبر می‌رسد که پاسداران از ارومیه به طرف مهاباد در حرکتند. پیشمرگان به پیشواز آنها می‌شتابند. قبل از رسیدن به "یوسفکند" در شمال مهاباد از پشت وسیلهٔ توپ و خمپاره مورد حمله افراد پادگان واقع می‌شوند لیکن بدون تلفات خود را به "یوسفکند" می‌رسانند و در درگیری با نیروهای تازه وارد نظامی و پاسدار

یک ریو را منهدم و یک جیب نظامی را به غنیمت می‌گیرند .
در همین روز در باغ میکائیل پسر بچهای که مشغول خالی کردن آشغال
بود بوسیلهٔ پاسداران هدف گلوله قرار گرفته و کشته می‌شود .

۸/۳ از ساعت ۹ صبح گروهی از پیشمرگها برای بازپس گرفتن تپه
قاضی به پاسداران مستقر در این منطقه حمله می‌کنند . برای مقابله با این
حمله قوای اشغالگر با هلیکوپتر مواضع پیشمرگها را با راکت در هم می‌کوبد و
از داخل پادگان نیز منطقه به توپ بسته می‌شود که در نتیجه ۲ خانهٔ مسکونی
ویران می‌گردد . یک زن و یک دختر بچه در این حمله کشته شده . همزمان با
این درگیری در منطقه شمالی شهر مهاباد در سر راه مهاباد به ارومیه در
باغات اطراف اردوانی کار برخورد بین قوای اشغالگر و پیشمرگها ادامه داشته
و قوای دولتی از خمپاره و توپ استفاده کرده‌اند که در نتیجه خساراتی به
باغها و خانهای داخل باغات وارد شده و در چند نقطه منجر به حریق
شده است . شهر در دست مردم است و پیشمرگها امور داخل شهر را بر عهده
دارند و رفت و آمد ماشینها را کنترل می‌کنند . خودروهای ارتشی اگر مسلح
نبوده و حامل غذا برای سربازان مستقر در مقر باقیمانده در بلندیهای شهر
باشند . حق عبور دارند .

۸/۴ جمه : سرتاسر دیشب زد و خورد بین طرفین در اطراف تپه قاضی
و باغات شمالی شهر ادامه داشته نیروهای نظامی اغلب از خمپاره و توپ
استفاده کرده‌اند . از تلفات و خرابی‌های برخورد دیشب خبری نرسیده
است . دیروز نیز درگیریهای شدیدی در جاده ارومیه به مهاباد رخ داده که ۴
نفر از پاسداران به هلاکت رسیدند .

شب قبل همچنین زاندارمی بوسیلهٔ نارنجک مورد حمله واقع شد که
از تلفات آن هنوز خبری در دست نیست . از ۸ نقطه استراتژیکی که در ابتدای
برخوردها در دست ارتش و پاسداران بود تنها ۲ نقطه یعنی کوه "دوشان
مجید" و "تپه قاضی" در اختیار آنها مانده‌است . امروز جمعه هنگامی که
مردم متوجه می‌شوند بعلت قطع ارتباط این دو نقطه با پادگان غذا به
پاسداران و نظامیان نرسیده است . خود به جمع‌آوری غذا می‌پردازند و به

آنها می‌دهند. این مطلب خود بیان‌کننده این واقعیت است که توده‌های مردم کردستان برخلاف تبلیغات رادیو تلویزیون و ادعاهای ارجاع حاکم عده‌ای جنایتکار نیستند بلکه مردمانی هستند که حتی در هنگام جنگ دشمن خود را کمک می‌کنند. جالب توجه است که این عمل مردم درست در هنگامی صورت گرفته که شهر مدت ۶ روز است در محاصره اقتصادی است و هیچگونه مواد خوراکی و یا سوختی به آنها نرسیده است.

۸/۵ شهر در آرامش نسبی بسر می‌برد. از ۴۵ نفر زخمی شدگان چند روز اخیر ۷ نفر براثر جراحات وارد شده شهید شده و بقیه در بیمارستان بستری‌اند. بدنبال شلیک توپهای قوای نظامی و پاسدار به داخل شهر چند واحد سکونی و اداری ویران و یا به سختی صدمه دیده‌اند. بیشتر به محله‌های " محمودکان " " خیابان سرباز " " تپه قاضی " – " کوی فرح سابق " صدمه وارد آمده است.

در مهاباد و شهرهای دیگر کردستان این شایعه بهشدت قوت گرفته است که در روزهای آینده مهاباد و مناطقی دیگر در اطراف سردشت و پیرانشهر و بوکان بمباران می‌شود. این خبر از طرف افسران پادگان مهاباد نیز تائید شده است. اخیراً " خانواده " نظامیان را از شهر خارج کرده‌اند و این امر شایعات را قوت بخشیده است. قبل از ظهرین‌زاد فرمانده لشکر ۶۴ ارومیه تهدید کرده بود که منازلی را که از آنها به‌سوی ارتش و پاسداران تیراندازی می‌شود، به‌توب خواهد بست.

مهاباد: (۵۸/۸/۶)

در گیری‌های پراکنده‌ای در جاده مهاباد – ارومیه صورت گرفته. در ۲۴ ساعت اخیر ستونهایی از لشکر ۶۴ در منطقه شمالی شهر اردو زده‌اند. شهر کماکان در محاصره اقتصادی است.

در عید قربان از " شهیدان کردستان تجلیل کنیم "

(فلما اسلما و تلهللجبين و نادينان يا ابراهيم قد صدق الرويا
انا كذلك نجزى الحسين ان هذاله والبلالمبين)

" هنگامی که در مقابل فرمان الهی تسلیم گردیدند . و ابراهیم اسماعیل را برای قربانی آماده کرد فرمان دادیم ای ابراهیم به راستی رویا را تحقق بخسیدی ، ما چنین نیکوکاران را پاداش می دهیم و این آزمایشی بزرگ بود "

خلق قهرمان کرد :

جنیش مقاومت عادلانه ما با سرافرازی وارد سومین ماه خود شده است

و این درحالی است که آتش انقلاب نه تنها در کوهستانها بلکه در شهرهای کردستان به اوج بی سابقه‌ای رسیده است . ما با اطمینان به حقانیت مسئله ملی کردستان و شناخت روحیه تسلیم ناپذیر خلق کرد از همان آغاز یقین داشتیم که علیرغم قربانیهای فراوان ، عاقبت متجاوزان بر سر جای خود نشانده خواهند شد . اما جنگ طلبانی که نمی خواستند و نمی توانستند حقانیت مسئله ما را فهم کنند و از سابقه درخشان مبارزات خلق ما خبر نداشتند و خود را سر و گردنی بالاتر می پنداشتند ، تصور می کردند که با بهراه انداختن تانک و توب و طیاره و قتل عام مردم روستاهای اعدام جوانان و قدغن کردن فعالیتهای سیاسی می توانند خفغان را برقرار کرده و مردم ما را از تعقیب حقوق مشروع خود باز دارند .

فاجعه دردناکی که بر سر زمین محبوب ما کردستان وارد آمد هم ما و هم دشمنان ما را در بوته آزمایش بزرگی قرارداد . خلق ما با دادن قربانیها از این آزمایش سربلند بیرون آمد و دشمنان جنگ طلب و متجاوز جز ننگ و عار نصیبی نبردند . خصلت جنیش و مقاومت عادلانه خلق کرد در این مرحله اینست که با دو بازوی نیرومند و بهیاری هم دیگر انقلاب را بهیش می راند یک بازویش مقاومت مسلحانه پیشمرگان قهرمان است . که آوازه حملات شجاعانه آنان جهانگیر شده است . این پلنگان کوهستان با ضربات پی در پی در

هیچ نقطه‌ای از کردستان نمی‌گذارند، نیروهای اشغالگر یک شب یا یک روز آسوده باشند. بازوی دیگر جنبش مقاومت ما اعتراضات و تظاهرات توده‌های خشمگین شهری است که در مقاومت پیگیر و بی‌وقفه و همگانی مردم قهرمان مهاباد تجلی‌کرده و زبانزد دوست و دشمن گردیده است و اکنون با اوجگیری جدید و رعدآسای قیام مردم قهرمان سندج نهضت شهری ما به مرحلهٔ جدید رسیده است.

در مرحلهٔ جدید باید هرچه بیشتر این نهضت شهری را توسعه داده و آنرا به پشتیبان بزرگ خواسته‌های اساسی خلق کرد مبدل ساخت. شهرهای کردستان این نهضت را به بهای قربانیان ارزنده‌ای آفریده‌اند. ما که در آستانهٔ عید قربان قرار گرفته‌ایم بنا به سنت دیرینه خلق مسلمان کردنشتین عید پس از شهادت شهیدان را به تجلیل همگانی از شهیدان به پشتیبانی از هدف بزرگ آنان یعنی تحقق خود مختاری کامل در چهارچوب کشور مستقل و آزاد ایران اختصاص می‌دهیم " خلق ستمدیده کرد از عید قربان سال گذشته که برای تجلیل از شهدای بیشمار ایران و کردستان در دوران رژیم منفور شاه اعلام عزا نموده، تاکنون نتوانسته است هیچ یک از اعیاد ملی و مذهبی خود را با شادی برگزار کند. عید نوروز که جای مهمی در سنت مبارزاتی خلق‌مان دارد، بعلت جنگ تحملی سندج در خون و اندوه برگزار شد. عید فطر که عزیزترین عید مذهبی ما است. در نخستین روزهای پس از اعلام جنگ در میان کشتار و دریدری مردم شهرهای کردستان به عزا مبدل گشت و اینک در آستانه عید بزرگ قربان احساس می‌کنیم که شهیدان ما که قربانی آزادی خلق کرد شده‌اند همچون حضرت اسماعیل و پدران و مادران شهید پرور ما همچون هاجر و ابراهیم با قربانی کردن حیات جاودان کسب کرده‌اند و ما به پاس پیروزیهایی که با خون این فرزندان ارزنده بدست آورده‌ایم، عید قربان امسال را روز تجلیل از یاد شهیدان اعلام می‌کنیم و توجه خلق قهرمان را به نکات زیر جلب می‌نمائیم :

۱- از همه توده‌های ستمدیده شهری، از روحانیون مترقی و بازاریان مبارز تا روشنفکران دانشجو و دانشآموزان و کارگران زحمتکش دعوت می‌کنیم

که دسته‌جمعی بر مزار شهیدان حضور یافته و سلام و درود خلق کرد را نثار روح پاک آنان نمایند.

۲- از همه روستائیان، ماموستایان مبارز، دهقانان زحمتکش و عشاير میهن‌پرست دعوت می‌کنیم که دسته‌جمعی به شهرهای نزدیک رفته همدوش با توده‌های مبارز شهری در مراسم تجلیل شهیدان شرکت کنند.

۳- بر مزار شهیدان برای پیروزی و تحقق خواست مشروع "خود" مختراری کردستان و پیروزی آزادی در ایران و نیز برای توفیق و سلامت پیشمرگان کردستان دعا کنید.

۴- در بازگشت بطور دسته‌جمعی و در صفو منظم به آستانهٔ منازل شهدا رفته و درود و سپاس خلق کرد را به خانواده‌های آن عزیزان تقدیم دارید.

۵- کوشش کنید این مراسم در نهایت نظم و ترتیب و بهشیوهٔ آگاهانه سیاسی و بصورت آزاد برگزار گردد. یقین داشته باشد هر کس بخواهد در این روز مقدس که مظہر و موسم آزادی است، به آزادی و آداب و سنن ملی و مذهبی ما تعرض کند با تلافی سخت پیشمرگان کردستان روپرتو خواهند گشت.

سلام خدا و خلق خدا به شهیدان کردستان
برقرار باد حکومت خود مختار کردستان
پیروز باد مبارزه متعدد خلقها در راه آزادی ایران

ولسلام عليكم و رحمة الله - ۳/۸/۵۸، سید عزالدین حسینی

صادقت دولت موقت:

مقداری از مکالمه سرتیپ ظهیر نژاد فرمانده لشکر ۶۴ ارومیه بدست آمده که وی اظهار داشته است هدف از عنوان کردن مذاکرات صرف "سرگرمی کرده است!"

بوقان

۷/۲۵ همزمان با آتش گرفتن یک مغازه در شهر توسط پاسداران پیشمرگها وارد شهر شده و دشمن را زیر رگبارهای خود قرار می‌دهند که در نتیجه ۵ نفر از پاسداران کشته و ۷ نفر زخمی شدند. برخلاف شایعات رادیو و تلویزیون و جراید، پیشمرگان سالم به مقر خود بازگشتند. (تلخیص از خبرنامه کوموله)

۷/۲۶ در برخوردهای پراکنده‌ای که در روزهای ۲۶ و ۲۷ مهر در این شهر صورت گرفت جمعاً ۹ نفر از پاسداران بهلاکت رسیدند. این برخوردها بیشتر به خاطر دخالت پاسداران در امور شهر و مدارس و بوجود آوردن جو اختناق، توسط پاسداران در شهر بود. در این برخوردها ۳ پیشمرگ زخمی شدند (تلخیص از خبرنامه کوموله)

۷/۲۶ بدنبال کنترل جاده میاندوآب - بوقان و بوقان - سقز جمعاً ۲ افسر، ۵ درجه‌دار و یک سرباز را دستگیر کردند که پس از تشکیل دادگاه خلق و روشنگری‌های سیاسی آنها را آزاد نمودند و خود سالم به پایکاه برگشتند. (تلخیص از خبرنامه کوموله).

۷/۲۸ بدنبال درگیری سختی که بین پیشمرگها و نیروهای اشغالگر تحت حمایت سلاحهای سنگین صورت گرفت، اداره شهر بدست مردم افتاده و پاسدارها به مقر خود عقب نشستند. در این درگیری‌ها عده‌ای از طفین کشته و زخمی شدند که از تعداد آنها اطلاع دقیقی در دست نیست (تلخیص از خبرنامه کوموله).

۷/۲۹ بدنبال تظاهرات مردم مبنی بر اعتراض به محاصره اقتصادی شهرهای شمالی کردستان، پاسدارها و نیروهای کلاه‌سیز وارد خیابانها شده و مبادرت به تیراندازی می‌نمایند. در سه‌روز اخیر ۳ نفر از مردم عادی شهر کشته شده‌اند.

۷/۲۹ یک موتور سوار بنام اوستا عبدالله بنا که به محل کار خود می‌رفت در تیراندازی پاسداران به قتل رسید. او دارای ۲ فرزند بود و همسر وی نیز حامله می‌باشد.

از اول صبح روز یکشنبه ۶/۸/۷ تیراندازی‌های پراکنده‌ای در شهر صورت می‌گیرد که تا ساعت ۶ بعد از ظهر ادامه می‌یابد و از این ساعت تا صبح روز ۷/۸/۷ درگیری شدیدی در اطراف مقر پاسداران که در دو محل مکتب قرآن و دفتر سابق کومله مستقر شده بودند بوقوع می‌پیوندد.

بدنبال این درگیریها پیشمرگان موفق می‌شوند ابتدا مقر "مکتب قرآن" و سپس محل سابق "کومله" را به تصرف خود درآورند. در این جریان که همزمان با پرواز هلیکوپترها بر فراز شهر بود عده‌ای از پاسداران کشته و زخمی می‌شوند و بقیه پا به فرار می‌گذارند.

در اثنای نبرد یک توب از جانب افراد ارتش به داخل شهر شلیک می‌شود که ۴ خانه را ویران نموده و یک مرد کشته و همچنین یک مادر با فرزندش زخمی می‌شوند.

سردشت (۲۶/۷/۵۸) :

یک گروهان کلاه سبز که برای پاکسازی به روستای "نستان" در شمال سردشت رفته بودند بوسیلهٔ پیشمرگها محاصره می‌شوند. به فاصلهٔ کمی ۸ فروند هلیکوپتر به کمک آنها می‌شتابند. لیکن در اثر تیراندازی پیشمرگان یک فروند آنها سقوط می‌کند و دیگر هلیکوپترها با بدنه سوراخ سوراخ شده به پادگان سردشت مراجعت می‌کنند. از گروهان کلاه‌سبزها ۵ نفر کشته و ۲۱ تن زخمی بر جای می‌ماند دو تن از پیشمرگان نیز مجرح می‌شوند.

تهران:

رژیم ارتقای جنایتکاران را آزاد می‌کند و به دستگیری مبارزان می‌پردازد! عاملان شهادت استاد کامران نجات‌الهی فرزند مبارز خلق بعنى سرهنگ شاهبیگی و ستوان دوم ابوالحسن گلنان بعد از گذشت ماهها نه تنها هنوز محاکمه نشده‌اند بلکه ستوان دوم ابوالحسن گلنان به قید کفالت آزاد گردیده است!! آیا این است عدالت جمهوری اسلامی؟

تبریز:

۸/۶ در این روز دانشجویان دانشگاه تبریز به مناسبت حمله ارتقای
به کردستان در تظاهرات وسیعی در محوطه دانشگاه تبریز شرکت کردند و
شارهای بدنی مضمون دادند.

هرگونه سازشکاری در پیشگاه خلق کرد محاکم است. جlad تل زعتر،
جلاد خلق ما شد. ارتقای نابود است خلق کرد پیروز است.

مرگ بر امپریالیسم و نوکران داخلیش!

پیروز باد مبارزه حق طلبانه خلق کرد!

مستحکم تر باد پیوند خلقهای ایران!

" طرفداران جبههٔ متحد کردستان"

راهپیمایی وحدت خلق در کردستان

بدنبال دعوت آیت‌الله سید عزالدین حسینی به راهپیمایی و تجلیل از شهدای کردستان چند نفر از مردم زحمتکش و ستمدیده شهرها و روستاهای کردستان با برپائی بزرگترین راهپیمایی از شهدای خود تجلیل کردند. این تظاهرات که نمایش همبستگی توده‌های شهری و روستا، رهبران ملی - مذهبی و سیاسی کردستان بود بیش از هر چیز این واقعیت را نشان می‌داد که خود - مختاری و امر آزادی و دمکراسی در سراسر ایران که متفقاً از جانب تمامی جناحهای درگیر نه توطئه‌ای تجزیه‌طلبانه و نه ضدیت با انقلاب ایران و دیگر خلقها، بلکه خواست برق حمه درجهٔ برقراری آزادی و دمکراسی در سراسر ایران و اتحاد و گسترش پیوند بین خلقها و ادامهٔ ضد امپریالیستی و ضد استبدادی بوده است.

توده‌های مردم کردستان در این تظاهرات نشان دادند که همچنان گذشته برق حمه پاشاری کرده و قدمی به عقب برنخواهند گذاشت. همه گروهها و سازمانهای موجود در کردستان بهمنظور شرکت در راهپیمایی اعلامیه‌های صادر کردند و مردم را به شرکت در راهپیمایی و تجلیل و دلجوئی از خانواده‌های آنان دعوت نمودند.

حزب دمکرات کردستان تشکیلات مهاباد شرکت در این راهپیمایی را تحریم کرده بود لیکن گروههای از پیشمرگان حزب در این مراسم شرکت

کرده و پیام خود را در تائید رهبر ملی - مذهبی و تجلیل از شهدای کردستان قرائت کردند. در شهرهای دیگر کردستان حزب دمکرات اعلامیه‌ای دال بر عدم شرکت صادر نکرده بود. در سنتنج مفتیزاده و سپاه پاسداران طی اعلامیه‌ای که از تلویزیون پخش شد مردم را از شرکت در راهپیمایی بر حذر می‌داشتند. ما بطور خلاصه به ذکر چگونگی این تظاهرات در شهرها اشاره می‌کنیم.

سقز:

۸/۱۵ بیش از ۳۵ هزار نفر از مردم سقز به همراهی گروهی از پیشمرگان از ساعت ۹ صبح در جلو مسجد جامع تجمع می‌کنند، سپس در حالی که سرودهای "ای شهیدان" و شعارهای متعددی در تائید رهبری سید عزالدین حسینی و نفی دیکتاتوری و ارجاع حاکم می‌دادند به طرف گورستان شهر حرکت نمودند.

ساعت ۱۱/۳۰ دقیقه یک فروند هلی کوپتر بر بالای یکی از تپه‌های نزدیک به پرواز در می‌آید و تپمرا به راکت می‌بندد تا مردم از ترس متفرق شوند لیکن مردم بی‌اعتنای به عملیات هلی کوپتر برای پیشمرگانی که جمعیت را در بر گرفته بودند ابراز احساسات می‌نماید. چند تن از جاشها به نامهای کریم عزیزپور، عطا عزیزپور و ملاحی علائی سعی داشتند با انفجار نارنجک این تظاهرات آرام را به خون کشند لیکن مردم آنها را دستگیر می‌نمایند. این عده قرار است در دادگاه خلق محاکمه شوند بدنبال قرائت چند پیام مردم دوباره به سوی خیابانها به راه می‌افتد و در خاتمه راهپیمایی گروه گروه به طرف منازل شهیدان می‌روند و با خانواده‌آنها دیدار می‌کنند.

مهاباد:

۸/۱۶ مهاباد: ساعت ۹ صبح راهپیمایی از چهارراه آزادی شروع شد و انبوه بهم فشرده جمعیت در حالی که شعارهای به طرفداری از شیخ عزالدین حسینی و سازمانهای سیاسی و پیشمرگان کردستان می‌دادند راهی

گورستان شدند. در گورستان ابتدا پیام سید عزالدین حسینی و سپس پیامهای سازمان انقلابی رحمتکشان کردستان ایران، سازمان چریکهای فدائی خلق، هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه، کارگر و گروههای "شهید حسن بیکی" و "پیشوای" وابسته به حزب دمکرات قرائت شد. در این پیامها سازمانها و گروهها ضمن اعلام پشتیبانی مجدد از سید عزالدین حسینی و ادامه جنبش حق طلبانه کردستان وایران یاد شهدای راه آزادی را گرامی داشتند. بعد از آن انبوه مردم در خیابانهای شهر به راهپیمایی پرداختند. یکی از شعارهایی که مرتبه "نکار می‌شد به‌این مضمون بود مام و هستا، دیمو- کرات، کومله، فیدائی، یه‌ک‌گرن، یه‌ک‌گرن! (حسینی، دمکرات، کومله، فدائی اتحاد، اتحاد!) در خاتمه مراسم راهپیمایان گروه گروه به منازل شهدا رفتند و از خانواده‌آنان دیدار کردند. به هنگام ظهر نماز عید قربان به امامت "ملاعمرشاهین" نماینده انتخابی آیت‌الله حسینی در "مسجد سرخ مهاباد" و با شرکت هزاران تن برگزار شد.

سردشت:

۸/۱۰ بدعوت آیت‌الله حسینی رهبر ملی و مذهبی کردستان راهپیمایی با شکوهی با شرکت بیش از ۲۰ هزار نفر از مردم سردشت و حومه بمنظور تجلیل از شهدای کردستان و ایران انجام پذیرفت.

مردم شهر و روستاهای اطراف بعد از راهپیمایی در گورستان شهر تجمع نموده و یاد شهدا را گرامی داشتند. در همین مراسم شعارهایی در تأیید خواستهای مردم کردستان و مبارزه با ارتقای و امپریالیسم داده شد و مقاد قطعنامه ۸ ماده‌ای مهاباد و سندج بار دیگر مورد تأیید قرار گرفت.

بانه:

روز پنجشنبه جمعیتی بین ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر در گورستان "سلیمان بیگ" بانه اجتماع کرده و از شهدای این شهر تجلیل کردند. در این مراسم شیخ جلال الدین حسینی" (برادر سید عزالدین) به گورستان سلیمان بیگ

آمده و برای مردم سخنرانی کرد. در پایان اجتماع به راهپیمائی و تظاهرات در سطح شهر پرداختند. و سپس قطعنامه‌ای قرائت کردند که در آن شیخ عزالدین حسینی بعنوان سخنگوی هر هیئتی که با دولت مذاکره کند مورد پشتیبانی قرار گرفته بود.

سنده:

۱۰/۸ از اولین ساعات بامداد دسته مردم به‌روی میدان آزادی بهراه افتاده هر محله با نظم خاص و با پلاکاردها و عکس‌هایی از شهدا که در میان تاجهای گل قرار داده بودند، حرکت می‌کردند.

تظاهرکنندگان ضمن نایید شیخ عزالدین حسینی بعنوان رهبر ملی - مذهبی خلق کرد سیاست ضد خلقی دولت را در کردستان محکوم کرده و خواستار مجازات خلخالی و مدنی شدند. شرکت فعال روستائیان و طبقات زحمتکش در این راهپیمائی چشمگیر بود. مردم در حالیکه عکس بسیار بزرگی از عزالدین حسینی و عکس‌هایی از شهدای کردستان در دست داشتند، پس از عبور از خیابانهای شهر به گورستان "تایله" رسیدند. در آنجا ابتدا شعری در بزرگداشت "کاکفواواد" و سپس پیامهای شیخ عزالدین حسینی و سازمانها و گروههای مختلف خوانده شد. انبوه جمعیت بیش از ۷۰ هزار نفر بود. سرودها و شعارها با نظم بسیار جالبی در مسیر راهپیمائي خوانده شد. مضمون شعارها و پلاکاردها بر علیه سیاست دولت و ضد ارتقای و ضد امپریالیستی بود.

ساعت ۱/۵ مردم قبرستان را ترک کرده و راهی خانه شهدا شدند تا از خانواده شهدا دیدا رکنند گروه کثیری نیز به روستای "قره‌یان" رفته تا از فرزند شهیدشان "مظفر رحیمی" تجلیل بعمل آورند.

تعدادی از شعارها چنین بود. چمران آمریکائی اعدام باید گردد، پاسداران اعزامی اخراج باید گردند، همنا، همنا، همنایه، کورد و عرب برایه (نا دنیا دنیاست، کرد و عرب برادرند) تورک و کور برایه - ارتقای رسوایه. (ترک و کرد برادرند، ارتقای رسواست) مارک جدائی خواهی ،

شعار آمریکائی، در خدمت ارتقای، بر علیه رهائی.

مریوان:

۸/۱۰ تظاهرات وسیعی با شرکت ۶ الی ۷ هزار نفر از مردم مریوان و روستاهای اطراف آن نیز انجام گرفت. لیکن این تظاهرات که در ابتدا آرام بود به خشونت گرایید. مردم بعنوان اعتراض بدخالت پاسداران به مقر جهاد سازندگی حمله نموده و خواروبار موجود در آن را مصادره کردند. همچنین به خاطر توقیف حقوق ۷۵ نفر از معلمین مریوان به بانک ملی حمله نموده و خساراتی بهاین بانک وارد آوردند.

بانه:

پنجشنبه ۱۰/۱ هنگامی که یک وانت بار حامل ۱۲ نفر از پیشمرگان و اهالی یکی از روستاهای بانه برای تجلیل از شهدای کردستان عازم بانه بودند با یک ستون ۵۰۰ نفری از نظامیان که افراد آن از واحد گارد جاویدان بوده‌اند تلاقی می‌نمایند، در پرخوردی که بین ستون و این گروه پیش می‌آید ۶ نفر از گروه زخمی، دو تن کشته و چهار نفر دیگر دستگیر می‌شوند. دو تن از دستگیر شدگان که مسلح بوده‌اند بلافاصله اعدام می‌گردند.

به تلافی این حمله گارد جاویدان و اعدام دو رزمنده مسلح از سرنشیان وانت بار، ستون نظامی در نزدیکی روستای "کوخان" مورد حمله پیشمرگان قرار گرفته و زخمیها و اسرا آزاد می‌گردند. در جریان این حمله خسارت فراوانی به ستون وارد شده و عده‌ای از جمله فرمانده ستون بنام سرهنگ "اشراف" کشته و زخمی می‌شوند. بقایای ستون بدراه خود ادامه می‌دهد، لیکن در مدخل شهر و چند صدمتر مانده به پل ورودی بانه بار دیگر مورد هجوم واقع شده و تلفات سنگین دیگری به آن وارد می‌گردد. بدنبال این یورش بقایای ستون بصورت جنگ و گریز بطرف شهر و پادگان فرار می‌کنند. لیکن در داخل شهر نیز با حمله پیشمرگان و هسته‌های درون شهر روبرو می‌شوند. افراد گارد جاویدان سنگ می‌گیرند و به مقابله با پیشمرگان و مردم

می پردازند. در همین اثنا از داخل پادگان، شهر و همچنین محل برخورد بوسیلهٔ خمپاره و توب گلوله باران می شود و بیش از ۵۰ خانه مسکونی مردم ویران می گردد. در نتیجه همین تیراندازی و نیز حمله مردم و پیشمرگان ۴۲ خودرو سنگین و سبک به آتش کشیده می شود.

در خاتمه بعد از تحمل تلفات بسیار سنگین بقایای ستون می توانند بهمراه دو خودرو خود را به پادگان برسانند. قابل توجه است که ۱۱ تن از افراد ستون از همان ابتداء یورش مردم اسلحه های خود را بر زمین گذارد و تسلیم مردم می شوند. مردم آنها را به خانه های خود برده و پس ازدادن غذا، آنها را روابه پادگان می نمایند. لیکن این عده به محض نزدیک شدن به پادگان هدف رگبار پاسداران واقع شده و کشته می شوند. در طول درگیری، فانتومها بر فراز شهر بانه به پرواز درآمدند و هلی کوپترها به حمایت از نظامیان پادگان شهر را گلوله باران کردند. گروه کثیری از مردم برای گلوله باران شهر زخمی شده اند. بیمارستان بانه گنجایش زخمیها را ندارد و اکثر از مشاهدان زخمی در خانه های مردم نگهداری می شوند. روز جمعه ساعت ۴ بعد از ظهر آتش بس برقرار شد.

آخرین خبر از بانه حاکیست که آتش بس در شهر بانه از طرف هر دو طرف به پیشنهاد امام جمعه و رئیس شهربانی بمدت ۲ ساعت برقرار شد و واجسد کشته شدگان و زخمیها را از خیابانها جمع آوری کردند. شهربان نماینده کلی در کنترل پیشمرگان است (۸/۱۳) و ارتش و پاسداران به داخل پادگان عقب نشینی کرده اند.

مهاباد:

دفتر سید عزالدین حسینی ضمن استقبال از راه حل سیاسی با توجه به نظریات اعلام شده نیروهای سیاسی کردستان، خواسته های خلق کرد را بشرح زیر به هیئت اعزامی دولت تسلیم کرده است:

- ۱- خلق کرد خواستار خودمختاری کامل سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در چهارچوب ایران است، که جزئیات آن در قطعنامه ۸ ماده‌ای مهاباد و سندج ذکر گردیده است.
- ۲- خلق کرد خواستار برقراری کلیه آزادیهای مندرج در منشور ملل متحده اعلامیه جهانی حقوق بشر از جمله آزادی مذهب، مردم، کار، اقامت، بیان، قلم، احزاب و برابری کامل حقوق زنان و مردان می‌باشد.
- ۳- تشکیل مجلس خبرگان بجای مجلس موسسان مورد اعتراض خلق کرد و دیگر خلقها و مراجع متفرق بوده است. همچنین بهدلیل عدم حضور نمایندگان خلق کرد و دیگر خلقهای ایران در این مجلس خواستار انجام انتخابات آزاد برای تشکیل مجلس موسسان و تدوین قانون اساسی مطابق با اصول دمکراتی و روح شریعت اسلامی می‌باشیم.
- برای ایجاد فضای مناسب جهت تحقق خواسته‌های اساسی بالا اقدامات فوری زیر ضروری است:
- ۱- آزادی عمل کلیه احزاب و سازمانهای سیاسی و مطبوعات متفرق و اعاده حیثیت از آنها.
- ۲- اخراج سپاه پاسداران و تخلیه پاسگاهها و خلع سلاح مزدوران محلی.
- ۳- آزادی فوری تمام زندانیان و محکومین سیاسی و لغو تبعید و انتقال آنان.
- ۴- توقف کلیه نقل و انتقالات نظامی در کردستان تا تحقق خواسته‌های اساسی خلق کرد.
- ۵- خودداری دولت و هیئت حاکمه از تحويل سلاح به مرتعین.
- ۶- برقراری دادگاه آزاد و علنی برای رسیدگی به جنایات جنگی عاملین کشتار و محاکمات غیر قانونی علیه خلق کرد.
- ۷- تجلیل از شهدای کردستان و جبران خسارات مادی و معنوی واردہ بر خلق کرد در اثنای جنگ تحمیلی.
- ۸- در کلیه مذاکرات پیرامون حقوق ملی خلق کرد و حل مسئله کردستان کلیه مفاد قطعنامه‌های ۸ ماده‌ای مهاباد و سندج دقیقاً باید مراعات شود.

و ۱۲/۸/۱۱ مهاباد همچنان در دست پیشمرگان است. تا آنجایی که حتی محافظت از هئیت وزیران را پیشمرگان بعده گرفته‌اند. وزرای اعزامی برای مذاکره با رهبران مذهبی – سیاسی کردستان طی چند دور دیدار با گروههای از مردم شهر و سخنرانی افرادی از مردم مهاباد با اوضاع منطقه و خواست توده‌های مردم آشنا شدند.

طی دو هفته گذشته گروهی از پاسداران فربخورده و ناآگاه که به دست پیشمرگان کرد اسیر شده‌بودند آزاد شده و به شهرهای خود برگشت داده شدند. مردم مهاباد هزینه بازگشت آنها را فراهم کرده و بعد از آنکه در اجتماعی در مسجد سعدی برای آنان سخنرانی شد پاسداران را به شهرهای خود برگشت دادند.

سردشت

از طرف پیشمرگان وابسته به ح.د.ک.ا. اعلامیه‌ای خطاب به افراد ارتش مستقر در پادگان سردشت صادر شد و از افراد ارتش در خواست شد که در موضع خود در پادگان باقی مانده و از تیراندازی به‌سوی پیشمرگان خود – داری کنند. پیشمرگان اعلام کردند چنانکه ارتش به‌آنها حمله نکند، آنهاییز حمله نخواهند کرد. پیشمرگان گفته‌اند مبارزه با پاسداران اشغالگر و مزدوران محلی را همچنان ادامه خواهند داد.

سقز

فرهنگیان شهر سقز و روستای "سرا" در اطراف سقز اعم از دبیر، معلم و محصل تا این تاریخ مدت ۸ روز است که در ۵ نقطه یعنی اداره آموزش و پرورش، مخابرات، ماکروویو، دارائی و بانک ملی به‌دلایل فرهنگی که در خبرنامه شماره ۱۵ ذکر شده متخصص شده‌اند. مردم شهر سقز بویژه بازاریان با تمام قدرت از متخصصین پشتیبانی نموده‌اند. تا جایی که روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه ۸ و ۹/۸ کلیه مغازه‌های خود را تعطیل کردند به‌دبیال دعوت

آیت الله حسینی و بخاطر رفاه مردم بدرخواست متحصینین مغازه‌های خود را می‌گشایند. شهرداری و بهداری نیز پشتیبانی خود را از متحصینین اعلام داشته‌اند.

۸/۸ ساعت ۴ بعد از ظهر پاسداران گروهی از متحصینین در ماکروویو را محاصره می‌کنند و شروع به شلیک تیر هوائی می‌نمایند. متحصینین با بلندگو با مهاجمین گفتگو می‌نمایند و علت محاصره را جویا می‌شوند. مردم که صدای بلندگو را می‌شنوند به طرف مرکز ماکروویو جلب می‌شوند و هنگامی که پاسداران را می‌بینند به آنها یورش می‌آورند پاسداران با هجوم مردم از مهلکه فرار می‌کنند و بعد از آن مردم در خیابانها به تظاهرات می‌پردازند و خواستار خروج پاسداران اخلاقگر و اشغالگر می‌شوند. چند ساعت بعد از راهپیمایی مهندس سحابی و صباغیان وارد سقز می‌شوند و از نمایندگان متحصینین می‌خواهند برای مذاکره به دیدار آنها بروند. مذاکره چند ساعت به طول می‌انجامد و قولهای درجهت برآورد خواسته‌های متحصینین داده می‌شود. به همین خاطر متحصینین تا حصول نتیجه، تحصن خود را متوقف می‌سازند.

دیواندره: ۸/۹ در حدود ۳۵۰ نفر از دانش‌آموزان به پشتیبانی از رهبر ملی و مذهبی کردستان و جنبش مقاومت خلق کرد تظاهراتی در شهر دیواندره انجام می‌دهند. شعارهایی بر در و دیوار شهر نوشته شده که برخی از آنان بدین مضمون است. "مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر کردفروشان، درود بر پیشمرگ، درود بر حسینی". چند تن از جاشهای دیواندره از این قرارند ۱- جمال چوبداریان (علم و مأمور تغذیه رایگان) هم اکنون از طرف مقتی زاده ماهیانه چند هزار تومان دریافت می‌دارد. او یک اتومبیل و یک قبضه اسلحه در اختیار دارد. این شخص در دیواندره مسئول کنترل دانش‌آموزان است و کسانی را که اعلامیه پخش می‌کنند دستگیر می‌کند. ۲- محمد کردستانی رئیس کشاورزی که در جهاد سازندگی فعالیت دارد. ۳- محمود مظہری، قبلاً ساواکی بوده و اکنون به همراه پسرانش نقش مهمی در معرفی و دستگیری

انقلابیون دارد. ایشان چند بار نیز به همراه گروههای بعنوان مردم کردستان به دیدار آیت‌الله خمینی رفته‌اند و انقلابیون را ضد انقلابی و ضد اسلام خوانده‌اند! ۴ - محمود حبیبی معلم مکتب قرآن و معلم دینی و قرآن مدارس قبله از طرفداران پر و پا فرق شاه بود و اکنون ماء‌مور شناسائی و تعقیب انقلابیون شده‌است. ۵ - عارف‌فتاحی از فالین شناسائی و معرفی انقلابیون، قرار است بعنوان شهردار دیواندره انتخاب شود، در چند روز اخیر در گیریهای بین پیشمرگان و پاسکاههای اطراف دیواندره از جمله زرینه‌صورت گرفته‌است.

پاوه

"اخیرا" نامه یکی از پاسداران اعزامی به کردستان بدست ما رسیده‌است که حاوی مطالب قابل توجهی است. در این نامه که برای مرکز (تهران) فرستاده‌شده، عنوان شده‌است:

"اینطور گفته‌اند که کار سپاه پاسداران در پاوه ایجاد آرامش و جلوگیری از هرگونه تحریک و اغتشاش می‌باشد اما گذیدیم که چند تن از پاسداران از جمله شخصی بهنام اژدها و دارودسته‌اش را مأمور شعار نویسی بر در و دیوار می‌کنند. شعار روی شعار، فحش جای فحش، این شعارها بقدرت تحریک‌آمیز بود که حتی افرادی که گرایشی به هیچ طرف نداشتند عکس‌العمل نشان داده‌اند. از مسئولین سپاه پاسداران در تهران می‌خواهیم جلو این‌گونه تفرقه‌اندازیهای تحریک‌آمیز و انحرافها را بگیرند. در بخشی از نامه‌اظهار شده‌است که "متاسفانه بعلت دخالت و موضع‌گیری‌های بعضی عوامل ضد انقلاب در سپاه پاسداران کار کردستان بسمت بحران‌کشیده شده‌است".

بر طبق اظهارات این پاسدار اخیرا شخصی بنام غفور مصطفائی را به اتهام سفر به عراق دستگیر و در سلوهای سپاه پاسداران بطور وحشیانه شکنجه می‌کنند. از قرار اطلاع عامل اصلی شکنجه پاسداری بنام اژدها می‌باشد. شخص مذبور برای شکنجه نقاط مختلف بدنش کبود شده‌است که نقل از ابتکار جدیدی در شکنجه می‌کند، خبر اینست: سرچوبی را میخواید

و بهسینه و گردن و پشت زندانی می‌کشند". در این نامه بهمطالب دیگری اشاره شده‌است که ماهیت رژیم حاکم و سازمانها و ارکانها و وضعیت پاسداران حافظ منافع آن و عامل جنایات آن را روشن می‌سازد.

پاوه: یک پسر ۱۶ ساله‌را در پاوه به جرم ارتباط با پیشمرگها دستگیر کردند. او چند روز مورد شکنجه پاسداران قرار گرفته و چند نقطه از بدن او را با آتش سیگار سوزاندند و سپس به قید ضمانت آزاد و متعدد شده در روز دو بار خود را به مقر سپاه پاسداران معرفی کند. همچنین ۳ نفر در این شهر به جرم پخش اعلامیه دستگیر شدند.

تا روز ۸/۷ درگیری و محاصره پاسگاه شوشمی و باینگان ادامه داشته است. ستونی که از پاوه برای تقویت ژاندارمری نوسود اعزام شده بود در نزدیکی "نجاریا" با مقاومت پیشمرگان روبرو شده و عقب‌نشینی می‌کنند. بدنبال درگیریهایی که در نقاط مرزی بین پاسداران و پیشمرگان صورت گرفت، پاسگاههای درکی، خانم شیخ، انجیران، خان میرآباد، دزاوا، دیزلی، باویسی، شیخ‌سله، از گله، بیشکان، بوئین، چمبارآوا، بایندره، کل خان و کوخان، به‌تصرف پیشمرگها درآمدند این پاسگاهها در منطقه نوار مرزی مریوان و اورامانات قرار دارند.

سنندج

۸/۱۱ مردم سنندج شب هنگام بعد از انفجار یک مغازه ۳ جاش و یک پاسدار موتور سوار را در حین فرار دستگیر کردند. دستگیر شدگان فیروز معنوی، حمید باغی، فرید روحانی و پاسدار دستگیر شده حمید صمیمی بودند. از دستگیرشدگان مقداری مواد منفجره بدهست آمده است.

در شهرهای مختلف کردستان از جمله: بوکان، مهاباد، بانه، سقز پاکسازی شهرها از جاسوسها و جاشهای "مزدورها" آغاز شده است. جاشهای تحويل دادگاه خلق می‌شوند تا به سزای اعمال خود برسند.

اسامی چند تن از جاشهای مفتی‌زاده که در روز ۷/۲۶ تظاهرات آرام

مردم سندج را به خون کشیدند بعاین شرح اعلام شده است: ۱ - کمال احمدی ۲ - فرید تعریف ۳ - اقبال پیک ۴ - صابر کرمی ۵ - نجم الدین خامسی ۶ - حمید سیدالشهدایی ۷ - رضا گیوه فروشان ۸ - علی طهماسبی، در جریان این تظاهرات ۴ نفر کشته و ۱۳ نفر زخمی شدند. همچنین در رابطه با اعدام ۹ تن از انقلابیون سندج که توسط جلادان حکومت اسلامی صورت گرفت، از رضا اردلان، شاطر احمد، حبیب خداماراد، کیومرث سهامی، حاجی مسعود منوچهری، جلال حسین پناهی، نامبرده شده است. که در لو دادن و دستگیر کردن انقلابیون با عناصر مرتعج دولت اسلامی همکاری داشته اند.

در تماس نزدیک با تعدادی از افسران و درجهداران غیر بومی پادگان سندج معلوم شد، که پرسنل گردان تانک هنوز در تحصین هستند. هیچ یک از افسران و درجهداران و حتی سربازان با رغبت حاضر به رفتن به ماء موریت نیستند و بطور کلی این عملیات را قبول ندارند و روحیه در یک سطح بسیار نازل قراردادارند. غالب درجهداران منتقلی به سندج یا فرار نموده اند و یا استعفای داده اند، زیرا حاضر نیستند در برادرکشی رژیم شرکت کنند.

۸/۶/ بدنبال دستگیری ۱۰ تن از دانشآموزان مدارس بوکان ۳ تن از آنها که دختر بودند، مورد اهانت پاسداران قرار می گیرند. این امر باعث خشم عمومی مردم شهر بر علیه پاسداران می شود. در نخستین ساعت بامداد روز یکشنبه ۸/۶ پیشمرگان به حمایت از مردم وارد شهر شده و شهربانی و مقرهای پاسداران را در دو سوی شهر محاصره کرده و مورد حمله قرار می دهند. دوطرف از سلاحهای سنگین استفاده می کنند. در اثر این تیراندازی دو کودک ۸ و ۱۲ ساله زیر آوار مانده و کشته می شوند، دو منزل مسکونی نیز در اثر شلیک خمپاره از طرف ارتش آتش گرفته و منهدم می شود، حدود ساعت ۲۴ یکی از دو مقر پاسداران واقع در دفتر "کوهله" سقوط می کند. شهر در دست پیشمرگهای است و برق شهر قطع می شود. ارتش در چند کیلومتری شهر مستقر

می باشد .

۸/۸ / از نخستین ساعات بامداد فانتومهای ارتش جمهوری اسلامی در آسمان شهر ظاهر شده و مردم را به وحشت می اندازند . پیشمرگهای مصممانه به حملات خود به مقرب پاسداران ادامه می دهند .

۳ هلی کوپتر شهر و موضع پیشمرگان را بدستگار می سند . پاسداران اشغالگر تا ساعت ۴ مقاومت می کنند . تعداد کشته های پاسداران بیش از ۱۵ نفر بوده و تعدادی نیز زخمی می شوند ، از مردم نیز یک پیشمرگ و ۶ غیر نظامی کشته و ۳ پیشمرگ نیز زخمی شدند . بر اثر رگبار هلی کوپترها تعدادی از مردم غیر مسلح زخمی می شوند . شهر در دست مردم است و واحد های ارتش در چند کیلومتری شهر مستقرند .

اورمیه

روز ۸/۸ / تظاهراتی با شرکت دو هزار نفر از مردم ارومیه به طرفداری از خلق کرد برپا شد . ابتدا تظاهرات بوسیله تعدادی دانشجو شروع شد و سپس با پیوستن مردم عادی شمار تظاهر کنندگان به ۵ هزار نفر رسید . شعار آنها مرگ بر ملاحسنی و خلق کرد پیروز است ، ارجاع نابود است ، بود . تظاهر کنندگان وسیله اوباشان ملاحسنی متفرق شدند . روز بعد ملاحسنی تظاهراتی به طرفداری از خود برپا کرد که در آن تظاهر کنندگان شعار مرگ بر دمکرات و حسینی می دادند .

ساعت ۱۱ صبح روز پنج شنبه ۱۵ آبان ماه جاری پیشمرگان به پاسگاهی در ۵ کیلومتری نقدۀ حمله کرده و پس از وارد کردن تلفات زیاد به پاسگاه به مقر خود برگشتند .

تهران

در جلسه کمیسیون نظامی که چندی پیش به ریاست شاکر تشکیل شد ، تیمسار آذر فرمانده سپاه غرب اعلام کرد که دیگر از ارتش کاری ساخته نیست ، و او حاضر به بمباران مناطق غرب کشور نمی باشد . همچنین فرمانده نیروی

هوایی و بعضی دیگر از افسران با درخواست سرتیپ ظهیرنژاد جlad مبنی بر بمباران بوکان وسیله بمبافتکهای نیروی هوایی مخالفت کردند.

یک گردان از افراد تیپ ۹ لشکر کارد شاهنشاهی سابق که از سه هفته پیش در علی‌آباد قم تعلیمات ضد پارتبیزانی می‌دیدند، از روز ۱۴/۸/ با اتوبوس عازم کردستان می‌شوند. این عده ابتدا به سنندج می‌روند و از آنجا عازم شهرهای دیگر کردستان خواهند شد. در پادگان علی‌آباد قم افراد لشکر کارد و گروه اول دوره می‌بینند. بهریک از افراد کارد که به کردستان می‌روند علاوه بر حقوق و مزایای ماهیانه، روزانه ۵۰۰ تومان اضافه و فوق – العاده پرداخت می‌شود.

۱۷ خلبان از پایگاه دوشان‌تپه که حاضر نشده بودند برای بمباران کردستان به‌این منطقه بروند از مدتی پیش در این پایگاه دیده نمی‌شوند و هنوز از سرنوشت آنها اطلاعی دردست نیست.

دولت ارتقای احساسات ملی مردم را به بازی گرفته است. از یکطرف با اعلام راهپیمایی ضد امپریالیستی میلیونها نفر از مردم را به خیابانها می‌کشاند و از طرف دیگر با ارباب خود بروزینسکی در الجزایر ملاقات و گفتگو می‌کند.

روز پنجمین ۱/۸/ همزمان با برگزاری عظیمترین تظاهرات مردم کردستان بمناسبت بزرگداشت و تجلیل از شهدای راه‌آزادی مراسم با شکوهی در سالن ورزش دانشگاه صنعتی تهران برگزار شد. در این گردهم‌آئی که از طرف دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر و با شرکت بیش از ۱۰هزار نفر از هاداران طبقه کارگر برگزار شد، یاد شهید "کاکفواد" "مصطفی"

سلطانی " عضو کادر مرکزی سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران راگرامی داشتند . در این مواسم گزارشی از وضعیت کنونی مردم و سازمانهای انقلابی کردستان قرائت شد . گروه کر دانشجویان مبارز سرودهای بهزبانهای فارسی و کردی اجرا نمودند این گردهم‌آئی که چند ساعت بطول انجامید با شعارهای : خلق کرد پیروز است ، ارتقای نابود است و کردستان ، گورستان فاشیستها ، بایان پذیرفت .

* - تظاهرات دانشآموزان در تهران هفته گذشته با یورش او باش تحریک شده قدرتمندان حاکم به خون کشیده شد . در این تظاهرات که هزاران نفر از دانشآموزان دبیرستانهای مختلف تهران شرکت کرده بودند . دانشآموزان شعار می‌دادند : " دانش آموز کرد آزاد باید گردد . " و " انزلی ، کردستان پیوندتان مبارک " ، " کردستان ، کردستان ، گورستان فاشیستها " ، " دولت سرمایه‌دار دشمن خلق کرد است " ، " خلق کرد پیروز است ، ارتقای نابود است " .

تکذیب یک خبر : سرهنگ اخیانی فرمانده ژاندارمری کرمانشاه برکنار نشده است . در خبرنامه شماره ۱۵ برکناری او اعلام شده بود .

پوزش : در خبرنامه شماره ۱۵ چند خبر از خبرنامه هواداران س-ج . ف . خ . ۱ . در سندیج نقل شده ولی متبوع خبر اعلام نشده بود ، بدینوسیله پوزش می‌خواهیم .

یورش ارتقای دولت بازرگان و قدرتمندان حاکم به خلقهای ایران باعث شده است که تمامی نیروهای مترقی جهان به ماهیت ضد خلقی دولت حاکم بی ببرند . در این میان دولتی فاسیستی چون رژیم بعضی عراق نیز که تا دیروز با بمبهای ناپالم دهات کردستان را منهدم می‌ساخت ، برای خلقهای ایران نوحه سر داده است . اما خلق کرد که ماهیت فاسیستی رژیم بعضی عراق

را می‌شناشد، بدولت عراق به همان چشم نگاه می‌کند که به دارودسته ارتجاعی حاکم در ایران.

طبق مدارکی که در هتفه نامه "رهایی" آمده، آقای چمران وزیر دفاع دولت جمهوری اسلامی از شخصی بنام "علی ابراهیمی" مدیر شرکت گسترش مسکن که منوع الخروج بوده است، در ازای خروج از مرز مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال رشوه می‌گیرند. با گذشت ۹ ماه از تشکیل جمهوری اسلامی و با توجه به معصومیت کذائی دولت جمهوری اسلامی و ادعاهای آنان دایر بر مبارزه با فساد، آینده درخشانی برای "انصاری‌ها و شیخ‌اسلام‌زاده"‌های جدید می‌توان آرزو کرد.

همدان:

۱- هر شب از پایگاه "حر" (شهرخی سابق) چند فروند افانتومهای اف ۴ که حامل بمب می‌باشد بطرف مناطق غرب کشور به پرواز در می‌آیند و پس از انجام مأموریت ملی و اسلامیشان، که همانابیاران خلق کرداست، به پایگاه بر می‌گردند. یکی از شاهدان عینی اظهار می‌دارد که فانتومها بعد از برگشتن به پایگاه بلافضله به پرواز در می‌آیند و پس از دقایقی دوباره به پایگاه بر می‌گردند. نیروی هوایی با این تاکتیک می‌خواهد وانمود سازد که این پروازها آزمایشی است و نه عملیات نظامی. فرمانده پایگاه (صباحت) که معرض به شرکت نیروی هوایی در جریان کردستان می‌باشد را از سمت فرماندهی پایگاه معزول و با یک هوایپیمای (بلانز) چند وقت پیش به نقطه‌ای نامعلوم برداشت. و هنوز پرسنل پایگاه هیچ اطلاعی از سرنوشت فرمانده خود ندارند.

۲- چند روز پیش چهار نفر از خلبانانی که به پرواز به منطقه غرب معرض هستند بمندان جمشیدیه (قصر) و اوین برده می‌شوند. این

عده اکنون زیر شکنجه پاسداران ارتیاع هستند.

در ظاهرات و راهپیمایی‌هایی که در سراسر شهرهای کردستان ادامه دارد، شعارهای زیر هر روز تکرار می‌شود:

کشتار زحمتکشان در دولت مسلمان
استبداد و خونخواری در لباس دینداری
کرد و عرب برایه – ارتیاع رسواه
(کرد و عرب برادرند ارتیاع رسوا است.)

کردستان خودمختار ایجادباید گردد – رهبری توده‌ها اعمال باید گردد
حسینی بت‌شکن بت‌شده‌ای خود شکن
تا همه توده‌های رهبر ماست

بازرگان بازرگان! این است حقوق کردن، بمباران کردستان، اعدام
روزنده‌گان؟

سرمایه‌دار خوین‌مزه زالم و فقیرکوزه
(سرمایه‌دار خون‌آشام است ظالم و فقیرکش است).

ملای لواط‌کننده خیابان پورناد نارمک بنام طاهری:

مکتب‌دار قرآن که کودکان دوازده سیزده سال‌مراه جمع کرده ظرف فقط ۱۵ روز اول مرداد ۵۸ به سه کودک تجاوز می‌کند. بعد از شکایت والدین کودکان و اثبات ادعا بوسیله پزشک در کمیته مسجد محل به ۱۲۰ ضربه شلاق محکوم می‌شود با این ادعای "حجت‌الاسلام سلطانی" که شیطان در جلدش بوده و اینک بیرون رفته. شلاق زدن هم (سنگابی) از طرف حجت‌الاسلام نصیحت می‌شود که "طوری بزن که شرعاً زده‌باشی" چون ایشان از خودمان‌اند و حتی به‌مجازات بیشتر و یا خلع لباس هم نمی‌رسد.

آیا همین است عدل اسلامی؟

"بیدار باد تودهها - سرنگون باد ارتقایع - مرگ بر آمریکا".

"پیروز باد خلقها" - جوانان پیشوavnارمک و مجیدیه

کردستان

قلب سرخ میهمن

بکوب ! طبل رزم را

بکوب ! قلب سیاه دشمن را

کردستان

قلب سرخ میهمن

ضریانت جاری سرخ خون را

در تعامی رگهای وطن

میدوآند

و می پیچاند پیکر عشق بزرگمان

- ایران را -

در جامه سرخ .

بکوب ! فرزند خلق کرد

- تا فرزندان ایران زمین -

آفرینش آهنگ عظیم رهائی را

در صدای کوبنده پنگ

و صدای چکاچک داس

جاودانگی بخشنده .

بکوب !

تا جاری لجن

- در عروق دژخیم -

این ننگ مردمان خوب خلخال

از وحشت بخشکد!

بکوب!

تا گرگ بچشم گوسفندان

— به فرزندان قهرمان وطن —

ننگرد!

و هوای شبانی را به گورستان برد.

بکوب! بکوب! بکوب! ...

نقل از صدای دانشجو

مرگ بر امپریالیسم و نوکران داخلیش

پیروز باد مبارزه حق طلبانه خلق کرد

مستحکم تر باد پیوند خلقهای ایران

طر福德اران جبهه متحد کردستان

هموطنان: کثرت اخبار به حدی است که ما نمی‌توانیم به همه آنها اشاره کنیم. لذا منتخبی از آنها را به آگاهی شما می‌رسانیم.

پیرامون مذاکرات

بدنبال ملاقات هیئت اعزامی دولت با تنی چند از مرتعین محلی در کردستان وکوشش برای به توافق رسیدن با یک جناح از حزب دمکرات کردستان ایران کسب اطلاع شد که در آخرین ملاقات شیخ عزالدین حسینی و فروهر شیخ بر موضع قبلی خود در مورد شرکت همه سازمانهای درگیر در حوار اث کردستان در مذاکرات تاءکید کرد و اعلام داشت هیچ نوع مذاکره‌ای بدون شرکت همه سازمانهای سیاسی خلق کرد (حزب دمکرات، کومله و سازمان چریکهای فدائی خلق) صورت نخواهد گرفت. کومله و چریکهای فدائی خلق نیز از شیخ عزالدین حسینی پشتیبانی کردند. در همین حال یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب دمکرات که در روزهای اخیر چندین بار با اعضای هیئت ملاقات کرده است اعلام داشت دولت باید با حزب دمکرات وارد مذاکره شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

اکنون که اتحاد و یکپارچگی اقشار و طبقات مختلف خلق مسلمان کرد
حقانیت مبارزه برای احراق حق خودمختاری را برای همه روشن نموده و
پشتیبانی زیادی در میان احزاب و سازمانها و افراد مترقی و آزادیخواه در
ایران و همچنین جناح صلح طلب هیئت حاکمه یافته است و اکنون که پیشمرگان
کردستان قهرمانانه و با اتکا به نیروهای عظیم توده‌های شهر و روستاهای
کردستان از خواست برحق خلق کرد یعنی خودمختاری کردستان در چهارچوب
ایرانی آزاد و دمکراتیک و مستقل دفاع نموده‌اند.

نیروهای سیاسی کردستان با ایمان به حقانیت این خواست خلق کرد
متقاً از راه حل سیاسی برای پایان دادن به جنگ و برادرکشی در کردستان
استقبال می‌کنند. در این میان ما م????؟ شیخ عزالدین حسینی به تبعیت
از موازین اسلامی و برای نشان دادن حسن نیت و برای تاء‌کید بر این مسئله
که خلق کرد جنگ طلب نبوده و بلکه جنگ بر وی تحمیل شده و از موجودیت
خود به دفاع برخاسته است، همواره راه حل سیاسی را در مدنظر داشته‌است.
لذا در شرایط فعلی که هیئتی از طرف دولت برای مذکوره به کردستان فرستاده
شده است آمادگی خود را برای گفتگو با این هیئت درباره حق خودمختاری
کردستان اعلام می‌داریم.

خلق مبارز کرد، از همه شما می‌خواهیم که در این شرایط حساس و در
این مقطع تاریخی مهم روحیه انقلابی پرشور مبارزاتی و هشیاری خود را
کاملاً حفظ کنید، همچنانکه در گذشته نیز نشان داده‌اید که یکپارچه و متحد
برای رسیدن به خودمختاری تلاش خواهید کرد، صفو خود را هرچه فشرده‌تر
نموده و پشتیبانی قاطع خود را از پیشمرگه‌های کردستان همچنان ادامه دهید.
از پیشمرگها این فرزندان رزمnde و انقلابی خلق کرد نیز می‌خواهیم که
متشكل‌تر و یکپارچه‌تر از همیشه بوده و ضمن حفظ آمادگی و روحیه انقلابی
خود هیچ‌گونه حمله و تجاوزی را به جان و مال مردم این سامان بی‌جواب
نگذارند.

۱۷۴

ما مثل همیشه این بار نیز کمال حسن نیت خود را در مورد یافتن راه حل سیاسی برای مسئله کردستان نشان داده و خواستار احراق حق خود – مختاری کردستان در چهارچوب ایرانی آزاد و مستقل و خواهان پایان دادن به جنگ و ایجاد آنچنان فضائی در کردستان وایران هستیم که همه ملتها در کمال آزادی زیسته و از کلیه حقوق و آزادیهای مشروع برخوردار باشند.

دفتر سید عزالدین حسینی

۵۸/۸/۱۲

بمباران و مذاکره !؟

سردشت

در تاریخ ۸/۸ یک ستون نظامی با بیش از ۸۰ خودرو حامل نظامی و پاسدار و باز و برگ کامل شامل سلاحهای زیر وارد سردشت شد. (شایان تذکر است افراد این ستون همگی از گارد جاویدان بودند) سلاح‌ها : ۵ قبضه تیربار کالیبر، دو قبضه خمپاره‌انداز یک توب ۱۲۰ میلی‌متری، ۷ تیربار ۳ و مهمات فراوان همراه با سلاحهای سبک افراد.

۸/۱۰ به دعوت شیخ عزالدین حسینی رهبر ملی و مذهبی خلق کرد و ناءیید سازمانهای سیاسی به منظور تجلیل از شهدای راه آزادی خلقها در سراسر کردستان راهپیمایی عظیمی صورت گرفت که صدها هزار نفر از مردم شهرها و روستاهای در آن شرکت داشتند. روز پنج‌شنبه گروههای از مردم روستاهای سردشت همراه با پیشمرگان کرد عازم شهر سردشت شدند تا همراه مردم شهر در راهپیمایی " وحدت خلق " و تجلیل از شهدا شرکت نمایند. همزمان با ورود آنها از داخل پادگان، شهر و محل تجمع به رگبار مسلسلهای کالیبر، بسته می‌شد. پاسداران ادعایی کنند که پیشمرگها برای حمله به پادگان وارد شهر شده‌اند، ولی وجود افراد غیر مسلح روستائی و زنان و

کودکان، بیهوده بودن ادعای آنان را ثابت می‌کند. بدنبال این جریان و در جواب رکبارهای بیدلیل نظامیان و پاسداران بهطرف مردم بی‌دفاع پادگان شهر به محاصره پیشمرکها در می‌آید.

۸/۱۱ پادگان سردشت از صبح بوسیله خمپاره و توب شهر سردشت را مورد هجوم خویش قرار می‌دهد که موجب تخریب اماکن مسکونی و کشته شدن یک دختر بچه و زخمی شدن عده‌ای از افراد بی‌دفاع می‌شود با دخالت پیشمرگان و التیماتوم آنها بهارتیان آتش بس برقرار می‌شود. (خبر – شماره ۱۶ ح. د. ک. ۱، ۸/۱۲)

شنبه ۸/۱۲ شهر نسبتاً "آرام است. در داخل پادگان افراد مستقر مبادرت به تیراندازی می‌نمایند. برای تحریک نیروی هوایی و تشویق آنها به درهم کوبیدن ساختمانهای شهر از داخل پادگان چندین بار بهسوی هلی کوپترهایی که بر فراز شهر پرواز می‌کردند شلیک شد.

یکشنبه ۸/۱۳ یکی از مزدوران شهر بنام حاج احمد علی پور (رحمت علیپور فرزند حاجی احمد به دستور خلخالی فرماندار سردشت شده بود) از طریق بلندگوی حسینیه سردشت که دیوار به دیوار پادگان است به مردم اخطار می‌کند که مردم شهر تا ساعت ۳ بعد از ظهر در حسینیه یا پادگان جمع شوند و یا شهر را تخلیه نمایند زیرا شهر بمباران خواهد شد. مردم که می‌دانستند اگر به پادگان یا حسینیه بروند به صورت دیوار حایل بین پیشمرگان و افراد مستقر در پادگان در می‌آیند، با عجله شهر را ترک کرده و به روستاهای اطراف پناه می‌برند. حدود ساعت ۳ بعد از ظهر ناگهان شهر مورد حمله دو فروند فانتوم ارتش جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد. دقایقی بعد ۶ فروند هلی کوپتر کبری نیز در آسمان ظاهر می‌شوند. شهر به یکباره بهم می‌ریزد. شلیک راکتها و انفجار بمبهای و صدای گوش خراش فانتومها با صدای گریه و شیون کودکان خردسال که هنوز موفق به ترک شهر نشده بودند درهم می‌پیچید. شعله‌های آتش تا چندین کیلومتر دیده می‌شد. دهها خانه تمام یا قسمتی از آن منهدم شده عده‌ای زیر آوار ماندند و سه مدرسه و قسمتی از تنها بیمارستان شهر به کلی منهدم و غیر قابل استفاده شده است. پزشکان

و پرستاران از شهر خارج شده و زخمیهای شهر اغلب در منازل نگهداری می‌شوند. ساعتی بعد از حمله مردم شهر موفق به یافتن ۲۵ جسد می‌شوند که دفن می‌گردند. اسامی تعدادی از کشته شدگان که به دست ما رسیده است به شرح زیر است ۱- محمد مولائی "کاسب" ۲- اسماعیل قادر زاده "ساله ۱۳" محصل " ۳- زن خانه‌داری بنام حلیمه و بچه خردسالش ۴- مصطفی رحیمی "کاسب" ۵ ساله ۵- حاج ملارسول زکی ۵۰ ساله ۶- ژیلا مولوی ۷- خضر علی زاده ...

۸/۸/۱۴ ارتش تهدید کرد که اگر مردم به شهر باز نگردند دهات را نیز بمباران خواهد کرد. گروههایی از مردم به شهر مراجعت کرده و مشغول جمع‌آوری بقایای زندگی خود شدند. صدای ناله و شیون زنان و کودکان، که کسان خود را از دست داده بودند، فضای شهر را پر کرده بود. این جریانات هنگامی صورت می‌گیرد که هیات حسن نیت دولت در منطقه بسر می‌برند.

هیات حاکمه سنندج را در عید نوروز و مریوان را در عید فطر به خاک و خون کشید و این بار نوبت سردشت بود تا در عید قربان به خاک و خون کشیده شود.

تا این تاریخ تلفات پیشمرگان ۶ نفر اعلام شده‌است. تلفات کشته و زخمی افراد مستقر در پادگان معلوم نیست. تعداد تلفات مردم ۳۳ نفر کشته و بیش از ۶۰ نفر زخمی بوده‌است. مدارس پرورین انتظامی و مدرسه ارونده رود بکلی ویران شده، شدت حمله بحدی بود که بنا به گزارش روزنامه‌های سانسور شده بیش از ۲۰۰ خانه و مغازه بهشدت ویران شده و شیشه‌های اکثر خانه‌ها و مغازه‌های شهر در اثر صدای گوشخراس و شکستن دیوار صوتی فانتومها فرو ریخته است.

در رابطه با بمباران شهر سردشت اعلام‌بندی‌های متعددی منتشر شده است. ما به قسمتی از اعلام‌بندی‌های جمعیت کردگاهی مقیم مرکز اشاره می‌کنیم: هیئت‌حاکمه بار دیگر چهره ضد مردمی خود را با بمباران وسیع شهر

سردشت و شهرک " ربط " بوضوح آشکار ساخت .

در طی دو روز اخیر فانتومها و هلی کوپترهای آمریکائی ارتش جمهوری اسلامی برای نابودی شهرها و روستاهای کردستان و سرکوبی خلق قهرمان کرد بر فراز شهر سردشت و روستاهای آن به پرواز درآمدند و با بمباران این منطقه از خاک ایران جنایاتی را مرتکب شدند که تنها از یک ارتش اشغالگر خارجی انتظار می رفت . هیئت حاکم کنونی قسمت وسیعی از شهر سردشت را بمباران کرده و به آتش کشیده است . در این یورش وحشیانه دهها تن از مردم بی گناه و بی دفاع کشته و صدها خانواده آواره و بی خانمان شده‌اند . اقدام به چنین جنایت هولناکی زمانی صورت می گیرد که پیوند هیئت حاکم کنونی با امپریا لیسم آمریکا روزبروز محکمتر می شود . این پیوند بویژه در روزهای اخیر با ملاقات ماء موران سرکوب خلق کرد با برزنیسکی مشاور امنیتی کارتر روش و ماهیت آنها بر توده‌های مردم ایران آشار شد . ما هم معتقدیم جنگ و برادر کشی در کردستان به وسیله امپریالیسم آمریکا شعله‌ور شده‌است . اما این دست از آستین کسانی بیرون آمده که با تمهید مقدمات ، زمینه ملاقات نخست وزیر دولت به اصطلاح انقلابی را با عوامل صهیونیسم بین‌الملل فراهم کرده‌اند .

۵۸/۸/۱۴ جمعیت کردهای مقیم مرکز

حقگو استاندار آذربایجان غربی اظهار داشته : خساراتی که به مردم سردشت وارد آمده است . جبران می شود (کیهان شنبه ۱۹ خلق مسلمان ۲۰ آبان) دست پروردگان امپریالیسم و نوکران حلقه به گوش شاه جlad نمی توانند جز این بیندیشند . آنان از یکسو مردم شهر و روستاهای را بمباران می کنند ، زنان و مردان و کودکان را به گلوله می بندند و قتل عام می کنند ، بیمارستانها ، مدارس و منازل مردم ستمدیده را بر سر آنان خراب می کنند و از سوی دیگر می خواهند این جنایات را " جبران کنند . ! ! !

مردم ایران . آیا اینان همدستان شاه جلادو اویسی و ازهاری وبختیار مفلوک نیستند که می خواستند والدین فرزندان شهید نشده در قتلگاه ساواک را با پول راضی و خریداری کنند ؟

طبق گزارش‌های واصله تیراندازی به هلی کوپتر حامل داریوش فروهر در سردشت از جانب پیشمرگان دروغ مغض بوده است . فروهر نیز در جواب صحت این ادعای رادیو و تلویزیون به یکی از خبرنگاران (این مطلب نیز از رادیو و تلویزیون پخش شد !) سکوت کرده‌اند ! ! ؟

اشتبه

روز دوشنبه ۸/۱۴ ساعت ۱۲ ظهر یک وانت‌بار حامل چند نفر از مردم محلی از نزدیکی‌های پاسگاه ژاندارمری عبور می‌کند که فرمانده ژاندارمری دستور تیراندازی می‌دهد . چند تن از سرنشینان وانت‌بار کشته و زخمی می‌شوند . بدنبال این عمل دانش‌آموزان مدارس از جمله مدرسه " رشدیه " به اعتراض بر می‌خیزند . ژاندارمری با حمایت تانکها وارد شهر می‌شود و مدارس را اشغال و بیش از چهار صد تن از دانش‌آموزان را به گروگان می‌گیرد . شورای انقلاب اسلامی و نمایندگان معلمین شهر برای مذاکره پیرامون آزادی دانش‌آموزان وارد پاسگاه ژاندارمری می‌شوند . ژاندارمری که توانائی نگهداری این عدد از دانش‌آموزان را در خود نمی‌بیند آنها را آزاد و اعضا شورای شهر و نمایندگان معلمین را به گروگان می‌گیرد .

پیشمرگان بدنبال این عمل وارد شهر می‌شود و درگیری بین ژاندارمری و پاسداران و قوای پیشمرگه ایجاد شده و رفته رفته دامنه وسیعتری می‌یابد . نیروهای ژاندارمری و پاسداران در مقابل حملات شدید پیشمرگان و مردم عقب‌نشینی می‌کنند . در این درگیریها دو تانک منهدم شده و گروهی از ژاندارمهای و پاسداران کشته و زخمی می‌شوند . از مردم شهر نیز چندین تن کشته و عده‌ای زخمی شدند .

بدنبال عقب‌نشینی ژاندارمری و پاسداران شهر از داخل پادگان بوسیله خمپاره گلوله‌باران می‌شود. دو فروند هواپیمای فانتوم دیوار صوتی را شکسته و دور و بر شهر و روستاهای اطراف را بمباران و به راکت می‌بندند. از طرف دیگر هلی‌کوپترها بر فراز شهر به پرواز در می‌آیند و مردم شهر را به گلوله می‌بندند. در پی این حملات شدید تعداد زیادی از مردم و چند تن از پیشمرگان کشته و زخمی می‌شوند. آمار تلفات کشته شده از طرفین بیش از ۳۰ نفر است. بیش از ۱۵ نفر از مردم کشته و ۴۵ نفر زخمی شده‌اند، تعداد زیادی از زخمیها به شهرهای دیگر انتقال داده شده‌اند. جنگ با شدت تمام به مدت چهار روز در شهر ادامه پیدا می‌کند. چند بار پادگان ژاندارمری در خطر سقوط قرار می‌گیرد. در پایان منازل متعدد و چند مدرسه از جمله مدرسه فردوسی و یک قسمت از بیمارستان در اثر اصابت گلوله خمپاره و تانک ویران می‌شوند و در منطقه حسن‌آباد نیز چند خانه ویران شده‌است. در این مدت یک بار ارتش از پیرانشهر به کمک نیروهای ژاندارمری و پاسداران اشتویه حرکت می‌کند لیکن ستون آنها در برخورد با نیروهای پیشمرگه بعد از دادن تلفات سنگین به پیرانشهر عقب رانده می‌شود. اکنون ۸/۱۵ شهر کاملاً در دست پیشمرگان است. راههای ورودی به شهر بسته شده، آب و برق برادر گلوله باران شهر قطع شده‌است. بدنبال این جریانات نماینده امام به اشتویه رفته و با پیشمرگان مذاکره کرده و در مسائل زیر به توافق رسیده‌اند:

- ۱ - آزادی فعالیت پیشمرگان در شهر.
- ۲ - انتظامات شهر در دست پیشمرگان باشد.
- ۳ - ژاندارمری در محل باشد ولی افراد آن مسلح وارد شهر نشوند.

کامیاران

بیش از سه‌هزار نفر از مردم کامیاران به منظور همدردی با خانواده شهدای روزهای اخیر سنجاق و محکوم کردن توطئه‌های ارجاعی در کردستان راهپیمائی کردند. راهپیمایان شعار می‌دادند: مرگ بر چمران و قیاده، خلخالی و مقتی‌زاده، تظاهر کنندگان علیه رژیم حاکمه نیز شعار دادند و پس

از چند ساعت متفرق شدند.

سنندج

هیئت دولت در مسجد والی سنندج با عده‌ای که منتخب مردم نبودند و یکی از آنها " ملا حسام مجتهدی ساواکی معروف است ، به مذاکره میپردازد . در پی این عمل مردم بازار و مدارس و ادارات را تعطیل کرده و در مقابل مسجد والی دست به تظاهرات می‌زنند . و خواستار ملاقات هیئت بانمایندگان واقعی مردم می‌شوند . مردم شعار می‌دادند رهبر ما در سنگر است ، مذاکره بی اثر است . در این راهپیمایی حدود ۷۰ هزار نفر از مردم شرکت داشتند در پایان راهپیمایی قطعنامه‌ای صادر شد .

در حالیکه رژیم حاکم با عوام‌غیربی دم از بازگشت صلح و آرامش به کردستان می‌زند ، جنگ افروزان سلطه‌طلب همچنان به گسیل ارتش و پاسداران به منطقه ادامه می‌دهند .

روز ۸/۱۵ سه هواپیمای غولپیکر حامل مهمات و کلاه‌سبزها وارد سنندج شد ، و بدنبال آن ۳۰۰ کلاه سبز جدید در فرودگاه و محل سپاه پاسداران این شهر مستقر شدند . بدنبال ورود این عده ، جاشهای و پاسداران مقتی در پادگان شهر پنهان شدند . گزارش‌هایی که از سنندج ، سقز ، و بوکان و مریوان می‌رسد حاکی از آن است که بدنبال آزا دشدن شهرها یکی پس از دیگری ، جاشهای از شهرهای کردستان می‌گریزند و در شهرهای دیگر با کمک اربابانشان مخفی می‌شوند .

شب پنجشنبه در ساعت ۸ شب یک اتومبیل استیشن متعلق به شرکت " آبادان " که یک سرنشین آن بیمار بود از جلو محل سابق ستاد حرکت کرده که ناکهان با رگبار گلوله پاسداران روبرو می‌شود . در این حادثه دو برادر که یکی از آنها کارگر و دیگری محصل بود (بنامهای صدیق و توفیق اسدی) شهید می‌شوند و یک برادر دیگر آنان بنام ابراهیم اسدی (کارگر) مجرح

می شود . صبح روز پنجمین جمعیتی از اهالی سندج در یک راهپیمایی طولانی جنازه این دو شهید را تشییع کرده و جنازه ها را به " تیزبیز " در ۴۵ کیلومتری سندج برداشت به همین مناسبت سه روز عزای عمومی اعلام شد .

بعد از ظهر همان روز شهر متشنج بود و پاسداران ارجاع در یک حمله ناکهانی به گروهی از مردم که در میدان شاپور سابق جمع شده بودند بین ۱۰ تا ۳۰ نفر از اهالی را دستگیر کردند که با اعتراض وسیع مردم رو برو شدند . گفته می شود دست کم ۱۰ نفر از اهالی همچنان در اسارت پاسداران ارجاعی هستند .

یک خبر دیگر از سندج حاکی است که هنگامی که دو زن قصد داشتند کودک مجروحی را به بیمارستان برسانند مورد حمله پاسداران قرار گرفته و در تیراندازی به سوی آنها این زن شهید و یک گلوله دیگر به کودک مجروح اصابت کرد .

سقز

یک درجمند ارتش که هفته گذشته به روی دانش آموزان سقز اسلحه کشیده و یک نفر را کشته و یک نفر دیگر را زخمی کرده بود وسیله پیشمرگان دستگیر و اعدام شد . پیشمرگان جسد وی را در کنار ساختمان سپاه پاسداران قرارداده و خود از محل دور شدند .

در ۸/۱۴ چهار پاسدار در خیابان کنار رودخانه با دو پیشمرگه برخورد می کنند که در درگیری آنان یک پاسدار کشته و سه نفر پاسدار دیگر زخمی می شوند .

یحیی خان امین رئیس عشاير گلbagی که در زمان حکومت تنگین شاه بارها مفتخر به دریافت نشان از دست شاه مخلوع گردیده و مستمری از دربار می گرفت و در خدمت سواک بود ، اخیرا همراه افراد تحت اختیارش به قم نزد امام رفته است . این طرفدار حکومت جدید و سرکوبگر تظاهرات بر حق مردم در رژیم گذشته و سازمانده چهارقداران ماء موریت یافته است که با سپاه پاسداران در سرکوب مردم شرکت جوید . هم اکنون افراد یحیی خان مسلح

شده و با ماهی ۲۵ هزار ریال در خدمت جمهوری اسلامی هستند نامبرده همان کسی است که در رفم سال ۴۲ نیز دهها روستایی را از خانه و کاشانه خود بیرون راند.

دیپلمهای مشمول متولد سالهای ۳۸ و ۳۹ سقز و بکان در اعلامیه های جداگانه اعلام کرده اند تازمانی که نقش ارتش سرکوب خلقها و بویژه زمندگان کرد باشد، از رفتن به خدمت سربازی خودداری خواهند کرد. دیپلمهای مشمول ضمن درخواست پشتیبانی از دیگر دیپلمهای کردستان و ایران تصمیم خود را به اطلاع شیخ عزالدین حسینی و ژاندارمری کل کشور رسانیده اند.

مریوان

پاسگاه "چناره" نزدیک مریوان مورد حمله پیشمرگان اتحادیه دهقانی مریوان قرار گرفت. در جریان این حمله ۶ نفر کشته و تمام افراد پاسگاه به اسارت درآمدند. سه خودرو و یک تانک منهدم شدند.

در یورش پیشمرگان به پاسگاه "پیران" واقع در مرز ایران و عراق و در اطراف مریوان عده ای از جاشهای محلی کشته و زخمی شدند و پاسگاه به تصرف پیشمرگان درآمد. از افراد قیاده موقت که در این درگیری از جاها و افراد پاسگاه حمایت می کردند ۱۳ نفر کشته و ۶ نفر زخمی شدند. همچنین ۳۴ نفر از قیاده نیز دستگیر شدند و ۷ نفر از آنها به آنسوی مرز گریختند. (از خبرنامه کومله).

۸/۲۰ رادیو و تلویزیون و روزنامه ها خبر دادند که فرمانده ناحیه ژاندارمری کردستان در هلی کوپتر توسط یکی از افسران همراحت به ضرب گلوله کشته شد. رادیو و تلویزیون علت درگیری و کشته شدن فرمانده راتمایل افسر مذبور به پناهنده شدن به کشور عراق ذکر کردند. کسب اطلاع شد که علت درگیری ستوان یکم بهروز نیبا با فرمانده اش به خاطر امتناع وی از خدمت

در گروهان ژاندارمری، " دزلی " بوده است که هم‌اکنون یکی از پایکاههای
عمده قیاده موقت است.

پاوه

۸/۱۰ در پاسخ به دعوت شیخ عزالدین حسینی در روز عید قربان در شهر پاوه و بخشهای روانسر جوانرود، باینگان، نوسود و نودشه تظاهرات و راهپیمایی‌های وسیعی برای تجلیل از شهدا و پشتیبانی از خواسته‌های بر حق خلق کرد صورت گرفت. در جوانرود عده‌ای از تظاهرکنندگان توسط پاسداران دستگیر شدند که باعث عکس‌العمل شدید مردم شد. پیشمرگها بلافضله کیته و محل استقرار پاسداران را محاصره کرده در نتیجه پاسداران دستگیر شدگان را آزاد کردند. در این روز در پاوه تظاهراتی با شرکت خانواده، شهدی وقایع اخیر و عده کثیری از مردم شهر و روستا صورت گرفت، تظاهر کنندگان ضمن تأیید شیخ عزالدین حسینی و سایر سازمانهای سیاسی کردستان شعارهایی بر علیه دولت و عوامل سرکوبگر دادند. در این مراسم مادر و عده‌ای از بستگان شهید بهمن عزتی شرکت داشتند. مادر شهید بهمن عزتی با روحیه انقلابی خطاب به جمعیت حاضر به افسای عوامل رژیم و سرکوبگران خلق کرد پرداخت.

۸/۱۲ بدنبال تخلیه و عقب‌نشینی افراد پاسگاه " شوشی " ۱۴ نفر از مزدوران این پاسگاه به رزم‌ندگان خلق پیسوتند. " دو دستگاه بیسم، ۱۴ قبضه اسلحه نیز با خود به پیشمرگان تحويل دادند.

غروب همان روز پیشمرگان این منطقه وارد شهرک نوسود شدند و با استقبال بی‌نظیر مردم روبرو گردیدند. مردم دسته دسته آنها را در آغوش می‌گرفتند و سر و رویشان را غرق بوسه می‌کردند. پیشمرگها از مردم خواستند که در اداره شهر به آنان کمک کنند. مردم یکی از افراد وابسته به رژیم سابق را همراه ۶ عدد نارنجک و یک قبضه اسلحه دستگیر کرده و تحويل پیشمرگها دادند.

۸/۱۳ بمناسبت روز دانشآموز و محکوم کردن کشتارهای اخیر کردستان تظاهرات و راهپیمایی با شکوهی در پاوه با شرکت بیش از ۴ هزار نفر صورت گرفت. کودکان خرد سال چند تن از شهدای وقایع اخیر دست دردست هم در جلو صفوف تظاهرکنندگان حرکت می‌کردند. بدنبال این راهپیمایی عده‌ای از از دانشآموزان و کارمندان توسط پاسداران دستگیر شدند. در همین روز در روانسر - جوانرود - نوسود و نودشه و سایر بخش‌های منطقه اورامانات تظاهرات و راهپیمایی‌هایی در مخالفت با اعمال هیئت حاکمه و عوامل سرکوبگر بعمل آمد.

کرند

یک گروه ۲۰۰ نفری که ۷۰ نفر از آنها از عشایر کلهر و سنجابی هستند بعنوان دلاور استخدام شده و هم‌اکنون در منطقه کرند مستقر شده و بدنبال هوادران چریکهای فدایی خلق و افراد مسلح می‌گردند. این عده کاملاً از لحاظ نظامی مسلح شده‌اند. یک گزارش دیگر حاکیست که در یکی از پادگانهای کرمانشاه دوره تعلیمات ضد چریکی دایر شده و تاکنون از یک هزار سرباز داوطلب منقضی خدمت ثبت‌نام بعمل آمده است.

یکی از فئودالهای روستای "طلسم" در حومه کرند غرب باشیانی پاسداران برای پس گرفتن زمینهای خود به روستائیان حمله کرد که یکی از اهالی طلس از طرف فئودالهای این روستا و روستای "چفاکوچکینه" مورد حمله و تهدید مداوم می‌باشند و هم‌اکنون گروه کثیری از اهالی روستا را ترک گفته و آواره می‌باشند.

روز ۸/۱۳ جمعیتی نزدیک به ۲ هزار نفر از دانشآموزان و روستائیان و اهالی کرند غرب در یک راهپیمایی شرکت کردند و پشتیبانی خود را از مبارزات حق طلبانه خلق کرد اعلام کردند. تظاهرکنندگان خواهان بازگشائی مجدد دفتر هواداران (س.ج.ف.خ.) شدند.

روز ۸/۱۹ سید نصرالدین حیدری که خود را از رهبران اهل حق معرفی می‌کند با دو سرهنگ و نماینده خمینی با هلی‌کوپتر به آبادیهای "لخانی" نشین رفته و از مردم درخواست کرد در ازای دریافت وام کشاورزی و پول و نیز دادن برق به روستاهای قلخانی اسلحه‌های خود را تحويل دهند ولی مردم زیر بار نرفته و همانجا در حضور این عده شروع به تیراندازی می‌کنند. اسامی چند تن از جاشهای کرند که با پاسدارها همکاری می‌کنند: هوشنگ، بیژن و سلیمان شیرزادی و حمید بساطی، مجید کاظمی و کریم نژادی و غلام بساط نژاد.

در کرمانشاه ۸/۱۰ نیز در پی دعوت سید عزالدین حسینی به راهپیمایی و تجلیل از شهدای خلق جمعیتی بیش از ۶ هزار نفر به راهپیمایی پرداخته و ضمن دادن شعارهایی در تائید خودمختاری کردستان و خواندن سرودهای انقلابی کرده یاد شهدا را گرامی داشتند.

قصر شیرین

بِدَنْبَالِ حَمْلَاتِ پَیْ دَرِیَّیِ بِهِ پَاسْگَاهَهَايِ گَرُوهَانِ زَانْدَارَمَرَیِ "بَاوِیس" در نَزَديَّکِيِ قَصْرِ شِيرِينِ تَعْدَادِيِ اَسْلحَهِ سَبَكِ، چَندِ نَفَرِ وْ مَقْدَارِيِ وَسَايِلِ بَدَسْتِ پِيشَمَرَگَانِ اَفْتَادِ وْ چَندِ نَفَرِ اَزْ قَوَاعِيِ اَشْغَالَگَرِ دولَتِيِ كَشْتَهِ وْ مَجْرُوحِ شَدَندِ . ۷ وْ ۸ آبان در بخش "از گله" و "بیشمگان" در پی این حوادث پاسگاههای مرزی تخلیه شده است. پیشمگان دوشب پیاپی به پاسگاه "چهارزیز" واقع در بین کرمانشاه - شاه آباد غرب حمله کردند که در جریان آن یک زاندارم کشته شد.

در پی انفجارهای متعدد در خانه مبارزان قصر شیرین اخیراً نیز خانه یکی دیگر از اهالی قصر شیرین منفجر شد و در جریان آن خسارات زیادی به خانه وارد آورد. صاحب خانه گفته است: چند ساعت قبل از انفجار ۴ پاسدار دو یا سه بار از جلو خانه عبور کرده و منزل او را تحت نظر داشتند.

ایلام

کارگران بیکار ایلام که تعداد آنها ۱۶۰۰ تا ۲ هزار نفر می‌باشد هر روز

در استانداری ایلام اجتماع کرده و خواهان پرداخت وام بیکاری سه ماهه قبل و کار می باشند . کارگران تهدید کردند چنانکه به خواسته های شان رسیدگی نشود دست به اعمال خشن تری می زنند . استاندار ایلام به آنها گفته بود حاضریم حقوق یک ماه را به شما پرداخت کنیم به شرط آنکه دیگر چیزی از ما نخواهید و در استانداری اجتماع نکنید ولی کارگران این شرط را قبول نکردند .

چند خبر

طی هفته گذشته بدنبال مهاباد شهرهای بوکان ، سقز ، مریوان ، اشنویه و نوسود آزاد شدند و دفتر حزب دمکرات ، کومله و سازمان چریکهای فدائی خلق در اکثر این شهرها مجدداً افتتاح شد . پاسداران در این شهرها به داخل پادگانها عقب نشینی کردند .

نخستین شماره "شورش" ارگان "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران" شماره آبان ماه منتشر شد . در این شماره "شورش" پیام کمیته اجرایی "کومله" بمناسبت انتشار اولین شماره "شورش" موضع سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران " درباره" ما و مذاکرات ، نامه تسلیم سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران به پدر و مادر شهداء فواد مصطفی سلطانی و دو برادرش حسین و امین ، و نامه ای از شهید " کاک فواد" برای "کومله" در تاریخ ۵۸/۳/۹ درج شده است .

انتشار این نشریه را گرامی می داریم و برای سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان و همه سازمانهای سیاسی کردستان و ایران در مبارزات ضد امپریا - لیستی و ضد ارتقائی موفقیت آرزو می کنیم .

بلوچستان

هفته گذشته دادستان انقلاب استان سیستان و بلوچستان فاش کرد که

در این استان همچون کردستان عمله ارتیاج به پخش اسلحه بین خوانین منطقه اقدام کرده‌اند. نجاریان دادستان انقلاب گفت: خوانین با اسلحه‌های که از دولت گرفته‌اند منطقه را به آشوب کشانده و شروع به سرقت کرده‌اند. (اطلاعات ۸/۱۹) بعد از توزیع اسلحه بین فئودالهای کردستان که نماینده خمینی هم آن را تائید کرد اکنون ارتیاج می‌خواهد تجربه‌های خود را در بلوچستان هم بکارگیرد و این استان را به خاک و خون بکشد.

همدان

پایگاه شاهرخی: به قرار اطلاع از منابع موثق سروان سلطانی و سروان نقی‌زاده در این پایگان از افسرانی هستند که آماده شده‌اند مناطق مختلف کردستان را از طریق هوا بمباران نمایند. اغلب افسران تاکنون تعاملی به شرکت در اینگونه عملیات جنایتکارانه نشان نداده‌اند. لازم به تذکر است که این دو افسر در پایگاه کاملاً "شناخته شده‌اند و قبلًا" نیز بارها در گیری‌های در مخالفت با خواسته‌های خلق کرد با دیگر پرسنل بویژه پرسنل کرد این پایگاه داشته‌اند.

بدنبال اوج گیری احساسات ضد امپریالیستی توده‌ها در ایران و بهره – گیری ارتیاج در ثبت سلطه خود بر تمامی ارگانهای قدرت، روزنامه نیویورک تایمز که منعکس کننده نظرات انحصارات نظامی و مالی آمریکائی می‌باشد، نوشت: خمینی به دولت امریکایی مبری می‌کند و فراموش کرده‌است که این دولت امریکا بود که او را در برابر قیام اقلیتهای ملی کمک کرد و در عرض کمتر از یک هفته ۸ هواپیمای مملو از وسایل یدکی بخصوص وسایل یدکی هلى کوپترهای کبری که در کردستان برای سرکوب مورد استفاده قرار گرفت به این کشور حمل کرد. این روزنامه پیشنهاد کرده‌است به تلافی اشغال سفارت آمریکا ارسال جنگافزارهای امریکائی که تاکنون ادامه داشته قطع شود. (نقل از روزنامه هرالد تریبون ۱۰ و ۱۱ نوامبر).

تهران

ترهان: ۱۳ آبان، از طرف دانشآموزان مبارز گردهم‌آیی روز دانشآموز در دانشکده پلی‌تکنیک برگزار می‌شود. در این برنامه که با سرود "ئهی‌رقیب" آغاز شد پیامهای دانشآموزان وابسته به سازمانهای مختلف خوانده می‌شود. حدود ساعت ۱۰/۳۵ گروهی از دانشآموزان مدرسه کیوان به‌طرف پلی‌تکنیک حرکت می‌کنند که در زیر پل خیابان حافظ بوسیله پاسداران محاصره می‌شوند. بدنبال تیراندازی هوایی و درگیری با پاسداران بالاخره از دست پاسداران فرار کرده و به یکی از بیمارستانهای نزدیک پناه می‌برند. این عده بالاخره دوباره دور هم جمع شده و به‌طرف پلی‌تکنیک بهراه می‌افتد.

بعد از ظهر نیز در دانشکده پلی‌تکنیک دانشآموزان پیشگام بمناسبت روز دانشآموز گرد هم می‌آیند. ابتدا پیام دانشآموزان پیشگام و سپس پیام دانشجویان و معلمین پیشگام و مبارز و دیگر دانشآموزان و دانشجویان خوانده شد. بدنبال سخنرانیهایی درباره روز دانشآموز شاعرهای چون "محصل کرد، حامی زحمتکشان در زندان ارجاع آزاد باید گردد". جlad تلزعتبر جlad خلق ما شد" "محصل می‌رزد، ارجاع می‌لرزد" . "شهریه مدارس بنفع زحمتکشان الغا باید گردد". هم‌صدا تکرار گردید و در خاتمه همراه با اجرای سرود انترناسيونال دانشآموزان جنوب شهر سروی بمناسبت ۱۳ آبان خوانندند. در همین برنامه پیام کارگران پیشو و کارگران بیکار قرائت گردید.

خبر زیر از نشریه پیشگام ارتش خلق ایران تاریخ ۱۵/۸/۵۸ نقل شده است.

- * پایگاه هوایی بوشهر: بنا به گفته افراد پایگاه مذکور در داخل پایگاه تعدادی حدود ۲۰ نفر انقلابی بعلت پخش اعلامیه، شعارنویسی و دیگر آگاهی‌های انقلابی دستگیر شده و در بازداشتگاهها و زندانها بسرمیبرند.
- * تهران: به اقرار تیمسار باقی عملیات نیروی هوایی در کردستان و بعیاران خلق کرد بعده پایگاه همدان می‌باشد و روزانه ۲۸ نوبت پرواز

جهت بمباران کردن استان بلازدہ کردستان انجام می‌گیرد. با این حال باقی از نبودن قطعات می‌نالد و گرنه ایشان دلشان می‌خواست روزانه ۵ پرواز انجام گیرد تا نسل کرد از روی زمین کنده شود.

* کردستان: آقای چمران برای اینکه حمامساز کردستان بشود خلبانان هوابیمای (سی - ۱۳۰) را وادار کرد که در سرداشت روی خاکها نشسته تا روباه وار از دست رزمندگان خلق کرد در امان بماند ولی برای انتقال مجروحان ارتشی از ارسال هوابیما سرباز زد.

شنبه ۸/۱۹ گردانی که قرار بود ۸/۱۴ به طرف کردستان حرکت کند روانه این منطقه شد. لیکن گروهان نانک این گردان از رفتن به کردستان خودداری کرده است. بدنبال این اقدام گروهان توپخانه روز یکشنبه ۸/۲۰ رهسپار کردستان شد.

تهران: عده‌ای از افراد کرد نیروی زمینی که به تهران منتقل شده‌اند هر روز باید خود را به ستاد نیروی زمینی معرفی کنند، آنها از شنبه ۸/۱۹ در ستاد شیروی زمینی منحصراً شده و خواستار روش شدن وضع خود شده‌اند.

روز یکشنبه ۸/۲۰ گروهی نزدیک به ۱۰۰ نفر پاسدار در جنوب شهر تهران جمع‌آوری شده و قرار است به کردستان اعزام شوند. بیشتر این افراد از مدارس متوسطه جنوب شهر هستند.

مسافرانی که از منطقه کردنشین به تهران آمده‌اند گزارش دادند که نقل و انتقال نظامی در مناطق غربی کشور به طور مداوم ادامه دارد، و مواضع ارتش در شهرهای کردنشین روربرو تقویت می‌شود.

در رثای شهدای "قارنه و "دیریاسین"

از کوره راههای ترکور و مرگور
از میان مه سنگین

در شبی که از گلوله و سرب روشن است
آنها میرسند.

در "قارنه" و "مام سید"
با دستی تفنگ و باد ست دیگر کتاب مقدس.
درختکای بامداد
آنها میروند.

هفتاد انسان افتاده برخاک.

زنان، مردان، کودکان

با گلوله های بریده و دستهای جدا شده
با سرهای خونین در خاک

و تن های سوراخ شده و شکم های دریده.

در "قارنه" و "مام سید"
در دهکده ای که از آه و خاکستر ساخته شده

هنگامی که در بامداد سربی

بر مذبح (کاه) فاشیسم

سرنوشت مشترک "قارنه" و "دیریاسین"

چون خونی گرم

قلب جهان را می تپد

آنها می روند بادست پر از خون و نیزه

وقتی که کتاب مقدس

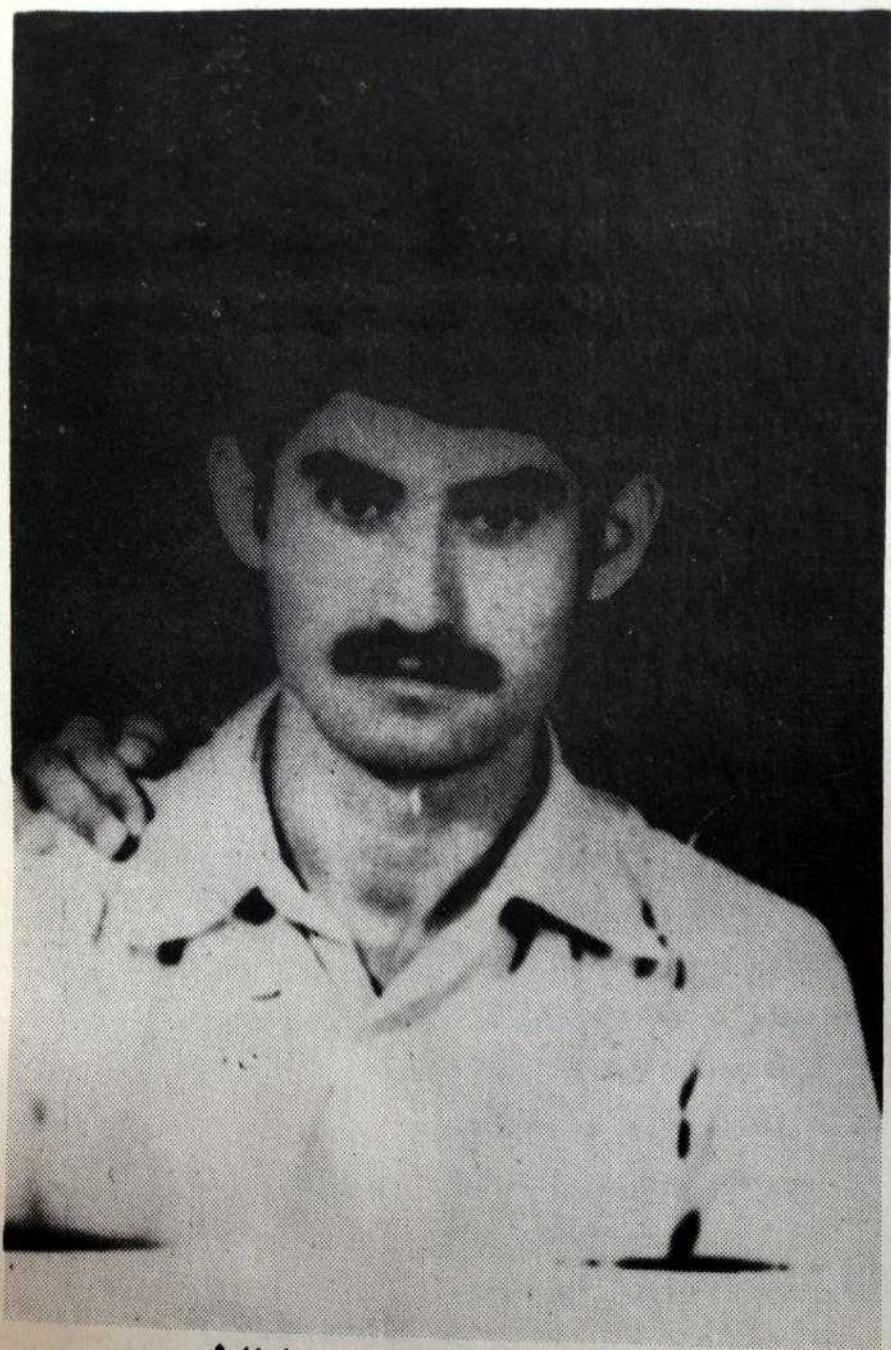
چون برگی خونین

می افتد برخاک.

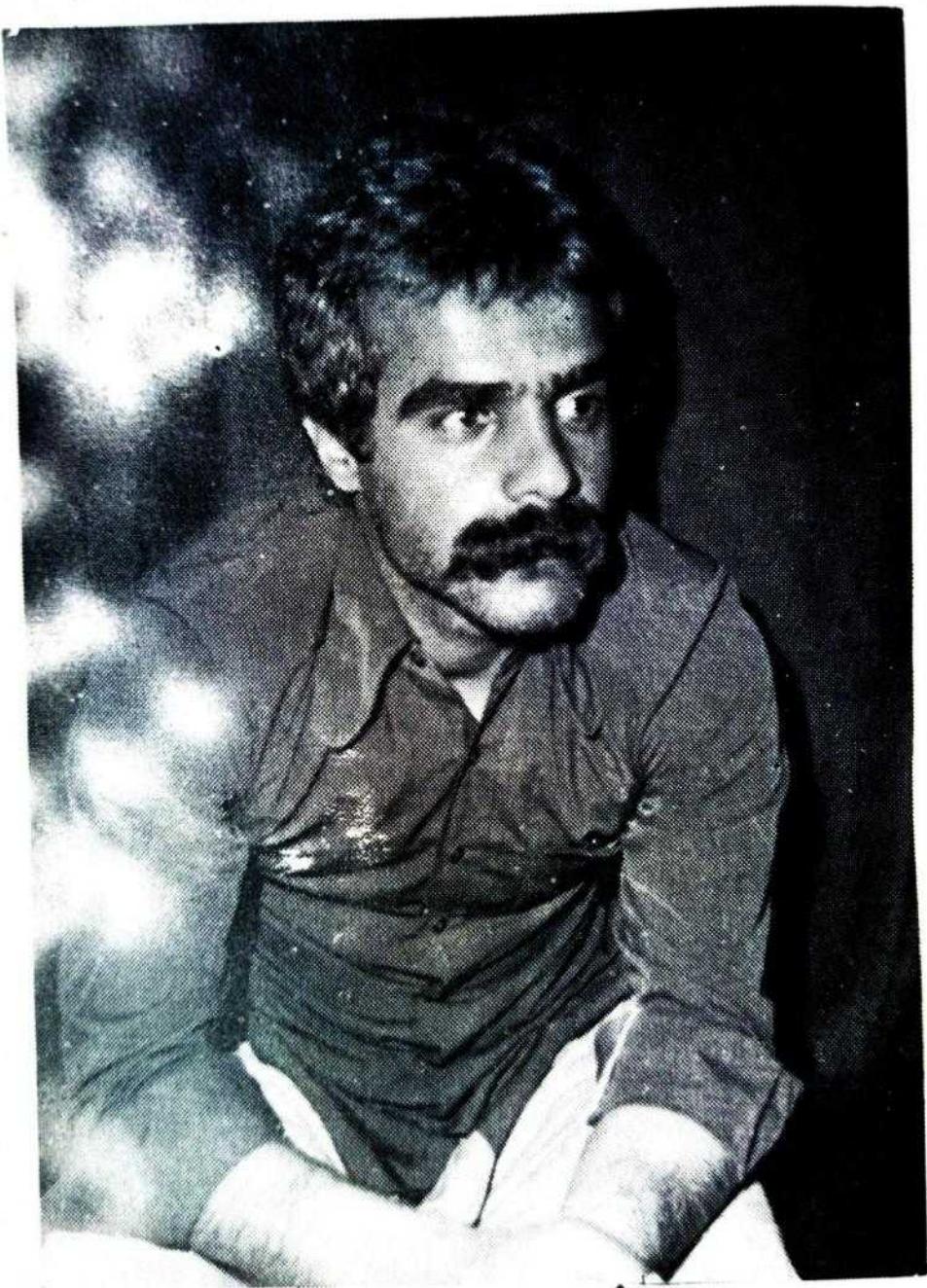
مرگ بر امپریالیسم و نوکران داخلیش!
پیروز باد مبارزه حق طلبانه خلق کرد
مستحکم تر باد پیوند خلقهای ایران

"طرفداران جبهه متحد کردستان"

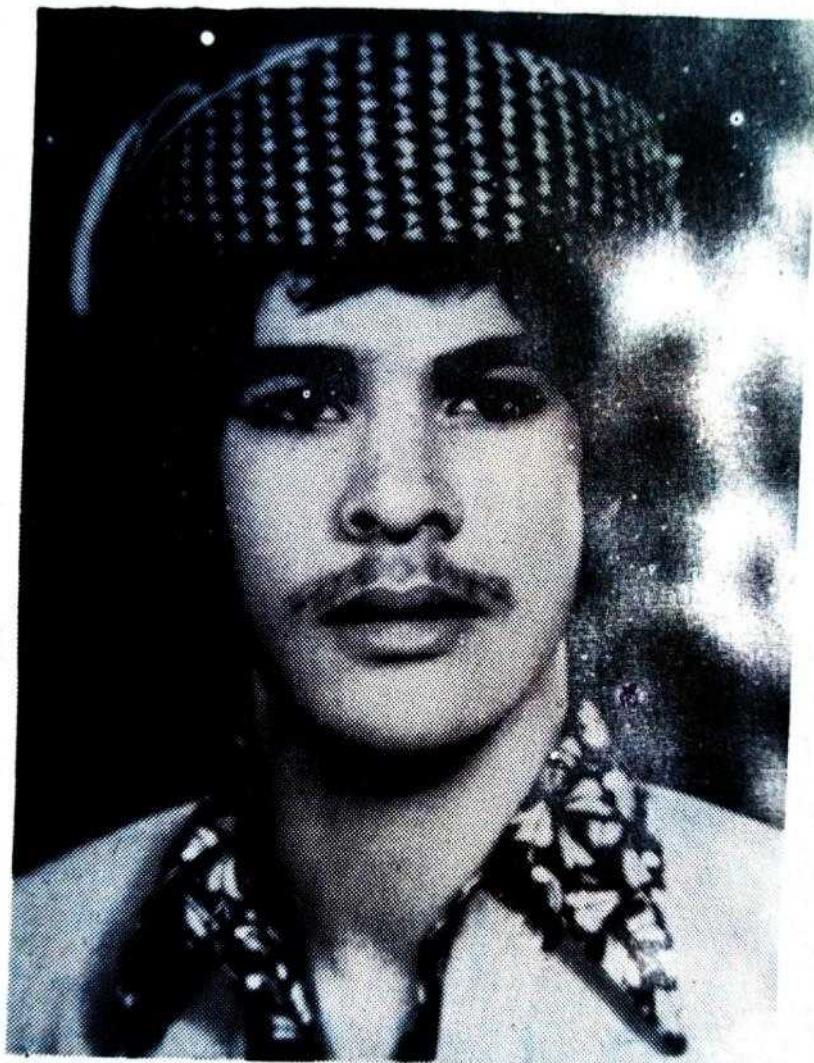
تکثیر از: گروهی از هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران



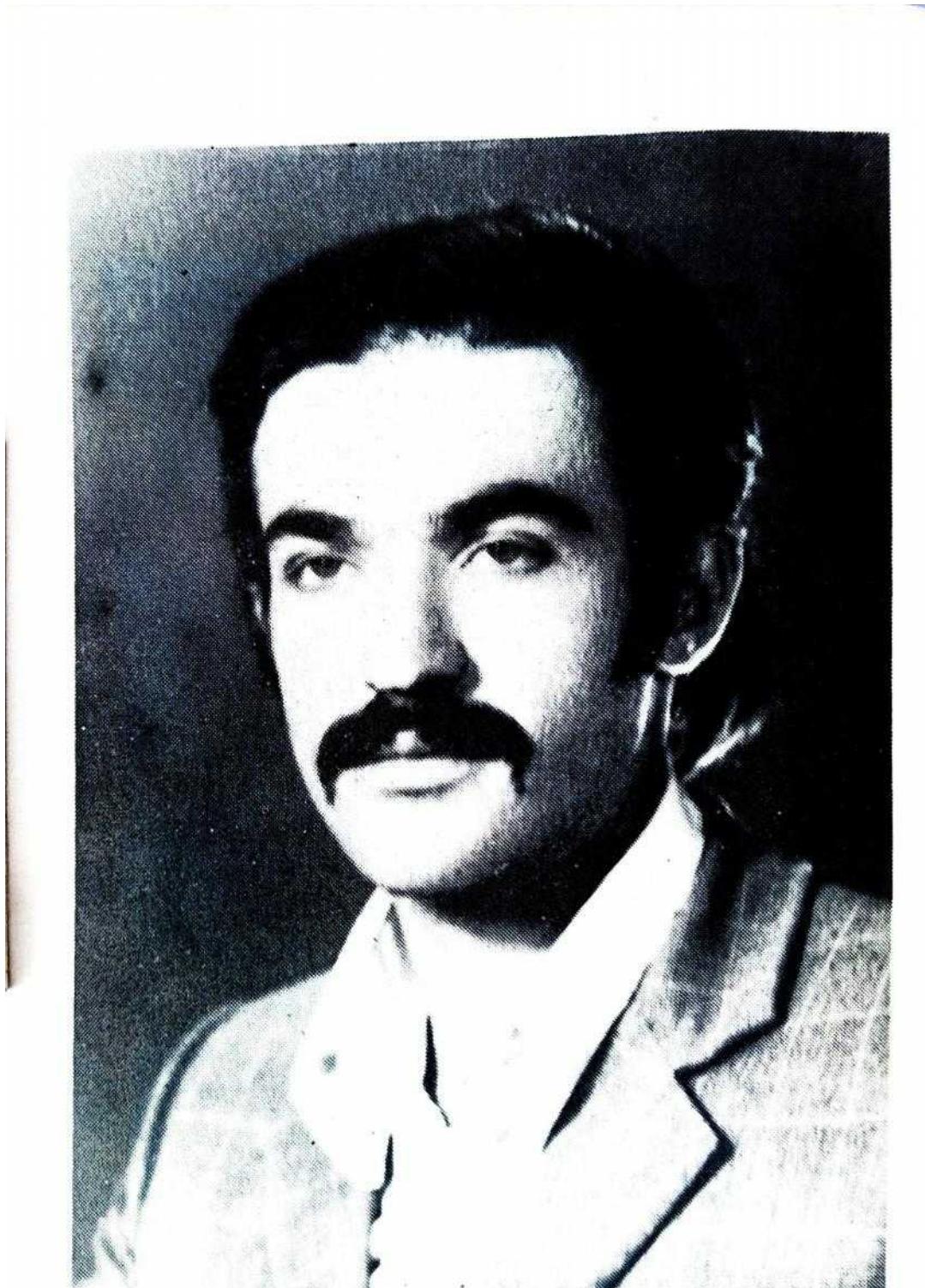
شهید: امین مصطفی سلطانی



شهید: مظفر فولادی



بید: علی اصغر مبصری - مشهور به امجد



شهید: ناصر سلیمانی

۱۴۰ ریال

دیجیتال کنندہ : نینا پویاں